

برای آنکه در تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران تحقیقی جامع و کامل و دقیق
انجام بگیرد نخستین کار آن است که مآخذ و مدارک مهم و معتبر در دسترس
محققان واقع شود .

بسیاری از این آثار که در ادوار مختلف به زبان فارسی تألیف شده هنوز
به چاپ نرسیده و چاپ بعضی دیگر با دقتی شایسته انجام نگرفته است
اما کتابها و رسالاتی که به زبانهای دیگر نوشته شده نیز فراوان است
و البته هر پر و هنده ای نمی تواند با چندین زبان بیگانه آشنائی داشته باشد .
برای رفع این مشکل بنیاد فرهنگ ایران می کوشد کتابهای فارسی
را که از این جهت ارزش و اهمیت دارد و نسخه های خطی آنها از دسترس
ملاقه مندان دور است منتشر کند و کتابها و رسالاتی را که به زبانی دیگر تألیف
یافته است به فارسی درآورد و انتشار دهد .

پرویز نائل مازنی
دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران

منابع تاریخ و جغرافیای ایران
«۷۳»

سفرنامه

استرآباد و مازندران و گیلان و...

به کوشش
مسعود گلزاری



آثار و بنیاد فرهنگ ایران

«۲۳۸»

پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی

از این کتاب

۱۲۰۰ نسخه در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

در چاپخانه زرچاپ شد.

فهرست مطالب

۱

سر آغاز

تفصیل

۱-۲

بخش یکم : از دارالخلافه طهران به سمنان

۳

۳

دولت آباد

۴

راه دارالخلافه به خاتون آباد

۴

دهکده خاتون آباد

۵

راه خاتون آباد به ایوان کیف

۵-۶

دهکده ایوان کیف

۶

راه ایوان کیف به قشلاق

۶-۷

دهکده قشلاق

۸

راه قشلاق به ارادان

۸-۱۰

بلوک ارادان

۱۰

راه ارادان به دهنمک

۱۱-۱۲

دهات خوار

۱۲

دهکده دهنمک

۱۳

راه دهنمک به لاس گرد

۱۳-۱۵

دهکده لاس گرد

۱۵

راه لاس گرد به سمنان

۱۶-۱۹

شهرستان سمنان

- بخش دوم: از سمنان به دامغان
 ۲۱ راه سمنان به آهوان
 ۲۱ دهکده آهوان
 ۲۱-۲۲ راه آهوان به قوشه
 ۲۳ دهکده قوشه
 ۲۳ راه قوشه به دامغان
 ۲۳ شهر دامغان
 ۲۴-۲۶
- بخش سوم: از دامغان به شاهرود
 ۲۷ راه از دامغان به شاهرود
 ۲۷ شهر شاهرود
 ۲۸-۳۰
- بخش چهارم: از شاهرود به قریه جز
 ۳۱ راه شاهرود به تاش
 ۳۱ دهکده تاش
 ۳۱-۳۲ راه تاش به شاهکوی بالا
 ۳۲ دهکده شاه کو
 ۳۳ راه شاه کوی بالا به رادکان
 ۳۳-۳۴ دهکده رادکان
 ۳۴ راه رادکان به جز
 ۳۴ دهکده جز
 ۳۵-۳۶ جزیره آشوراده
 ۳۶-۳۹
- بخش پنجم: از شاهرود به استرآباد
 ۴۱ راه جز به کردمحله
 ۴۱-۴۲ کرد محله
 ۴۲-۴۴

۴۴-۴۵	راه کردمحل به کفشگیری
۴۵-۴۶	دهکده کفشگیری
۴۶-۴۷	راه کفشگیری به استرabad
۴۸-۶۷	بلده استرabad
۶۷-۷۰	آنچه بر استرabad گذشت
۷۱-۷۰	تفصیل خوانین جعفربای
۷۱-۷۲	زن ترکمان
۷۲-۷۵	احوال قاجار ساکن استرabad
۷۷	بخش ششم: از استرabad به شهر اشرف
۷۷-۷۸	راه ازدهکده جز به بلوک کلباد از محال مازندران
۷۸	بلوک کلباد
۷۹-۸۰	راه از بلوک کلباد به شهر اشرف
۸۱-۸۲	شهر اشرف
۸۲-۸۴	عمارت چهل ستون
۸۴	عمارت اندرونی شاه عباسی
۸۵	سه باغ دیگر
۸۷	بخش هفتم: از اشرف به شهرساری
۸۷	قراتپه
۸۸	راه اشرف به نیکاح
۹۰-۹۱	راه از نیکاح به سیمسکنده
۹۲-۹۳	دهکده سیمسکنده از بلوک اندرود
۹۳-۹۴	راه سیمسکنده به شهرساری
۹۵-۱۰۰	شهرساری
۱۰۰-۱۰۶	بلوکات ساری

- بخش هشتم: از ساری به شهر بارفروش
 ۱۰۷
 ۱۰۷-۱۰۸ از بابت راه از شهر ساری به فرح آباد
 ۱۰۸-۱۰۹ فرح آباد
 ۱۱۰-۱۱۱ از بابت راه از فرح آباد به مشهدسر
 ۱۱۱-۱۱۵ مشهدسر
 ۱۱۵ میر بازار
 ۱۱۵-۱۱۶ پازوار
 ۱۱۶ امیر کلا
 ۱۱۶ حمزه کلا
 ۱۱۷ شهر بارفروش
 ۱۲۱-۱۲۴ تفصیل بلوکات بارفروش
 ۱۲۵-۱۲۷ بایه‌های ساکن بارفروش
- بخش نهم: از مشهدسر به بلوک کلارستاق
 ۱۳۱
 ۱۳۱-۱۳۲ از بابت راه مشهدسر به فریکنار
 ۱۳۲-۱۳۳ از بابت راه از فریکنار به محمودآباد هراز
 ۱۳۳ بلوک آمل
 ۱۳۴ شهر آمل
 ۱۳۴ لاریجان
 ۱۳۴-۱۳۶ از بابت راه از محمودآباد هراز به سَلده
 ۱۳۶ سَلده
 ۱۳۶-۱۳۷ نور و بلوک آن
 ۱۳۸ علوی کلا
 ۱۳۸ صلاح‌الدین کلا
 ۱۳۸-۱۴۰ چلندر

۱۴۰-۱۴۱	کجور
۱۴۱-۱۴۲	از بابت راه از چلندر به اورنگ
۱۴۳-۱۴۴	بلوک کلارستاق
۱۴۵	بخش دهم: از بلوک کلارستاق به بلوک تنکابن
۱۴۵-۱۴۶	از بابت راه از اورنگ به عباس آباد
۱۴۶	عباس آباد
۱۴۷	از بابت راه از عباس آباد به خرم آباد
۱۴۸-۱۵۰	خرم آباد
۱۵۰-۱۵۱	سخت سر
۱۵۳	بخش یازدهم: از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان
۱۵۳	از بابت راه از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان
۱۵۴	دهکده قاسم آباد
۱۵۴-۱۵۶	بلوک سیاهکله رود
۱۵۶-۱۵۷	از بابت راه از سیاهکله رود به رودسر
۱۵۷-۱۵۸	رودسر
۱۵۸	کیکلایه
۱۵۸-۱۶۰	لنگرود
۱۶۱	از بابت راه از لنگرود به شهر لاهیجان
۱۶۲-۱۶۴	شهر لاهیجان
۱۶۵	بخش دوازدهم: از لاهیجان به شهر رشت
۱۶۵-۱۶۶	از بابت راه از شهر لاهیجان به شهر رشت
۱۶۷-۱۷۱	شهر رشت
۱۷۳	بخش سیزدهم: از رشت به دارالسلطنه قزوین

از بابت منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنة	
قزوین و زنجان	۱۷۳
احوال ایلات قزوین	۱۷۴-۱۷۷
از بابت راه منجیل به شهر زنجان	۱۷۷-۱۷۸
دهکده منجیل	۱۷۸-۱۷۹
بخش چهاردهم: از منجیل به آستارا	۱۸۱
تفصیل احوال ولایت رحمت آباد	۱۸۱-۱۸۲
دهات رحمت آباد	۱۸۳
بلوکات رحمت آباد	۱۸۳
دهات ایل نشین رحمت آباد	۱۸۳-۱۸۴
رودخانه های رحمت آباد	۱۸۴
ییلاق رحمت آباد	۱۸۴
حدود ملک رحمت آباد	۱۸۴-۱۸۵
احوال ولایت عمارلو	۱۸۶
دهات عمارلو	۱۸۶-۱۸۷
دهات بابا منصور عمارلو	۱۸۷-۱۸۸
طوایف عمارلو	۱۸۸
احوال ولایت رودبارزیتون	۱۸۹-۱۹۰
دهات رودبار زیتون	۱۹۰
احوال ولایت شفت	۱۹۱-۱۹۲
ییلاق شفت	۱۹۲
دهات شفت	۱۹۲-۱۹۳
احوال ولایت فومن	۱۹۴
دهات فومن	۱۹۵-۱۹۶

۱۹۷	احوال ولایت تولم
۱۹۸	دهات تولم
۱۹۸	حاکم نشین شاندرمین
۱۹۸	حاکم نشین ماسال
۱۹۸-۱۹۹	حاکم نشین گیل گسکر
۱۹۹	حاکم نشین لشت نشا
۱۹۹	حاکم نشین دیلمان
۲۰۰-۲۰۲	احوال ولایت انزلی
۲۰۲	از بابت راه از انزلی به کپورچال
۲۰۳-۲۰۴	از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب
۲۰۴-۲۰۵	دهات گیل دولاب
۲۰۵	دهات طالش دولاب
۲۰۵-۲۰۶	یلاق طالش دولاب
۲۰۶-۲۰۸	احوال کلی طالش دولاب
۲۰۹-۲۱۰	از بابت احوال ولایت اسالم
۲۱۰	دهات اسالم
۲۱۰-۲۱۱	یلاق اسالم
۲۱۲-۲۱۶	احوال ولایت کرگان رود
۲۱۶	دهات کرگان رود
۲۱۷	یلاق آق ایولر
۲۱۷	رودخانه های کرگان رود
۲۱۸-۲۱۹	آستارا
۲۲۱-۲۴۸	تعلیقات و تصحیحات و اضافات
۲۴۹-۳۳۴	فهرست عمومی

سر آغاز

به نام آنکه او نامی ندارد

کتابی که از زیر دید خواننده گرامی می گذرد، کتابی است در جغرافیای سرزمینهای جنوبی دریای مازندران همراه بناها و آثار تاریخی و نرخ مواد خواروبار و تواریخ محلی و گوشه‌هایی از وقایع زمان در سالهای ۱۲۸۶ و ۱۲۷۷ ه.ق. که به دست میرزا ابراهیم نامی برای ژنرال دُرُن نوشته شده است.

میرزا ابراهیم در ۲۹ رمضان ۱۲۷۶ سفر خود را آغاز کرده و در ۲۰ ذی‌قعدة ۱۲۷۷ به پایان رسانده است.

نسخ متعددی از این کتاب در دست است، نگارنده نخست از نسخه آکادمی علوم شوروی به شماره 1885 C خبردار شد. از روی همین نسخه، متن اصلی تهیه و بانسخ دیگر مقابله و حاضر به چاپ گردید. متن مقابله شده را از نظر آقای دکتر خانلری - مدیر عامل بنیاد فرهنگ ایران - گذراند. ایشان اجازه دادند که در سلسله کتب بنیاد فرهنگ ایران به چاپ برسد. از محبت ایشان تشکر و امتنان دارم.

از مؤلف این کتاب اطلاع کافی در دست نداریم ولی روشن است که مدت زمانی در سرزمینهای جنوبی دریای خزر گذرانده است.

مؤلف سفر خود را از تهران شروع کرده شهرهای سمنان، دامغان، شاهرود، استرآباد، اشرف، ساری، بارفروش، لاهیجان، رشت، قزوین و آستارا را دیده و تمام وقایع زمان سفر را یادداشت کرده است.

اوزان و نرخ و قیمت‌های اجناس و تقسیمات ایلات و طوایف به همان صورتی که در متن اصلی آمده بود هنگام چاپ به همان ترتیب چاپ شد.

در چاپ سعی کردیم عین متن خطی را نقل کنیم ولی این کتاب نظیر اغلب کتب دوران قاجاری اغلاط زیادی داشت که مجبور شدیم آنها را تصحیح کنیم.

استوری در شرحی که از نسخ این کتاب داده، آن را «کتاب استرآباد و مازندران و گیلان و دامغان و سمنان» خوانده است.^۱ در فهرست نسخه‌های فارسی آکادمی علوم شوروی این کتاب به نام «کتاب استرآباد و مازندران و گیلان و دامغان و سمنان میرزا ابراهیم» خوانده شده است.^۲

در فهرست میکلوخاما کلایا این کتاب به نامی که در فهرست آکادمی علوم شوروی آمده است دیده می‌شود.^۳

در فهرست میکروفیلیم‌های دانشگاه تهران فیلم شماره ۱۶۴۱ به نام «جغرافیای مازندران و گیلان و دامغان و سمنان» ثبت شده است.^۴

۱- استوری، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲- فهرست نسخه‌های فارسی آکادمی شوروی C 1885، ص ۴۳۰.

ش ۳۳۵۱.

۳- میکلوخاما کلایا، ج ۱، ص ۹۹، ش ۸۷ و ج ۲، ص ۱۶۷.

۴- فهرست میکروفیلیم‌ها، ج ۱، ص ۶۸.

نسخه دیگری که پس از چاپ متن به دست افتاد نسخه‌ای است متعلق به آقای ناطق به نام «سفرنامه مازندران» که بانشه آکادمی علوم شوروی به شماره 1885 G یکی نمی‌باشد.

آقای حاج محمد شیروانی - مربی فنی و کارشناس نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - که در عین صفا و صمیمیت وقت خود را در اختیار اینجانب گذاشتند و در خواندن یادداشت‌های «سیاق» مؤلف یاریم کردند، صمیمانه تشکر می‌نماید.

دوست دانشمند دکتر منوچهر ستوده متن چاپ شده را در اختیار گرفتند و پس از مروری دقیق، اعلام جغرافیایی آنرا که به صورت محلی و قدیمی ثبت شده بود به شکل امروزی آن مطابقت دادند که در «تعلیقات و تصحیحات و اضافات» آمده است. الطاف و مراحمش فراموش نشدنی است.

بر اثر کمک‌های آقای سید مهدی جاوید قسمت اعظم «تعلیقات و اضافات» گردآوری شد. از محبت‌های بی‌دریغ ایشان از صمیم قلب سپاسگزارم و توفیق بیشتری برای ایشان آرزو دارم. این کتاب در چاپخانه زر به چاپ رسید. از آقای حمید باقرزاده و سایر کارکنان که برای این کتاب زحمتی کشیده‌اند صمیمانه اظهار امتنان می‌نماید.

مسعود گلزاری

بیست و پنجم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله خالق البرايا والشكر لواجب العطايا وصلى الله على النبي
والوصي والبتول والسبطين [و] السجاد والباقر والكاظم والرضا والتقى
والنقى والعسكري [و] المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم اجمعين.
اما بعد اين رساله ايست [در] تفصيل اسامی بلد و بلوكات عرض راه از
دارالخلافة طهران از راه سمنان.

تفصيل

اسامی بلد و بلوكات عرض راه از دارالخلافة طهران از راه سمنان،
دامغان و شاهرود و استرabad مع سکنه طوايف ترکمانيه و مازندران و گیلان
الی آستارا سرحد دولت روسيه، يوم شنبه ۲۹ شهر رمضان المبارک سنه پيچى-
ثیل خيريت دلیل مطابق ۱۲۷۶ هجرى و ۲۱ اپریل ماه فرانسه ۱۸۶۰ مسیحى.
از طهران به سمنان ۳۵ فرسخ.
از سمنان به دامغان ۱۸ فرسخ.
از دامغان به شاهرود ۱۰ فرسخ.

از شاهرود به قریه جز ۲۱ فرسخ.
از شاهرود به شهر استرآباد ۱۶ فرسخ.

[بخش یکم]

[از دارالخلافة طهران به سمنان]

[دولت آباد]

از بابت دولت آباد نیم فرسخی دارالخلافة، باغی دارد که اصل بنای باغ ابتدا از مرحوم مغفور عباس میرزا است. بعد در دست ظل السلطان افتاد که محمد شاه رضوان جایگاه از او گرفت تا اینکه به پادشاه اسلامیان پسنه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه رسیده است. که عمارات اندرونی و فوقانی و تحتانی و حوض آب و اشجار مشمره و غیر مشمره و گل و لاله و موانگور زیاد است. و شش نفر باغبان دارد. و باغبان باشی کربلای اکبر است. پارسال اجاره باغ مبلغ هفتاد و پنج تومان بود. مبلغ شصت تومان باغبانان مستمری دارند، اضافه را رد می نمایند.

و در قلعه هفتاد هشتاد خانه وار رعیت سکنی دارند. مالیات عرض سال يك قطعه مرغ و ده بیضه تخم مرغ می دهند. و تخم زراعت و زمین و آب از پادشاه است، رعیت می کارد، سه حصه مال شاه و يك حصه مال رعیت است. اسم گذاشته اند چهار کوتی.

[راه دارالخلافة به خاتون آباد]

از بابت راه خاتون آباد که پنج فرسخ به دارالخلافة است، از یکه
 برج یزید لعنتی و قلعه اش رد شده، دست چپ کوه است [و] بالایش نقاره-
 خانه وزندان یزید ملعون است. و در میان کوه قبر مطهر منور بی بی شهربانو
 است. و نیم فرسخ از دولت آباد گذشته قریه امین آباد است که به مقابل بی-
 بی شهربانو واقع می باشد. و از میان قریه مزبور ربع فرسخ گذشته، دو
 راه دارد. و راه خاتون آباد دست چپ می باشد. [این دهکده] داخل ورامین
 است. و خود ورامین سیصد قریه است خالصه شاهی در دست میرزا محمد-
 حسین بلور^۱ وزیر طهران است. و آب در راه دارد. و دست راست ده اشرف-
 آباد، بعد محمود آباد [و] ایضاً نمرود تپه متصل به عباس آباد، خرابه است.

[دهکده خاتون آباد]

از آنجا گذشته داخل خاتون آباد می شود که ملکش يك دانگ اربابی
 و پنج دانگ خالصه شاهی است. اگر رعیت تخم حاصل را خودش بگذارد
 سه کوتی است، دو ثمال رعیت و يك حصه مال ارباب، بدین شرط که آب و
 زمین از ارباب باشد. و نهر آبی که از وسط خاتون آباد می گذرد به فورون-
 آباد می رود. هر ساله شلتوك زیاد می کاشتند. امسال به جهت کم آبی،
 شلتوك کاری را به فورون آباد برده اند. اگر به حاصل صدمه نخورد سالی
 دویست خروار غله به دیوان می دهند. و آبش از جاجرود می آید.
 میوه جات به قدر کفاف خودشان دارند. پنجاه و سه خانه وار رعیت
 ساکن است. کدخدایش الله قلی بیگ [است].

[راه خاتون آباد به ایوان کیف]

از بابت راه ایوان کیف که به خاتون آباد [می رود] هفت فرسخ است. و يك فرسخ از خاتون آباد گذشته طرف دست چپ، قرية آل واک در کنار راه واقع است. باغی دارد مال محمد حسن خان پسر نصر الله خان [که] سرای دارباشی شاهی در قدیم بود. از هراقسام میوه بسیار دارد. يك فرسخ از آنجا گذشته دست چپ کنار راه، قرية شریف آباد است که در شمالش کوه دماوند واقع است.

سه فرسخ از خاتون آباد گذشته دورتر از راه، قرية ابراهیم آباد و کریم آباد است. پنجاه مرتبه آبی که از جاجرود می آید به دهات ورامین می رود، رد شده و از آنجا آب و آبادی ندارد الی ایوان کیف که چهار فرسخ باشد - صحرای خشک بی آب و علف است - داخل ایوان کیف می شود.

[دهکده ایوان کیف]

[این دهکده] دوفقر کدخدا دارد: بزرگتر عبدالله بیگ [و آن] یکی مطلب بیگ مباشر میرزا محمد علی، تیول سرطوبله شاهی. ابواب جمع، محسن میرزا میر آخور شاه می باشد. دویست تومان نقد، سیصد خروار جو [و] ششصد خروار گاه می گیرد.

به قرار سیصد خانه وارند [که] در دوقلعه و يك محله سکنی دارند. و بیست خانه وار کرد در محله پایین می نشینند. و کاروانسرای شاه عباسی در محله پایین است که رویش بالاخانه داشت [و] رعیت منزل می کرد، الآن خرابه است. در بیرون اسطوخ آب دارد. و میوه جات ایوان کیف زیاد است بخصوص انجیر، انار، انگور با سایر میوه وافر است.

وسمت شمالی دره‌ای دارد که دره دماوندش می‌گویند، که محل عبور مردم است به مازندران. هشت نه فرسخ درخت و باغات است، مخصوص دهی دارد [که] اسمش دیزک می‌باشد که میوه بسیار دارد. و ایوان کیف در زمستان الی ۱۳ حمل، آب دارد. و آب خوراکیشان از پنج آب انبار است. و مسجد و تکیه و حمام و امامزاده دارد. هوایش گرم است. ملکش اربابی است. مردمان حاجی و صاحب پول هم دارد. داخل در جمع و رامین است و آبش قدری شور مزه است. و رودخانه‌ای هم دارد که ایام تابستان خشک می‌شود. آنطرف رودخانه سمت شرقی، هفت هشت سال است که خانه بنا کرده‌اند. به طهران مسافت دوازده فرسخ [و] به قشلاق پنج فرسخ [است].

[راه ایوان کیف به قشلاق]

از بابت راه از ایوان کیف به قشلاق که پنج فرسخ است به مسافت يك فرسخ و نیم گذشته اول سردره است. که بالای تپه، قراولخانه نادری مخروبه از آجر است. که خیابان از میان دره است. که جوی آب شور روان می‌باشد.

سه ربع فرسخ آمده دست چپ، توی دره ایضاً قراولخانه سنگی خرابه است. و این دو قراولخانه به حکم نادر شاه ساخته شده بود که هرگاه افغان بیاید مستحفظین مانع شوند [و] جنگ نمایند. و ربع فرسخ دیگر گذشته سردره تمام می‌شود. که همه این سردره يك فرسخ است.

[دهکده قشلاق]

از دره بیرون آمده اول خوار است. و دو راه دارد که راه دست چپ

به قشلاق می‌رود. خیابان سراسر است بی آب و علف [است]. نزدیکی قشلاق زمین زراعت است و [به] گل می‌رسد، داخل قشلاق می‌شود، که چاپارخانه شاهی در آنجا است. ضابط چاپار محمود بیگ پسر مهدی بیگ تبریزی است. کدخدا، غلام حسین خان [است]. و قلعه‌ای هم دارد. و دور قلعه و میان قلعه رعایا منزل دارند. به قرار یکصد و پانزده خانه وارند. زبانشان ترکی و فارسی است. و حمام و مسجد و تکیه و کاروانسرا و رودخانه آبی دارد که امسال خشک شده بود.

و ملک قشلاق اربابی است. پنجاه تومان نقد و هفتاد خروار غله به دیوان می‌دهند. و آب قشلاق از قزان‌چای^۱ و فیروزکوه می‌آید. میوه‌جات به قدر کفاف دارند.

در خوار سالی یک هزار و چهارصد خروار شلتوک و دوهزار تومان نقد از بابت صیفی، به دیوان می‌دهند، امسال یک دانه از بی آبی به عمل نیامده است. که امسال زیاد بی آبی داشتند.

شمال شمال مغرب مغرب (۱) کوه دماوند و کوه بزرگ بین شمال و مغرب اسمش کَلَرَز^۲ می‌باشد، مغرب شمال مغرب سر دره. و آخر کوه مَکَرَش^۳ که راه ورامین است. مغرب هشتاد کوه دوازده امام، جنوب و مغرب سیاه-کوه، وسطش جنوب ده که راه نطنز^۴، کاشان و اردستان است. طهران شمال مغرب پنجاه (۲) و قشلاق آب انبار هم دارد.

۱- در اصل: قزان چاه. ۲- بفتح کاف و لام و سکون راء و زاء.

۳- بفتح میم و سکون کاف و فتح راء و سکون شین. ۴- در اصل: ننز.

[راه قشلاق به ارادان]

از بابت راه از قشلاق به ارادان که دوفرسخ است، بیست و یک جاز آب رودخانه‌ها که از فیروزکوه و قران‌چای^۱ می‌آید داخل خوار می‌شود، رد شده قلعه ارادان است.

[بلوک ارادان]

و بزرگ آنجا مرتضی قلی بیگ بایرادر کوچکش آقا میرزا علی اکبر است که شش نفر پسر دارد: میرزا آقا و آقا میرزا تقی، فتح‌الله، فضل‌الله، شکرالله [و] نصرالله. و ارادان مختصی خودشان می‌باشد.

غله بلوک ارادان یک هزار و پانصد خروار، نقدی ششصد و پنجاه تومان، شلتوک سیصد و ده خروار [و] صیفی هفتاد و پنج خروار. و این ارادان دو قلعه دارد. قلعه وسطی در بالای تپه‌ای بلند است. و منزل اربابان در قلعه تپه می‌باشد. و دور این قلعه تپه همه خانه‌های رعایا است. و مسجد و تکیه و حمام و یخ‌چال و آب‌انبار بسیار بزرگ آب سرد و صاف و سبزی کاری هم دارد. و قلعه دیگر دور [از] اینهاست و کسی نشان نمی‌دهد که در چه عهد ساخته شده است. از قراری که مذکور شد باید در عهد رستم و افراسیاب بنا شده باشد.

و از قلعه تپه که نگاه می‌کنی جمیع صحرا و سبزی کار [ی] نمایان است. بسیار جای با صفا و دلگشا است. یکصد و ده خانه دارند. خود ارادان یک بلوک است. سه قریه یکی چاده^۲ یکی کند^۳ [و] یکی ارادان. و همین قلعه

۱- در اصل: قران چاه. ۲- بکسر دال. ۳- بفتح کاف و سکون

قبل از نادرشاه، نه ماه در محاصره افغان بود تا اینکه آذوقه اهل قلعه تمام شد، به تصرف افغان درآمد.

واسم امامزاده ارادان، امامزاده سلطان شاه نظر است، و اهل خود ارادان طایفه پازوکی و آسایشلو هستند که در عهد شاه اسماعیل از روم آورده اند.

طوایف دیگر که در خوار سکنی دارند: اول ششصد خانه وار ایل اصائلو^۱ که ترك هستند، می باشند. دویست و پنجاه نفر نوکر سوار به دیوان می دهند. سرکرده [ایشان] جلیل خان است. گیرشان بیاید دله دزدی می نمایند. کاسبی ایشان از شتر و گوسفند و بافتن گلیم، قالی، پلاس، مفرش، خورجین و سایر چیزها است. و زبان اهل خوار ترکی و فارسی می باشد.

وپانزده خانه وار عرب و رامین در بلوک خالصه ارادان در ملک کهن آباد^۲ و فروان^۳ در خانه منزل دارند [و] رعیتی می نمایند.

دویست و پنجاه خانه وار طایفه علی کاهی، چادر نشینند. و سی نفر سرباز به دیوان می دهند. زبان شان تاتی است. کاسبی شان از شتر و گوسفند [است که] زیاد دارند. و از پشم اینها هم گلیم، قالی، پلاس، مفرش و خورجین با سایر چیزها، می بافند. مردمان فقیری هستند.

طایفه ای دیگر از اکراد قراچورلو در تیولات خالصه خوار نشسته اند [که] دویست خانه وارند. یکصد نفر نوکر سوار به دیوان می دهند. سرکرده [ایشان] کل بازخان^۴ [است]. همه رعیتی می نمایند.

و در خوار شکار آهو بسیار است بخصوص در پایین دست ارادان به

۱- بضم الف اول و سکون نون . ۲- بضم کاف و فتح هاء .

۳- بفتح فاء و سکون راء . ۴- بضم کاف و سکون لام .

مسافت يك فرسخ در صحرای کویر، شکار زیاد دارد. و این کویر کشیده به عبدالله آباد و گذشته از عبدالله آباد هم می باشد. و می گویند دریاچه ساوه که در ظهور پیغمبر آخر الزمان صلوات الله وسلامه علیه یعنی در زمان تولد پیغمبر صلی الله علیه و آله خشک گردید، الآن همین صحرای کویر است که درجائی به قرار ده دوازده زرع آب ایستاده است. و کسی معلوم نکرد که گودی او به چه پایه است. و در صحرای خوار شغال، گرگ [و] گراز بسیار است. و قلعه ارادن بسیار جا شکسته است لیکن يك دروازه بالاتر ندارد. و مقابل دروازه در بیرون، باغ میوه جات انجیر، انار، توت، زردآلو و گل قرمز وافر دارد.

کوه بزرگ شمالی ارادن سَرَحَر^۲ است. و سیاه کوه سمت قبله ارادن است که به کاشان و نطنز و اردستان می روند. بین شرقی و شمالی کوه قالی-باف است. و پشت کوه سَرَحَر، خاک فیروز کوه می باشد.

[راه ارادن به ده نمک]

واز ارادن به ده نمک سه فرسخ است که صحرای کویر بی آب علف است. و در مشرق شمال مشرق ارادن واقع است.

دهات خوار

اسامی دهات خوار به شرح ذیل است :

قشلاق	حسین آباد	کَرَنَد ^۱	کوشک	لارجان
ده سهراب	سنرد ^۲	کُهِک	ناسار	شاه بُدّاق ^۳
قلعه نو	بُن کوه ^۴	نارحه	قاتول	ریکان
			چهارقریه	
ارجلان	اقشلاق نفر	ایضاً قشلاق	سلمان	شه سفید
		پنجقریه		
خسرو آباد	قلعه چک	امامزاده علی اکبر	فَتْد ^۵	
امامزاده خلیل الله	یاتری	رستم آباد	حسین آباد	
حسن آباد	اوبه عرب ^۶	کُنْد ^۸	امامزاده ذوالفقار	

- ۱- بفتح کاف و راء و سکون نون و دال. ۲- بفتح سین و نون و سکون را و و دال. ۳- بضم باء. ۴- بضم باء. ۵- بفتح فاء و سکون نون و دال. ۶- بسکون تاء. ۷- بفتح عین و راء. ۸- بفتح کاف و سکون نون و دال.

ارادان	پاده	مهدی آباد	قلعه خرابه	حمال آباد
علی آباد	هاشم آباد	محمد آباد	نوده ^۱	حصارك ^۲
محمود آباد	الله ویدی آباد	مَدُولَك ^۳	جهان آباد	
مِهران	امامزاده اسمعیل	امامزاده عبدالله		

[دهكدهٔ ده نمك]

از بابت راه از ارادان به ده نمك كه سه فرسخ است، صحرای
كویر بی آب علف می باشد. و چاپارخانهٔ آنجا هم در دست محمود-
بیگ است. و کاروانسرای شاه عباسی دارد كه پنج سال است حاجی علی-
نقی تاجر كاشی ساكن طهران، تعمیر نموده [و] آب انبار و آبریز ساخته
است كه قدری آب جاری از پهلویش روان است. و قلعه جهٔ خرابه ای دارد
[كه] دوازده خانه وار رعیت [در آن] ساكن است.

و غلهٔ ده نمك اینقدر می شود كه به مصرف و كفاف خودشان می-
رسانند. و ملك ده نمك اربابی است. كدخدایش رجبعلی می باشد.
به حساب چاپارخانه [از ده نمك] به لاس گِرد هشت فرسخ است والا
مشهور هفت فرسخ می باشد.

۱- بضم نون و كسر دال. ۲- بفتح حاء و راء. ۳- بفتح میم و
سكون نون و فتح لام.

[راه ده نمك به لاس گرد]

از بابت راه از ده نمك به لاس گرد که هشت فرسخ است سه فرسخ گذشته دره ئی است که طرف راست، برج دارد که برج آدم بکش و مکشوم می گویند. يك فرسخ از آنجا گذشته قریه عبدالله است که راه نصف است و دو قلعه دارد. قلعه دست چپ خرابه است. و آبادی طرف راست می باشد که رعایا ساکنند. يك فرسخ از آنجا گذشته می رسد به سه قنطره پل يك چشمه، که هر کدام يك میدان از هم دور است. پل آخری اسمش یول کرپی^۱ است که آخر خاك عراق و اول خاك خراسان می باشد. بعد راه چنان تنگ می شود که اگر از دو سمت مال بیاید باید یکی برگردد. و اسمش باریك آب است. از آنجا رد شده وارد لاس گرد می شود که قلعه دارد.

[دهكده لاس گرد]

در میان قلعه [لاس گرد] یکصد و پانزده خانه وار رعیت، منزل دارند. و خانه های رعایا از دو الا چهار مرتبه روی هم ساخته اند. همه اوطاقهای كوچك و نحس کثیف دارند. کدخدایش میرزا محمد حسین [است]. مالیات دیوان نقداً و جنساً یک هزار تومان است. غله یکصد خروار از قرار خرواری دو تومان و نیم، صد خروار می شود دو بیست و پنجاه تومان، از بابت کاه پنجاه تومان، از بابت صیفی و باغات هفتصد تومان که این هزار تومان به میرزا محمد خان سپه سالار می رسد.

باغات زیاد دارند: انجیر، انار و انار بیدانه و به [و] گلابی و سیب با سایر میوه جات وافر است. و حمام و مسجد و تکیه و سه آستانه امامزاده

دارد. یکی امامزاده تقی و دیگری آقا سید رضا است. و کاروانسرای شاه-عباسی هم دارد که حاجی علی نقی تاجر کاشی، تعمیر کرده است. می گویند این قلعه در عهد رستم و افراسیاب بنا شده است. دو سه چاه در میان قلعه دارد. و مذکور نمودند که زیر قلعه را نقب زده اند [و] خالی است. به جهت زلزله درست کرده اند که به قلعه آسیبی نرسد. و دور تا دور قلعه آبریز است [و] جمیع نجاست به دیوار قلعه می ریزد. از دور و نزدیک، دیوار قلعه سیاه می باشد. و بسیار بی سلیقه هستند. و زنهایشان کرباس، البجه^۱، قدك و سایر چیزها می بافند. همگی جولایند. و صورت خوب هم یافت می شود، زیرا که بوته بوستان [اگر] از نجاست پرورش بیابد البته خربزه اش شیرین خواهد شد. و زبانشان به هیچ کتاب در نمی آید که این چه زبان است. و هیجده نفر سرباز به دیوان می دهند. و زبان فارسی هم می دانند.

و آب خوراکی از آب انبار است. و در میان قلعه يك دو چاه آب دارد. به وقت ضرورت بکنند و پاك نمایند، آب خوب در می آید. و يك سنگ آب جاری دارند که صیفی می کارند. در بالادست لاس گرد يك فرسخی، يك آبی دارد که تلخ آب می گویند. به جهت رفع امراض مختلفه [در آن] زیاد می روند، بسیار نافع است. و این تلخ آب از میان دو چاه جوشیده بیرون می آید [و] گرم است. و از زیر پلهای یول کرپی رد شده به صحرا می ریزد.

و این لاس گرد باغات زیاد دارد. و چاپارخانه در بیرون، پهلوی باغها

۱- نوعی پارچه راه راه ابریشمی که با دست بافند؛ الاجه. فرهنگ معین، جلد اول، ص ۳۴۵، س يك.

است. که در آنجا پنج سال است ده در خانه آبادی کرده‌اند. [از لاس-گرد] به شهر سمنان پنج فرسخ است لیکن چاپارخانه شش فرسخ حساب می‌کنند. ضابط چاپار [خانه] مهدی بیگ تبریزی ساکن لاس‌گرد است. و قریه تیج‌ناور در شمال لاس‌گرد واقع است. و قریه دیگر آروانه^۱ در میان کوه سمت شمالی لاس‌گرد، در چهار فرسخی است. پول کهنه [و] سکه قدیم یافت می‌شود. و از میان کوه از راه امامزاده علی اکبر که شش فرسخ به لاس‌گرد است، شش روزه به مازندران می‌رود. و ملک لاس‌گرد ابواب جمع میرزا محمدخان سپهسالار است. جمیع رعایا کمال رضامندی را داشتند.

[راه لاس‌گرد به سمنان]

از بابت راه از لاس‌گرد و به سمنان که شش فرسخ چاپارخانه است ربع فرسخ طرف دست‌چپ قریه تیج‌ناور است. بعد در دو فرسخی، قریه سرخک^۲ است که ده بزرگ می‌باشد و باغات زیاد دارد. بقرار دویست و هشتاد خانه وارند. و قلعه‌چه‌ای هم دارد که از علامت و بنای قدیم است. و [در] کوچه‌ها آب جاری است. و دکان نانوائی و رنگرزی هم دارد. الا شب عید و دو سه ماه گذشته از شب عید، خربزه و میوه‌جات سال گذشته را دارند. و خربزه آنجا زیاد شیرین است. از آنجا رد شده صحرایی است [که] می‌رسد به اول باغات سمنان که يك فرسخ باغات دارد.

[شهر سمنان]

بعد از دروازه داخل قلعه و شهر می شود. و شهر سمنان از شهرهای قدیم است. و از قراری که مذکور گردید، می گویند دو نفر از پسران حضرت آدم علیه السلام مسما به سیم و لان آمدند شهر سمنان را بنا کردند [و] بعد به جهت شکار رفتند، در چهار فرسخی کوهی است [که] شولان می گویند، کافرها خبردار شدند. رفتند که ایشان را به قتل برسانند. هردو در میان کوه غیب شدند. بعد خواب نما شد. آنجا که غیب شدند مقبره ساختند. الآن مردم زیاد به زیارت می روند. اصل اسم سیم لان بود، از کثرت استعمال سمنان شد.

حاکم سمنان پسر سپه سالار است. نایبش مطلب بیگ تفرشی می باشد. مالیات سمنان چهار هزار و سیصد تومان است.

خانه هوار	د کاکین سر پوشیده و غیره	مدرسه	مساجد
۳۸۶۲ خانه	۳۲۰ باب	۴ باب	۴۰ باب
تکیه	کاروانسرا	حمام بزرگ و کوچک	اسطوخ آب
۴۰ باب	۱۲ باب	۲۱ باب	۵ مجرا

منار مسجد جامع

۹۱ پله

امام زاده

۱۱ بقعه

[و] پنج محله دارد: اول، ناسار - دویم، چومسجد - سیم، لتی بار - چهارم، اسفنجان - پنجم، شاه جو. و چهار دروازه و سه برج بزرگ کهنه دارد که يك برج مشهور حاجی میرزا عسکری است. و بیرون شهر آبادی و خانه وار بسیار است. و در کوچه ها نهر آب جاری است. و کناره نهرها را درخت کاشته اند.

تاجر معتبری ندارد. همه دکان دارند. و يك میدان شاه هم دارد. و زندان داروغه در میان يك درخت چنار است. و ارگی هم دارد. در بیرون شهر کاروانسرای شاه عباسی یا قدمگاه شاه عباس، خرابه است. و کاروانسرای [ی هم] سیف الله میرزا جهت مترددین، ساخته است. و باغ شاه هم در بیرون شهر است که آب جاری دایم الاوقات از اسطوخ، از میانش روان است. و نارنج - قلعه ای مخروبه در بیرون دارد. می گویند دختری [آن را] ساخته بود.

وارگ سمنان را بهاء الدوله پسر فتحعلی شاه مرحوم، ساخته است. الآن آبادی زیاد ندارد بلکه خرابه است. يك فوج سرباز از سمنان به دولت می دهند. و آب سمنان از يك چشمه می باشد که در يك فرسخی واقع است. و مسجد شاه سمنان را فتحعلی شاه رضوان آرامگاه، به طرح مسجد حکیم اصفهان، ساخته است. اما این بهتر و خوش صفاتر است. و دریاچه آب هم دارد. که در آنجا به دیوار مسجد نوشته اند:

حیف آن مسجد که در سمنان بود یوسفی ماند که در زندان بود
و چهار خانه وار از ایل زرگر، تازه به این ولایت آمده اند.

و اسامی امامزاده‌های مشهور سمنان از این قرار است:

امامزاده هلاکو - امامزاده هلاوی [و] امامزاده‌سی سر.

چند کلمه از زبان اهل سمنان مذکور می‌شود. فارسی هم می‌دانند:
کفش را می‌گویند له‌له‌کا^۱ - مرد، مردکا^۲ - زن، ژین‌کا - پسر، پیر -
دختر، دوت - خانه، کیه^۳ - دوشک، نعلکی^۴ - متکا، نعلی^۵ - لحاف، دواج -
کوزه، دوره - کلاه، دورکه^۶.

و غلهٔ سمنان به کفافشان نمی‌رسد، از خوار می‌آورند. و برنج از
هزار جریب می‌آید. و شب‌گز^۷ داشتن سمنان، شهرتی و موزی به مثل دامغان
نیست لیکن یافت می‌شود. درشامیرزاد که چهار فرسخی سمنان است، شب -
گز زیاد دارد.

تباکو و کرباس و قدک و خشکبار زیاد عمل می‌آید. يك فرسخ
باغات دارد. و بادام کاغذی بسیار خوب مثل پستهٔ خندان و فور است که
يك من تبریز دو قران و نیم می‌فروشند. و يك جور نان خشک به قدر کف
دست که در ایام تابستان زیاد می‌پزند به جهت فروش، که او را بکسمات^۸
می‌گویند. به محض اشاره در چائی از هم وا می‌شود. و در سایر فصل به
عمل نمی‌آید مگر تابستان.

-
- ۱- بفتح لام اول و دوم. ۲- بفتح میم و دال. ۳- بکسر کاف و فتح
یاء و سکون هاء. ۴- بفتح نون و لام و سکون عین و فتح لام. ۵- بفتح
نون و سکون عین. ۶- بضم راء و فتح کاف. ۷- شب‌گز [= شب‌گزنده]
گونه‌ای کنه که خصوصاً در قهوه‌خانه‌های بین شهرستانها و مسافرخانه‌ها و اماکن
عمومی موجود و خطرناک است و به وسیلهٔ گزش خود انگل نوعی تب راجعه را وارد
بدن انسان می‌کند؛ غریب‌گز. فرهنگ معین، جلد دوم، ص ۲۰۱۹، س دوم.
۸- به فتح باء و سکون کاف و ضم سین.

مظنه جات سمنان به وزن تبریز:

تنبا کویک من	نان یک من	نان بکسمات یک من	روغن یک من
دهشاهی الادو قران هشت شاهی	سی شاهی	چهار قران و دهشاهی	
گوشت یک من	مرغ قطعه	تخم مرغ پنج بیضه	جو یک من
سی شاهی	هشت شاهی	دو شاهی	هشت شاهی
کاه یک من	زوغال یک من	هیزم [یک من]	
دو شاهی	پنج شاهی	دو شاهی	

و [سمنان] یک محله در بیرون شهر دارد اسمش کوش مغان^۱ است. می گویند وقتی که شیطان را از بهشت آسمان بیرون کردند در چنار [ی] که در آن محله دارد، فرو رفت. حالا هر کس که شیطان خیال و مزور و محیل باشد، می گویند کوش مغانی است. و چاپارخانه دولتی در میان شهر می باشد. کوه شولان^۲، غرب نزدیک به شمال است، کوه هزار جریب غربی است، که هر دو را فصل بهار برف زده بود. و دوازده فرسخ کوه بلند سمت شرقی نزدیک به شمال، چای شیرین است که چشمه آب شیرین دارد. ایضاً انجیلاب و سمت شمال کوه ابدال و سنگ سر است. و از سمنان به دهنة کوه آهوان سه فرسخ است. هر چند تا به آهوان شش فرسخ حساب می کنند، لیکن باید هفت فرسخ باشد.

۱- به ضم کاف و سکون شین و فتح میم. ۲- به ضم شین و سکون واو.

[بخش دوم]

[از سمنان به دامغان]

[راه سمنان به آهوان]

از بابت راه سمنان به آهوان که شش فرسخ می گویند، قدری سر-
بالا و سرپایین دارد. چهار فرسخ طی نموده دره چاشت خور می باشد که
خرابه دارد. از میان دره گذشته وارد آهوان می شود.

[دهکده آهوان]

[آهوان] دو کاروانسرا دارد: یکی مشهور [به] شاه عباسی است، که
حاجی علینقی تاجر کاشی به سعی مشهدی غلامحسین در سنه ۱۲۷۱ تعمیر
کرده است و بالای دروازه به اسم شاه سلیمان نوشته است و تاریخ دارد
سنه ۱۰۹۷ که مقابلش آب انبار و آبریز دارد که از آجر ساخته اند. و
کاروانسرای دیگر از سنگ است که هر طرف پنج برج دارد. مشهور است
که انوشیروان بنا نهاده است. الآن مخروبه است و قلعه خرابه ای دارد که
کسی ساکن نمی باشد.

و چا پارخانه هم دارد. ضابطش عبدالله بیگ دامغانی است. که پشت سر چا پارخانه تپه ای می باشد [که] ظاهراً قبرستان قدیم است. و آبش از قنات است که آقا سید حسین سمنانی در آورده است، الآن کور شده است [و] آب کمی دارد.

و قدم گاه حضرت امام رضا علیه التحیه و الثناء سمت غربی نزدیک به شمال [به] مسافت یک فرسخ است. که چشمه آبی با سیصد درخت نارون دارد. کسی جرأت نمی کند درختها را ببرد. آقا سید حسین مذکور فوق آمد گفت درختها و کاروانسرا همه وقف می باشد. نجار فرستاد از درختها ببرد [و] به جهت کاروانسرا در بسازد. نجار هم رفت و برید. بعد از بریدن فی الفور ناخوش شد [و] وفات کرد.

کوه مقابل کاروانسرای انوشیروان سول خور^۱ [است]. سمت شمال بیخ کوه شش فرسخ است به آهوان، نزدیک غربیه زرشک کوه [است] و قدری که از آهوان رد می شود دو راه دارد، دست راست به قوشه می رود و دست چپ می رود به تودروا. که در نوی رودخانه سه قریه واقع است، یکی تو^۲، یکی دروا [و] یکی سن^۳ که از آنجا شش فرسخ به آهوان و دو فرسخ به قوشه است. و کوه سنگ سر جنوب نزدیک به غرب است.

و اشیاء خوراکی و غیره هیچ چیز در آهوان یافت نمی شود. لازم است که هر چیز مسافر به همراه داشته باشد که گرسنه نماند. و از آهوان شش فرسخ به قوشه می باشد.

۱- بهضم سین و سکون لام وضم خاء . ۲- بهضم تاء . ۳- به فتح

سین و سکون نون.

[راه آهوان به قوشه]

از بابت راه از آهوان به قوشه که شش فرسخ است و راه سرازیر مانند می باشد.

[دهکده قوشه]

در راه آب ندارد الا منزل که آب جاری و آب انبار و کاروانسرای شاه عباسی دارد که حاجی علینقی تعمیر کرده است. و قلعه چه ای کوچک دارد [که] اسمش سلطان آباد است [و] چند خانه وار رعایا [در آن] ساکنند. و چاپارخانه هم دارد. ضابط [آن] ابراهیم [نامی است]. و در سمت غربی قوشه دره ای دارد که به مازندران و شهر سساری می روند. اسمش کیف تنگه^۱ می باشد که سمت راستش کوه آرسک^۲ است و سمت شمالی قوشه کوه بیارجمند است. و از قوشه شش فرسخ به دامغان است.

[راه قوشه به دامغان]

از بابت راه قوشه به دامغان که شش فرسخ است راه هموار می باشد. و دو سه ده خرابه هم در راه دارد. سه فرسخ طی نموده قلعه دولت آباد است که سه قلعه تودر تو است. و خندقی دورش حفر نموده اند که تخت پل دارد. جایی با صفا است. و از آنجا گذشته وارد دامغان می شود.

۱- به فتح تاء و سکون نون و فتح کاف و سکون هاء. ۲- به فتح راء و سکون سین و فتح کاف

[شهر دامغان]

و شهر دامغان از ابنیه قدیم است. می گویند هوشنگ، شاه عجم بنا نهاده است. قلعه اش مارپیچ است که از دست افغان و ترکمان خراب شده است و الآن خرابه زیاد دارد. و مسجد جامع دامغان را هارون الرشید بنا کرده است که در پهلویش مناری دارد [که دارای] یکصد پله می باشد که سرش خراب شده است. و طرف راست در مسجد جامع سنگی را لعن نامه کنده اند به تاریخ سنه ۹۷۹. و منار دیگر هم هست که نصف بیشترش خرابه است. و مدرسه مقابل مسجد جامع را حاجی فتحعلی بیگ قاجار ساخته است. سر دروازه اش تاریخ دارد سنه ۱۱۱۹. و ارگ مخروبه [ای] دارد که تولد خاقان مغفور فتحعلی شاه در آنجا شده است. و میرزا محمدخان سپه سالار هم دامغانی است که پسر عمویش علی نقی خان در ده طاق می نشیند. و دامغان سیصد قریه ده دارد. يك فوج سرباز به دیوان می دهند. نایب، محمد کریم بیگ [است و] مستوفی میرزا محمد سمنانی [است و] داروغه حاجی بیگ شیرازی [است]. و راسته بازار دامغان را مطلب بیگ ساخته است. و آب دامغان که در شهر جاری است، از چشمه علی می آید که در چهار فرسخی واقع است. و در آنجا فتحعلی شاه مغفور دریاچه و عمارت

بنا فرموده است. مردم به زیارت می‌روند. جای پای دلدل و نیزه‌ای که جناب مولای متقیان علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام زده است، چشمه آب روان است. و درشش فرسخی دامغان چشمه آب دیگر است. از قرار مشهور اگر نجاست بیندازند کولاک خواهد شد.

و از دامغان از راه چهار ده بیست و دو فرسخ به استرabad می‌باشد. شش فرسخ از دامغان به چهار ده است. و از راه چشمه علی شش روزه به طهران می‌توان رفت. و از دامغان به اول کویر حسینان دوازده فرسخ است. که این صحرای کویر سی فرسخ می‌باشد که شتردار از این راه به یزد می‌رود.

هرچند دامغان مخروبه است، لکن سیه‌سالار روز به روز در بناهش می‌افزاید. چند در دکان ساخته‌اند. بازهم بنا داشت که دکان و کاروانسرا و حمام بسازد. مالیات دامغان هشتصد تومان [است].

دکاکین	مسجد	مدرسه	حمام	تکیه
یکصد و چهل باب نه باب	دو باب	چهار باب	پنج باب	
امامزاده	خانه‌وار			
ده آستانه	پانصد و پنجاه خانه			

[و] چهار محله دارد: اول [محله] دباغان، دویم محله شاه، سیم محله قلعه [و] چهارم محله خوریاب [است]. شب‌گز دامغان زیاده موزی است. کوه شمالی دامغان که برف دارد، شاه‌کو [ه] است. نزدیک به غربیه، [کوه] شاه‌بار. سمت غربیه، شاه‌دار کوه [و] سمت قبله کوه‌زر [است] که

معدن زیاد دارد [و] دوازده فرسخ به دامغان است. ایضاً کوه شمال دامغان، کوه محمد حنفیه است که در اینجا آمد [و] با کفتار جنگ کرد. و ده فرسخ به شاهرود است.

میوه جات و باغات زیاد دارد. و پسته بسیار خوب و بادام کاغذی زیاد دارد. کرباس و قدک هم می‌بافند. ضابط چاپار [خانه] محمد علی شاهرودی است.

[بخش سوم]

[از دامغان به شاهرود]

[راه از دامغان به شاهرود]

از بابت راه از دامغان که ده فرسخ به شاهرود است، يك فرسخ گذشته خرابه‌ای بزرگ می‌باشد، رد شده طرف چپ کنار راه بالای تپه، قلعه خرابه‌ایست. از آنجا گذشته طرف راست کنار راه امامزاده و قبرستان می‌باشد. دو فرسخ گذشته دورتر از راه طرف چپ، دهی دارد اسمش بك^۱ است. سه فرسخ گذشته توی خیابان آب روان است که طرف راست نزدیک راه، ده مهماندوست می‌باشد. ایضاً دست راست ده دارد. و طرف چپ کنار راه ده بزرگی که قلعه و باغات زیاد دارد اسمش قادرآباد است. از آنجا گذشته می‌رسد به ده ملاکه شش فرسخ به دامغان و چهار فرسخ به شاهرود است. و چاهارخانه دولتی در آنجا است. و باغات و میوه‌جات بسیار دارد. و زیاد ده بزرگ است. از آنجا گذشته صحرای بی‌آب و علف [است].

[شهر شاهرود]

وارد قلعه شاهرود می شود که شب گز بسیار دارد. اما کاروانسرای تازه [ای] حاجی ابوطالب ساخته است و به کامپانی تاجر دولت روسیه اجاره داده است، آنجا خالی از شب گز می باشد.

حاکم شاهرود محمد ابراهیم خان پسر محمد ناصر خان ایشیک آقاسی- باشی [و] نایبش محمد تقی بیگ [و] میرزایش میرزا مهدیقلی [است]. حاکم- نشین در بسطام که از بناهای هوشنگ شاه عجم است، می باشد.

و شهر شاهرود هم از ابنیه قدیم است. دورش قلعه است و باغات زیاد دارد. که يك سمت به دامنه کوه واقع است و گذرگاه و عبور قافله و زوار از هر سمت به شاهرود می شود. وارگی هم دارد.

سمت شرقی حدود میامی، غربی تاش [و] جنوب ده ملا [است]. و در میامی ده فرسخی و در صحرای کویر بیست فرسخی، معدن سنگ مس دارد، می آورند در شهر [و] خرواری از پانزده الا بیست تومان می فروشند. و بعدهمان سنگ را در شهر آب می کنند [و] مس قرص می سازند که اجاره اش هزار تومان است. و از تاش از معدن سرب می آورند [و] در شهر يك من تبریز يك قران می فروشند.

و شش محله دارد: از جمله يك محله اش باغ زندان است [که] مقابلش تپه بلندی است. می گویند در میان تپه چاهی دارد که زندان عهد قدیم بوده است. و هوای شاهرود خوب و ملایم است. آبش [هم] از قنات و هم از چشمه می باشد که به جهت آشامیدن، آب چشمه بهتر است. هر ساله هشت نه من تبریز ابریشم [در شاهرود] به عمل می آید.

[از شاهرود] به خراسان دوازده منزل و به طهران دوازده منزل [و] به استرabad شانزده فرسخ [و] به بسطام يك فرسخ [است]. و هفتصد و پنجاه خانه دارند. مالیات [شاهرود] هزار و پانصد تومان [است].

کاروانسرا	مسجد	حمام	نکبه	دکان
پنج باب	پنج باب	دو باب	چهار باب	یکصد و
				هفتاد باب

مظنه جات [شاهرود]:

مغز بادام پوط	پنبه صدمن تبریز	روناس يك من تبریز	آهن پوط
دو تومان	سیزده تومان	يك قران	هفت هزار و دوشاهی

نان يك من تبریز	گوشت يك من تبریز	تخم مرغ شش بیضه
چهارده شاهی	سی شاهی	دوشاهی

شیر يك من تبریز	ماست يك من تبریز	کاه يك من [تبریز]
شش شاهی	هشت شاهی	دوشاهی

آلو بخارا يك من تبريز

جو يك من تبريز

بيست و پنج شاهي

دهشاهي

نان خوبي نمي پزند. امسال تاجر كامپاني به قرار ده هزار پوط پنبه و پنج هزار پوط روناس [و] هزار پوط مغز بادام كه جملتان دوازده هزار تومان [مي شود] خريد كرده است.

[بخش چهارم]

[از شاهرود به قریه جز]

[راه شاهرود به تاش]

از بابت راه شاهرود که شش فرسخ به تاش است از کتله ای سنگد
لاخ رد شده پل کوچکی دارد که طرف چپ درخت بزرگی است [و] بعد
صحرائی است. يك فرسخ گذشته طرف راست ده آبادی است، رد شده
طرف چپ، خرابه محمد آباد است که در راه آب زیاد دارد.

به مسافت چهار فرسخ ونیم از شاهرود و صحرا گذاشته داخل دره
می شود. نیم فرسخ آمده توی دره رباط تخر است که آبادی ندارد [و]
پنج فرسخ به شاهرود می باشد. از آنجا گذشته از میان دره می آید می رسد
به دره بادپران^۱ که طرف چپ به مازندران می رود، که بالای بلندی
کاروانسرای دیگر است. و طرف راست راه استرabad و تاش است.

[دهکده تاش]

که از آنجا وارد تاش می شود که قلعه چه [ای دارد] و بیرون قلعه چه

رعایا ساکنند. بیست و دوخانه وارند. هوایش ییلاق و بسیار سرد است. اینقدر ساس دارد که به تعریف راست نمی آید. صاحب رمه و گوسفند می باشند. غیر از گندم و جو چیز دیگر عمل نمی آید. و رودخانه آب هم دارد.

و [تاش] در میان کوه واقع است. و کوه سمت جنوب کوکوشان است [که] معدن سرب دارد. کوه شرقی شاهوار [است که] معدن گوگرد دارد با سنگ زغال. کدخدایش آقا رفیع و آقا محمد است. ملکش اربابی، مال آقا موسی شاهکوئی است.

[از تاش] به شاهرود شش فرسخ، به استرآباد ده فرسخ، به چهارده شش فرسخ، به شاهکوی بالا سه فرسخ، به شاهکوی پائین چهار فرسخ است [و] به بارکلا نه فرسخ می باشد.

[راه تاش به شاهکوی بالا]

از بابت راه از تاش که سه فرسخ به شاه [ه] کوی بالا است، از دماغه بادپران گذشته، از میان دره و آب به مسافت يك فرسخ از تاش طی نموده جنگل درخت سرو است. دو فرسخ از تاش گذشته کتله چالچالیان [است] که قدری سربالا و سرپائین دارد [و] يك فرسخ به شاهکو است. و آبی که که در دره روان است به بسطام می رود. لیکن از کتله سرازیر آبش به مازندران می رود [و] از راه شمشیربر از زیر پل نیکاح، داخل بحرخرز می شود. کوهاتش سبز [و] خرم [و] پائین شاه کوه چمن مرغزار است. کبک و بز کوهی و شکار کوهی از هر قسم بسیار است. و در توی دره دو آسیاب است. که طرف راست سربالای است که داخل شاه کو می شود.

[دهکده شاه‌کو]

و ملک شاه‌کو اربابی است، مال آقا موسی است. یکصد و پنجاه خانه‌وارند. و قلعه خرابه‌ای دارد [که] سه خانه‌وار ساکنند. و ساس بسیار دارد. حمام و مسجد و تکیه هم دارد. و آبشان از چشمه است که آب کمی درمی‌آید. و درخت هیچ ندارد. و زراعتشان توی دره است. سالی سه‌دست جل و نم‌د اسب، به دیوان می‌دهند. هوایش سرد و ییلاق است. گوسفند بسیار دارند. چادرشب و شله قرمز، گلیم، پلاس، جاجیم و سایر چیزها می‌بافند. زنهایشان همه جولایند.

کوه سمت شرقی، شله‌کوه و کردکوه می‌باشد. جنوب [کوه] شاه‌وار است که همیشه برف دارد و در زیرش تپه زرچال است. و به شهر استرآباد از راه زیارت‌خاصه، شش فرسخ است که راهش بد می‌باشد. و از گدوگ قوزلق^۱ به شهر استرآباد هشت فرسخ است [که] راهش بهتر می‌باشد. و به چهار ده چهار فرسخ است [و] به رادکان شش فرسخ [است].

[راه شاه‌کوی بالا به رادکان]

از بابت راه از شاه‌کوی بالا که شش فرسخ به رادکان است و همه این‌راه از میان دره [ای] می‌باشد که آب روان دارد و سه آسیاب هم دارد، می‌رسد به چمن ساور که بالای کوه ده حاجی آباد است. و راه چهار ده به استرآباد از چمن ساور است. بعد می‌رسد به يك ميل آجری که سی زرع بلندی دارد و چهل و پنج قدم دورش می‌شود. و دوره‌اش را به خط کوفی نوشته‌اند. و در میانش شب‌پره بسیار دارد و در

طرف راست [راه]، بالای بلندی واقع است. پهلویش راهی دارد [که] سربالائی است [و] می آید داخل رادکان می شود.

[دهکده رادکان]

کدخدایش آقا محمدرضا پسر آقا رحیم [است]. حاصلشان گندم و جو [و] میوه جات از قبیل زردآلو و آلوچه و انار و به و گلایی و توت با سایر میوه [ها] دارند.

به قرار شصت و پنج خانه وارند و مسجد و تکیه خوبی دارد که از بناهای بدیع الزمان میرزای صاحب اختیار پسر محمدقلی میرزای ملک آراء [حاکم] سابق مازندران است. حمام هم دارد. زیاد جای باصفا است، لیکن ساس بسیار دارد که به تعریف راست نمی آید. یا باید در صحرا خوابید و یا اینکه تا صبح چراغ باید روشن نمود.

کوه شمال مشک زار، جنوب زرشک خوانی، بین شرقی و جنوب دیاریان، شرقی زرشک چال [و] غربیه خاکستردله [است. از رادکان] هشت فرسخ به استرآباد، چهار فرسخ به کردمحل، پنج فرسخ به قریه جز [و] يك فرسخ به بارکلا است.

[راه رادکان به جز]

از بابت راه از رادکان که پنج فرسخ به جز است اول سربالائی و گل [و] خرابه [و] جنگل است. هرگاه بیست سی قدم از درختهای دوره راه را ببرند که آفتاب به زمین بیافتد، آن وقت ایام زمستان گل خواهد شد و حالا دایم الاوقات گل دارد. و چهار فرسخ سرازیر [است که] به هزارمشقت و زحمت از گل و سنگ و کتله در آمده وارد به قریه جز می شود که سواره آمدن از این راه زیاد بد می گذرد [و] باید پیاده آمد.

[دهكده جز]

و این قریه جز داخل در بلوك انزان است [و] ابوابجمع ذوالفقار-
خان انزانی می باشد. مالیات دیوان مبلغ ششصد و شصت و شش تومان
است.

و جز سه محله دارد: اول محله کردها، دویم میان محله [و] سیم مسگر-
محله [است] که دویمست و پانزده خانه وارند. و ثلث این خانه وار هزار-
جریبی [از] دسته و طایفه رحیم خان هزارجریبی است. و يك باب حمام و
مسجد و تكایا هم دارند. محصولشان شالی و گندم [و] جو و پنبه و ابریشم و
به و گردو و ازگیل می باشد. و خانه های جز را از جهت رطوبت، روی
چوب ساخته اند. و صنعت شعربافی از ابریشم و کج اینجا به پای کلباد
نمی رسد. و سنگ وزن انزان پنج من تبریز می باشد.

سه رودخانه از میان محلات جز می گذرد. کدخدایش محمدحسین است.

مظنه اجات جز به وزن تبریز:

روغن بدل پیه يك من	برنج يك من	مرغ قطعه	تخم مرغ دویضه
چهارقران و ده شاهی	چهارده شاهی	ده شاهی	يك شاهی
جو يك من	گاه برنج دسته	گوسفند [يك] رأس	
ده شاهی	يك شاهی	شش قران	

و از محله جز به سربندر و گمر كخانه نیم فرسخ می باشد و اجاره گمر كخانه
سه هزار تومان [است و] ابوابجمع عباسقلی خان بارفروشی است. و سی

نفر تفنگچی ساوری ساخلوی بندرجز می‌باشند. سر کرده [ایشان] آقا مصطفی ساوری است.

در ماه جمادی‌الثانی يك هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری در بندر جز هرچه انبار و قراولخانه و گمرکخانه و انبار قدیم که به جهت کامپانی سابق ساخته بودند و مال [و] اموال تجار و جمیع صحرا و جنگل از زیر گلوگاه الی کناره دریای جز با يك نفر چوپان و يك گله گوسفند همه را آتش گرفت [و] سوزانید. به قرار یازده هزار تومان به تجار و رعیت ضرر رسید. تازه به قرار چهارده انبار کوچک و بزرگ از نی و چوب، ساخته‌اند. و قرار گمرک از تجار دولت بهیه روسیه، يك صد و پنج [تومان] است. و از تجار دولت علیه ایران، از پنبه، يك پوط هیجده شاهی. قماش و صندوق بار، [يك] پوط چهارده شاهی. و سقطبار از قبیل خشکبار، [يك] پوط شش شاهی. روناس [يك] پوط هشت شاهی و سایر [اجناس] به تفاوت است. و امسال سه چهار سال است که از محال و بلوک انزان چوب گردوی زیاد به حاجی ترخان حمل می‌نمایند. در تاریخ سنه ۱۲۷۶ قدغن شده است که بغیر از گماشته قونسول دولت علیه ایران، حاجی میرزا یوسف خان که در حاجی ترخان است، به کس دیگر چوب گردو نفروشند.

و این بندر جز زیاد بندر خوبی است. در عرض سال شصت هفتاد فروند کشتی حمل [و] نقل بار تجارتی می‌نمایند. و امسال نوزده سال است که بندر جز برقرار شده است.

[جزیره آشوراده]

و از بندر و گمرکخانه جز به جزیره آشوراده دو فرسخ روی آب

است که گماشتگان دولت بهیة روسیه به جهت حراست اموال تجار و ولایت از طایفه ضالۀ ترکمانیه، در آنجا ساکنند.

و خانه و سر باز خانه و حکیم خانه و قراول خانه و کلیسا و انبار و دکان و توپخانه و قورخانه کلاً را از چوب و نی به ترتیب و قاعده خودشان ساخته اند. و چهارصد نفر سر باز دارند که همگی از عمل دریا و آهنگری و نجاری و نانوائی و کشتی سازی و خانه سازی و توپچی گری و سپاهی و غیره، کاملند. بزرگشان ایوان لی خرف دریایی می باشد که رو به روی خانه اش چهار عراده توپ با قورخانه می باشد که اسمش لیکورن^۱ است. و این دریاییگی يك سنگ سیاه بزرگ دارد که پشم او مثل پوست بخارائی است و پنج خوك بزرگ سیاه و سفید و ابلق در آنجا می باشد. یکی [از آنها] دوازده بچه زائیده بود.

و پشت خانه کامپانی تازه، قدری صحرا و آب بود [که] به حکم دریاییگی، او را خشك کردند. و قبرستان ایشان در میان کاله می باشد [که] مسافت [آن] يك فرسخ است.

شش باب انبار و مکازین دارد که اسباب پیرپاس گمیها و آرد سیاه و لباس سالدات^۲ و قورخانه و عرق و شراب و سایر چیزها می باشد که مقابلش بیمارخانه و دواخانه می باشد که ده تخت جای بیمار جداگانه با رختخواب و لباس کتان سفید و ظرف^۳ موجود است. و چهار نفر مستمر خدمت مریضها را می نمایند و متوجه می شوند.

و چهار باب سر باز خانه دارد [که] بسیار خوب، به قاعده روسیه ساخته اند، که تفنگها مثل آینه، پهلوی هم چیده است. و شبها دور آشوراده را

۱- به ضم کاف و سکون واو و راء و نون.

۲- در اصل: صالداد.

۳- در اصل: ظرف.

كشيك می نمایند. و در آشوراده درخت هیچ ندارد مگر چند درخت بید و انجیر جنگلی و توت [که] کاشته اند.

يك باب دكان آهنگری، يك باب دكان نجاری و استول^۱ سازی، يك باب دكان چكمه دوزی و دواب دكان نانوائی که از آرد سیاه در میان فر به جهت سرباز[ان]، نان می پزند. و رختشورخانه و حمام و شش دردكان از مسلمانان جزو قرايه، که هر چیز بخواهی دارند از قبیل: جنس مال فرنگ و قند و چائی و آرد [و] برنج و روغن و مرغ و جوجه و خشکبار و سایر مایحتاج به ماتر وسها می فروشند [و] دادوستد می نمایند.

و اهل ترکمان هم زیاد می آیند و نفت و نمک و پیه [و] قیر و ماهی حرام و یلم^۲ و غیره می آورند [و] می فروشند و دادوستد می نمایند. سالی سه چهار کشتی ماهی حرام و یلم می فروشند. و منزل خدیر خان ترکمان هم در آشوراده می باشد [و] دو آلاچیق دارد.

و دو گمی رنگ سیاه در آشوراده روی خشکی است: یکی را ناردان می گویند که دستاقخانه و منزل سالدات است. که نیم این گمی در خشکه و نیم دیگر در آب است. و گمی دیگر بر يك است که از تخته تا به کنار پل بسته اند. هر چند در خشکی است لیکن دورش آب می باشد، که آنهم منزل سرباز و آشپزخانه و توپخانه است. که چهار عراده توپ با گلوله و ساچمه پهلویش گذاشته بودند که توپها سه پوندی است. و این گمیها روی دریا حرکت ندارند. غیر از اینها گمی گاما می باشد که قبل از این آتشی

۱- استول *Ostul* «بیشتر نقاط گیلان» صندلی. فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده،

تهران ۱۳۳۲، ص ۹، س ۱. ۲- یلم *Yalam* سریشم ماهی است که برای

ساختن «ژله» یا «لرزانک» بکار می رود.

بود [و چون] زیاد کهنه شده بود [آن را] واچیدند. او را هم قورخانه و توپخانه ساخته اند.

سواى این گمبها چهار فروند گمى دولتى در آشوراده مى باشد. دو فروند آتشى، يك فروند اشكون [و] يك فروند بارج كه همه توپ و قورخانه درميان خود دارند. و ده دوازده گمى كوچك دارند كه هريكى درميانش دو ميل توپ يك پوند دارد. كه تركمان از ترس اينها هرزه گى زياد نمى نمايد، ليكن از كنار گوشه به وقت فرصت، دستبردى مى زند.

و درازاى آشوراده يك ورس^۱ و نيم [و] پهنائى نيم ورس مى باشد. و به جزيره سمت شرقى آشوراده دو ورس مى شود. و هواى آشوراده در تابستان اگر باد نباشد، جهنم است [و] زياد پشه دارد [و] از گرما آدم بسيار ناخوش مى شود. اگر باد بيايد بهتر است و پشه كمتر مى شود و آب چاهها طعم شورى دارند. و يك چاه كه سرش پوشيده است سردتر و بهتر مى باشد.

و شالى زار بلوك انزان سمت كنار دريا است. و از محله جزبه كردم حله سه فرسخ سبك است.

[بخش پنجم]

[از شاهرود به شهر استرآباد]

[راه جز به کردمحلّه]

از بابت راه از جز که به کردمحلّه [می رود]، سه فرسخ است [که]
از بالادست محلّه داخل خیابان شاه عباسی می شود. و [از] رودخانه [ای] که به
محلّه جز می رود گذشته جوی آب دیگر است، بعد [از] تخته پل و رود خشک
[و] دوره جنگل که آخر ملک جز باشد، رد شده می رسد به رودخانه پهن
سنگ لاخ لیوار^۱ که آبش به و کتفرا^۲ می رود. و دوره جنگل است [تا] می-
رسد به یک درخت کلفت بزرگ مازوی سراسر است که سی و هشت ذرع شاه،
بلندی درخت است و مشهور به درخت مازوی و کتفراست، که طرف راست
در کنار خیابان می باشد. و از سه رودخانه نزدیک هم که آب اینها به سر-
محلّه می رود، راهش خوب است. و از جوی آب دیگر هم رد شده پل
آجری حاجی ابراهیم است. سی چهل قدم گذشته پل چوبی است که آب
هر دو یکی شده به قریه باغو می رود. ایضاً جوی آب است که به کارکنده

۱- بکسر لام. ۲- بفتح واو و لام و سکون فاء.

می رود رد شده به خرابه شهر می رسد که قبرستان بزرگ دارد که از آجر خرابه- شهر، سر قبرها کار کرده اند. و امامزاده [ای] دوره محصور و سفیدکاری [دارد که] اسمش امامزاده قاسم پسر امام موسی [ال] کاظم علیه السلام است، که سرش را سفالپوش نموده اند. و آجر بسیار ریخته است و کسی نشان نمی دهد که درچه تاریخ این شهر آباد بود و کی خراب شده است. سمت جنوبی، ده سر کلاته است که بقرار هفتاد هشتاد خانه وارند، و به کوه نزدیک است. آخر خرابه شهر و قبرستان حد سد انزان و بلوک سدن رستاق است که راه جز به کردمحله نصف می شود.

صد قدم گذشته روخانه کوچک الوند کیاب است. [از آن] رد شده، دوره جنگل بزرگ است که درختهای بلند صاف هموار سر به هم آمده دارد. و از جوی آبی هم گذشته طرف راست، درخت کوندل افرا است. درخت کلفتی است [که] میانش شکاف دارد [و] در زیرش چاهی کنده اند که پهلویش سنگ ریخته است. قدری گذشته طرف چپ خیابان، راه دارد. دوره گندمزار و درخت توت [است]. و بعد رودخانه [ای] که چهارجا باید از آب گذشت، واسم رودخانه شیرداربُن^۱ است. از رودخانه و جنگل در آمده جوی آب است. و [از] شالیزار [ی] بزرگ رد شده داخل محله و خانه های کردمحله می شود.

[کردمحله]

که صاحب اختیار کردمحله، رضا قلیخان پسر مصطفی خان، است. برادرش نظر علیخان کلانتر می باشد. و خانه های کردمحله از چوب و نی است، سوای خانه های مصطفی خانی که از آجر خرابه شهر ساخته اند و

سفالپوش کرده اند. نهصد و هفتاد خانه وارند. و يك باب حمام و سه باب مسجد و پانزده باب دكان دارد. و چاپارخانه دولتی در محله بالابلوك است. منال دیوان هشتصد تومان است. و حاکم سالی هفتصد خروار شالی به وزن استراباد و سی تومان از بابت مقاطعه ابریشم، از رعایا دریافت می-نماید.

و [کرد محله] پنج محله دارد: اول بالابلوك، دویم نوسکائیش، سیم پولکی و دراز کله^۱ و چهارم ولاقوز و شیرداربن [و] پنجم سالی کنده و ملاکیله. و [رودخانه] قراسو در نیم فرسخی است که [از آن] ماهی حرام و کپور و ماهی سفید صید می شود. اجاره اش بیست تومان [است].

و خانه های کرد محله از جهت رطوبت به مثل جز، روی چوب ساخته اند. و بیشتر حاصل کرد محله برنج است. و چهارصد من تبریز ابریشم به عمل می آید. و قلیل پنبه و جو و گندم هم می کارند. و زنهای ایشان همه شعر بافند. و صورت خوب هم یافت می شود.

و کوه مقابل کرد محله، رادکان است. و کوه شرقی شا[ه] کوه می باشد. و از کرد محله به شهر استراباد پنج فرسخ چاپارخانه است. و سابق از این اهل کرد محله هزار رأس گا[و] میش داشتند. همه را ترکمان به سرقت برده است. [و] منحصر شده است به سیصد و پنجاه رأس.

مظنه^۲ جات کرد محله به وزن تبریز:

نان يك من	روغن يك من	مرغ [يك] قطعه	تخم مرغ شش بیضه
دهشاهی	چهار هزار	هشت شاهی	دو شاهی

جو يك من	كلش يك دسته	ايريشم يك من تبريز
شش شاهی	يك شاهی	سه تومان و نیم

نوکر[ان] دیوان يك صد و سی نفرند. و این کردمحلّه در جمع سدن رستاق است. و به کفشگیری سه فرسخ سبك است.

[راه کردمحلّه به کفشگیری]

از بابت راه که از کردمحلّه به کفشگیری [می رود]، سه فرسخ است. از مزرعه و رودخانه كوچك گذشته دوره جنگل [است] که تك تك درخت توت دارد، بعد صحرائی می آید. داخل خیابان می شود که دوره گندمزار و درختهای بزرگ سراسر است [و] دورودخانه دیگر است. ایضاً [از] پل - چوبی [که] زیرش آب ندارد [و] به قدر چهارپنج ذرع گسود است، رد شده جوی آب است. ایضاً جوی است که طرف راست مزرعه می باشد. مذکور شد که جای بُسقوی^۱ تر کمان است. بعد [از] تخته پل که رودخانه [ای] مثل دره است گذشته [به] دوره خیابان درخت ازگیل و انار و گندمزار و درخت شبخس^۲ و نیزار و سایر درختها، می رسد به سیاهدره که اینجا هم جای تاخت تر کمان است. قدری سرازیر رودخانه خشك است که راه از کردمحلّه به کفشگیری نصف است، می رسد به پل چوبی پایه آجر. گذشته دوره جنگل ازگیل و شبخس و خارستان که در میان جنگل قبرستان بود. به علامت سنگهای سیاه روی قبرها [که] مشهور [به] قبرستان قدیم چهاردهی است، رده شده يك مجرا رودخانه و يك جوی آب و دو مجرا رودخانه گل آلود که نزدیک هم می باشد، از میان دره می آید. و خود میان دره طرف راست دامنه کوه واقع است. به قرار

۱- بضم باء و سکون سین. ۲- درخت گل ابریشم است.

هفتاد هشتاد خانه وارند و نمایان می باشد. بعد پل چوبی و صحرایی که طرف دست چپ ده دنگلان می باشد. و طرف راست دامنه کوه ده شوریان است که شال چوخای خوب در آنجا به عمل می آید. بعد می رسد به پل چوبی که بقدر ده داوزده زرع گود می باشد و ایام زمستان این رودخانه آب ندارد، گذشته می رسد به پل آجری رد شده امامزاده روشن آباد است [که] اسمش امامزاده عبدالله می باشد که گنبدش سبز است [و] پائین ترش سفالپوش که يك تالار سفالپوش هم دارد که قبرستان بزرگ است گذشته جنگل خار و پل چوبی که طرف چپ راه، خیابان شاه عباسی است و طرف راست راه کفشگیری می باشد [که] می رسد به صحرایی و رودخانه آب که دست چپ هم رودخانه [ای] کشیده است که از کفشگیری می آید. و صحرا و کوه نمایان است. بعد درختهای توت که دست چپ تپه [ای] بلند مثل کوه می باشد. بالایش درعهد قدیم قبرستان گبرها بوده است. که داخل به کفشگیری می شود.

[دهکده کفشگیری]

که این قریه کفشگیری در جمع بلوک سدن رستاق است. خریداری و ملك رحیم خان هزار جریبی است. که عمارات رحیم خان همه سفالپوش می باشد. و يك باب مسجد و يك باب تکیه و يك باب حمام و يك درخت سرو و دو بیست و نود خانه وار در کفشگیری است. و سه در دکان هم دارد. و در دیوانخانه رحیم خان هفت درخت چنار و حوض آب دارد. و دور قریه کفشگیری را از ترس ترکمان خندق زده اند که راه آمد و شد، از راه معین باشد. و شعر بافی از قبیل چادرش و الیجه و پیراهن شیر-پنیر و شال چوخا با سایر چیزها، خوب می بافند. محصولش کمی پنبه و گندم [و] جو و زیادتیر حاصلش برنج است.

و يك صد و پنجاه من تبریز ابریشم به عمل می آید. آنچه شالی که ارباب دریافت می نماید دو بیست و بیست خروار به وزن استرabad می باشد، که دو من [و] ده سیر تبریز يك من استرabad است. و هر خروار چهل من استرabad [است].

در اینجا حساب جریب ندارد. حساب قسمت و نی است که هر نی یازده ارش می باشد. [از هر] بیست نی مربع شش خروار شالی به ارباب می دهند.

و [راه از کفشگیری] به شهر استرabad دو فرسخ و به قراسنگر [هم] دو فرسخ است.

[راه کفشگیری به استرabad]

از بابت راه از کفشگیری که به شهر استرabad دو فرسخ است، از رودخانه گذشته صحرائی است که صحرای ترکمان [از آن] نمایان است، و سمت شمالی واقع است. از جوی آب و گندمزار و طرف راست [که] تپه [ای] دارد رد شده داخل خیابان می شود. که طرف چپ کنار خیابان سه درخت چنار دارد و جوی آب است. پایین تر، ده کلاجان می باشد که يك خانه سفالپوشی دارد.

از پنج جوی آب و پل چوبی گذشته دوره خیابان درخت انار و حار [است]. قدری سرازیر مثل دره، رده شده دست چپ شالی زار و دوره گندمزار [است] که پائین تر [آن] تپه [ای] است [که] چهارصد قدم از خیابان دور است. و امامزاده سفالپوش و سه درخت چنار دارد. [امامزاده را] پنج امام می گویند که مشهور به امامزاده ورسن است.

از رودخانه و از میان جنگل گذشته رودخانه خشک رود است. و

دست چپ کنار راه يك درخت چنار دارد. و دو مرتبه هم از رودخانه انجیر آب رده که قلعه و شهر استرabad نمايان می شود که از پل چوبی گذشته دوره راه الاشهر، درخت چشم و تلوی خار است. و سه جا هم از رودخانه قدم گاه خضر علیه السلام می گذرد، که طرف راست تپه بلندی است که در عهد قدیم دولت آذرپرستان، قلعه بسوده است که مشهور [به] قلعه خندان است. الآن سوای تپه و چاهی درمیانش، آثار دیگر ندارد. که زیرش قدم گاه خضر علیه السلام و يك برج و کوره پالانه پزی قنات می باشد. که از قبرستان گذشته از دروازه مازندران که آهن پوش است، داخل شهر استرabad می شود.

[بلده استرآباد]

از بابت بلدة استرآباد كه از بناهای قدیم است يك دفعه در عهد یزید ابن مهلب بنی عباسی و يك دفعه در وزارت امیركبير میرزا تقی خان، به اهتمام محمدولیخان بیگلربیگی استرآباد، تعمیر شد. دور قلعه اش سه ربع فرسخ می شود. سی و چهار بُرج و چهار دروازه دارد كه تردد می نمایند، باز می باشد. شرقی دروازه بسطام، جنوبی دروازه چهل دختر، غربی دروازه مازندران [و] شمالی دروازه سبز[ه] مشهد [است].

و بزرگی قلعه استرآباد از شهر ساری زیاده تر است لیکن خرابه بسیار دارد. و سبزی کار[ی] و باغ [و] بستان، همه در میان شهر است. و يك هزار و سیصد و پنجاه خانه دارند. كه خانه ها سفالپوش از خشت خام است. قلیل از خانه های بربریه ها، گالی پوشی است.

[استرآباد] سه محله دارد محله اول نعلبدان [كه] بابلوچ و حاجی لر، پانصدخانه [وارند]. محله دوم سیزه مشهد كه آبادی دارد [و] سیصد و پنجاه خانه [وارند]. محله سیم میدان [كه] با قاجار و سادات، پانصد خانه [وارند]. و عمارات آقامحمدخان از آجر پخته می باشد. جمیعاً خرابه است. و توپخانه كلا مخروبه می باشد. و كوچه های استرآباد سنگ فرش و آب [در

آنها] جاری است. دو مجرا آب رودخانه دارد: یکی رود زیارت خاصه [و] یکی قنات سرخواجه.

و سیصد و نود و پنج باب دکان دارد. و کاروانسرا سه باب. مدرسه هفت باب. مساجد بزرگ و کوچک چهل و هفت باب. حمام سیزده باب.

• امامزاده‌های شهر دوازده آستانه [است به شرح زیر]:

اول - امامزاده اسحق.

دویم - امامزاده بی بی سبز.

سیم - امامزاده مرادبخش.

چهارم - امامزاده چهارشنبه.

پنجم - امامزاده دوشنبه.

ششم - امامزاده سه تن.

هفتم - امامزاده توستان.

هشتم - امامزاده قاسم.

نهم - [امامزاده] بی بی حور ، بی بی نور [و] بی بی ظهور.

دهم - امامزاده روبندبرو [که] خارج شهر است.

یازدهم - امامزاده عبدالله [که] خارج شهر است.

دوازدهم - قدمگاه خضر علیه السلام [که] خارج شهر است.

اسامی گذر نعلبدان چهار است:

اول - خیمه دوزان. ۲- پای سرو. ۳- میخچه گران. ۴- شیر کُش.^۱

[اسامی گذر] سبز [ه] مشهد شش است:

بَابُ ابْتِ

یازده هزار و سیصد و نود و هفت هفت هزار و هشتصد و خروار نود
تومان و نهصد دینار چهل و سه خروار و من تبریز
هفده من و هجده سیر دوازده ریال

والباب

ابریشم

يكمن { هفتاد و شش من و
 تبریز { دوازده سیر
 سه تومان { دویست و بیست و
 { هشت تومان و نه قران

ا ب ت

سواره و پیاده استادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوارہ چہار صد و چہار نفر

[مواجب سالیانه]

پنج هزار و دویست و بیست و دو تومان و سه قران و پانزده شاهی

انزانی جمعی	لیوانی وسیل سپر ^۱	بلوچ و حاجی لر جمعی
محمد باقر خان	جمعی اسدالله خان	میرزا بابا بیگ و محمد
۱۴۰ نفر	۹۱ نفر	خان بیگ
		۷۰ نفر

تمسکیننی	توپچی و قور-	نوکر نظام فندرسک
۷۱ نفر	خانه چی	یک فوج
	۸۵ نفر	

و خود استرabad هفت بلوک است:

اول سدن رستاق:

کریم آباد	زنکی محله	اوجابن	انجیراب	لامی لنگ
قلعه محمود	هاشم آباد	آزاد محله	للدوین	تخشی محله
قلندر محله	لَمِسْک ^۲	بانه امام	ورسن	کتاجان ^۳
			دوقریه	دوقریه
نودیجه	حیدر آباد	مهر کلاته	یساقی	پیشین کلاته

۱- به ضم سین دوم. ۲- به فتح لام و کسر میم. ۳- به فتح کاف.

امین آباد	شاده	دنگلان	دُرود محله ^۱	قاسم آباد	زروان محله ^۲
-----------	------	--------	-------------------------	-----------	-------------------------

الوار	چهارده ^۳	النک	کرد محله	سرکلانه خرابه شهر	بالا جاده
-------	---------------------	------	----------	-------------------	-----------

۵ محله دارد

قلندر عایش	خرابه مسجد	چقر	کلامون	میان دره
------------	------------	-----	--------	----------

آنگیرم ^۴	شوریان	شموشک	نوچمن	سید میران
---------------------	--------	-------	-------	-----------

دو قریه

کفشگیری	اسپوخیل	کلاسنگیان	سدن	گلوه
---------	---------	-----------	-----	------

کُرجی محله	یالو	سعد آباد	الوفه	توشن	باکر محله ^۶
------------	------	----------	-------	------	------------------------

دویم انزان:

کارکنده	باغو	سرمحله	وَلْفُرا	جز	دشتی کلوته
---------	------	--------	----------	----	------------

چوباکنده	سوته ده	نوکنده	لیوان	هشتیکه	ونوش تپه
----------	---------	--------	-------	--------	----------

استون آباد	وطنا	شاه پسند خرابه است.
------------	------	---------------------

۱- بضم دال. ۲- بکسر زاء و سکون راء. ۳- بکسر دال.

۴- بفتح الف و کسر گاف و راء. ۵- بفتح گاف و ضم لام. ۶- بفتح کاف.

سیم و چهارم - بلوک شاه کو و ساور:

شاه[ه]	کو[ی]	علیا	شاه[ه]	کوی	سفلی	تاش	چال	خانه	حاجی	آباد
راد	کان	کُند	آب ^۱	نَسُو ^۲	رسول	آباد	خراب	است.		

پنجم - استرآباد رستاق:

محمد	آباد	فوج	رُد ^۱	ولیک	آباد	رستم	کلای	سادات	رستم-
کلای	عباس	بیگ	پُل	خورده	سلطان	آباد	علی	آباد	
آلو	کلا	نارنج	آباد	مریم	آباد	اوزینه	فیض	آباد	
نصر	آباد	باغ	گلبن	نومل	جلین	علیا	جلین	سفلی	
سیاتلو	معصوم	آباد	سرخون	کلا	مرزن	کلا	عثمان	کلا	
ربیع	کلا	آهنگر	محلہ	خیرات	میر	محلہ	چوب	لانی	
ولاش	آباد	تورنگ	تپہ	شمس	آباد	قرن	آباد	سومارود	

۱- بهضم کاف. ۲- بهفتح نون وضم سین. ۳- بهضم جیم.

نوده | اتراچال | جعفرآباد | کماسی | دودانگه
۲ قریه

زیارت خاصه رود [است].

ششم - بلوک فخر عمادالدین و کنول:

حسین آباد | تقی آباد | نوده | میان آباد | جعفرآباد | کناره
علامن | برفتان | حاجی آباد | مزرعه | قوش کُرپی^۱
سنگدوین | نوده | خارکلا | کُرد آباد^۲ | جنگلده
پیچاک محله | استان | ساورکلا | سیامرکو | الازمن
آلستان | بالاچلی | پائین چلی | تاور^۳ | سیامرکو
چهجا | کَنو^۴ | خَلیندَره | نِتَرَسُو^۵ | ویسر | ریسق چشمه

۱- بهضم کاف. ۲- بهضم کاف. ۳- به کسر واو. ۴- به فتح
کاف و ضم نون. ۵- بهضم خاء و کسر لام و فتح دال. ۶- بکسر نون
و ضم سین.

هفتم بلوك فندرسك سه است:

فندرسك _____ كهس _____ از

بيست قريه

خام به بن^۱ نام تلو را ميان

نوده

سنگر كبود جامه

سه قريه

بست خانه وار يموت و گوكلان و تكه

يموت _____ تكه _____

۹۲۱۵ خانه

گوكلان _____

۲۵۵۰ خانه

تكه _____

۱۰۷۱۰ خانه

از بابت طوايف جعفرباي كه از حد قرا سنگر و سلطان آباد و كميش تپه و
حسينقلي و اوغ و چركن و اترك و بلخان محل سكنا دارند، از دروازه
الى بلوك سدن رستاق و دولت آباد ۲۲۱۵ خانه

ت _____ ا ب _____
 یار عا _____ ی _____ ۹۵۵ خانہ _____

اَنْلُقْ قوماج ابری قوماج چوگ _____
 ۲۵۰ خانہ ۱۴۰ خانہ ۸۵ خانہ

پ ر خاص آرق ک _____
 ۱۱۰ خانہ ۱۰۰ خانہ ۴۵ خانہ

کوسه ل ی ق زل سقا ل ی
 ۴۵ خانہ ۹۰ خانہ ۹۰ خانہ

ت _____ ا ب _____
 ازبابت ط وایف نور عا ی ۹۱۰ خانہ

ک م ک ر ک ر د
 ۲۲۰ خانہ ۶۰ خانہ ۶۰ خانہ

ق رنجیک پاز ق ۳ یک در
 ۲۰۰ خانہ ۱۵۰ خانہ ۵۰ خانہ

کلت _____
 ۱۷۰ خانہ

اقور جا ی حسینقلی نشین
 ۳۵۰ خانہ

طائف _____ ۱۰۲۰ خانہ _____

محمد اُنُلُق	ساریجه لی	کسه
۱۷۰ خانه	۴۰ خانه	۴۵ خانه

قانعرممه قولت قرا داشلو

۸۰ خانہ ۲۰ خانہ ۲۰ خانہ

بَابُ ت
از بابت آق [که] دو طایف ۴ اند ۶۰۰ خانه

اوزی-ن آق	قسق-ه آق
۳۲۰ خانه	۲۸۰ خانه

طایفه یلّقی و غیره ۲۲۸۵ خانه

از بابت یلّقی ۵۳۰ خانه

سقّار	وکیلّی	قیّ
۶۵ خانه	۱۹۵ خانه	۴۰ خانه

میرزا علاّی	اراضّی	انلاّی
۶۵ خانه	۲۵ خانه	۱۴۰ خانه

طایفه داز و دوجی ۱۷۵۵ خانه

طایفه دوجی که از حد آق- مشهد الی نهر گرجی سکنا دارند حد گرگان سالیان متصل به دهات کتول بلوک ایضاً	طایفه داز که از حد سلطان دوین الی آق مشهد سکنا دارند متصل به دهات بلوک فخر عمادالدین ۶۵۰ خانه
---	--

۱۱۰۵ خانه

اودک	ساریجه میوت	خیوقی
۱۴۰ خانه	۷۰ خانه	۱۰۵ خانه

کُره	ابدال و ایجکم	باقه
۱۰۰ خانه	۱۲۰ خانه	۲۰ خانه

قراچه داغی

۵۰۰ خانه

طایفه بدراق و غیره از حد نهر گرجی الی کافردوین و غیره

طایفه ایمر از کافردوین الی داشیلیم
سکنادارند متصل به دهات فندرسک و
کنیزک حد شمالی سنگرسوادگران
۳۷۵ خانه

بدراق از حد نهر گرجی الی کافردوین
سکنادارند متصل به دهات کتول حد
شمالی معبر دیکچه گران
۲۰۰ خانه

طایفه ایکدر به واسطه قلت جمعیت
در میان کوچک می نشینند
۲۰۰ خانه

طایفه کوچک از حد داشیلیم الی
قرا تیکان سکنادارند متصل به دهات
فندرسک و کنیزک حد شمالی
سنگرسوادگران
۳۴۵ خانه

خورطه

۱۵۵ خانه

استاد جوق

۱۹۰ خانه

طایفه سلاخ در میان همه طوایف
یموت می نشینند
۲۵۵ خانه

طایفه قان یقمز در بی بی-
شروان سکنا دارند و قلیلی در میان
طایفه داز می نشینند
۳۰۰ خانه

طایفه بهلکه محل سکناى آنها در
حول و حوش اترك می باشد
۲۶۰ خانه

قروتنی در اغلب اوقات در اترك و
بلخان سکنا دارند
۲۵۰ خانه

قجق تاتار محل سکناى آنها قریب به گوکلان
۴۵۰ خانه

تاتار جمعت زیاد
ندارند محل سکنا

حوزده
۹۰ خانه

یصواجی
۲۱۰ خانه

کهنکه
۱۵۰ خانه

قریب به گوکلان
۲۲۰ خانه

طایفه آتا و محذوم
۲۱۰ خانه

طایفه محذوم

۱۲۰ خانه

طایفه آتا

۹۰ خانه

۱- بضم دال دوم. ۲- بضم دال .

کوئی مجمن	اوج قونلی	قوشچی و قراشور	خرو شور
۱۱۶ خانه	۱۱۰ خانه	۱۳۹ خانه	۱۲۰ خانه

طایفه کُرگز متصل به کنارگران
۱۵۰ خانه

از بابت طوایف حلقه ه داغ ی
۱۱۷۳ خانه

طایفه چاقریگدلی حدی به سنجی -	طایفه عرب و ایدرویش متصل
بُنه متصل به حیدرآباد و دوغ -	به قراشیخ
یَلُم ^۱	۲۱۶ خانه
۴۳۱ خانه	

عرب	ایدرویش
۶۶ خانه	۱۵۰ خانه

طایفه قرابلخان متصل به قرانآباد و	ارککلی به شرح ایضاً
ساری سو نزدیک به منبع گرگان	۱۱۲ خانه
۳۱۵ خانه	

یخاری بوی لی	اشاقه بوی لی
۱۴۰ خانه	۱۶۵ خانه

غائی حد غربی متصل به مشك عنبر و
حد شرقی به مرغزار
۱۹۹ خانه

تمك	داری
۵۶ خانه	۵۶ خانه

قرن اسن	بو قججه
۴۷ خانه	۴۰ خانه

بـ ا ت
طوایف تکه آخال نشین حد شرقی آن عشق آباد و حد غربی قزل رباط و
حد جنوبی کوه متصل بوجنو [ر] د و قوچان و دره گز و حد شمالی بقوم و
خیوق ۱۰۷۱۰ خانه

تکه آخال نشین دوطایفه اندا تمیش و	تکه قوم نشین که دایماً
تقتمیش [که] در قلعه جات مفصله داخل یکدیگر	در سرچاها توطن دارند
می نشینید	و به اتک نمی آیند
۹۴۶۰ خانه	۱۲۵۰ خانه

قلعه عشق آباد	قلعه کوشی	کوکجه ^۱
۸۰۰ خانه	۴۰۰ خانه	۵۰۰ خانه

قبچاق	قلعه باقر	قلعه بابا عرب
۳۰۰ خانه	۷۰ خانه	۴۰۰ خانه

کاریز	پاریز	قلعه الله وردی
۵۰ خانه	۴۰ خانه	۵۰ خانه

خرمن	نور قلعه	هری قلعه
۴۰۰ خانه	۱۵۰ خانه	۲۰۰ خانه

کله جار	یوز مهین	ناوه
۱۰۰ خانه	۴۰۰ خانه	۴۰ خانه

مهین	مورحلی	کلاته ایشاباشی
۴۰۰ خانه	۶۰ خانه	۸۰ خانه

کلاته	ینگى قلعه	آخال
۶۰ خانه	۲۵۰ خانه	۵۰۰ خانه

آق تپه	کوک تپه	یاراجی
۴۰۰ خانہ	۴۰۰ خانہ	۳۵۰ خانہ
قراقان	درون	برزنو
۲۵۰ خانہ	۳۵۰ خانہ	۳۰۰ خانہ
مونچه	سونچ	نخور
۸۰ خانہ	۸۰ خانہ	۳۰۰ خانہ
ارچمان	بام	بورمه
۴۰۰ خانہ	۳۵۰ خانہ	۳۵۰ خانہ
قزل رباط		
۶۰۰ خانہ		

[آنچه که براسترabad گذشته و می گذرد]

و عالیجاه جعفرقلیخان ایلخانی که حاکم استرabad است زیاد از جهت نظم ولایت و حراست و نگهبانی رعایا از طایفه ضالّه ترکمانیه، بسیار ساعی و جاهد می باشد. همچنانکه در ۲۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۴ امیرالامراء العظام جعفرقلیخان باجمعی از سواره و پیاده بوجنوردی و جاجرمی و نردینی و سواره بسطامی و کوداری با فوج صارم الدوله و دو عراده توپ عدوکوب از بسطام به عزم تاخت یموت استرabad حرکت نموده شب را در چمن هفت چشمه شاه کو اقامت نموده اول طلوع صبح سوار شده از راه قوزلق به استرabad آمد.

در بین راه آنچه مترددین که به شاهرود می‌رفتند و از شاهرود به استرآباد می‌آمدند، تماماً را نگه‌داشت که خبر به استرآباد نرسد و يموت آگاه نگردد. يك ساعت از شب ۲۹ شهر مزبور گذشته پشت دروازه بسطام با جمعیت خود وارد گردید و هیچ يك از اهل استرآباد و محالات و ترکمان، آگاه نگردیدند. در همان شب بلافاصله با مشعل بسیار و فانوس زیاد از دروازه سبز[ه] - مشهد به طرف ترکمان روانه گردید. نصف از شب گذشته به آب سیاه رسید که دوفرسخ به شهر است. در آنجا بقیه از شب را اقامت داشت که آخر قشون برسد.

اول طلوع صبح از آنجا ایلغار کرده اوبه‌های دریاقلیخان که خان کل طوایف جعفربای است [را] احاطه کرد. چون قبل از رسیدن ایلخانی به آن مکان، مردان اوبه خبردار شده فرار کردند. آنهایی که توانستند عیال خود را بردند و آنهایی که نتوانستند جریده جان خود را از میان در بردند. و لشکر بنای غارت و گرفتن اسیر گذاشتند. قریب چهارصد زن و بچه و مرد دستگیر شد و اموال زیاد به دست آمد. بقرار بیست نفر از طوایف ترکمان مقتول و پانزده نفر از لشکر اعلیحضرت پادشاهی زخم‌دار شد.

مقرب الخاقان ایلخانی به قدر يك ساعت نجومی، در آن مکان ایستاد که خلق از گرفتن مال و دستگیر نمودن اسیر فارغ‌البال گردیدند، از آنجا با مال و اسیر و اسباب، پنج ساعت از روز گذشته وارد شهر استرآباد گردیدند. اسرا را در خانه‌های اهالی بلد، سپردند و مال و اسباب که لشکریان در دست داشتند، تماماً را هیچ کس از آنها مطالبه نکرد مگر اسیرها را.

بعد از آن خوانین جعفربای و اسطه‌ها تعیین کرده که در عوض اسیر - های خود اسرایی که از اهالی استرآباد در اوایل حکومت ایلخانی برده

بودند، الا مراجعت ایلخانی از طهران بدهند و اسیرهای خود را بگیرند. مقرب الخاقان معظم‌الیه قبول این معنی نکرده [و] خوانین جعفربای مأیوسانه به طرف اوبای خود رفتند. و آنچه را که منظورداشتند از خرابی استرآباد بعد از تشریف فرمائی ایلخانی به قاری قلعه، به عمل آوردند. به قریب شصت و سه ده آتش زدند. از زن و مرد دویست نفر اسیر بردند تا بعد از مراجعت ایلخانی از قاری قلعه، اسیرهای خود را از ایلخانی گرفتند. و قلیل اسیری از اسرای ولایت رد نمودند. هرگاه میرزا آقاخان صدراعظم^۱ او را متهم در نزد اولیای دولت نمی ساخت، ایلخانی تلافی مافات را از ترکمان می کرد. و بعد از آن از روی رغبت قلب در دفع ترکمان برنیامد. و جناب فضیلت و کمالات اکتساب عمدة المجتهدین علامی آخوند ملا محمد رضا زید توفیق، مجتهد استرآباد، زمانی که مقرب الخاقان ایلخانی به قاری قلعه تشریف برده بود و چه در سالهای سابق و لاحق با جوانان فرزانه و مران یگانه و شیعیان خاص جان باز از دشمن بیگانه، در زمان حرکت و شرارت ترکمان می روند در سر راهها و گذرها و جنگلها کمین می نمایند و شر آنها را از سراهالی بلد دور می گردانند. و ثبات قدمش چنان است که اگر ده نفر همراه باشد و ترکمان صد نفر روگردان نمی شود تا آن صد نفر را مقتول و یا منهزم نسازد. با وجود این نحو، روزی نمی باشد که از بلد و بلوک استرآباد ترکمان اسیر نبرد و دستبرد نزنند.

اگر سر کرده گان استرآبادی و حکام بلوکات ولایتی راست بگویند و حب الملك داشته باشند، ترکمان نمی تواند هرگز دست از پا خطا نماید و به ولایت خسارت برساند. همیشه سر کرده و حاکم این بلوک در ضد و خرابی

۱- منظور میرزا آقاخان نوری دومین صدراعظم ناصرالدین شاه است.

آن بلوك است، كه تركمان را در خفا تحريك مى نمايند به خرابى ولايت و حكومت همدیگر. و قرار باجى هم گذاشته اند [كه] دريافت مى كنند و تركمان را به بلوك خود راه مى دهند. هرگاه يکى بشوند و گذرگاهها را بگيرند و در فكر ولايت دارى ساعتى تغافل و تكاهل نورزند و عبور تركمان را مسدود نمايند، تركمان هرگز جسارت و شرارت و دست اندازى به ولايت نخواهند نمود.

[تفصيل خوانين جعفر باى]

تفصيل خوانين جعفر باى از عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه رضوان جاىگاه، تا عهد سلطنت پادشاه اسلاميان پناه ناصر الدين شاه خلدالله ملكه:

اول - محمد خان.

دويم - بعد از فوت محمد خان پسر عويش طغان قليچ خان .

سيم - بعد از فوت طغان قليچ خان، پسرش قونچه خان.

چهارم - بعد از فوت قونچه خان، سلطان محمد خان.

پنجم - بعد از فوت سلطان محمد خان، دامادش آقا خان.

ششم - بعد از عزل آقا خان، آدينه اوراز خان پسر سلطان محمد خان.

هفتم - دفعه ثانی باز آقاخان حاكم و معزول شد.

هشتم - آدينه نظر خان كه يك سال خانى جعفر باى را كرد.

نهم - بعد از آدينه نظر خان، محمد وليخان بيگلرييگى استرآباد درسنة

يك هزار و دويست و شصت و هشت درياقليخان ، پسر سلطان محمد خان رابه

خانى جعفر باى برقرار نمود كه الآن هم برقرار است.

و هر خان جعفر باى يك نفر وزير دارند. وزير اول دريا قليخان،

عمرخان بود [كه] معزول شد؛ حال مهد يقلى باى ، وزير است.

و قبل از پانزده سال قرار مواجب و مداخل خان جعفربای از بابت باج نفت چرکن بود که اقورجلی‌ها، با نوحمل کرده به ولایت استرabad و مازندران می‌فروختند [و] به خان جعفربای می‌دادند. بعد این قاعده موقوف شد. حال هرکس [که] خان جعفربای است از حکمران استرabad در عرض سال مبلغ پنجاه تومان نقد و ده خروار شالی و یک خلعت که یک ثوب جبۀ ماهوت باشد، دریافت می‌نماید. بغیر از این مداخلی ندارد و نمی‌تواند دیناری از اوبه ترکمان بگیرد. و حکم چندانی هم در میان ترکمان ندارد.

[زن ترکمان]

و زنهای ترکمان الی سی سال گتین^۱ یعنی عروس، می‌باشند [و] باید چارقد قرمز به سر خود ببندند. از سی سال که گذشت چارقد سفید سرمی‌بندند. و جمیع کارها را زنهای می‌نمایند از قبیل: [مالیدن] نمد و [بافتن] جل اسب و قالی و پلاس و خورجین و توبره و تنگ اسب و غیره.

و قاعده ترکمان این است [که] از برای زن بیوه از دختر زیاده‌تر خرج می‌کنند، بعلت اینکه می‌گویند: زن بیوه کاملتر و عاقلتر و کاردان‌تر از دختر می‌باشد. از برای دختر دویست طلا^۲ و از برای زن بیوه هزار طلا^۳ خرج می‌کنند که هر طلا^۴ سه قران بوده باشد.

و دختر اگر از حرام حامله بشود، به او چیزی نمی‌گویند. و زن شوهر-دار در صورتی که شوهرش نباشد، زنا بدهد و حمل بردارد، به او هم چیزی نخواهند گفت. هرگاه شوهر زن خود را در عمل بد بادیگری ببیند باید هر دو را بکشد، اگر به تنها فاعل و یا مفعول را مقتول نماید، او را خواهند کشت.

پسر و دختر تر کمان [که] همکدیگر را بخواهند به اوبه دیگر برده عقد می نمایند. و دختر را که می گیرند چهار و یا پنج شب خانه داماد می ماند بعد دختر را خانه پدرش می فرستند. اگر بزرگ باشد يك سال [و] اگر كوچك باشد دو سه سال باید خانه پدر بماند تا كامل و بزرگ شده آن وقت می آورند [و] سه ماه خانه شوهر می ماند، [و] باز هم [به] خانه پدر می فرستند که سه چهار سال اینطور رفت و آمد می کند تا اولاد بیاورد، آنوقت [در] خانه شوهر می ماند.

[احوال قاجار ساکن استرآباد]

احوال قاجار استرآباد نشین [که] دوازده طایفه و دو فرقه اند، که اشاقه باش و یخاری باش.

از بابت اشاقه باش که شش طایفه اند: اول - قوئلو. دویم - عضدانلو. سیم - شام بیاتی. چهارم - قرامسانلو. پنجم - زیادللو. ششم - کرلوا. از بابت یخاری باش [که شش طایفه اند]: اول - دوانلو. دویم - سپانلو. سیم - داشلو. چهارم - کهنه لو. پنجم - خزینه دارلو. ششم - قباخلو.

[قاجار در] اصل هفت طایفه بود که شاه اسماعیل به آنها خطاب قزل باش داد: اول - استاجلو. دویم شاملو. سیم - نیکالو. چهارم - بهارلو. پنجم ذوالقدر. ششم - افشار. هفتم - قاجار.

و قجر طایفه ترك بود در شام. و امیر تیمور ایشان را به ایران آورد. و در ایام شاه عباس [آنها را] سه تقسیم کردند: يك طایفه را فرستادند در گنجۀ گرجستان که دفع لزگی بنمایند. و طایه دویم را در مرو که سرحد خراسان

است، گذاشتند از جهت دفع اُزبك. و طایفه سیم را به استرآباد آوردند از جهت دفع ترکمان.

طایفه اول که در گنجه بودند، طرفداری نادرشاه کردند [و] به لقب قجرافشاری مشهور شدند [که] بعد از کشتن نادرشاه کم‌زور گردیدند.

طایفه دوم که عضدانلو باشد، در مرو فرستادند [و] در آنجا وطن ساختند. طایفه سیم که در استرآباد بودند، ادعای سطنت می‌کردند.

بزرگ فرقه اشاقه باش، فتحعلی‌خان بود که در ایام شاه طهماسب سردار کل طایفه قاجار استرآباد شد و در عهد سلطنت شاه نادر به حکم پادشاه مذکور، کشته گردید. بعد نادرشاه، زمان بیگ را که از طایفه یخاری باش بود، حاکم استرآباد نمود. و این زمان بیگ همان است که به حکم رضاقلیخان، شاه طهماسب را کشت. بعد از آن محمدحسن خان پسر فتحعلیخان مذکور، در میان ترکمان گریخت و لشکر کشیده استرآباد را مسخر کرد.

چونکه نادرشاه پادشاه بالاستقلال بود، اقامت [در] استرآباد را صلاح بر خود ندیده دوباره می‌رود به میان ترکمان می‌ماند. قبل از چهار سال از کشته شدن نادرشاه، محمدحسن خان در میان ترکمان بود. بعد از کشته شدن نادرشاه، احمد شاه ابدالی با لشکر خود و از افغانان آمدند که مازندران را مسخر نمایند و محمدحسن خان جلوگیر کرد [چنان] که احمد شاه ابدالی از دست محمدحسن خان هزیمت نمود. بعد از آن محمدحسن خان با آزاد-خان جنگ کرد و شکست داد. بعد از آن با کریم خان جنگ کرد که در جنگ اول کریم خان شکست خورده به شیراز رفت و محمدحسن خان بعد از

۱- منظور طهماسب میرزا (طهماسب ثانی) فرزند شاه سلطان حسین صفوی

گرفتن آذربایجان و اصفهان، آنوقت شیراز را محاصره کرد، لیکن نگرفت. و در میان اردوی محمدحسن خان قحطی شد و اهل طایفه زند [نیز] به ایشان اذیت می‌رسانیدند، آخر الامر بسیاری از قشون محمدحسن خان فراری شدند [و] خودش برگشت آمد به اصفهان. زیاد کم قوت شد. وقتی که به مازندران آمد، دوازده هزار نفر از عساکر محمدحسن خان باقی ماند و الباقی فرار نموده بودند. بعد کریم خان شیخعلی خان زند را با لشکر به مازندران فرستاد، وقتی که به مازندران رسید يك نفر محمد حسن خان دیگر از طایفه یخاری باش که قجر بود، طرفداری شیخعلی خان کرد [و] بسا جمعیت خود به اردوی شیخعلی خان رفت [و با او] متفق گشته به جنگ محمدحسن خان اشاقه باش رفتند. در صحرای کرادوین من محال کُلباد اشرف، او را شهید کردند [و] سرش بالای نیزه گذاشتند. و پسرهای محمدحسن خان با قوم و قبیله خود همگی فرار نموده به میان ترکمان رفتند [و] مدت چهار سال ماندند، تا اینکه به کریم خان اطاعت نمودند.

و پسرهای محمدحسن خان بزرگتر از همه آقا محمدخان بود. و آقا محمدخان همیشه طالب بود که قجر از هم متفرق نشوند و همیشه جمع بوده [و] با هم موافق و دوست باشند. چونکه خودش دیده بود که طایفه زند با هم یکی نبودند و شمشیر کشیده یکدیگر را قتل نمودند. آقا محمد خان خواست که در میان قجر این نحو سلوک نشود و همه یکی باشند. بعد که دید برادران خود به طمع پادشاهی می‌خواهند فساد بکنند چنانکه کردند، ایشان را دستگیر کرده با يك نفر سردار دیگر به قتل رسانید. و بزرگان طایفه قجر را هم به ولایات، متفرق کرد. وزن و بچه ایشان را در طهران نگاهداشت. خودش پادشاه بالاستقلال شد تا اینکه در قلعه شیشه در دست سه نفر از

نوکران خودش که اهل اصفهان و مازندران و گرجی بودند، شهید گردیدند.
حال که تاریخ يك هزار و دویست و هفتاد و پنج است، قاجار استراباد از
بلد و بلوك، دویست خانه وارند.

[بخش ششم]

[از استرآباد به شهر اشرف]

[راه از دهکده جرّ به بلوک کلباد از محال مازندران]

از بابت راه از قریه جرّ به عمارت تپه کلباد من محال مازندران که سه فرسخ است، از محله جرّ داخل در خیابان شاه عباس می شود، از دو جوی آب گذشته رودخانه چوباکنده است، و دوره خیابان جنگل، از دو پل چوبی و جوی آب رد شده رودخانه نوکنده می باشد، و قبرستان ایشان همه در سر راه می باشد، و درخت گردو و توت هم بسیار دارد می رسد به لیوان که چاپارخانه دولتی در آن جا است.

از پل چوبی و جوی آب و جنگل ملّو^۲ و کل خرابه به جرّ کلباد می رسد که حد سد استرآباد و مازندران می باشد که جای دروازه و خندق و خاگریز از دامنۀ کوه الی کنار دریا است.

و تحقیق این عبارت این است که در ایام شاه عباس ماضی در انتظام امر مازندران و استرآباد اهتمام تمام داشت. به ملاحظه تاخت طوایف

۱- به ضم کاف. ۲- به فتح میم و ضم لام و سکون واو.

ترکمانیه مقرر فرمود که از حوالی کوه متصل به اشرف البلاد تا ساحل لب دریای خزر که طولاً چهار فرسنگ است، خندقی عمیق کنند که سوار از آن نتواند گذشت. و راه عبور مازندران به استرآباد منحصر به آن معبر است. و هرگاه کسی در آن معبر می نشست راه دیگر از استرآباد به مازندران نبود. چون جرّ به معنی شکاف است، و این جرّ در حوالی کلباد واقع است، به جرّ کلباد مشهور شده، لیکن در این زمان خراب شده است. و چندین راه دارد.

[بلوک کلباد]

از جرّ گذشته داخل در بلوک کلباد است. و راه خیابان اکثر جا به دامنه کوه واقع می باشد که در این راه باغ توت و انار بسیار است، می رسد به رودخانه کُرَنَد^۱ که معدن مس و آهن و سرب دارد. از قبرستان و باغ توت و جنگل گذشته دست راست آب دنگ است. و در پایه تپه عمارت واقع است. و سربالائی می باشد که از سنگ، فرش نموده اند [که] به قدر یک میدان می شود. می رسد به بنیاد تپه عمارت که دوره خندقی حفر نموده اند که دیوارش بلند و خالکریز مثل قلعه است. از دروازه معین داخل می شود که عمارات اندرونی و بیرونی و حوض آب و حمام و دیوانخانه سفالپوش و چند در خانه های نوکران گالی پوشی است. و بیرون دروازه باغ توت و خانه های گالی پوشی می باشد. و آبش از کوه می آید. و بغیر از این راه که معین است راه دیگر ندارد. بسیار جای با صفا و دلگشا است. که صحرای ترکمان و دریای خزر و آشوراده و بندر جز و میان کاله و محلات کلباد و انزان، همه نمایان می باشد، و این عمارت تپه از بناهای میرزا محمدخان کلبادی است که

حال در تصرف رضاقلیخان و مرتضی قلیخان پسرهای میرزا محمدخان می باشد. و این بلوک کلبادشش قریه ده دارد: اوّل - لیمراس. ۲ - تیر تاش. ۳ - طیل نو. ۴ - سراج محله. ۵ - خورشید کلا. ۶ - گلوگاه. که یک هزار و هشتصد و بیست خانه دارند. و سیصد نفر تفنگچی به دیوان اعلا می دهند. که یکصد نفر از طایفه عمرانلو دسته محمد مهدیخان پسر شاهقلیخان است و طایفه عمرانلو را آقا محمد شاه مغفور از قرا داغ و قرا باغ و شکئی آورده در گلوگاه سکنا داده است.

و محصول کلباد ابریشم و برنج و گندم [و] جو و پنبه و کنجد می باشد. و درخت های نوجه توت را از کلباد به ولایات مازندران می برند. و انار شیرین هم زیاد بعمل می آید. و اهل کلباد ییلاق و قشلان دارند. و شعر - بافی کلباد مشهور است. از جمله چادرشب ابریشمی و شلوار قرمز و البیجه خوب و پیراهن شیرپنیر و سایر چیزها را خوب می بافند. [در] عرض سال دوازده پوط قرمز، بمصرف می رسانند.

و مالیات دیوان چهارصد و پانزده تومان و شش قران می باشد. و شالی زار این بلوک به کنار دریا نزدیک است. و مقبره ملا عمادالدین که دو درخت سرو دارد، در محله طیل نو [است] و امام زاده محمد در محله لیمراس می باشد.

[راه از بلوک کلباد به شهر اشرف]

از بابت راه از عمارت تپه که به شهر اشرف چهار فرسخ است، از باغ توت و گندم زار و رودخانه طیل نو گذشته دست چپ مقبره و آستانه ملا عمادالدین است که دو درخت سرو سر راست، مثل شمع دارد و قبرستان بزرگ است گذشته طرف راست امام زاده محمد است. از پل آجری

گوشه شکسته و جوی آب رد شده، امامزادهٔ سفالپوش بَلْتَنَد^۱ امام است که طرف چپ واقع می‌باشد که حد سد کَلْبَاد و اشرف است. و به‌شهر اشرف سه فرسخ می‌باشد. از پل چوبی و آجری ایضاً چوبی و پل آجری و رودخانهٔ آب و باغ توت، که طرف چپ دامنهٔ کوه قریهٔ وَلْ موزی^۲ است که آستانهٔ کوچکی است سفالپوش، اسمش امامزاده قاسم می‌باشد و طرف راست گندم‌زار قلعه پایان است.

از رودخانهٔ آب گذشته عمارت محصور محمدباقرخان انزالی [است]. و دست راست قریهٔ کَلَاک است. ایضاً قریهٔ ریکابند می‌باشد. از پل سنگی و باغهای توت و انار و گندم‌زار و پنبه‌زار و پل چوبی رد شده و دست چپ قریهٔ خلیل خیل است که رباط هم می‌گویند. که درخت سروی دارد از خیابان نمایان است. و به دامنهٔ کوه واقع است. و از قبرستان و پل چوبی گذشته قریهٔ پاسنگ است که طرف چپ خیابان است، می‌رسد به قریهٔ صارو که امامزاده عبدالله در آنجا مدفون است. گنبدش آجری است و در میانش دو مقبرهٔ بزرگ سفیدکاری است. و دو درخت شمشاد بزرگ و یک درخت زیتون دارد که بغل دو نفر می‌آید و درختهای آزاد هم بسیار دارد که بقرار هشتاد نودخانه‌وار در محله‌اش ساکنند. و به‌شهر اشرف نیم فرسخ است.

از رودخانهٔ صارو و جنگل و جوی آب و پنبه [زار] و گندم [زار] دورهٔ خیابان گذشته دست چپ [در] دامنهٔ کوه [دهی به] اسم ده علی تپه است که سی چهل خانه‌وار ساکنند. و سه سال است آبادی شده است و به‌شهر اشرف ربع فرسخ است. می‌رسد به پل آجری که پنج شش ذرع گودی دارد مال ملک اشرف است. از باغات انار گذشته طرف چپ، باغ تپه و باغ چشمهٔ شاه عباسی داخل در شهر اشرف می‌شود.

۱- به‌ضم باء و فتح لام و سکون نون. ۲- به‌فتح واو اول و سکون لام.



[شهر اشرف]

و شهر اشرف از قرار مشهور ابتدا ملکئی بود از مال و سکنه پیره. زنی و مشهور به خر کوران. شاه عباس را این ملک پسند افتاد از پیره زن اتباع فرمود، عمارات و باغات و شهر اشرف را بنا نهاد. بعد جمعیت متفرقه از ولایات آورده آبادی به هم رسانید. و در عهد سلاطین صفویه آبادان و معمور بود تا وقتی که محمد حسن خان پدر آقا محمد شاه مغفور را در صحرای کرادوین پائین دست گلوگاه، اهل این جا به خواهش کریم خان زند که او را کُشتند، قشون زندیه به این ولایت آمدند و اشرف را خراب نمودند و جمعیتش پراکنده شد. و به همان خرابی ماند تا زمانی که آقا محمد شاه مغفور از شیراز به استرآباد آمد و پادشاه شد، کم کم اشرف را آباد کرد و جمعیتش جمع شد که حال به قرار هشتصد و چهل و پنج خانه وارند.

[اشرف] چهار محله دارد: اول - فراش محله. دوم - بازار محله. سیم - نقاش محله. چهارم - گرجی محله.

پنج باب مسجد و چهار باب مدرسه [و] چهار باب تکیه و پنج باب حمام و دو باب کاروانسرا [و] هفتاد باب دکان و یک آستانه امامزاده می باشد.

حاصلش گندم [و] جو و پنبه و برنج و کمی ابریشم [است]. لیکن شکر نمی کارند. دوازده سال قبل براین اهل بارفروش يك سال آمدند کاشتند، بعد موقوف شد و امسال باز می خواهند که نی شکر بکارند. و شعر - بافی از قبیل: الیجه و چادرشب قرمز و شلوار و پیراهن شیرپنیر است. و انار شیرین بسیار خوب و مرکبات وافر است.

حاکم و سرکرده، میرزا یوسف خان پسر مرحوم میرزا مهدیخان است که دویست نفر تفنگچی به دیوان می دهند. مالیه دیوان سیصد و سی هشت تومان [است]. بعد از وضع ملك اربابی و سادات، شصت جریب ملك آبی و هفتاد جریب ملك خشکه دارد که خالصه شاهی است. و باغات شاه عباسی به دامنۀ کوه سَوْت کَلُوم^۱ می باشد. بیرون باغ چهل ستون [در] طرف راست، آب انبار شاه عباسی است که پنجاه پلّه دارد. آبش گوارا [و] شیرین و صاف و در تابستان مثل یخ سرد است که اهل اشرف به مصرف می رسانند.

[عمارت چهل ستون]

از دروازه داخل باغ چهل ستون می شود که نه مرتبه و ده حوض بزرگ و کوچک دارد. که از سردروازه الی دامنۀ کوه نهر آب و آبشار [است] که دوره تخته سنگ کار کرده اند، که همه سوراخ جای شمع دارد. درازی باغ پانصد و بیست و دو قدم [و] پهنائی باغ دویست و چهل قدم [است]. و دریاچه ای دارد که طولش شصت قدم [و] عرضاً پنجاه قدم، که در زیر عمارت چهل ستون می باشد. و این چهل ستونی که می گویند دو طرف شانزده ستون بالاتر ندارد. و حوض آب روان در وسطش دارد که سمت شرقی و غربی بالا - خانه و پائین خانه دارد. و سمت شرقی گوشۀ سقف چهل ستون تاریخ دارد

۱- به ضم سین و سکون واو و ضم کاف و لام.

سنه ۱۱۴۴.

زمانی که نادرشاه بر لشکر افاغنه استیلا یافت، عمارات شاه عباسی را خراب نموده آتش زدند. بعد [آن] را به فرموده نادرشاه چهل ستون بنا کردند. و پاره [ای] نقاش کاری را آقا محمد شاه نموده است. و درخت مرکبات و سرو بسیار دارد با چهار درخت کاج. و سمت شرقی باغ چهل ستون يك حوض دارد [که] مشهور [به] حوض هشت کُنج است. و دروازه ای هم دارد. داخل می شوی پله است، بالا می رود به باغ دیگر که تپه باغ می گویند که در چهار کنج چهار بُرج [دارد]. و درختهای مرکبات و شش درخت سرو و يك باب حمام و عمارت است. و در وسطش چهار پایه آجر است که در عهد شاه عباس تالار بود. و سمت قبله پهلوی برج شرقی، دری دارد که چهل پنجاه پله سرازیر باید رفت که طرف راست مشهور [به] باغ زیتون است که در این زمان يك درخت زیتون ندارد. و سمت شرقش مشهور [به] چشمه. باغ است که هفت مرتبه [است] و آبشار [دارد] و از میان عمارتش چشمه آب زلال صاف پاکیزه از چهار سمت روان است. و عمارت بسیار پاکیزه بی مثل ساخته بودند. و در چهار مرتبه اش نقاش کاریهای بسیار خوب، گچ بُر که گُل و بوته از گچ بریده و رنگ نموده بودند که الحال خراب و ویران است که [در آن] گاوهای اشرف منزل دارد. و چند درخت مرکبات و درخت جنگلی بسیار [دارد]. و روی حصارها درخت انجیر درآمده است. همین اسم چشمه باغ [بر روی باغ] مانده است.

ایضاً سمت غربی چهل ستون که دیوارش بلند است قدری سر بالا [است و] دروازه ای دارد. داخل می شوی باغ دیگر است که مشهور [به] عمارت اندرونی [است]. و حرم خانه شاه عباس می باشد که سه عمارت تو

در تو به ردیف هم ساخته‌اند.

[عمارات اندرونی شاه عباسی]

از سمت کوه سَوْت کُلُوم: باغ اول مشهور [به] باغ صاحب‌الزمان است که عمارت بی‌منت‌های سه چهار مرتبه بود. الحال در اطاق‌های تحتانی طویل و منزلگاه اهل دامغان و شاه‌کو می‌باشد. و در مرتبهٔ دویم اوطاق‌های بسیار خوب و [در] چهار گوشه تصویر آدم و غیره و صورت زن و مرد اهل چین و صورت زن و مرد انگلیس با لباس قاعدهٔ ایشان با مینای می، کشیده‌اند. از بسکه دود کرده‌اند معلوم نمی‌شود، باید آب زد تا ظاهر شود. و کُلّ خرابه است.

باغ دویم - در وسط باغ حرم است که يك حوض كج [و] کولی ده کُنْج بی‌آب دارد. و درخت مرکبات هیچ ندارد. چند درخت انار و توت کاشته‌اند. و عمارتش خرابه [است و در آن] اهل دامغان و غیره منزل دارند. و پشت سرباغ حرم يك حیاط کوچکی است که دو درخت نارنج و بیست و پنج درخت انار ترش دارد.

سیّم باغ شمال است که کُلّا نارنجستان و مرکبات می‌باشد. و در وسطش عمارت سه‌چهار مرتبهٔ خرابه است که طویل و منزلگاه اهل دامغان و شاه‌کوه است. که سه خانهٔ دیگر ساکنین آن‌جا از آجر عمارات شاه‌عباسی ساخته‌اند. و سمت غربی باغ شمال دیوارش زیاده بلند است بجهت اینکه صفی‌آبادی که در بالای کوه است، که چهل و هفت درخت سرو و هفت درخت نارنج دارد. و عمارات عالی شده هرگاه کسی در آن‌جا می‌ماند و نظر می‌کرد به باغ شمال که حرم پادشاه ساکن بودند، نمایان نمی‌شد.

[سه باغ دیگر]

ایضاً سمت غربی این سه باغ سه دست عمارت به همین ردیف بناشده بود: باغ اول سمت کوه، باغ خلوت. دویم - دیوانخانه که الآن از میانش چشمه آب جاری صاف زلال بیرون می آید که بسیار گوارا و سبک است [و] مشهور [به] آب بُرْزُو^۱ می باشد. سیم - سبزه میدان. که هر سه خرابه و ویران [است] که هیچ در و دیوار ندارد.

و اهل غربای اشرف [با مصالح بناهای شاه عباسی] برای خودشان خانه ساخته اند. و این باغات و عمارات مذکور را باید دید و به تعریف راست نمی آید. تا آدمی به چشم خود نبیند آنچه که به نظر رسید باید پنج کرور خرج کرد تا به مثل اول بشود.

[بخش هفتم]

[از اشرف به شهر ساری]

[قراتپه]

و از اشرف به قراتپه يك فرسخ است که یکصد و پنجاه خانه وار
افغان و اهل مازندران ساکنند که از طایفه افغان هشتاد و یک نفر سوار به دیوان
می دهند. سرکرده [آنها] محمدخان افغان است که اینها را آقا محمدشاه از
افاغنه آورده است. همگی سنّی مذهبند.

حاصل آن جاگندم و جو است [و] به سبب کم آبی برنج نمی شود. و
آب شیرین خوب ندارند. و گمر کخانه [ای] هم دارد که یکصد و بیست تومان
اجاره اش می باشد. و شاه عباس يك عمارت بسیار با صفا در قراتپه ساخته
بود، به مقابل همایون تپه صفی آباد اشرف. چنان بود که در شب روشنی چراغ
نمایان می شد. و کاسبی ایشان از نفت و نمک است که از ترکمانها خریده
به شهر ساری و اشرف می برند [و] به مصرف فروش می رسانند. و چند نفر-
شان به آشوراده داد و ستد دارند. از هر قبیل خوراکی و جنس بُرده می-
فروشند و در آشوراده دکان هم دارند.

و از قراتپه به میان کاله يك فرسخ و به حسین آباد که سمت غربی قراتپه، در يك فرسخی واقع است منزل عبدالملکی می باشد که امسال سنه ۱۲۷۵ دو سال است [که] طایفه عبدالملکی ها را حسب الحکم میرزا آقاخان صدراعظم، از نور و کجور کوچانیدند [و] در این محال سکنا دادند. به قرار ششصد و پنجاه خانه وارند. و دو یست نفر نوکر سوار به دیوان می دهند. سرکرده [ایشان] محسن خان صورتیج است. و همه ایشان زراعت کارند. گیر ایشان بیاید دله دزدی [هم] می نمایند. و اصلشان از فارس می باشد. و آخر سکنه عبدالملکی ها زاغ مرز و چهار امام است. و از قراتپه به زاغ مرز و چهار امام دو فرسخ و به نوذرآباد سه فرسخ و به فرح آباد پنج فرسخ است. که اینها نزدیک به کنار دریا می باشد. و شهر اشرف بسیار جای با صفا واقع شده است. [و] نسبت به سایر جاها همه چیز ارزان می باشد. و چاپارخانه هم دارد. و از شهر اشرف به شهر ساری هشت فرسخ و به نیکاح چهار فرسخ [است].

[راه اشرف به نیکاح]

از بابت راه از اشرف که به نیکاح چهار فرسخ است، از باغات اشرف درآمده طرف دست چپ همایون تپه شاه صفی است. بعد محله قادی. کیاب می باشد که سی و چهل خانه [وار] گرای لی ساکنند. گذشته دست راست امامزاده و محله زیربان است، قدری سربالا دست راست تپه [ای] است که نوچه های درخت زیتون دارد، سرازیر [از] تخته پل گذشته طرف چپ آسیاب است [که] مال محله تروجن است. و پل سنگی کوچک [و] دوره خیابان درخت توت و انار، می رسد به رودخانه کهنسان^۱ که به اشرف

يك فرسخ است که چهار باب طویله و کاروانسرای گالی پوش دارد. گذشته خیابان سر راست که دوره گندم زار و درخت توت [است] که دست چپ امام زاده نمایان رستم کلا است، می رسد به قریه کُلیت^۱ که آخر بلوک پنجهزاری می باشد که قبرستان هم دارد. به قرار نود و پنج خانه وار طالش ساکنند که هشتاد نفر تفنگچی به دیوان می دهند. از جمله سی خانه وار طالش در شهر اشرف ساکنند. سر کرده ایشان خان باباخان است که اینها را آقا محمد شاه از ولایت لنکر کنان آورد به قریه کُلیت ساکن ساخت [که] خالصه شاهی، تیول نوکر طالش است. گذشته دامن کوه چشمه آب صاف است که شور می باشد. و طرف راست پائین تر اسم ده شور آب سر می باشد. گذشته ایضاً شیطان محله و میان کوله است. می رسد به محله ورودخانه چاله پل که سی و چهل خانه وار گرای لی سکنا دارند رد شده، واز شش جوی آب و پل آجری گذشته دست چپ آب دنگ سر است. [که در آن] شش خانه وار گرای لی ساکن است. و اینها داخل در بلوک میان درود و قراطغان است.

و طرف راست دهات گلستان و عمارت سرو محله جعفر آقا و سیاه و ش کلا و نارنجک باغ و پل دو چشمه بزرگ نیکاح است، گذشته محله قزلئی^۲ است که طایفه گرای لی سکنا دارند. و آب رودخانه نیکاح از شمشیر بر^۳ می آید و از چمن گوهر باران داخل دریا می شود. و معدن آهن در این رودخانه می باشد.

و نیکاح چند محله دارد از جمله: اومال و قلعه سر [و] دوغانلی [و]

۱- بهضم کاف و سکون تاء. ۲- بهضم قاف و تشدید لام. ۳- بهضم باء و سکون راء.

نوديك و قزلّی که طایفه گرای لی ساکنند. و طایفه گرای لی را آقا محمد-
شاه از گالپوش کنار گرگان آورده است. تکلم به زبان ترکی ترکمانی
می نمایند. دوست و چهل سوارند [و] ابوابجمع نورمحمدخان قجر است.
و سه نفر سر کرده دارند: یکی نظرخان بزرگ [با] صد سوار، و نظر
خان کوچک [با] هفتاد سوار، و هاشم خان [با] هفتاد سوار، ابوابجمع دارند.
و جمع نوکر ترک از گرای لی و اصانلو و قلیچلی و افغان پانصد سوارند. و در
نیکاح، اهل مازندران کمتر ساکنند، بیشتر گرای لی است و این ملک خالصه
شاهی، تیول نوکر است.

و محصول نیکاح، گندم و جو باپنه و قلیلی ابریشم و نی شکر می باشد.
و سمت شرقی نیکاح قراطغان است. از نیکاح به قراپه دو فرسخ و به شاطر-
گنبدی دو فرسخ است و به شهر ساری چهار فرسخ و به کنار دریا سه فرسخ است و
به سمیس کنده خالصه شاهی تیول عباس قلی میرزا، دو فرسخ و نیم می باشد.

[راه از نیکاح به سمیس کنده]

از بابت راه از نیکاح به سمیس کنده که دو فرسخ و نیم است از محله
قزلّی و [از] پل سنگی کوچک و باغ توت رد شده، دست چپ کنار
خیابان [در] دامنه کوه قبرستان و امامزاده سفالپوش [است] که يك درخت چنار
کوچک دارد. [اسمش] امامزاده عبدالله است. از جوی آب گذشته دست
راست نوديك است که تپه ای دارد، می رسد به چشمه سرولیجی که مرداب
کوچکی دارد [که] دست راست واقع است. و باغ توت و تپه بزرگ هم
می باشد. و از چهار پل چوبی گذشته میان خیابان به قلدر سیصد [و] چهار
قدم آب است و دوره مرزعه می باشد [و] مال قریه اثرم است.
و گذشته از پل چوبی دست چپ کنار خیابان روی خشکی، پل

آجری يك چشمه [ای] دارد مشهور [به] پُل سورك است. بعد تخت پُل دار-
كله رود است. و طرف چپ میان درّه کوه، دهی است [که] اسمش داراب-
کلا است که مال اسکندر میرزا می باشد.

از قرار مشهور پادشاهی بود داراب نام، قلعه و عمارتی بنا نهاده بود
الآن هیچ آثاری ندارد جز اینکه پنجاه شصت خانه وار رعیت ساکن است.
و طرف راست قریه سورك است [و] مال آقا عبدالله ارباب می باشد.
و دوره خیابان گندمزار و پنبهزار می باشد. و راه خیابان از دامنۀ کوه
است، می رسد به تخته پل که آبش به بادیلۀ می رود. و طرف چپ میان کوه،
قریه لالیم است.

از دو تخته پل دیگر گذشته طرف راست کنار خیابان، شاطر گنبذی
است که به شهر ساری دوفرسخ و به نیکاح [هم] دوفرسخ [است]. از قرار مشهور،
شاطر و پیاده دهنۀ جلو شاه عباس بود و زیاد تَنَد رفتار داشت. و پادشاه از
اشرف می آمد، با او عهد کرد که اگر با این سمند تیزك تَنَد خرام در سر
تاخت، عقب نیفتادی دختر خود را بتو می دهم و گرنه ترا خواهم کُشت.
براین قرار شد و شاه بنای تاختن اسب را گذاشت و در همه جا پیاده همراه
بود و پیشاپیش می دوید.

پادشاه در فکر شد که چگونه دختر خود را به شاطر بدهم که روح را
صحبت ناجنس عذاب است و الیم. فکری به خاطرش رسید، در سرتاخت و
شاطر گرم عرق، تازیانه را از دست بدور انداخت و با دم به شدت می وزید،
همین که شاطر از رفتار ماند و خم شد که تازیانه را بدهد، همان ساعت خُشك
شد و جان به جهان آفرین تسلیم کرد. پادشاه فرمود که گنبذی از جهت یادگار
در سر قبرش بنا کردند، الله اعلم.

[دهكده سمس كنده از بلوك اندرود]

از شاطر گنبذی گذشته دست راست راهی دارد که از خیابان سوا می-
شود و از میان مزرعه علوی کلا داخل سمس کنده می گردد که سمس کنده
خالصه شاهی تیول عباسقلی میرزا است [و] در جمع بلوك اندرود می باشد.
مالیه دیوان پانصدو بیست و شش تومان [و] يك قران [است].
و [اندرود] چهار محله دارد:

اول - سمس کنده، نود خانه وارند و يك تپه بلند مثل کوه سمت
شمالی دارد.

دویم - شیخ محله، شانزده خانه [وارند].

سیم - علوی کلا، پانزده خانه [وارند].

چهارم - بادی له، بیست خانه [وارند]. که جمع خانه وار سمس کنده
یکصد و چهل و يك خانه وارند و سیصد و چهل جریب ملك آبی و دیمی دارد.
محصولش شالی و گندم و جو و شکر و پنبه و ابریشم است. در
عرض سال سه هزار و پانصد بار اسب شالی و چهارصد و هشتاد بار گندم
[و] جو و چهل بار شکر و شصت بار پنبه و سی من تبریز ابریشم به عمل
می آید.

دریافتی مباشر از يك جریب زمین، پنج خراور شالی و مبلغ پنجاه
تومان نقد از بابت مقاطعه گندم [و] جو و مبلغ بیست تومان وجه مقاطعه
ابریشم [است].

و از هر جریب پنبه، پنج من و مبلغ سی و هفت تومان از بابت مرتع و
علف چر، از چوپانان هزار جریبی دریافت می کنند. و از نی شکر قرار
مشخص ندارد هرچه تعارف بدهند.

و هرنفر رعیت که زن می‌برند پانزده قران الی دو تومان از بابت شیرینی به‌ارباب می‌دهند.

و امسال سه سال است که تخم برنج پیشاور را عباسقلی میرزا می‌دهد رعیت می‌کارد، سالی سی خروار به‌عمل می‌آید. لیکن بسیار کم حاصل است [و] از برای رعیت صرف ندارد. شاهزاده مزبور بخصوص برای خودش می‌کارد. بسیار برنج خوب است که به جهت قبله‌عالم به‌طهران و از برای حاکم به‌ساری می‌فرستد.

و از ده زرع زمین مربع پانزده من تبریز پنبه و بیست من تبریز شکر به‌عمل می‌آید به‌شرطی که زمینش خوب و مرغوب باشد. و زمین شکر ریگ بوم و زمین پنبه نرم باید باشد.

و سه خانه‌وار کرد مَدانلو و سه خانه‌وار ترك حاجی لر در سمیس - کنده ساکنند. و امامزاده [ای] هم در سمیس کنده می‌باشد [که] سفالپوش است [و] يك درخت سرو دارد. اسمش امامزاده حسن است. به‌شهر ساری يك فرسخ و نیم است.

[راه سمیس کنده به‌شهر ساری]

از بابت راه از سمیس کنده که يك فرسخ و نیم به‌شهر ساری است، از میان مزرعه و صحرائی گذشته داخل خیابان می‌شود. محله طرف چپ بلند اوجا می‌باشد که دور خیابان هشت در دکان و پل و جوی آب و طرف راست ده نمایان، ذوغال‌چال است. يك آستانه امامزاده در آن جا می‌باشد. از جوی آب و شتر گلو دوره خیابان [و] مزرعه و پل كوچك [گذشته] می‌رسد به آزاد کلا که چهارده دکان گالی پوش و پل كوچك و آب انبار دارد. و مقبره امامزاده عباس [با] گنبد آجری در آن جا است. و این آزاد کلا خالصه

شاهی در جمع بلوك اندرود [و] تيسول دوست عليخان معيرالممالك است. و در زمستان گوسفندهای هزارجریب رابه این ولایت زیاد می آورند و مرتع و علف چرشان اینجا است. و در کنار رودخانه و پل تیجن واقع است. و این پل تیجن هفده چشمه دارد که آقا محمد شاه بنا نهاده است و آبش از کوهات هزارجریب می آید و از فرح آباد داخل دریا می شود. و يك صد قدم فاصله در میان رودخانه، آثار دو پایه پل آجری است که در عهد شاه عباس پل بوده است. و دو میل آجری در اول این پل برقرار می باشد. گذشته از پل، در جمع میان رود است. از هفت پل كوچك دیگر گذشته می رسد به آب دنگ سر که طرف راست واقع است که طویل و کاروانسرای گالی پوش دوره ساخته اند که اهل قرزی هزارجریب در زمستان، در اینجا قشلاق می نمایند. گذشته طرف چپ کوره آجرپزی و باغ نارنج که يك باب تالار سفالپوش دارد. و از پل سنگی گذشته از دروازه داخل قلعه و شهرسازی می شود.

[شهر ساری]

که شهر ساری دارالحکومه حکمران مازندران می باشد والحاله
هذه که سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری است حکمران مازندران
نواب مستطاب شاهزاده کامکار لطف الله میرزا می باشد. و شهر ساری از
شهرهای قدیم و از بناهای کیومرث است. و آقا محمد شاه مغفور قلعه دور
ساری را با گیل ساخته بود و مرحوم رضوان جایگاه فتحعلیشاه در جلوس
خود به قرار سی زرع بزرگتر و از آجر ساخت. و همیشه مرحوم محمد
قلی میرزای ملک آرا تعمیر می کرد و در عصر هر پادشاهی تعمیر می شد.
و ملک آرای مذکور در بیرون شهر [در] سمت جنوب، باغی بنانهاده است
که عمارت اندرونی و بیرونی، و در وسط کلاه فرنگی، و اشجار مرکبات و
درخت سرو بسیار و آب روان می باشد. هرگاه تعمیر نشود خرابه خواهد
شد. مثل باغ شاه عباس که در شهر می باشد که درخت مرکبات و سرو
دارد لیکن بی در [و] دربان خرابه افتاده است.

و دیوانخانه شهر ساری از بناهای آقا محمد شاه است. يك درخت
خرمای بزرگ دارد که حاصل می آورد، دانه دار و شیرین نمی باشد. و
چهار درخت چنار، و دو درخت سرو، و درخت مرکبات و حوض آب

دارد. و عمارت اندرونی از بناهای ملك آرا است. و قلعه چهار دروازه داشت که الآن خراب است.

و [ساری] چهار محله دارد: اول - اُصانلو. دویم - چاله باغ. سیم - سی‌الم‌سر که مشهور [به] سیلاب سراسر است. و این سه محله حیدری می‌باشند. و محله چهارم - میر مشهد [است] که از همه بزرگتر [و] نعمتی است. یک هزار و هفت صد خانه دارند.

[و] [ساری] شش باب مسجد دارد از جمله مسجد جامع است که در عهد قدیم آتشکده بود که روبروی در كوچك سمت غربی، علامت گاه قبر فریدون است که هیچ آثار و مقام و مقبره [ای] ندارد. مشهور است که در این مکان بوده است. پنج باب مدرسه [و] چهارده باب تکیه [دارد].

و امامزاده‌های مشهور ساری: امامزاده یحیی پسر امام موسی کاظم علیه السلام و سیدزین العابدین و سید ریکایی است.

چهار باب کاروانسرا دارد. يك باب کاروانسرای شاه است که امسال به دستاری محمد حسن خان وزیر مازندران به اتمام رسیده است که سه دالان و حجر [ه] های مقطع و حوض آب جاری در وسط [دارد] که در کُلّ مازندران اینطور کاروانسرا ندارد.

چهار صد و ده باب دکان و چهارده باب حمام [دارد]. که در جمیع شهر ساری و کوچه‌ها و مساجد و خانه‌ها و حمام، کلاً آب جاری است. و کوچه‌ها سنگ فرش است.

و آب و هوای ساری از بار فروش بهتر است. مالیات شهر ساری يك هزار و دو بیست تومان است.

و نوزده قسم مرکبات در شهر ساری می باشد: اول - نارنج.
 ۲- لیموی ترش. ۳- لیموی شیرین. ۴- پرتقال. ۵- نارنگی. ۶-
 توسرچ. ۷- توسبز. ۸- مینا. ۹- لیموی عباسی. ۱۰- پتای.
 ۱۱- ترنج. ۱۲- بادرنگ مغز شیرین. ۱۳- بادرنگ مغز ترش.
 ۱۴- بالنگ. ۱۵- سلطان مرکبات. ۱۶- پُن پَهْنا. ۱۷- نافه.
 ۱۸- دارابی. ۱۹- لیموی شاهی.

به قرار يك صد و پنجاه خانه وار ترك اُصانلو که آقامحمد شاه از خوار
 [و] ورامین آورد، در شهر سکنا دارند. سی و پنج خانه [وار] قلیج لی، و
 سی و پنج خانه [وار] بلوچ، و سی خانه وار افغان در شهر ساکنند و مشهور
 [به] تُر کند. پانصد نفر سوار به پادشاه خدمت می نمایند.

و در بلوکات اندرود، میاندرود، و قراطغان هم ساکن می باشند. و
 گرای لی در جمع ترك است. و پانصد نفر سوار کُرد می باشد از طایفه
 جان بیگلر و مدانلو، که جملتان هزار نفر نوکر سواره است. [و سر کرده
 ایشان] سرتیپ نورمحمد خان قجر است.

مشهور است که در شهر ساری گنبد حسام الدوله برقرار بود. مغفور
 آقا محمد شاه دوسه توپ به گنبد زد، خراب نشد تا اینکه چهل سال قبل
 از این، ملک آرا محمدقلی میرزا [آن] را خراب نمود. و اکثر بناهای
 عمارت ساری از آجر گنبد حسام الدوله است.

زمانی که گنبد حسام الدوله برقرار بود دایم الاوقات باد زیادی در
 شهر ساری داشت. بعد از خراب نمودن گنبد موقوف شده است. لیکن در
 دو فرسخی ساری در دو مکان: یکی ویزا یکی تاکو، دو چاه دارد

که همیشه از این چاه‌ها باد زیاد بیرون می‌آید.

و دیگر گنبد سلمتور در پشت سر امامزاده یحیی و سید زین‌العابدین برقرار بود که الآن مخروبه است. و این سلم و تور با ایرج هرسه پسران فریدون گبر پارسی [و] پادشاه ایران و توران و روم بودند.

فریدون مملکت ایران را به ایرج داد و [اورا] ولیعهد خود ساخت. و ترکستان را به تور، و روم را به سلم و آگزار نمود. هر کدام مملکت خود را تصرف نمودند و بعد حسد بردند که چرا ایرج ولیعهد شده [و] ایران را داشته باشد. سلم و تور به اطلاع همدیگر لشکر جمع آور[ی] نموده [و] در ظاهر رواج دادند که به دیدن ایرج می‌رویم، تا اینکه هردو وارد ورامین، من محال ری می‌شوند. و پایتخت فریدون و ایرج در ساری بود. عریضه خدمت پدر انشاء می‌نمایند که ما را آرزوی دیدار برادر خود ایرج است، روانه فرموده تا دیدن نمایم. به محض وصول نوشته، ایرج تدارک خود را دیده روانه به خدمت برادران می‌شود. به ورود، هردو برادر ایرج را کشته مراجعت به ولایت و حکومت خودشان می‌نمایند. و این خبر وحشت‌انگیز که به فریدون می‌رسد تاج شاهی را بر زمین می‌زند، گریه و زاری می‌کند. در آن حال به فریدون خبر می‌دهند که حرم ایرج آبستن است.

بعد از چندی دختر ماه منظری متولد می‌شود [و] بعد از بلوغ به یک نفر از کسان خود شوهر می‌دهد تا اینکه منوچهر بوجود آمد.

بعد از بلوغ و رشد کمال، منوچهر نایب مناب و ولیعهد فریدون می‌شود. دوباره این خبر به سلم و تور می‌رسد. باز هم لشکر کشیده به ورامین می‌آیند، و نوشته [ای] به جهت فریدون می‌فرستند که ماها از کرده پشیمان شده ایم. منوچهر را فرستاده تا با او بیعت نمایم. بعد از رسیدن و خواندن

نوشته، منوچهر لشکر برداشته روانه ورامین می شود که سلم و تور می خواستند منوچهر را به قتل برسانند. منوچهر مطلع شده هردو را به قتل رسانید [ه] و سرایشان را بریده در ساری از برای فریدون می فرستد. و فریدون مقرر نمود که دو گنبد بسازند [و] این سرها را دفن نمایند. از قرار [به] فرموده عمل نمودند و دو گنبد ساختند که حالا خرابه [است] و علامتی ندارد.

حکایت می کنند که در عهد قدیم يك نفر از اهل ساری به هندوستان رفت. شخص جوکی از اهل هند ازو پرسید: که کجایی هستی؟ گفت: مازندرانی. پرسید: کدام شهر؟ گفت: شهر ساری. پرسید: گنبد سلم [و] تور در شهر ساری برقرار است؟ گفت: آری. شخص جوکی با او قرار نمود که خرج رفتن و آمدن او را با هزار تومان پول بدهد با يك نوشته که برگردد بیاید در شهر ساری در میان گنبد سلم [و] تور سر خود را پائین گرفته نوشته را بخواند و سر بالا نکند، به جهت اینکه پرنده زیادی از گنبد در آمده پرواز می نمایند. بعد که صدا موقوف شد از پی کار خود برو [د]. مازندرانی قبول کرد [ه] مراجعت به ساری نمود. نوشته جوکی را برداشته در میان [دو] گنبد، بنای خواندن را گذاشت و سر بالا نکرد و صدای پرواز پرندگان را شنید، ترسیده سر بالا کرد که همان ساعت به قرار يك کوزه پول به زمین ریخت. شخص مازندرانی برای خود برداشت. بعد معلوم شد که در گنبد پول بود و جوکی هند از طلسم گنج سر رشته داشت [و می خواست گنج] به این شیوه به هندوستان برد. الله اعلم به حقایق الاحوال.

و مقبره شاه غازی رستم الآن در شهر ساری برقرار می باشد.
و باروت کتل ولایت مازندران از شهر ساری است. و شوره
باروت از سمنان و دامغان است.

طریقه ساختن باروت شوره: پنج من گوگرد، یک من ذغال، یک من قدری پُر زورتر، شوره را شش من میگیرند. و [در] سایر جاهای مازندران باروت درست می نمایند [ولی] به پای شهرساری نمی رسد، که از باروت قزوین هم بهتر می شود.

[بلوکات ساری]

بلوکات ساری سمت کوه گلیجان رستاق مال میرزا مسیح مستوفی است. حاصلش برنج و گندم [و] جو و پنبه و شکر بسیار دارد. به قدر سیصد من ابریشم بعمل می آید.

بلوکات شرقی، اندرود [و] میاندرود [و] قراطغان برنج و گندم [و] جو و پنبه و نی شکر بسیار است. و نهصد و پنجاه من ابریشم بعمل می آید. خالصه شاهی، نیول نوکر و آقایان قجراست. و ملک اربابی کم دارد. و رودخانه بزرگ شمشیربُرا از میان میان درود و اندرود و قراطغان می گذرد معدن آهن دارد که رودخانه نیکاح باشد. و شکر کمتر بعمل می آید.

بلوک سمت شمالی دریا، شرخا است و میاندرود که فرج آباد و سایر دهات داخلش می باشد که بیشترش خالصه شاهی است. حاصلش گندم [و] جو و پنبه و نی شکر و برنج می شود. به قسار هزار من ابریشم بعمل می آید. و مرغ و ماهی بسیار دارد. پرمغابی را یک من سه قران الی چهار قران می فروشند. و رودخانه بزرگ تیجن از میان درود می گذرد که آبش از شش دانگ هزار جریب می آید و از فرج آباد داخل دریا می شود. و به شهرساری نیم فرسخ است که معدن آهک دارد لیکن دربالا معدن بسیار دارد.

بلوك سمت غربی، علی آباد و کیا کلا و قادی کلا [است] که معدن نی شکر و ابریشم و گندم و [جو] و پنبه است و برنج کمتر می باشد [و] مساوی سه هزار و یکصد من ابریشم بعمل می آید که خالصه شاهی است. به شهر ساری چهار فرسخ و به بار فروش سه فرسخ [است]. و رودخانه تالار از کنار علی آباد می گذرد. در تالار پیه و علی آباد شکر زیاد بعمل می آید.

اسبه ورد شوراب میانه ساری و بار فروش [و] نزدیک به کنار دریا است. حاصلش ابریشم و پنبه و نی شکر و برنج و گندم [و] جو و کتان می باشد. خالصه شاهی است [و] ملك اربابی کم دارد.

طریقه کاشتن پنبه و نی شکر بدین قرار است: در زمستان زمین پنبه را شخم می کنند تا برف و یخ بزنند [و] دوباره در بهار شخم دیگر زده [و] در ماه حوت تخم پنبه را می کارند [و] در اواخر میزان پنبه را می چینند. و زمینش باید نرم باشد.

و زمین نی شکر را باید بکنند. در ماه حوت نی شکر را بند بند بریده توی زمین می خوابانند و در اواخر میزان بریده ابتدا به پختن می گذارند که در عقب و قوس تمام می شود. و زمینش باید ریگ بوم باشد. و در مازندران زمین پنبه و نی شکر و گندم [و] جو را آب دستی نمی دهند باید از آب باران شیراب شده بعمل بیاید.

و از دور حوالی ساری عتاب تازه بسیار می آورند و در شهر يك من پنج شاهی می فروشند و خشك مثل ولایت خراسان نمی شود. و این احوال بلو کات دشت ساری است که مارهای سفید [و] سیاه [و] قرمز و ابلق و خاکی و غیره بسیار دارد، لیکن گزنه نمی باشد. و قرقاول در این بلو کات

بسیار است.

و يك بلوك رزین آباد است [که] به شهر ساری دو فرسخ [است]. مال حاجی مصطفی خان صورتیج است که سیصد نفر تفنگچی قراچوخوا به دیوان اعلی می دهد. و در آن جا شال چوخوای بسیار خوب می بافند که تارش از کج^۱ و پودش [از] پشم است. و پشم اندر پشم هم می بافند. و عبای بسیار خوب از نخ کش خالصه شاهی بعمل می آید [که] آن هم خوبش تار کج و پود پشم است. و عبادوز در شهر ساری بسیار است که دور^۲ پشت یقهر^۳ باسوزن و قلاب گلابتون می دوزند. یکی از يك تومان الی چهار تومان می فروشند.

و لباس و پارچه [ای] که در ولایت مازندران می بافند از ابریشم و کج: المیجه و چادر شب قرمز و پیراهن شیرپنیر و شلوار قرمز و دستمال و چارقد و پیراهن زنانه و غیوه. و از کتان: شال کمر و چارقد و دستمال گلابتونی و ساده باشمد و پیراهن و غیره. و از پشم: شال چوخوا و عبا و کل نمد و جاجیم و نمد زیرپا و غیره. و از پنبه: کرباس و غیره است. و بلوکات شش دانگ هزار جریب، از مقابل جرّ کلباد سمت جنوب می باشد.

اول - هزار جریب چهار دانگه [که] در دست محمدرحیم خان پسر مهدی خان است. نوکر پیاده خارج نظام سیصد و بیست و دو نفر به دیوان خدمت می نمایند. مالیات [آن] ششصد تومان است. حاصلش گندم [و] جو و جاورس و روغن و پنیر و کشک بسیار است. و در رودبار کشت^۴ قدری

برنج می‌شود. تخمین به‌قرار يك کروورگوسفند و گاو دارند. و کنه و ساس زیاده از حد است. ومله اکثر جاهاش بهمی‌رسد. و مارهای گزنده بسیار دارد. و ببر و پلنگ و روباه و خرس و گرگ و موش کوهی و گاو کوهی و مرال و شکار کوهی از قبیل: بز و قوچ و قرقاول و کبک بسیار دارد. و حاکم نشین [آن] یانه‌سر می‌باشد.

هزار جریب چهار دانگه نجفقلی‌خانی، پسر عموی محمدرحیم خان [و] نوه حاجی محمدتقی‌خان [است]. نوکر پیاده خارج نظام دویست و هشتاد [و] پنج نفرند که به دیوان خدمت می‌نمایند. حاصل و ملک و زراعت کلاً با سایر چیزها موافق هزار جریب مهدی‌خانی است. [و] حاکم نشین [آن] سرخه کریه می‌باشد.

و هزار جریب چهار دانگه محسن خان. نوکر پیاده خارج نظام دویست و پنجاه و سه نفرند. محصول و ملک و زراعت و گاو [و] گوسفند و شکارگاه و غیره موافق هزار جریب نجفقلی‌خانی است. و در اشروستاق^۱ کنف‌ریسمان [و] شهدانه زیاد می‌کارند. و در سایر جاهای مازندران هم می‌کارند لیکن به پای اشروستاق نمی‌رسد.

هزار جریب دودانگه اکثرش خالصه شاهی است. نوکر پیاده خارج نظام سیصد نفرند. [و] سر کرده ابراهیم خان است. محصولش گندم [و] جو و جاورس و شلتوک و روغن و پنیر و کشک بسیار. و از میوه جات سیب و آلوچه و آلوی سیاه و آلبالو و گلابی بسیار دارد. به‌قرار سه کروورگوسفند و گاو دارند. و کنه و ساس زیاده از حد است. ومله اکثر جاها بهمی‌رسد. و مارگزنده و جانور درنده و شکار کوهی از هر قسم وافر است. اما ابریشم و

پنبه ندارند. مالیات [آن] یک هزار و هشتصد تومان است.

و بلوک شیرگاه پانزده قریه می باشد. مبلغ یک هزار پانصد تومان منال دیوان می دهند. تیول آقا محمد حسن صندوقدار شاهسی است. محصولش شلتوک و جو [و] گندم و شکر و کمی ابریشم بعمل می آید. گوسفند [و] گاو بسیار دارند. و کنه و ساس و مارگزنده و جانور درنده و شکار کوهی از هر قسم بسیار است.

نرخ ماکولات و غیره شهر ساری و الحالة هذا بدین قرار است: به وزن یک من شاه:

روناس یـــــــزد

یک پوط

هشت قران

پنبه ولایت

۲۰ من

ده تومان و پنج قران

پنبه عــــراق

۲۰ من

هشت تومان

روغن کـــــــره

یک من

هفت قران

برنج

۲۰ من

دوازده قران

شکر قــــرمز

۲۰ من

شش تومان و پنج

قران

نــــان

یک من

یک قران

پنبه ر

یک من

چهار قران

پنبه

یک من

پنج قران و ده شاهی

قند فرنگی	قند جوهر	چائ
-----------	----------	-----

يك من	يك من	يك فوند
شانزده قران	دوازده قران	از دو قران و دهشاهی
		الی پنج قران

قهوه	تنباکوی شیراز	تنباکوی بیاری
يك من	يك من	يك من
یازده قران	يك تومان	از دو قران الی چهار قران

شمع پیله	صابون استراباد	عسل
يك من	۲۰ من	۲۰ من
شش قران	پنج تومان و پنج قران	ده تومان

شیرم است	باقلا	گوشت گوسفند
يك من	۲۰ من	يك من
پانزده شاهی	دو تومان	دو قران و دهشاهی

گوشت گاو میش	مرغ خانگی	مرغ آب
يك من	قطعه	زوج
دو قران	دو عباسی	سیزده شاهی

چنگ	ر	آلوبرق	ان	په	از
زوج		يك من		يك من	
سيزده شاهى		چهار قران		يك قران	
زوغ	ال	هيه	زم	نفه	ط
يك بار		يك بار		يك من	
يك قران		ده شاهى		چهار عباسى	

الحمد لله شهر آباد و معمور و ساكن علمای اماميه [است]. و
اهلش كلاً شيعه اثناعشریه می باشند.

چهار مجتهد معروف و مشهور است: اول - حاجی ملا عبدالله. دوم -
حاجی میرزا محمد تقی. سیم - آقا میرزا محمد حسین. چهارم - حاجی ملا
تقی هزار جریبی. و حاجی ملا محمد مجتهد ساكن شهر بار فروش است.
و از شهر ساری از راه خیابان شاه عباسی گذر از علی آباد و از راه
میانہ [به بار فروش] هفت فرسخ می باشد. و در ایام بارندگی و زمستان عبور
به زحمت و مشقت است. و مقبره ملا مجدالدین در بیرون دروازه ساری
است که درخت سرو، آنجا کاشته اند. و از راه خیابان شاه عباسی به فرح آباد
چهار فرسخ است.

[بخش هشتم]

[از مزاری به شهر بار فروش]

[از بابت راه از شهر ساری به فرح آباد]

از بابت راه از شهر ساری که به فرح آباد چهار فرسخ است از دروازه ملا مجدالدین و پل کوچک و نهر آب گذشته سر راه درخت سرو و ده دست راست، آلوکنده [است و] ایضاً [ده] دیمتوران که يك در دكان رنگ رزی دارد. بعد تخته پل و آب دنگ و سه در دكان و ده دست راست علیاواک است خالصه شاهی تیول قجر، می رسد به فیروز کنده خالصه شاهی تیول احمد میرزا. [از فیروز کنده] به شهر ساری يك فرسخ [و] به قرار هشتاد و پنج خانه وارند و به کنار خیابان دست راست واقع است.

ایضاً قدری دورتر از خیابان، ده بافروز است که درخت سرو و مسجد دارد. و دوره مزرعه و در راه آب بسیار دارد.

ایضاً دست راست ده آکند است [که] سی و پنج خانه وارند [و] به کنار خیابان واقع می باشد. از دوپل چوبی گذشته دست راست ده آب مال [است و] ایضاً اسفندین، که يك تپه بلند در مقابلش می باشد رد شده، ده دست

چپ حمیدآباد [و] سکنه آن کرد جان بیگک لو است، وارد به فرح آباد می شود.

[فرح آباد]

و خود محله فرح آباد به قرار نود خانه وار است. و دو محله دیگر هم دارد: یکی دازم کنده یکی سونه. یک هزار و دو تومان مالیه دیوان است. محصولش شالی و ابریشم و مرغ [و] ماهی است. و سیصد رأس گا [و] میش و گاو و گوسفند هم بقدر کفاف دارند. کدخدایش مشهدی یوسف، تحصیلدار محمد باقر بیگ مهاجر هراتی [است].

و بناهای شاه عباس بهادر صفوی که جهان نما و راسته بازار و کاروانسرا و مسجد و حمام و دیوانخانه و عسکرخانه و سرطوبله و غیره، از آجر و گچ [و] آهک ساخته بود. یکصد و هشتاد سال است که [به] دست عساکر دولت روسیه به سرداری استین کورازی^۲ خرابه و ویران گردید. به اینطور که شش فروند کشتی به عزم تجارت آمده متاع از هر قسم آوردند، از جمله ماهوت انگلیسی را ذرعی ده شاهی می فروختند. چند روز به این احوال بودند، آخر الامر یک شب در سر هر گذر سیصد چهارصد نفر گذاشتند [و] نا اهل فرح آباد خبردار شدند همه را به قتل رسانیده [و] با [اسیر نمودند و عمارات مذکور را خراب و ویران ساختند. و از آن جا به میان کاله رفتند، که اهل بلد و حکام خبردار شده با قشون آمده ایشان را تعاقب نمودند که آنها اسیر را گذاشته به سلامت به وطن خود عود نمودند. که در آن حین نوشته [ای] از دولت بهیة روسیه به دولت عیلة ایران رسید: که قشون و طایفه فراق از مایاگی شده ظاهر آبه سرحدات ایران می خواهند چشم زخمی برسانند، البته با خبر باشید و مقرر نمائید که از سرحدات غافل نباشند. زمانی که نوشته رسید آنها آمده و غارت برده بودند که از آن زمان الی

۱- در اصل: از . ۲- به کسر الف اول و سکون سین و نون و ضم کاف.

الآن خرابه افتاده است. که در میان عمارات درخت توت کاشته‌اند و گاو و گوسفند می‌خوابد.

و خانه‌های فرح آباد همه از آجر عمارات شاه عباسی است. و رودخانه تیجن از فرح آباد داخل دریا می‌شود. اجاره ماهی حلال از بابت ماهی سفید و ماهی آزاد یکصد و پنجاه تومان است. از بابت ماهی حرام که عمله جات اُرُس و خلخال صید می‌نمایند و اشپل می‌سازند و یلم و وزیکا می‌گیرند. [اگر] سعی بکنند در عرض سال ده هزار پوط ماهی حرام صید می‌شود که در حاجی ترخان ماهی حرام را يك پوط پنج قران، اشپل يك پوط پنج تومان، وزیکایك پوط چهار تومان، یلم يك پوط چهل تومان می‌فروشند. لیکن مخارج عمله جات و کرایه کشتی و اخراجات حاجی ترخان و نمک و غیره بسیار است. و دالکا نزدیک به کنار دریا است که انبار نمک و قصاب خانه و اشپل سازخانه و انبار پیرپاس و غیره می‌باشد و متعلق به میرابو تراب خان دریاییگی گیلانی [است] که شیلان مازندران را الی گرگان از عمیدالملک امیراصلان خان حاکم گیلانات يك ساله در دو هزار و سیصد و پنجاه تومان اجاره کرده است. و الحال هذ که شهر جمادی الثانی یکهزار و دویست و هفتاد و پنج است ابتدای صید ماهی حرام می‌باشد. و لب دریا بر جی بجهت حراست ولایت از ترکمان دو سال است که بنا نهاده‌اند. [و] دوازده نفر تفنگچی شب و روز مشغول کشیک می‌باشند.

ایضاً از فرح آباد الی نوذرآباد که دو فرسخ است. از قرار مذکور چهار برج دیگر ساخته‌اند و کشیکچی معین گذاشته‌اند. و از فرح آباد از کنار دریا به مشهد سر هفت فرسخ است.

[از بابت راه از فرح آباد به مشهدسر]

از بابت راه که از فرح آباد به مشهدسر هفت فرسخ است. دو فرسخ آمده رودخانه سیاه رود است که از محله لاریم می آید. اجاره رودخانه از بابت ماهی اسبک^۱ و ماهی سفید مبلغ هشتاد و هشت تومان است. و ترکمان باگمی های خودشان می آیند [و] درین رودخانه منزل می کنند و نفط و نمک می فروشند، عوض شالی و سایر مایحتاج می خرند [و] به وقت فرصت در رفتن، اهل آن جا را اسیر نموده می برند. [و] از طایفه ترکمان اقورجلی می باشند.

هم چنان که سه سال قبل سه نفر از اهل سواد کوه: یکی محمدقلی پسر حاجی رمضان با نوکرش شکور با خدا بخش پسر اللهویردی را حق نظر با سعید نیاز ترکمان [از] طایفه اقورجلی اسیر نموده از لاریم بردند. آخر حاجی اللهویردی سواد کوهی [از] طایفه جان باز، محمدقلی و شکور را به هزار زحمت و مرارت، پول به ترکمان فرستاد [و] در یکصد و پنجاه تومان خریدند. خدا بخش مرده بود. اگر اهل آن جا بخواهند می توانند از ترکمان عوض و گرو بگیرند، لیکن از حاکم می ترسند که بگوید بی اذن چرا ترکمان را گرفتید.

از سر رودخانه به محله لاریم نیم فرسخ می باشد. ربع فرسخ علف چرو مرتع خوبی دارد که در ایام زمستان حاجی اللهویردی سواد کوهی، مبلغ هفتاد تومان این چمن را هرساله از آقا میرزا محمد حسین مجتهد اجاره می نماید. و پنجاه روز از عید نوروز گذشته باگوسفند و مادیان به

یلاق سوادکوه می‌رود. و این ایل جان‌باز پانصد خانه‌وار می‌شوند. که بالا سر منزل حاجی الله‌ویدی آستانه امامزاده محمود است. ربع فرسخ دیگر [که] می‌رود می‌رسد به تخته پل بزرگ [و] رد می‌شود محله لاریم است. یکصد خانه‌وارند. کدخدایش مشهدی محمدعلی [است]. مالیات [آن] یکصد و پنج تومان [است]. حاصلش شالی و مرغ [و] ماهی و پر مرغابی بسیار و چهارپنج من ابریشم به عمل می‌آید. ملک آقا میرزا محمدحسین مجتهد ساری است.

و از میانه به مشهدسر نمی‌رود مگر از سر رودخانه سیاه‌رود، از لب کنار دریا می‌رسد به رودخانه تالار. محله‌اش چپ‌رود است. و اجاره رودخانه شصت و شش تومان است.

[از آنجا] گذشته مردابی دست چپ کشیده است [که] می‌رسد [به] جنگل از گیل و درخت عناب. [از آنجا] رد شده دهنة میرود است که به مشهدسر یک فرسخ می‌باشد. توی جنگل راه دارد [و] دوجا از آب می‌گذرد. دست چپ مرداب مرغابی‌گیری است رد شده [می‌رسد] به علامت گاه کهنه محله که قبل از طاعون، محله و آبادی بود. بعد می‌رسد به محله باغ-تنگه و کمره رودخانه میرود که به مشهدسر نیم فرسخ است. و اجاره رودخانه میرود از بابت ماهی اسپک و غیره نود تومان است.

[مشهدسر]

باید مال و بونه بالا که از رودخانه بگذرد. گذشته طرف راست مرداب دارد که سابق گمر کخانه و بندر مشهدسر بوده است الآن مسدود شده است. که طرف چپ هم مردابی می‌باشد که مرغابی صید می‌نمایند. از سر قبرستان سبزه‌زار و بازار محله داخل به گمر کخانه مشهدسر

می‌شود که در قدیم الایام مشهور به مشهدسبز بود.
 ورودخانه بابل از مشهدسر داخل دریا می‌شود و آبش از سوادکوه
 می‌آید. و اجازه رودخانه از بابت صید [ماهی] حلال دویت تومان و از بابت
 [ماهی] حرام متعلق به مباشر کل است. و اجازه گمر کخانه که در دست آقا
 عباسقلی و آقا حسن ارباب است دوازده هزار تومان می‌باشد.

و یک هزار تومان مالیات خود مشهدسر است. که پنج محله دارد:
 اول - صفی محله. دوم - سادات محله و بازار محله و کاظم آباد و
 میلندشت که اینها در جمع بازار محله است. سیم - بابل پشت. چهارم -
 باغ تنگه. پنجم - کاله.

و آستانه و مقبره آقا سید ابراهیم ابوجواب با خواهرش اولاد امام
 موسی کاظم علیه السلام، در بازار محله است.

از قرار مشهور حضرت امام رضا علیه التّحیه و الثّناء در عهد خلافت
 مأمون ملعون در خراسان تشریف داشتند. و هر روزه مأمون در فکر اذیت و
 آزار آن جناب می‌کوشید. تا آن که حضرت از خراسان به مدینه طیبه بجهت
 پسر و برادران و منسوبان خود از جهت امداد نوشت. به ورود نوشته دوازده
 هزار نفر از اولاد بنی هاشم مجتمع شده که به خراسان بروند، سرداری
 نداشتند. قرار بر این دادند که به زیارت قبر مطهر جناب رسول الله صله الله علیه و آله
 بروند و سلام نمایند، به هر کدام جواب رسید او سردار باشد. بنابر آن همه
 سلام کردند، جواب نشنیدند. تا نوبت به آقا سید ابراهیم رسید، به محض
 سلام جواب شنید. تدارک دیده روان شدند تا به ملک ری رسیدند.

خبر قتل جناب حضرت امام رضا علیه السلام را به ایشان دادند. و
 کفار تفرقه در میان سادات انداخته هر کدام [را] در یک ولایت و یک مکان

شهید کردند. و آقا سید ابراهیم ابوجواب را در مشهدسر [شهید کردند] که
الآن آستانه و مقبره و مسجد بر قرار است. در حیاط يك درخت سرو و
مرکبات دارد. جای متبر که است.

و خانه وار مشهدسر دو بست و بیست [و] محصورش کتانوش و
قلیان کدو و باقلا و نی شکر بسیار می شود و حاصل برنج ندارد. به قرار ده
دوازده من ابریشم بعمل می آید. و چند نفرها هستند که کرجی دارند، به بندر
انزلی و لنگرود و آشوراده و سایر جاها برای داد [و] ستد می روند که
بارگیری کرجیها از پنجاه الی صد خروار شتری بار حمل [و] نقل می نمایند.
و در عرض سال یکصد فروند کشتی و کرجی هر ساله به جهت خرید به این
بندر می آیند. بارگیری کشتیها از پنج هزار پوط الی دوازده هزار پوط
می باشد.

مظنه جات بندر مشهدسر:

برنج گـرده	عـسل	شـکر
۲۰ من شاه	۲۰ من شاه	۲۰ من شاه
هفته قران	نه تومان و دو ریال	هفت تومان و نیم
قیسـی	پنبـه و لایـت	پنبـه عـراق
۵۰ من شاه	خروار	خروار
هشت تومان و نیم	دوازده تومان و نیم	ده تومان

کنج	صابون استرabad	باق
خروار	خروار	خروار
چهار تومان و نیم	هشت تومان	هیجده قران
گندم	جرو	روغن
خروار	خروار	یک من شاه
سیزده قران	یازده قران	هفت هزار و ده شاهی
نان	قند	چائ
یک من شاه	یک من شاه	یک فوند
شش عباسی	دوازده قران	دو ریال
گردو	نمک ترکمان	نقط ترکمان
هزار دانه	یک من شاه	یک من شاه
سی شاهی	پنج شاهی	دوازده شاهی
کسل نم	کرباس پنبه	قلیان کدو
صد عدد	یکصد توپ که هر توپ	یکصد عدد
ده تومان	شش زرع شاه است	از شش تومان الی ده
	از هفت تومان و نیم الی	تومان
	ده تومان	

کرایه مال

روغن کنجد

تا به شهر بارفروش

خروار

يك قران

یازده تومان

و آب رودخانه مشهدسر که [به] بابل مشهورست، از بندپی و سوادکوه می آید. و [از مشهدسر] به شهر بارفروش دو فرسخ می باشد.

[از بابت راه مشهدسر به شهر بارفروش]

از بابت راه از مشهدسر که به شهر بارفروش [می رود] دو فرسخ است که طرف راست تا به نزدیک شهر، رودخانه بابل است. از بازار محله رد شده کاظم آباد و میاندشت و بابل پشت است. و دوره راه، درخت آزاد و صحرائی است. و جنگلی که هیزم خیز باشد یعنی درخت بزرگ، ندارد. و همه کرفستان است.

[میر بازار]

[از آنجا] می رسد به میر بازار که یوم سه شنبه، بازار و جمعیت زیاد می شود. و از پهلوی بازار راه گذر رودخانه است که آن طرف محله کتل بست می باشد که عمارت سفالپوش محصور و حمام، مال آقا عباسقلی ارباب است. و طرف میر بازار لب رودخانه يك درخت چنار صاف هموار دارد که سی ذرع بلندی او است. از او گذشته درخت گردو بسیار است.

[پازوار]

[از آنجا] می رسد به پازوار که بازاردارد، معدن قلیان کدو و کتانوش و باقلا است. و اکثر خانه ها سفالپوش و محصور است. مرکبات از هر قسم بسیار

دارد. و تکیه و مسجد و حمام هم دارد. که اسم محله اولش کاسه گر محله [است] که دوره راه، کتانوش و باقلا می کارند.

[امیر کلا]

از آن جا گذشته می رسد به امیر کلا که یوم جمعه، بازار می شود. و خانه های سفالپوش و تکایای خوب و مساجد و حمام و راسته بازار مرغوب و درختهای مرکبات از هر قسم از راه که می گذری پیدا است و در وقت بهار صفا دارد. و باقلا و کتانوش و قلیان کدو، زیاد می کارند.

آخر امیر کلا قدری سرازیر لب رودخانه درختهای گردو دارد به بالا آمده کوه دماوند آشکار می شود. و طرف راست محله نال کلا می باشد.

[حمزه کلا]

[از آن جا] می رسد به حمزه کلا که حمام و تکیه و چاه آب و سه در دکان نمدمالی دارد.

[شهر بارفروش]

[از حمزه کلا] می‌رسد به اول محله بارفروش که سرحمام بیج ناجی مشهور است، رد شده داخل شهر می‌شود، که سی و پنج محله دارد:

اول سرحمام بیج ناجی. ۲- قصاب کلا. ۳- قراکلا^۱. ۴- رزیا کلا. ۵- چهارشنبه پیش. ۶- رودگر محله. ۷- آهنگر کلا. ۸- اوجاق- بند. ۹- آستانه. ۱۰- نقیب کلا. ۱۱- حصیر فروشان. ۱۲- سرحمام کاظم بیگ. ۱۳- شعر باف محله. ۱۴- باب ناظر. ۱۵- مراد بیگ. ۱۶- محله میرزا کوچک. ۱۷- شاه کلا. ۱۸- مسجد جامع شنجریه. ۱۹- قاضی کُتی^۲. ۲۰- یهود محله. ۲۱- بید آباد. ۲۲- سید جلال. ۲۳- طوق دار بند. ۲۴- ورز کُتی^۳. ۲۵- سرمیدان. ۲۶- شهدا^۴. ۲۷- تکیه ارباب. ۲۸- پیا کلا. ۲۹- درویش خیل. ۳۰- دباغ خانه پیش. ۳۱- هِسْکاه کلا. ۳۲- بی سرتکیه. ۳۳- سرحمام نسائی. ۳۴- ابو محله. ۳۵- شمشیرگر محله. که اینها محلات و گذر شهر بارفروش است.

۱- بهضم قاف. ۳ و ۲- بهضم کاف. ۴- بهضم شین. ۵- به کسرها و فتح و تشدید سین.

امامزاده شش آستانه، تکایا چهل و هشت [باب]، مسجد دوازده باب، مدرسه شش باب، حمام چهارده باب، کاروانسرا یازده باب، دكا كین چهار- صد و شش باب. و يك محله یهودیها . اصل رعیت پنجاه خانه وارند. يك- صد تومان مالیات می دهند. معاش آنها از عرق فروشی و بزازی است. كدخدائی دارند [كه] اسمش گرجی است. سالی بیست تومان مواجب دارد.

و این یهودیها از هر ولایت چند خانه وار آمدند [و] سیصد سال بالاتر است كه در بار فروش ساكن می باشند. و دو باب تورات خانه و يك باب مكتب خانه دارد كه درخت خرماي دارد [كه] حاصل نمی آورد و شاخهای به هم پیچیده او را به وقت عید خودشان در ولایات برای یهودیان می فرستند [و] یکی يك تومان آنها [را] می خرند. و در دماوند هم یهودی ساكن می باشند. و يك درخت خرما هم در خانه يك نفر یهودی می باشد كه سی سال است كاشته اند، او هم بار آور نمی باشد.

و كوچه های بار فروش ایام زمستان و بارندگی زیاد گیل می شود و هیچ سنگ بست ندارد.

و سمت قبله بار فروش آخر محلها، يك میدان سبز هزار بی صفا، مقابلش باغ شاه است. اول شكر سازخانه دولتی است كه كل دستگاه و اسبابش را حاجی میرزا محمدخان و حاجی زین العابدین از دار السلطنة مسكو آورده اند و مدت هشت سال است این كارخانه برقرار شده است. يك نفر استاد كار قابل از اهل بلدة اصفهان مسما به استاد عباس، در آنجا می باشد. اگر نی شكر را به او بدهند كه خودش در كارخانه آب بگیرد و شكر بپزد ده من از آن شكر، پنج من قند به عمل می آید. و اهل دهقان از

پختن شکر سر رشته ندارند. از شکر اهل دهقان، بیست من شکر پنج من قند می شود که قند را يك من شاه یازده قران می فروشند و باقی مانده شیرۀ را سکنجبین و حلوای قنادی می سازند. و قند بسیار سفید و خوش خوراک است که هیچ طعم و بوی شکر قرمز را نمی دهد. هر ساله قندهای سفید کله درشت با کاسه نبات و حلوای قنادی بسیار خوب ساخته به طهران از برای قبلۀ عالم می برند. و امسال که تاریخ يك هزار و دو بیست و هفتاد و پنج هجری است دو سال می شود که شکر بسیار کم و گران می باشد. پارسال چهار هزار من تبریز شکر به کارخانه دادند، بعد از وضع کل اخراجات مبلغ سیصد تومان منفعت کرد. و شکر قرمز تحویل کارخانه، بیست من شاه مبلغ پنج تومان می باشد.

و این کارخانه سپرده به حاجی یعقوب می باشد. کارخانه اش زیاد بزرگ است. گرمخانه [و] سردخانه و چاه ناسوس با سایر چرخ [و] اسباب و دیگرهای بزرگ و غیره می باشد. و چرخ [و] اسباب آب چغندرگیری هم دارد که قند درست می شود. لیکن الآن از آب چغندر، قند ساختن را بنا نگذاشته اند تا بعد چه شود. و استخوان حیوانات را سوزانیده شکر صاف می نمایند.

و از پهلوی گرمخانه و سردخانه راه باغ شاه است که دور تا دورش آب می باشد، مگر از راهی که پل بسته اند. يك صد و هشتاد و شش قدم درازی تخته پل است که بیست و سه چشمه دارد که دو طرف [آن] چهل و شش پایۀ آجر است که همه خراب می باشد. باید به احتیاط آمد و شد نمود. و باغ شاه مدور و عرض [و] طولش یکی است که دو بیست و بیست قدم می باشد.

در وسط، عمارت هشت در هشت و شانزده در شانزده، کلاً خرابه است. در این باغ چهل و دو درخت سرو و چهل و یک درخت نارنج [و] شش درخت گردو دارد. و [در] سمت شرقی دریاچه [ای] دارد عرضاً شش قدم [و] طولاً سی و دو قدم. مقابلش عمارت دیگر [ی] است که پایه‌های سمت شرقی [آن] در میان آب است. و اوطاقهای تحتانی و فوقانی اُرسی دار و شربت خانه و خلوت خانه و غیره دارد [و] مربع می‌باشد. عرض [و] طول چهل و شش قدم است و حوض آب و آشپزخانه و فراشخانه و در پهلویش یک باب حمام خوب [است] که الآن تعمیر می‌خواهد. با یک صد تومان می‌توان به مثل اول تعمیر و مرمت نمود. هرگاه تا دو سال [دیگر] دستکاری نشود، آن هم به مثل عمارت وسط خرابه و ویران خواهد شد. با وجود [این] هر ساله مبلغ پانصد [تو] مان از بابت صرف تعمیر عمارات پادشاهی مازندران از دیوان اعلی مقرر است.

و در سمت غربی در میان آب، هیجده پایه آجر می‌باشد. و سمت جنوب باغ شاه، در وسط آب، یک میل آجر میان خالی است و یک میل ایضاً آن طرف در خشکی با زمین مساوی است و یکی هم در باغ شاه که آب را از رودخانه بابل آورده، از میلهای مذکور داخل باغ شاه می‌شد.

ایضاً سمت جنوب متصل به شرقی، سه درخت سرو بالای تپه است. مذکور شد که قبر پیرزنی است که به خدمت آقا محمد شاه مغفور به عرض آمده بود عمرش کفایت نکرد وفات نمود، حسب الاشارة پادشاه مغفور در آنجا دفن کردند تا به یادگار بماند.

و آب این مردابچه به توسط آقروود از شاخه [رودخانه] بابل است و به مصرف زراعت هم می‌رسد. و در ایام زمستان شکار [گاه] خوبی است که

باید با نوه‌های کوچک دونفری نشسته [و] شکار نمود. که مرغ آبی و چنگرو سایر مرغان [در آن] بسیار است. و چند جور ماهی هم به عمل می آید [که] به اصطلاح اهل مازندران - ظیلاجی - چکاب - طیل خُس - اسپتک^۱ [نامیده می شوند]. و بسیار جای با صفا و دلگشا است، چه فایده که مخروبه می باشد.

[تفصیل بلوکات بارفروش]

صورت تفصیل بلوکات بارفروش:

اول - لاله آباد. ۳۳ قریه که بالا بلوک و پائین بلوک است. حاصلش برنج است و گاو [و] گوسفند هم دارند.

دویم - بلوک بندپی شرقی و غربی. حاصلش برنج و گاو [و] گوسفند است. به قدر دوازده من ابریشم به عمل می آید. تیول میرزا اسمعیل خان داماد رضوان جایگاه فتحعلی شاه است.

سیم - بابل کنار شرقی [و] غربی. هفده قریه [است]. حاصلش برنج و نی شکر و پنبه و جو و گندم است. به قدر پانزده من ابریشم به عمل می آید. و شعر بافی هم می نمایند از قبیل: الیجه و چادر شب و شلوار و غیره که میرزا کریم خان در هزار تومان از دیوان اعلا قبول کرده است.

چهارم - لفور. حاصلش برنج و گاو [و] گوسفند است. دوازده من ابریشم به عمل می آید. در پانصد [تو] مان تیول میرزا کریم خان است.

پنجم - بلوک سواد کوه. [که] ییلاق و قشلاق، تیول میرزا کریم خان سرتیپ در یک هزار و هفتصد تومان است. یک فوج دسته نظام خواصه به دولت خدمت می نمایند. محصولش گندم و جو و جاورس و شالی و معدن روغن و پنیر و کشک و پشم است. به قرار یک کرور گوسفند و گاو دارند. مته^۲ هیچ

۱- به کسر الف و سکون سین و فتح پ و سکون کاف. ۲- به فتح میم و لام و سکون هاء.

ندارد لیکن کنه و ساس و مارگزنده بسیار است. از جانوران درنده ببر و پلنگ و گرگ و خرس و روباه دارد. و مارو افعی بهمی رسد که به محض زدن آدم را هلاک می کند. و شکار کوهی از هر قسم وافر است. کبک و قرقاول و کبک دری با سایر جانورها زیاده از حد است.

و رودخانه بزرگ تالار از سوادکوه می باشد. بسیار ییلاق با صفا است.

ششم [و] هفتم - بهمی رود بست با کل بست. مال آقا عباسقلی ارباب است. محصولش شالی و نی شکر و کتان [است. و] به قرار دویست من ابریشم به عمل می آید.

هشتم و نهم - دابو و جلال ازرك که اکثرش خالصه شاهی است. معدن کتانهای بسیار خوب و برنج و نی شکر و رنگ و خربزه [و] هندوانه می باشد. مال نصیرالملک است.

دهم - کیا کلا. معدن نی شکر و برنج [است].

و در مشهدسر و پازوار و طبع بارفروش کتان بسیار است. و پنبه و نی شکر و رنگ [و] حنا و باقلا و از کوکنار تریاک هم می گیرند [و] به طهران می برند [و] يك من شیرۀ تریاک را در ده تومان می فروشند. و شهر بارفروش قبل از چهارصد سال به بارفروش ده، و مامطیر، اشتهار داشت.

و منطنه جات شهر بارفروش به تاریخ يك هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری به وزن شاه:

نان يك مـن	پنیر يك مـن	روغـن يك مـن
شش عباسی	دو ریال	هفت قران

برنج يك مـن	عسل يك مـن	پیه يك مـن
هیجده شاهی	پنج قران	شش قران

شیر و ماست يك مـن	گندم يك مـن	جو يك مـن
شانزده شاهی	چهارده شاهی	شانزده شاهی

قند يك مـن	چائی يك فوند	كنجد يك مـن
یازده قران و نیم	دو ریال	دو قران

موم يك مـن	ابریشم يك مـن	كج يك مـن
چهارده قران	هفت تومان	چهار تومان

مغز بادام يك پوط	روناس يك پوط	كشمش عراق يك مـن
دو تومان و دو قران	هشت قران	سی شاهی

گوشت يك مـن	مرغ [يك] قطعه	تخم مرغ پنج بیضه
دوازده عباسی	ده شاهی	دو شاهی

قراقول [يك] قطعه	مرغ آبسی زوج	زغال يك بـار
چهارده شاهی	دهشاهی	يك قران

هیزم يك بـار	نقط تركمان يك من	نمك تركمان يك من
ده شاهی	شانزده شاهی	شش شاهی

پوست دله يك جلد	پوست شنگ يك جلد	پوست زردابه يك جلد
شش قران	يك تومان	هشت قران

پوست شغال يك جلد	گره كوهی هم	آهن يك پـوط
هشت شاهی	هشت شاهی	شش قران و نیم

مس يك پـوط	سمعوار يك فوند
پنج تومان و نیم	سه قران

و داد [و] ستد بارفروش به وزن تبریز می باشد که يك من چهل سیرو
هرسیر شانزده مثقال است. و مالیات خود بارفروش دو هزار و دویست
تومان است. و از شهر بارفروش به شهر رشت چهل و نه فرسخ می باشد
[و] به مشهد سر دو فرسخ [است].

و مالیات کل ولایت مازندران يك صد و پانزده هزار تومان می باشد.

[بایبهای ساکن بارفروش]

و در اکثر کوچه‌های بارفروش از جهت دعوای بایبها دروازه گذاشته اند. تحقیق عبارت خروج بایبها ازین قرار است:

که در اوایل سلطنت پادشاه اسلامیان پناه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه به تاریخ یکهزار و دویست و شصت و پنج هجری وقایع و گزارش احوال بایبها به دارالملک مازندران اشتهار یافت و به مجادله و مقاتله انجامید. هنوز بایبها به ولایت مازندران نیامده، شهرت داشت که مذهب بابی تازه اختراع شده است تا این که از سمت خراسان به قرار سی و یا چهل نفر باقره العین دختر حاجی ملاصالح مجتهد قزوین، وارد نیالا که چهل خانه وار در آن قریه ساکنند، گردیدند. و به اهل نیالا که در جمع ولایت هزار جریب است خبر دادند که اینها بابی هستند. اهل نیالا جمعیت کرده بایبها را زیاد زدند. آخر الامر قرة العین در آمد که مردم شما را چه می شود؟ مگر از دین اسلام بری شده اید و یا این که ما از دین بیرون رفته ایم؟ چرا ما را اذیت و آزار می نمائید؟ هر نحو بود اهل قریه را اسکات داده روانه اشرف شدند و از اشرف به ساری آمدند. چند روزی در شهر ساری متفرق شدند وضعیفه که قرة العین باشد در شهر ساری از جهت جمع آوردن مرید اقامت نمود و سایرین روانه بارفروش شده در کاروانسرای سبزه میدان منزل گرفتند. و خدمت حاجی محمدعلی بارفروش جمعیت کردند که يك سال بود. همین حاجی محمدعلی با ملاهای بارفروش گفت و شنود داشت تا این که در این زمان که ملاحسین بشرویه از سمت خراسان آمد قوت گرفت بنای مخاصمه و مکالمه را گذاشتند. ملاهای بارفروش خود را کنار کشیدند و جاهلها را روی کار آوردند و کوچه‌ها را سنگر بستند و بعد به سر بایبها در کاروانسرا سرریز کردند. و بایبها از کمین در آمده بنای دعوا و معرکه را گذاشتند.

بایبها گفتند که ما اهل اسلامیم و به شما کاری نداریم و شما هم به ما کار نداشته باشید. قدری اهل بارفروش کنار کشیدند و بایبها که چهل نفر بودند از کاروانسرا بیرون آمده که بروند همین که به سبزه میدان رسیدند دوباره اهل شهر اجماع کردند. يك نفر سردار بایبها که ملاحسین خراسانی بود يك اسب داشت، الباقی پیاده بودند. اسب را یکسر تاخت آمد به مقابل مسجد جامع. در سر تاخت، سريك نفر صباغ با يك نفر ملا که پسر خود را در دوش داشت [و] میخواست داخل خانه خود بشود با سرپسرش برید. و سه نفر دیگر را هم به قتل رسانید و کسی دیگر جرأت نکرد که به مقابلش در آید، روانه شده در باغ شاه منزل کردند. و صبح که روشن شد روانه سرقبر شیخ طبرسی گردیدند که به کنار رودخانه تالار واقع است، [از اینجا] به شهر ساری چهار فرسخ و به شهر بارفروش سه فرسخ است منزل نمودند. همانشب را خسرو وزکریای قادی کلائی را با پانزده نفر از بارفروش متعاقب بایبها سر قبر شیخ طبرسی فرستادند. به محض ورود پیش ملاحسین رفتند و مانع شدند که شماها نباید درین ولایت بمانید. بایبها در جواب گفتند که ماها به شما که رعیت هستید کاری نداریم و حرف ما در سردین با ماها است. بعد ملاحسین، يك طاقه شال ترمه و يك قداره با يك قوطی فیروزه به خسرو می دهد که این را بگیر و از پی کار خود برو. طمع به خسرو قالب آمد که نمی خواهم. یعنی کم است. به مجرد حرف زدن ملاحسین چنان با شمشیر به دهن خسرو زد که با سرش به دور افتاد. و زکریا را با چند نفر دیگر به قتل می رساند. و بقیه فرار برقرار اختیار نمودند. و بایبها دور حصار بیرون شیخ طبرسی را سنگر بستند و بنای جمع آوردن سیورسات را گذاشتند. و از دهاتهای نزدیک، مرغ، ماهی، تخم مرغ و برنج و کاه [و] جو، علیق مالها، هر

چیز که لازم داشتند جمع می کردند. هر گاه در دادن آذوقه کوتاهی می کردند همان ساعت ده را آتش می زدند.

و حاجی ملا محمد علی بارفروشی از بارفروش روانه شهر ساری گردید. دوسه روز با ملاهای شهر ساری جر [و] بحث کرد نزدیک شده که به مفسده بیانجامد [او هم] ماندن خود را به شهر ساری صلاح ندانسته روانه سرقبر شیخ طبرسی می شود و در نزد بابیها اقامت می نمایند.

قریب چهارصد نفر جمعیت بابیها گردید که بیشترش اهل سواد کوه بودند که زودتر از همه داخل مذهب بابی می شدند. و يك نفر سواد کوهی مسما به امیر که مشهور به امیر تبردار بود، که مردم را با تبر می کشت؛ تا این که آقا عبدالله برادر حاجی مصطفی خان صورتیج با دویست نفر تفنگچی هزار جریبی آمد [و] در افرا که يك میدان مسافت به بابیها داشت منزل نمود. يك ساعت از روز گذشته که کم کم باران می آمد، بابیها مطلع شده دست به قداره نموده در میان اردوی آقا عبدالله ریختند و بنای کشت [و] قتل را گذاشتند. قریب پنجاه نفر با آقا عبدالله مقتول گردیدند که تنمه قشون شکست خورده به شهر ساری رفتند. و این وقایع و مراتب را به دار الخلافه طهران معروض داشتند. حکم صادر گردید که دفع فتنه بابیها را بنمائید. که عباس قلیخانی سواد کوهی مأمور شد و دور بابیها را محاصره نمود و خودش تغییر لباس کرده رخت گالشی پوشید. قریب چهارصد نفر جمعیت داشت.

دوباره بابیها هجوم آور شدند دست به قداره و شمشیر نموده یا صاحب الزمان گویان در میان اردو ریختند. جنگ مغلوبه گردید و ملاحسین بشرویه سواره در سرتاخت هروقت که می آمد چهار پنج نفر را کشته برمی گشت. که دفعه دیگر هم خواست بیاید، در سر سواری عباس قلیخان

سردار تیرخالی نموده گلوله به او زد که جان را به مالکان دوزخ سپرد. زمان رفتن وصیت کرد که بعد از من صاحب اختیار کل، حاجی محمد علی بار-فروشی می باشد. و مرا با تفنگ و یراق دفن بنمائید که بعد از چهل روز زنده خواهم شد. و در جدال و قتال ساعی و جاهد باشید. که دو باره باینها اجماع کرده قشون عباس قلی خان را شکست دادند.

که در آن وقت از طهران توپ و قورخانه و خمپاره به ساری آوردند. که نواب اشرف و الامهدیقلی میرزا باقریب دوهزار نفر مأمور شده درقریه واسکس نزول اجلال فرمودند. که باینها خبردار شده در نیمه شب سرریز به واسکس نمودند. خانه و منزلگاه شاهزاده را آتش زدند که نواب والا مهدیقلی میرزا را بکشند. و شاهزاده هم خوابیده بود. به مجرد اطلاع خود را از درپچه [ای] بلند بزیر انداخته توی جنگل پنهان می شود. که دو نفر شاهزاده دیگر یکی صاحبقران میرزا با برادرزاده اش داود میرزا، که در توی خانه خوابیده بودند آتش گرفته می سوزند. به غیر از این، کشتار دیگر هم می کنند و لشکر را متفرق می سازند [و] مراجعت می نمایند.

صبح که روشن می شود يك نفر از نوکران سرکاری به شاهزاده بر می خورد و ایشان را سوار نموده به علی آباد می آورد که لشکر متفرقه و اطراف و محالات را جمع آور نموده قریب سه هزار و پانصد نفر جمعیت برداشته به دفع بابی روانه شدند. به قرار دو ماه دور ایشان را محاصره نمودند و همیشه از طرفین کشت [و] قتل می شد. و اهل اردو کشته گان خود را دفن می کردند. از قضایک روز باینها دیدند که اهل اردو را به خاک می سپارند و کشته گان خود [شان] در روی زمین و در صحرا به خاک مذلت افتاده اند. شبانگاه به قبرستان کشتگان اردو رسیدند و مردگان اردو را از قبرها در آورده همگی

را سربریدند و سرهای آنها را آوردند به دور حصار و قلعه شیخ طبرسی آویزان نمودند که درد [و] داغ اهل اردو را تازه نمایند. و تا چه قدر آذوقه داشتند جدال و کشتار کردند.

بعد را نواب والامهدیقلی میرزا ایشان را مطمئن کرد که به شما کاری نداریم از این مفسده دست برداشته پی کار خود بروید. آنها هم از تنگی معیشت راضی شدند. قریب دویست نفر بیرون آمده داخل اردو شدند و همه را یراق چین نمودند و دستگیر ساختند. هر کدام را به یک نوع به سزای عملش به هلاکت رسانیدند. و حاجی محمدعلی را با چند نفر دیگر به بارفروش برده در سبزه میدان آتش زده به درك فرستادند. و درین دعوای بایبها به مازندران، از طرفین قریب هزار و یک صد نفر کشته گردیدند.

بعد دعوای بایبهای زنجان بروز کرد که نه ماه در جنگ [و] جدال و گیر [و] دار بودند و اثری از آثارشان باقی نماند. و سید علی محمد باب را در تبریز هدف گلوله سربازان نمودند. و قره العین را هم دستگیر کرده بودند [و] در طهران در خانه محمود خان کلانتر در محبس بود تا فنا شد والسلام.

[بخش نهم]

[از مشهدسر به بلوک کلارستان]

[از بابت راه از مشهدسر به فریکنار]

از بابت راه از مشهدسر از کنار دریا به فریکنار دو فرسخ است. با لاکمه از رودخانه مشهد سررد می شود، صفی محله است گذشته، همه جا کنار دریا وارد سبزه زار صحرای فریکنار می گردد. و با لاکمه باید از رودخانه رد شده داخل محله و خانه های فریکنار می شود. به قرار دو یست و پنجاه خانه دارند. مبلغ ششصد تومان مالیات دارد. و آب رودخانه از هراز است. مبلغ پنجاه تومان از بابت [صید] ماهی حلال اجاره رودخانه می باشد. و حاصل برنج و شکر و ابریشم و پنبه و غیره ندارند. کاسبی ایشان از کرجی بانی است. و بزرگ فریکنار آقا لر آقا است. و دو طرف رودخانه محله و آبادی است و بیشتر به سمت غربی رودخانه می باشد، که سبزه زار و صحرایی بزرگ دارد.

در عرض سال، چهل روز بعد از عید نوروز سلطانی از ولایات برای

داد و ستد می آیند. که این صحرا و سبزه زار پر از آدم می شود و پنج روز بازار است که خمسه بازار می گویند. و از جانب حاکم مازندران شصت و پنج نفر سواره و پیاده از جهت حراست و نگهبانی بازار موکل اند. و شب تا صبح گردش می نمایند، که نبادا دزدی و یا دعوا و معرکه بشود.

شخصی تعریف کرد: يك سال يك نفر تاجر از دست سه نفر زن كتان فروش مبلغ هشتصد تومان مازندرانی خرید، از این قبیل زیاد اهل داد و ستد از هر صنف می آیند. و این بازار شبیه بازار مکاریه است. و از فریکنار به محمود آباد هراز، چهار فرسخ سبك است.

[از بابت راه از فریکنار به محمود آباد هراز]

از بابت راه از فریکنار که به محمود آباد هراز چهار فرسخ است از سبزه زار و خانه های فریکنار رد شده از جنگل كوچك، رودخانه شیرا^۱ است. و از جنگل پر درخت درآمده و زرا^۲ محله است. پانزده خانه وارند و طرف چپ واقع است، می رسد به سبزه زار سرخ رود که در دو طرف رودخانه یکصد و پنجاه خانه وارند. و آب رودخانه از هراز می باشد. و ماهی حرام زیاد صید می شود. از بابت اجاره ماهی حلال بیست تومان و مبلغ سیصد تومان مالیات می دهند. تیول احمدخان نوائی است. کدخدایش آقاسی است. و اهل سرخ رود هم صاحب کرجیهای بزرگ می باشند.

و از رودخانه و سبزه زار و جنگل كوچك و قبرستان گذشته، به كناردریا نزدیک [رودخانه ملا كلا] محله ملا كلا است، سی خانه وارند. کدخدایش مشهدی

يوسف [است]. و محله ديگر هم دارد كه پنجاه خانه وارند. كدخدایش مشهدی اسمعیل [است]. و این دو محله يك هزار تومان مالیات می دهند. در محله بزرگ، يك باب حمام و آب دنگ می باشد. و اجاره رودخانه ملاكلا از بابت صید ماهی حلال، بیست تومان است.

از رودخانه گذشته [كه] رودخانه شلیت است می رسد به رودخانه آهلمه^۱ كه اول خاك آمل باشد. و محله اش مسافت نیم فرسخ به كناردریا است. گذشته رودخانه تفنگ گاه است كه دوطرف رودخانه محله می باشد. از بابت [اجاره] صید ماهی حلال بیست و پنج تومان. و كرجی به این رودخانه از برای داد و ستد زیاد می آید.

بعد رودخانه سیاه رودسر است كه به محمود آباد هراز يك فرسخ سبك است كه در دو طرف رودخانه محله و خانه دارد، رد شده از جنگل زرشك و انار و آلوچه و چشم و درخت جنگلی گذشته داخل محمود آباد هراز می شود. بیست خانه وارند. كدخدایش رضاقلی است. يك باب مسجد و قبرستان دارد. و مردم به جهت داد و ستد به این رودخانه زیاد می آیند و آبش از هراز آمل است.

[بلوك آمل]

و كدخدای بزرگ آمل میرزا سعید تلیك^۲ سری است. و آمل هفت بلوك دارد:

اول - آهلمستاق^۳، قشلاق است مال آقا میرزا محمد كج دماغ. دویم - هراز پی و دابو كه معدن كتان است. سیم - دشت سر [كه] قشلاق

۱- به فتح الف و سكون هاء و فتح لام و میم. ۲- به كسر تاء و سكون

كاف. ۳- به فتح الف و سكون هاء و فتح لام و میم و سكون سین.

است. چهارم- اُچی آباد.^۱ پنجم- پائین لیتکو. ششم- بالا لیتکو. دغتم- شهر آمل با چلاو.

[شهر آمل]

و شهر آمل از شهرهای قدیم و از بناهای کیومرث می باشد. یک هزار و یکصد خانه دارند. هشت محله [و] چهار باب کاروانسرای تجار نشین و دو باب مسجد از بنای قدیم و دو آستانه امامزاده مشهور دارد. یکصد و پنجاه نفر نوکر چلاوی و نوائی، جمعی شکرالله خان می باشد.

و مالیات آمل هشت هزار تومان است. و برنج عراق و طهران از آمل می رود که به طهران بیست و پنج فرسخ است. و یک پل آجری بزرگ دوازده چشمه دارد که از بناهای حضرت امام حسن علیه السلام می باشد. اهلبان ییلاق و قشلاق دارند [و] صاحب رمه [و] گوسفند و گاو می باشند. برنج و روغن و عسل بسیار است. و شکر و کمی ابریشم به عمل می آید.

[لاریجان]

و لاریجان سمت جنوب و شرقی آمل اتفاق افتاده است. یک آب گرم بسیار خوب دارد. و بزرگ لاریجان عباسقلیخان سردار و پسرش غلامعلیخان سرهنگ است. پانصد [تو] مان مواجب سرهنگ می باشد. و هشتصد و دو نفر دسته نظام و یکصد و شصت و چهار نفر نوکر سوار دارد. و از محمود- آباد هراز به سله^۱ چهار فرسخ سبک است.

[از بابت راه از محمودآباد هراز به سله]

از بابت راه که از محمودآباد هراز به سله چهار فرسخ است. از

رودخانه محمودآباد با لا کمه رد شده می رسد به رودخانه اَهلَم رود که حد سد آمل و نور می باشد [و] به محله نیم فرسخ و به سده سه فرسخ است گذشته از کنار دریا که ریگ و ماسه می باشد که تا گردن سَم اسب به ریگ می نشیند، می رسد به رودخانه بزرگ ایزد ده که در دو طرف [آن] خانه و آبادی و يك باب حمام سفید کاری می باشد. و هشتصد تومان منال دیوان می دهند. و کرجیها برای داد و ستد زیاد به این رودخانه می آیند. به سده دو فرسخ است. رد شده می رسد به شکرپزخانه و رودخانه هاشم رود. نزدیک به کنار دریا دستگاه نی شکرپزی است که به اصطلاح اهل مازندران کَلِیَا می گویند. يك چوب کلفت میان خالی [و] بلندی [به اندازه] سه چارک شاه [که] اسمش کلیادار است نی شکر را بریده در میانش می ریزند و چرب دیگر [که] سرش را تیز نموده اند [و] يك سرش در میان کلیادار می باشد [که] او را کلیاتیر می نامند و چوب دیگر در بالایش می گذارند [که] او را کلیاکلا می خوانند و دو چوب در پهلودارد [که] او را دوبرادر می گویند گاو بسته اند و يك نفر آدم روی دو برادر می نشیند [و] گاو را می رانند که کلیاتیر آب نی شکر را در می آورد. و در پائین جائی ساخته اند که شیرۀ نی شکر در آنجا جمع می شود و کورۀ هم بسته اند. يك عدد دیگ مس بالای کوره است. شیرۀ را در میان دیگ مس ریخته زیرش را آتش می کنند تا شیرۀ به قوام می آید. [بعد] برداشته تسوی کوزه ها می ریزند، بعد دوباره از کوزه به میان دیگ می ریزند که اینقدر باید به پزد تا قایم بشود. بعد در میان مجمعه و یا طبقچه ریخته با چاقو بریده تیکه تیکه می نمایند. هرگاه

۱- بفتح الف و سکون هاء و فتح لام و سکون میم. ۲- به فتح کاف و

شکر را در میان دیگ چُدن بپزند بهتر خواهد شد. و حاصل شکر مازندران از ولایت نور الی بلوکات بارفروش و ساری است. از رودخانه هاشم رود گذشته رودخانه رستم رود [است] رد شده کنار دریا، محله رستم رود است. هشتصد تومان منال دیوان است قبول محمد اسمعیل خان نوۀ فتحعلیخان می باشد. پنجاه خانه وارند. به سِلده یک فرسخ است گذشته می رسد به رودخانه تمشون.

[سلده]

[از رودخانه تمشون] رد شده رودخانه سلده است، می گذرد دست چپ تخته پلی دارد [که] داخل محله و خانه های سلده می شود که امسال [که] به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و پنج است دو سال می باشد که میرزا آقاخان صدر اعظم آبادی نمود. و رعیت از هر ولایت آورده و عمارت و حمام بنا نهاده است. به قرار دویست خانه وارند. دو باب حمام و بیست باب دکان و یک پل آجری سه چشمه دارد. و آب این رودخانه از کوه لاویج می آید. و کرجی هم به این رودخانه می آید. و اهلشان صاحب کرجی می باشند. محصولش برنج و روغن است. به قدر چهل من ابریشم به وزن شاه عمل می آید که ایجه و چادر شب و شلوار قرمز و غیره می بافند. و مالیات سلده دو هزار تومان است. و کوه بلند سمت جنوب سلده که جنگل ندارد صوردار می گویند، پائین تر، لش کنار ایضاً پی مت و لاویج [است] که اینها همه ییلاق نور است.

[نور و بلوک آن]

و خود نور هیجده بلوک است: آنکه ییلاق است: اول- کُپ^۱.

دویم- لاویج. ۳- دانکو. ۴- نَسَن^۱. ۵- پِل^۲. ۶- اَنگَرود^۳.
 ۷- کجور. ۸- لزور. ۹- پیسپرس. ۱۰- کالج.
 آنکه قشلاق است: اول- شهر کلا و عباسو. ۲- گندیاب و سلیا کتی.
 ۳- سد کلا^۴ و اوز رود. ۴- عبدالله آباد و پی مت. ۵- عرب خیل و
 کُرِدل کلا^۵. ۶- ناطق کلا و رستم رود. ۷- نایج و ایزد ده. ۸-
 لش کنار و سَلِدِه.

و مالیات هیجده بلوک نور شانزده هزار تومان [است] که دو هزار
 تومان اجاره معدن گِلُولَه^۶ و ساچمه و مس می باشد که در چو ماسان^۷ و
 تنگه است.

[از بابت راه سلده به چلندر مشهور به مقام دیو سفید]

از بابت راه که از سلده به چلندر مشهور به مقام دیو سفید [می رود] چهار
 فرسخ است. از میان محله سلده و تخته پل گذشته می رسد به دومجرا رودخانه.
 هردو محسوب به المی است، که در این راه کنار دریا جا ساخته اند به جهت
 گرفتن مرغابی. که [در] پشت سر اسطوخ آب است که مرغابی می آید می-
 نشیند [و] به دام می افتد. و رودخانه دویم المی بزرگ است که آخر نور و
 اول کجور می باشد. از پنج رودخانه کوچک گذشته رودخانه فرش کلا^۸ و
 وازی دار است. بادورودخانه گچ رود^۹ و رودخانه کُنسُرود^{۱۰} گذشته محله
 [ای] دارد که علوی کلا مشهور است.

۱- بهضم نون و فتح سین و سکون نون. ۲- به کسر پ و سکون لام.
 ۳- به فتح الف و سکون نون و فتح کاف و ضم راء. ۴- به کسر سین و سکون
 دال و فتح کاف. ۵- بهضم کاف اول و سکون راء و کسر دال. ۶- بهضم
 کاف و لام اول و فتح لام دوم و سکون هاء. ۷- بهضم چ و سکون نون. ۸-
 به فتح فاء و سکون راء و کسر شین. ۹- به فتح کاف و سکون چ. ۱۰- به
 ضم کاف و نون و سکون سین.

[علوی کلا]

به قرار دوپست خانه وارند. بزرگ ایشان یکی آقامحمدحسین و یکی دیگر آقا محمد رضا [است]. کدخدا و ضابط احمد بیگ و ملا علی اکبر کجوری در آن جا است که يك صد نفر شاگرد طلبه دارد که تحصیل علوم حاصل می نمایند. و این علوی کلا در جمع بلوک فیروز کلا است [و] به کنار دریا نزدیک است. [در] این منزل، محله و خانه ها همه به کنار دریا نزدیک می باشند. بعد از دو رودخانه و رودخانه کزل^۱ رود گذشته رودخانه نمک^۲ آب رودسر است.

[صلاح الدین کلا]

[از علوی کلا] رده شده، صحرایی و سبزه زار [ی است] باصفا که محله [ای] نزدیک به کنار دریا [به نام] صلاح الدین کلا می باشد. بعد رودخانه نی رود^۳ است گذشته کنار آب سنگ بسیار دارد. و از چهارجوی آب رده شده رودخانه آرمنج^۴ است که آبش از محله علی آباد کوچک می آید که به قرار هفت و هشت خانه وارند. به کنار دریا سیصد قدم می شود. گذشته در راه درخت شمشاد و گل یاسمن و انار و اشپتر^۵ و درخت شب نخس^۶ و توسه و للکی و آلوچه و نی آزاد و علف بسیار دارد.

[چلندر]

دست چپ راهی است [که] می آید سر رودخانه چلندر که باروبنه و آدم کلا^۷ باید با نو از آب بگذرد داخل چلندر می شود که دور تا دور چلندر

۱- به فتح کاف و سکون لام. ۲- به فتح نون و سکون یاء.

۳- به فتح الف و سکون راء و فتح میم و نون و سکون جیم. ۴- به کسر الف و

سکون شین و فتح پ. ۵- به ضم خ و سکون سین، درخت گل ابریشم.

همه آب است. جميع ملكش شالى زار است بغير از خانه و باغيچه. اهل دهاقين به قرار يكصد خانه وارند. بلوك باشى حسين بيگ است كه در محله حوض كُتى منزل دارد. و از اين محله به پاي كوه ربع فرسخ است. مابين جنوب و غريبه اسم كوه، مشهور [به] كوه ديو سفيد است. از پهلوى محله توى آب كه دو طرف شالى زار است، مى رسد به راه سنگ فرش و جنگل بزرگ داخل مى شود [و] مى آيد به جائي كه دور تا دورش خندقى بزرگ به قرار چهارصد قدم حفر شده بود. كه [در] وسط خندق بلندي است كه درخت شمشاد بسيار دارد. و جانب قبله اين بلندي الآن كه يكهزار دويست و هفتاد و پنج است، يك درخت بسيار بلند و كلفت كه بغل سه نفر نمى آيد، اسمش به اصطلاح اهل مازندران افرا مى باشد. و وسعت اين بلندي از سمت شرقى تا به جانب غربى پنجاه قدم و از سمت جنوب به شمالى هشتاد قدم [است]. و خشت [و] آجرهاى درشت هم در آن جا مى باشد. و اين بلندي دو خندق دارد كه يكي درست معلوم نمى شود.

از قرار مشهور در عهد قديم [و] سلطنت آذربستان [در] اينجا قلعه محكم و آبادى بوده است.

ايضاً سمت قبله اين قلعه تپه ديگر [ي] است كه همه درخت شمشاد دارد. بعد سربالائى و جنگل شمشاد كه به تعريف راست نمى آيد و آدم به دو ذرع فاصله همدىگر را نمى بيند كه مكان و منزل ببر مى باشد. به هزار مشقت و زحمت به پايه كوه مى رسد [كه] مثل ديوار سربه كهكشان فلك كشيده است. و يك درخت افراى بزرگ روى يك سنگ بزرگ در آمده كه دوره سنگ را باريشه خود گرفته است. [و] قدرى بالاتر از تيزه كوه اهل چلندر

باهزار زحمت و ترس بالا رفته ریسمان می بردند [و] به درخت می بستند و آدم دیگر [که] بخواهد برود به هزار خوف [و] تشویش که حالا از سر کوه می افتم، ریسمان و ریشه های درخت را گرفته بالا می رود. يك زاویه طاقی که همه چهار ذرع نمی شود در آن جا می باشد. و يك طاقچه مانند ناهموار هم دارد و سطحش معدن مس است. و [از آن جا] جمیع دریا و صحرا نمایان می باشد. می گویند مقام دیو سفید در اینجا بود. از قرار عقل باید دروغ باشد. و دوباره به هزار تشویش پائین می آید. که در جنگلش به غیر از ببر جانور درنده بسیار دارد.

و این چلندر در جمع بلوکات کجور است.

[کجور]

و خود کجور دوازده بلوک است:

اول- پنجک رُستاق. ۲- زاندرُستاق. ۳- کوه پهر. ۴- لاشک. ۵- شهر کجور. ۶- انگاز. ۷- فیروز کلا. ۸- کتران. ۹- خیرود کنار. ۱۰- چلندر. ۱۱- نارنجک بند. ۱۲- کچلستاق. که همه ییلاق و قشلاق دارند. و حاصل ابریشم [آن] کم است. اصل محصولش برنج و روغن است. که [مردم آن] صاحب رمه و گاو می باشند. و به قرار ششصد خانه وارند. خواجه وند [و] طایفه شرف وند که از کردستان آورده اند، در کجور ساکنند. [و] دویست نفر نوکر سوار به دیوان می دهند. جمعی خان جان خان یوزباشی، سنّی مذهب [اند]. طایفه شرف وند یکصد نفر است و مواجیش هم یکصد تومان، ابواب جمع عیسی خان.

یوزباشی سنّی مذهب [از] طایفه شرف وند، یکصد نفر [و] مواجیش

يكصد تومان است كه جمع مواجب هر صد نفر يكهزار و سيصد و هشتاد و يك تومان می باشد. و دورتادور چلندر آب و مرداب است. به غير از [این] راه معین راه دیگری [ی] ندارد. و برنج يك من به سنگ شاه، يك قران [است].

[از بابت راه از چلندر به اورنگك]

از بابت راه از چلندر كه به اورنگك چهار فرسخ است [و] از مرداب چلندر با نو رده شده كنار دریا است. [و] از رودخانه دزدك رود گذشته در راه چنان علف دارد كه به تعریف راست نمی آید. و گل یاسمن و درخت شب خُس كه درخت ابریشم می گویند و نی و قلم نوشتن و درخت شمشاد و آلوچه با سایر درختها بسیار دارد می رسد به رودخانه مازكا و بعد رودخانه بندپی. و نهجا از جوی آب كه داخل دریا می شود، رد شده رودخانه پهن و سنگلاخ خیررود است و بعد امیررود گذشته، درخت آلوچه و سیب و انجیر و گل یاسمن و انار و شب خُس و شمشاد و غیره بسیار دارد. به فاصله صد قدم چهار جوی آب می آید [و] به كنار دریا فرو می رود می رسد به رودخانه علی آباد بزرگ كه محله اش بالاتر است. از سه رودخانه كوچك عبور نموده رودخانه ماشلك است. بعد رودخانه چشمه آب مشهور [به] سنگ تاجان است كه اسم محله اش خادك [است] گذشته رودخانه كُر كُر دسر،^۱ كه [در آن] ماهی سفید صید می شود، كه دو محله دارد [كه] داخل در بلوك كُر آن^۲ می باشد [و] به كنار دریا نزدیک است. رده شده [از] جوی آب تیز كله و رودخانه كُنْد رود^۳ گذشته رودخانه چالوس است كه آب زیاد دارد و شیل می بندند [و] ماهی آزاد صید می نمایند. پنجاه

۱- بهضم كاف اول و دوم و سكون دال.. ۲- بهفتح كاف و سكون نون.

۳- بهفتح كاف و سكون نون.

تومان اجاره [صید] ماهی حلال است. و ماهی حرام هم زیاد [صید] می شود. و آبش از کوه دلیر و نور می آید که از سرچشمه اش تا به دریا تخمین مسافت، پنج منزل است. و رودخانه چالوس سرحد است که آخر کجور و اول کلارستاق می باشد. از رودخانه رد شده دست چپ راهی دارد [که] صحرائی است که [در] طرف راست [دهی به] اسم ده لپاؤك^۱ است.

از صحرائی و میان مزرعه گذشته داخل اورنگ می شود که به کنار دریا ربع فرسخ [است]. به قرار چهل خانه وارند که از پیش روی خانه ها آب روان می باشد [و] داخل در بلوك^۲ کلارستاق است.

[بلوك كلارستاق]

و خود كلارستاق چهار بلوك است:
اول- دشت كلارستاق.

دويم- كلاره دشت كه ييلاق است. [و] بسيار جاي باصفا و دلگشاو سبز هزار، و مقابلش كوه شاه آتم دار [است]. ويك ده بزرگ دارد [كه] اسمش لاهو است كه سيصد خانه وارند. و كلاره دشت يكصد قريه مي باشد و هيچ جنگل ندارد مگر خارج از حدود ملكش [كه] جنگل است. [و] تخمين شمشد در خانه خواجه وند ساكنند. [و] دويست و پنجاه نفر نوكر سوار به ديوان اعلى مي دهند. كه دو نفر سر كرده دارند. مواجب هر كدام صد تومان است. جمع مواجب نوكر [ها] سه هزار و چهارصد و هشت تومان است. ابواب جمع جعفر قليخان يوزباشي خواجه وند [از] طايفه لك^۱، يكصد و پنجاه سوار. [و] ابواب جمع محمد قليخان يوزباشي خواجه وند [از] طايفه لك، يكصد سوار [است].

و ماليات كلاره دشت يك هزار تومان است. ويك سكوئي در وسط صحراي كلاره دشت دارد كه يك ميدان اسب مي شود. همه سبز [و]

خرم است [و] اسمش را کلار می‌گویند. و این سکو از عهد قدیم بنا شده است. و رودخانه سرد رودسر از میان کلاره‌دشت از کوه شاه آلم^۱ دارا می‌آید.

و بلوک سیم - کلارستاق بیرون بستم^۲ است.

و بلوک چهارم - کوهستان غربی و شرقی: که غربی کوه دلیر [و] شرقی الامل^۳ و آلتند^۴ است. کدخدای اورنگ مشهدی مهدی، بلوک‌باشی آقابزرگ آقا و ملاخان بابا. حاکم کل حبیب‌الله خان سرتیپ است. و از اورنگ به عباس آباد چهار فرسخ است.

۱- به فتح الف و لام و سکون میم. ۲- به فتح باء و سکون شین و میم.
 ۳- به فتح الف و ضم میم و سکون لام. ۴- به فتح الف و لام و سکون نون و دال.

[بخش دهم]

[از بلوك كلار ستاق به بلوك تنكابن]

[از بابت راه از اورنگك به عباس آباد]

از بابت راه از اورنگك كه به عباس آباد [می رود] چهار فرسخ است. از محله و صحرا و مزرعه اورنگك و ده دست چپ كه اسمش كرامی جان است، رد شده كنار دریا است می رسد به دو مجرا رودخانه سرداب رود كه از كلاره دشت می آید كه به این رودخانه كرجیها به جهت خرید و فروش می آیند [و] برنج می خرنند. گذشته دو رودخانه كوچك دارد [كه] متعلق [به] نوديك^۱ است [و] شش درخانه به كنار دریا واقع است. گذشته رودخانه مرزنده كلیه^۲ و رودخانه امام رود و رودخانه آجرود^۳ می رسد به رودخانه نورود^۴ سر^۴ كه مقابلش كوه مدوبند است [و] به كنار دریا يك فرسخ [است]. و مقبره دانیال پیغمبر دریای كوه مدوبند واقع است كه مردم به زیارت می روند و مقبره خوب دارد. و طایفه مدو در آن جا اقامت دارند.

۱- به ضم نون و سكون دال. ۲- به فتح كاف و كسر لام و سكون هاء.

۳- به فتح الف و سكون ج و ضم راه. ۴- به ضم نون.

از رودخانه نورودسر گذشته جنگل است می آید به رودخانه نمک. آب رودسر که سرحد است [و] آخر کلارستاق و اول خاک تنکابن می باشد. در سررودخانه نمک آب رودسر میان دریا، علامت قلعه می باشد که در عهد کیان آبادان بوده است. و ماهی سفید زیاد صید می شود و آبش بی مزه [است] که طعم شوری دارد می گذرد. و در این راه درخت شمشاد زیاده از حد است که به ملک روسیه به جهت فروش می برند. بعد رودخانه پلنگرود و دو رود کوچک و رودخانه اسپه رود و دو مجرا رودخانه طیل رودسر و چهار رودخانه کوچک و رودخانه خَرک رود که محله اش جمشید آباد است. و [از] دو مجرا رودخانه اسب چین گذشته که [در آن جا] سیزده تالار چوبی اهل محله اسب چین به جهت خواب ایام تابستان، ساخته اند. بعد صحرائی و قبرستان سبزه زار [ی است] که سر قبرها گل نرگس کاشته اند که [هم] قبرستان اسب چین و هم قبرستان آمیچ کلا^۲ است. دست چپ راهی دارد، صد قدم تو جنگل، می رسد به علامت گاه قلعه اسب چین که قلعه عثمان پاشا هم می گویند که بالاتر از سیصد سال است خراب شده و الآن هیچ آثاری ندارد مگر قهقهه مثل خندق میانش را کنده اند و آجرش را درآورده در عباس آباد عمارت و مسجد بنا نهاده اند. و درخت افرا و درختهای مازوی بسیار دارد. و به عباس آباد نیم فرسخ است.

[عباس آباد]

از همان راه مراجعت نموده داخل جاده شده از سبزه زار و رودخانه آمیچ کلا و رودخانه محمد حسین آباد و قبرستان و سبزه زار داخل عباس آباد که به کنار دریا واقع است، همه سبزه زار [است و] بسیار جای باصفا است به

۱- به فتح خ وراء و سکون کاف.

۲- به فتح الف و سکون چ.

قرار بیست و پنج خانه وارند داخل در بلوک لَنگَا^۱ است. و عمارت آقامیرزا یوسف عموی حبیب الله خان سرتیپ، آجری [و] سرش تخته پوش است. و آقامیرزا یوسف چهار نفر پسر دارد: یکی میرزا محمد حسین و یکی آقامیرزا محمد یاور و میرزا باقر و میرزا عبدالله.

و کوه بلند سمت جنوب عباس آباد کُورما^۲، پائین تر داکو، سمت شرقی پس داکو، و طرف غربی سه هزار، بعد دوهزار و مَران^۳ که بالا دست خرم آباد است. و مظنة برنج يك من شاه، يك قران [است].

[از بابت راه از عباس آباد به خرم آباد]

از بابت راه از عباس [آباد] که به خرم آباد [می رود] چهار فرسخ است. از عباس آباد و رودخانه و محله کاظم آباد و تازه آباد و پسند رود گذشته رودخانه نیشتا است که هر ساله کرجی زیاد به جهت خرید برنج می آیند. و محله به کنار دریا است. از رودخانه نیشتا رد شده اِذْ اُرود^۴ است که شیل بسته اند [و] ماهی آزاد صید می شود. اجاره اش سی تومان است. و به این رودخانه کرجی هم می آید. بعد رودخانه چشمه کیله و رودخانه زوار کله و رودخانه راپشته که قلیلی ماهی سفید صید می شود، گذشته رودخانه تیر پُرد سر^۵ است. بسیار رودخانه بدی است وقتی که آب زیاد می شود باید با نُو^۶ عبور نمود. و کمی ماهی سفید صید می شود. اجاره اش شش تومان است. و سر دهنه [آن] ماهی آزاد می توان صید کرد.

۱- به فتح لام و سکون نون. ۲- به ضم کاف و سکون راء. ۳- به فتح میم و سکون الف. ۴- به کسر الف. ۵- به ضم پ و سکون راء دوم. ۶- به ضم نون و سکون واو.

[خرم آباد]

از رودخانه تیرپردسر گذشته رودخانه حاجی محله و رودخانه نی رودو رودخانه دیگر می رسد به رودخانه چشمه کیله خرم آباد. چهار جا از آب همین رودخانه عبور نموده از محله شیر کُزْزَا رد شده داخل خرم آباد می شود که به پای کوه يك فرسخ است و پای تخت حاکم خرم آباد است. و عمارت های آجری و سفالپوشی و اندرونی و بیرونی دارد که جد حبیب الله خان. سرتیپ هادی خان. بنانهاده است. پانزده درخت چنار و پانزده درخت مرکبات و دو درخت آزاد و سه درخت انار با دریاچه آبی دارد که خارج ازین بیرونی و دیوان خانه، مسجدی است که در مقابلش درخت سروی دارد. و حاصل ولایت تنکابن از برنج و روغن است. و ایریشم هم به عمل می آید که الیجه و چادرشب و شلوار قرمز و دستمال و چارقد و غیره خوب می بافند. و برنج عراق و قزوین و گیلانات و بادکوبه، همه از تنکابن است که برنج وافر و بسیار خوب به عمل می آید. و سنگ وزن روغن تنکابن يك من و نیم سنگ شاه است که سه من تبریز باشد می فرسند [به] دوازده قران. اهلسان ییلاقی و قشلاقی می باشند. صاحبان گله گوسفند و

گاوند. و اهل خرم آباد سی خانه وارند.

و پنجاه خانه وار غب اوصالو در تنکابن ساکنند. و تنکابن نه بلوک است. حدودش از رودخانه سُرْخانی سرحد گیلان است الی رودخانه نمک. آب رودسر، سرحد کلارستاق. اسامی نه بلوک:

- اول- سخت سر . دویم- سیارستاق. ۳- کُولی جان^۱.
- ۴- میان نایه و مذر دشت خرم آباد . پنجم- سیاورز، بابلده^۲.
- ششم- زوارونیشتا. هفتم- لَنگَا^۳، جوربند لنگا جیربند لنگا. هشتم- کلار آباد. نهم- اِشکورات^۴ با دوهزار.

مالیات [آن] شش هزار تومان است. نوکری که از تنکابن و کلارستاق و کجور به دیوان خدمت می کنند هشتصد و پنج نفرند.

سرتیپ و حاکم کل حبیب الله خان سرتیپ، پسر ولیخان می باشد. و دو نفر پسر دارد: یکی ولی خان سرهنگ [پسر] بزرگ است [و] پسر کوچک عبدالله خان است. و نایب تنکابن داماد سرتیپ میرزا محمدعلی پسر یوسف سلطان می باشد، که خانه اش در کولی جان است.

و در رودخانه های تنکابن ماهی آزاد صید می شود. بخصوص رودخانه مذر که دایماً ماهی آزاد صید می نمایند. اجاره اش یک ساله پانصد و شصت تومان می باشد. و آب رودخانه مذر از بالای کوه مَران^۵ و دوهزار می آید پائین تر در سرپل چوبی، به هم وصل شده داخل دریا می شود.

از تنکابن در ایام تابستان پنج روزه به طهران می رود: منزل اول-

۱- به ضم کاف و فتح واو و سکون لام. ۲- به فتح باء و لام و دال.

۳- به فتح لام و سکون نون. ۴- به کسر الف و سکون شین و فتح کاف و واو.

۵- به فتح میم و سکون نون

آمران . دویم- الموت . سیم- طالقان . چهارم- کُردان^۱. پنجم- دارالخلافة طهران. و در زمستان از شدت برف راه مسدود می شود. و برنج مهدیخانی يك خروار اسبی دوتومان و پنج قران است.

[از بابت راه از خرم آباد به آب گرم سخت سر]

از بابت راه از خرم آباد به آب گرم سخت سر چهار فرسخ است. از میان مرزعه شیر کرز و رودخانه چشمه کیله و مزرعه و محله خوبان رزکاو سبزه زار می رسد کنار دریا. سر رودخانه مذکر که دایم الاوقات ماهی آزاد صید می نمایند، رد شده رودخانه نصیر کیله و رودخانه واپک و آسیارود[و] باشی^۲ رود است که مقبره امامزاده سیدحسین در محله شی رود می باشد [که] به کنار دریا واقع است که يك درخت چنار بزرگ در مقابلش دارد. از محله شی رود و رودخانه کوچک و رودخانه طیروم و جوی آب رده رودخانه چال کرو است. [و] چهاررودخانه می باشد [که] از بالای کوه از آب جنت رودبار می آید [و] داخل دریا می شود [و] ماهی آزاد صید می نمایند. اجاره اش بیست تومان است.

[سخت سر]

از رودخانه های چال کرو و نیاسترود و سیگارود و رودخانه شوراب- سر و رودخانه سیدمحله و نمک آب رود و میان مزرعه و محله کرم رود و تخته- پل رد شده داخل خانه های آب گرم می شود. و این آب گرم به دامنه کوه واقع است. هشت خانه وار رعیت در آن جا ساکنند. و چهار حوض آب گرم نزدیک هم دارد که یکیش محصور و زنانه است و دو حوض دیگر قدری دورتر است. به جهت امراض مختلفه زیاد نافع است. و چهار حوض آب

۱- بهضم کاف و سکون داء.

۲- به کسر شین و سکون یاء.

دیگر در سیدمحلّه می‌باشد. و پهلوی حوض بزرگ محصور در میان شمشاد-ستان يك آستانه امامزاده می‌باشد. و کوه‌مارکو و زنبیل کوه در سخت‌سر است که در عهد قدیم قلعه بنانهاده بودند. و حاصل سخت‌سر برنج و روغن و ابریشم است. [آنها] که صاحبان گلّه گو سفند و گاوند در تابستان به ییلاق می‌روند. کدخدای سخت‌سر، حاجی آقا است.

اسامی دهات سخت‌سر: اول- دریافته. ۲- تنگ‌دره، منزل حاجی آقا. ۳- کرک‌محلّه. ۴- آخوندمحلّه. ۵- زکین محلّه. ۶- کندسّر^۱ ۷- نارنج‌بن^۲. ۸- آب‌گرم. ۹- سلم‌رودسر. ۱۰- سادات محلّه. ۱۱- رَمَك^۳ و کرم‌رود. ۱۲- چورسّر^۴. ۱۳- طالش محلّه. ۱۴- اُسْكُنَاكو^۵. ۱۵- توساسان. ۱۶- لَمْتَر^۶. ۱۷- فوتوك. و مرکبات هر قسم در این ملك به عمل می‌آید. و کدخدای آب‌گرم، ملاموسی است. و چادرشب والیجه و شلوار قرمز و پیراهن شیرپنیر و سایر چیزها از ابریشم می‌بافند.

۱- به فتح کاف و سکون نون و دال و فتح سین. ۲- به ضم باء و سکون نون. ۳- به فتح راء و میم و سکون کاف. ۴- به ضم چ و فتح واو و سکون راء. و فتح سین. ۵- به ضم الف و سکون سین و ضم کاف. ۶- به فتح لام و سکون میم و فتح تاء.

[بخش یازدهم]

[از آب گرم سخت سر به شهر لاهیجان]

[از بابت راه از آب گرم سخت سر به سیاه کله رود]

از ابابت راه از آب گرم سخت سر که به سیاه کله رود سه فرسخ و نیم است. از آب گرم سر از یرشده از میان مزرعه و جوی های آب و محله نارانج بَن و کنند. سر و زکین محله و رودخانه سَوَیْرُود^۱ و آخوند محله و پل چوبی و کترکت^۲. محله و صحرائی و رودخانه گذشته، طرف چپ امامزاده تنگ درّه است. چهارده جا از رودخانه تَرُک رود^۳ عبور نموده امامزاده و محله دریابشته است. از تخته پل و محله و جنگل رد شده کنار دریا رودخانه سُرْخانی^۴ است مشهور [به] سفیدتمش [که] حد سَد گیلان و مازندران می باشد. که از رودخانه سرخانی تا به شهر لاهیجان نه فرسخ است. و به جَر کلباد حد سَد مازندران و استرabad پنجاه و سه فرسخ.

۱- به فتح سین و واو اول و سکون یاء. ۲- به فتح کاف اول و سکون

راء و فتح کاف دوم. ۳- به ضم تاء و سکون راء و کاف. ۴- به ضم سین و سکون راء.

[دهكده قاسم آباد]

از رودخانه سرخانی و چهار جوی آب، نیم فرسخ گذشته رودخانه میان‌دهرود است بعداچارود. ازاچارود رده شده نه‌رود كوچك و [از] اوشیان- رود گذشته قاسم آباد است. يك فرسخ رده شده رودخانه قاسم آباد است. قاسم آباد ملك ميرزا عبدالباقی منجم‌باشی است. دو محله دارد: که محله بالا نیم فرسخ به کنار دریا مسافت دارد. باغی ساخته‌اند که دوازده هزار درخت مرکبات از هر قسم دارد. همه صاحبان گوسفند و گاو می‌باشند. دریافتی ارباب از دو محله قاسم آباد: ابریشم به وزن شاه چهل و سه من، برنج هشتصد خروار اسبی، روغن هشتصد و پنجاه من به وزن شاه و گاو [و] گوسفند بسیار دارند. در جمع رانکواست و يك فرسخ به سیاه‌کله‌رود می‌شود. از رودخانه قاسم آباد رده شده تخت‌سنگهای بزرگ لب رودخانه افتاده است. اینها را حسب الفرموده هدایت‌الله‌خان رشتی آورده بودند که به آنزلی ببرند [و] عمارت بسازند. عمرش کفاف نکرد [و] به حکم آقامحمد شاه مغفور مقتول گردید. و از شش رود كوچك و امام‌زاده و شمشادستان [و] چائی‌جان و از میان مزرعه گذشته سر بالا داخل اوطاق سیاه‌کله‌رود می‌شود که به کنار دریا نیم فرسخ مسافت دارد.

[بلوك سياه‌کله‌رود]

و محله اوطاق به پای کوه واقع است که عمارت و مسجد و منار از آجر پخته، [و] سرش سفالپوش است. و مرکبات درین بلوك بسیار می‌باشد. اهلیشان ایام تابستان به ییلاق اشكُتورَات^۱ می‌روند. و همه صاحب

گتله گو سفند و گاو گالشی می باشند، که روغن زیاد به عمل می آید. خورا کشان برنج است. در عرض سال هفتاد من ابریشم به وزن شاد می شود. و دو آستانه امام زاده دارد. و صورت های زیبای خوب هم یافت می شود. و مالیات سیاه کله رود یک هزار و پانصد تومان است که به حاکم لنگرود و رانکو می دهند.

و بلوک سیاه کله رود در جمع بلوکات رانکو است. و بلوک باشی این بلوک، پسران محمد قلی بیگ بلوک باشی: میرزا فتح الله و میرزا اسد الله و میرزا عبدالوهاب می باشند.

و اسامی دهات سیاه کله رود: اول- چائی جان. ۲- تساکو^۱. ۳- شاقوزینی^۲. ۴- چاقونی محله. ۵- گل^۳ محله. ۶- خشک لات. ۷- رضا محله. ۸- کر^۴ جی محله. ۹- باغ دشت. ۱۰- شامراد. محله. ۱۱- میران محله. ۱۲- اوطاق. ۱۳- لدرجان. ۱۴- جور^۵. محله. ۱۵- خیاط محله.

و رودخانه بزرگ خشک رود از سیاه کله رود می گذرد. صید ماهی حلال می نمایند و آبش بسیار گوارا و پاکیزه است. و از کوه سماس می آید. از بابت اجاره [صید] ماهی سی تومان است.

مابین قبله و شرقی به مسافت نیم فرسخ از اوطاق، در بالاسر بند بن^۶ در کمره کوه برجی دارد که ده ذرع بلندی دارد. و به هیچ طرف راه و ممری ندارد مگر اینکه می گویند در میان درّه در شکاف سنگ سوراخی است. باید راهش همین باشد و کسی الی حال نرفته است. از قرار مشهور

۱- به ضم تاء و کاف. ۲- به ضم قاف. ۳- به ضم کاف و سکون

لام. ۴- به فتح کاف و سکون راء. ۵- به ضم ج و سکون راء.

مدت براین، با چراغ در میان آن سوراخ رفتند شب پره بسیار داشت، پرزدند [و] چراغ را خاموش نمودند، اشخاص ترسیده مراجعت کردند. و در خفیه دور برج را به طمع گنج زیاد کنده اند، جز رنج چیز دیگر عایدشان نشده است. و پانزده خانه وار ایلیات فیوج که کسب ایشان خراطی و آهنگری است، در سر رودخانه خشک رود سکنا دارد.

[از بابت راه از سیاه کله رود به رودسر]

از بابت راه از سیاه کله رود به رودسر دو فرسخونیم است. از محله اوطاق سرازیر گردیده می رسد به کنار دریا، سر رودخانه خشک رود گذشته، ایضاً رودخانه کهنه خشک رود است. بعد رودخانه لذر جان و رودخانه گزاف رود [است] که [در آن] صید ماهی حلال می نمایند. اجاره اش پانزده تومان است. رد شده، شمشادستان ملک^۱ لیمون جو است می رسد به سر رودخانه پلورود که کوره زده آهک^۲ می پزند. و آب این رودخانه از کوه سما می آید. صید ماهی حرام زیاد می شود. از بابت صید ماهی حلال اجاره اش یکصد تومان است. در جمع رانکو می باشد. گذشته، چهار رودخانه کوچکی است: اسم اولی - شیر محله. دویم - گیلا کجان سیم - سالو محله. چهارم - بلالم. می رسد به رودخانه دوست کوه که چند درد کاننی و گالی پوشی [و] نفط فروشی و قصابی می باشد، که در ایام هفته روزهای یکشنبه بازار می شود. و کرجیهای بسیار کوچک دارند که در دریا صید ماهی آزاد و سفید می نمایند. رده شده از رودخانه دیگر عبور نموده از کناره دریا رد شده می رسد به رودخانه شیرارود که [به] سرپل مشهور است و آبش از شاخه پلورود است که از ماچیان

۱- به کسر میم و سکون لام و کاف.

سوا می شود. و چند در دکان گالی پوشی در سر پل می باشد.

[رودسر]

و پل چوبی آزادی در سر رودخانه بسته اند، گذشته قبرستان سبزه زار بزرگی است [که] مشهور [به] قبرستان ملا میر است. داخل و وارد به رود سر می شود که مال مختصی میرزا محمدعلی خان حاکم لاهیجان است [و] دوهزار تومان هر ساله دریافت می نماید. و بازار بزرگی به طرح کاروانسرا ساخته که چهار دروازه و یکصد و ده باب دکان سفالپوشی است که روزهای یکشنبه بازار و جمعیت و دادوستد زیاد می شود. یکصد و بیست خانه دارند. دو باب مسجد [و] یک باب حمام دارد. حاصل برنج ندارد. موازی چهل و دومن به وزن شاه، ابریشم به عمل می آید. و کرجیها به قدر بیست ذرع به جهت دادوستد از میان رودخانه نزدیک بازار می آیند. و اسم رودخانه رود سر، کیارود است. مبلغ هشتاد تومان از بابت اجاره صید ماهی حلال می باشد. مظنه جات رودسر به تاریخ شهر جمادی الاول یک هزار و دو بیست و هفتاد و پنج به وزن یک من شاه:

برنج یک من
سی شاهی
روغن یک من
یک تومان

نان یک من
سی و دو شاهی

قند یک من
پانزده قران

گوشت یک من
دوازده عباسی

نمک یک من
پانزده شاهی

نقط یک من
سی شاهی

و در سر رودخانه کیارود پل آجری دو چشمه می باشد [و] در پهلوی پل شش در دکان گالی پوشی است. [از رودسر] به لنگرود دوفرسخ است. در ایام زمستان چنان گل ولای می شود که عبور به زحمت و مشقت دست می دهد.

[از بابت راه از رودسر به لنگرود]

از بابت راه که از رودسر به لنگرود دوفرسخ است، از میان بازار و پل آجری و میان آب رد شده دست چپ مسجد سفالپوشی میان پشته و رودخانه و امامزاده و مسجد چینی جان است. بعد ملك و رودخانه ولیسه [است. و از] پل آجری ولیسه گذشته راه آب زیاد دارد می رسد به رودخانه بزرگ شلمان که در دو طرف رودخانه محله و خانه ها و باغ توت است. و آب این رودخانه از ناتشکوه می آید. و ماهی حلال زیاد صید می شود، در جمع شیلات رانکو. مبلغ دویست و پنجاه تومان از بابت اجاره صید ماهی حلال می باشد. از رودخانه شلمان و قاضی محله و دریاسر و پل چوبی گذشته سبزه زار آخر سامان ملك رانکو است، که طرف چپ [يك] آستانه امامزاده می باشد که بسیار جای متبر که است [و] پل آجری دارد. و خیابان سر را [ه] است و بعد پل کوچکی است.

کیکلایه

[از آنجا] می رسد به کیکلایه که خانه های سفالپوش دارد. از جمله عمارت محصور حاجی میرزا رضا داماد منجم باشی است که يك باب مسجد [و] تکیه و مکتب خانه هم بنا نهاده اند. از پل آجری گذشته دست چپ آستانه امامزاده است، ایضاً دست راست امامزاده دو برادران است.

[لنگرود]

[از آنجا] رده شده داخل لنگرود می شود که بندر لاهیجان و رانکو باشد.

و کرجیهای بزرگ از مازندران، شکر و برنج و روغن و عسل و کنجد و باقلا و قلیان کدو و وکل نمند و کرباس و پنبه و غیره می آورند. و از بندر انزلی ماهی شور و ماهی خشک و حصیر و نفط می آورند [و] به پهلوی بازار و محله لنگرود می فروشند. و مال مکاره، اجناس روسیه و باد کوبه هم می آورند [و] به حیطة فروش می رسانند. و آب این رودخانه از لاهیجان می آید و يك قنطره پل آجری دو چشمه در روی رودخانه بنا شده است.

و کنار رودخانه عمارت های بسیار خوب بنا کرده اند و سه محله دارد: اول- فیشکلی^۱. دوم- در مسجد. سیم- راپشته.

هفت آستانه امامزاده، چهار باب مسجد، چهار باب حمام، سه باب کاروانسرا، یکصد و پنجاه باب دکان، و پانصد و چهل خانه [وارند]. و کج تابیده خوب در لنگرود [در] عرض سال هزار من به عمل می آید. که يك من از سه تومان الی پنج تومان داد [و] ستد می نمایند. و ابریشم يك من از چهارده تومان الی شانزده تومان. و در تابستان آب و هوای بدی دارد. از بابت اجاره صید [ماهی] حلال رودخانه لنگرود، مبلغ سیصد تومان است. مظنه جات و نرخ مأكولات فریضة لنگرود به تاریخ شهر جمادی الاول یک هزار و دوست و هفتاد و پنج:

برنج — ازندان	برنج آکوله تنکابن	روغن — تنکابن
يك من به وزن شاه	يك من	يك من
يك قران و هفت شاهی	دو قران	نه قران

گوشـت	نـان	روغن کـرمـاشاه
يک من	يک من	يک من
دوازده عباسی	سی دوشاهی	هشت قران ونیم
چائـی	قـند	پـنـیـر
يک گیروانکه	يک من	يک من
سه قران	چهارده قران	پنج قران
نـفـط	شکر مـازندران	نـبـات
يک من	يک من	يک من
هفت عباسی	شش قران	چهارده قران
		نـمـک
		يک من
		دو عباسی

از پهلوی بازار و خانه‌های لنگرود به دریا دو فرسخ و به سفیدرود دو فرسخ و به لاهیجان دو فرسخ [است]. و الحالۀ هذا حاکم لنگرود و رانکو میرزا مهدیخان پسر میرزا عبدالباقی منجم باشی است. ابواب جمع مالیات هشت هزار تومان [است]. و از لنگرود کنار دریا راه سفیدرود به فرضۀ انزلی دوازده فرسخ است. و از راه لاهیجان به شهر رشت نه فرسخ [است].

[از بابت راه از لنگرود به شهر لاهیجان]

از بابت راه از لنگرود که به شهر لاهیجان دوفرسخ است از میان محله و مزرعه لنگرود که به نزدیک هم سه پل آجری دارد، رده شده از رودخانه لیلاکوه گذشته سربالا است. و راه تا به شهر لاهیجان به دامنه کوه واقع است. و کوه به طرف چپ از ملک لیلاکوه رده شده می رسد به دیوشل که خانه هایشان به دامنه کوه می باشد. بسیار جای با صفا است. و طرف چپ در میان شمشادستان، آستانه امامزاده می باشد. بعد دو مسجد [و] تکیه سفالپوشی است. گذشته کوه دزدبن می باشد که گرد و بلند است. و به پای کوه سنگهای بلند سراسر است زیاد افتاده است. از قراری که مشهور است: دزد حرامزاده به جهت سرقت نمودن اموال مردم در بالای کوه در میان مغاره سکنا داشت. بجز دزدی و خونریزی کاری نداشت. تا این که تاجری که به کرات اموالش سرقت شده بود عداوت و کین دزد را در دل گرفته چند عدد صندوق را پراز مارهای گزنده می نماید [و] سرش را محکم کرده حمل [به] این سامان می کند. دزد خبردار شده پائین می آید اهل قافله فرار می نمایند. صندوقهای مذکور را دزد در بالای کوه میان مغاره می برد به طمع مال. همین که صندوقها را شکست مارها درآمده هلاکش می سازند و مردم از شر او ایمن می شوند. از آن تاریخ مشهور به کوه دزدبن می شود.

از آن جا گذشته دست راست محله لپارستان است. می رسد به شیخ خونه بر که دریای خزر نمایان می باشد. و آستانه امامزاده در آن جا است که از دور و نزدیک به زیارت می آیند. و خانه ها و محله اش طرف چپ دامنه کوه واقع است. رد شده ملک چارقنه سر است.

[شهر لاهیجان]

راه سنگ لاخ، دوره باغ توت، و طرف چپ مسجد سفالپوشی، می‌رسد به اسطوخ و سبزه میدان لاهیجان که سبز [و] خرم است. داخل شهر لاهیجان می‌شود. و شهر لاهیجان از بناهای قدیم است و مربع می‌باشد که عرضش چند قدم کمتر است. طولاً از پای کوه که شعرباف محله است اِلِی سِرپُل آجری که پردر می‌گویند [و] عرضاً غریب آباد اِلِی تکیه آقا [است]. و حاکم و صاحب اختیار لاهیجان عالیجاه میرزا محمد علیخان است که حکمران و مالک سیصد و شصت و شش قریه می‌باشد. و حدود ملک لاهیجان، سمت جنوب کُومُل^۱ و لیل که سامان عمارلو است. مابین غربیه و جنوب پشاکجی سامان نصرالله آباد، ملک نواب یحیی میرزا [است]. غربیه چهار ده کشیده الی حسن کیاده و لشت نشاء کنار بحر خزر [است]. شمالیه کنار بحر خزر گرفته الی دهنه لنگرود [و] شرقی لیلاکوه کشیده اِلِی دیوشل که ملک دیلمانیه و خاک رانکو است. و مالیات لاهیجان سوای گمرک، چهل هزار تومان [است].

و بلد مزبور هفت محله دارد: اول- میدان. دوم - گاوبنه. سیم -

پُردسر. چهارم- کاروانسرا بر. پنجم- خُمیر کتایه^۱. ششم- اُر دُو بازار^۲. هفتم- شعرباف محله. یک هزار و پانصد و هفتاد خانه وار [ند]. و تکایا با امامزاده بیست و هفت باب است:

اول- چهارپادشاه. دوم- امامزاده در محله گاوبنه. ۳- در پُردسر^۳. ۴- در کاروانسرا بر. ۵- در خمیر کتایه. ۶- [در] اردو بازار میر شمش- الدین. ۷- آقامیر شهید. ۸- غرب آباد. ۹- آقامیر ز اصادق جیردکان بر. ۱۰- تکیه بر متعلق به میدان. ۱۱- شعرباف محله، که سه باب تکیه دارد. ۱۲- ملا مؤمن. ۱۳- آقامیر ابراهیم. ۱۴- تکیه آقا. ۱۵- حاجی باقر. ۱۶- عاقلیه. ۱۷- آقامیر کریم. ۱۸- پنج پیران که پنج مقبره دارد.

و امامزاده های بسیار در ولایت لاهیجان مدفون می باشند بخصوص در کنار سفیدرود. دو فرسخی شهر لاهیجان آستانه مبارک حضرت سید جلال الدین اشرف ابن موسی بن جعفر علیه السلام می باشد. و در سنه سیصد و یازده از هجرت آستانه مبارک را گوهرشاد خانم بنت کیا رستم، زینت نمود. که و الحال هده که یک هزار و دویست و هفتاد و پنج است خواستند آستانه و گنبد مبارک را تعمیر نمایند در زیر قبه ثبت بود به اسم گوهرشاد خانم بنت کیارستم که حک کرده بودند به تاریخ قُرْوَه^۴ که به حساب ابجد کبیر سیصد و یازده از هجرت نبوی صل الله علیه و آله می شود.

حمام لاهیجان ده باب، مساجد یازده باب، مدرسه شش باب، کاروانسرا

۱- به ضم خاء و فتح کاف و یاء. ۲- به ضم الف و سکون راء.

۳- به ضم پ و سکون راء و وال. ۴- به ضم قاف و سکون راء و فتح واو.

پنج باب، و هشت میل گلدسته دارد که اذان می گویند. دكا كین سیصد باب، خانه وار لاهیجان یک هزار و پانصد و هفتاد باب. جمعیت دوازده هزار نفر. در عرض سال موازی بیست هزار من ابریشم و یکصد و بیست هزار خروار. شتری برنج به عمل می آید. و ابریشم موازی لاهیجان بسیار اعلا می باشد [و] باب فرنگستان است. و اجاره گمرک لاهیجان بالنگروود هفت هزار تومان است. بسیار شهر آباد و معمور و اهلس کثلاً شیعه مذهبند. و مذهب خارجه در میان نشان نیست. خارج شهر، میدان سبز هزار دلگشا دارد که مشهور است به سبزه میدان که آخرش اسطخ پتر از آب می باشد که در وسطش خشکی است. از قرار مذکور در سابق الایام [در آن جا] عمارت بنانهاده بودند. و انتهای اسطخ کوه می باشد که [اسطخ] در پایان کوه واقع است.

از شهر لاهیجان به لنگرود دو فرسخ و به رودسر چهار فرسخ و به رودخانه سرخانی حدسدگیلان و مازندران مشهور به سفیدتمش، نه فرسخ و به شهر بارفروش چهل و دو فرسخ و به شهر ساری چهل و نه فرسخ و به شهر اشرف پنجاه و هفت فرسخ و به شهر استرabad از لاهیجان، هفتاد و چهار فرسخ و به شهر رشت از لاهیجان هفت فرسخ است که در ایام زمستان از بسکه گیل ولای و آب است یكروز [ه] نمی توان این هفت فرسخ را طی نمود.

[بخش دوازدهم]

[از لاهیجان به شهر رشت]

[از بابت راه از شهر لاهیجان به شهر رشت]

از بابت راه که از شهر لاهیجان به شهر رشت [می رود] هفت فرسخ است. از شهر درآمده [اول] قریهٔ بازه کی گوراب [است]. دویم- تجن گو که که از وسط قریهٔ مزبور خیابان عام است. سیم- کله ده که طرف چپ شارع عام واقع است. چهارم- قریهٔ کیسم است که رودخانهٔ سفیدرود از طرف مغرب آن جا می گذرد محل صید ماهی حرام می باشد و قلیلی ماهی حلال از اقسام ماهی صید می شود. مقرب الخاقان عمیدالملک که حکمران گیلانات است باعالیجاه میرعلی اکبرخان دریاییگی و عالیجاه سیدعلیخان و میرعبدالصمد- خان، قرار شراکت داده به مبلغ بیست و یک هزار تومان در میان گذاشته از دیوانیان عظام اجاره نمودند. در هده السنه ۱۲ شهر جمادی الاول یک هزار و دو بیست و هفتاد [و] پنج مشغول عمل گردیدند. و از قریهٔ کیسم به شهر لاهیجان دو فرسخ است. محصولش برنج و ابریشم بسیار اعلا است. و راسته بازاری هم دارد که در ایام هفته، روز چهارشنبه از اطراف جمعیت زیاد به جهت داد [و]

ستد می آیند.

از قریه کیسم به لاکمه سوار شده از رودخانه سفیدرود می گذرد داخل در ملک به پس می شود، می رسد به بازار کوچه اصفهان که راسته بازار بزرگ سفالپوش بایک باب حمام دارد. و از هر صنف اصناف و تجار بنک دار قزوینی در بازار کوچه اصفهان می باشند. و هر روز بازار است لیکن در ایام هفته روز یکشنبه و چهارشنبه باشد [که] در این دو روز جمعیت بسیار از شهر رشت و لاهیجان و سایر جاها به جهت خرید و فروخت می آیند. و به شهر رشت سه فرسخ است. در ایام زمستان زیاد راهش خراب است [و] از بسکه گِل و آب دارد عبور به مشقت و زحمت دست می دهد. از راه خراب در آمده از راه دارخانه حاجی ویشه و قریه شالکو و کردمحل و رودخانه صیقلان رودبار عبور نموده داخل شهر رشت می شود که پایتخت حکمران گیلانات است و در مغرب لاهیجان واقع است.

[شهر رشت]

تفصیل محلات و گذر و امامزاده‌ها و تکایا و مساجد و مدارس و مکتب‌خانه و حمام و کاروانسرا و دکاکین و غیره دارالمرز رشت به تاریخ یوم‌شنبه شهر رجب المرجب سنه قوی ثیل مطابق یک‌هزار و دویست و هفتاد و شش.

اسامی محلات رشت:

- ۱- خمیران زاهدان. ۲- خودزاهدان. ۳- صیقلان. ۴- بازار.
 - ۵- استادسرا. ۶- کیاب. ۷- خمیران کیاب. ۸- چمارسرا.
- امامزاده‌های رشت:

۱- خارج شهر ولی بزرگوار. ۲- محله زاهدان امامزاده عباس و امامزاده اسمعیل دو برادر، ابن امام موسی کاظم علیه السلام اند. ۳- ایضا در محله زاهدان حضرت معصومه مسما به فاطمه خواهر حضرت امام رضا علیه السلام بنت موسی بن جعفر علیه التحیه و الثناء سلام الله می باشد. که در قدیم مسما و مشهور به مزارال شوی اشتهار داشت. و هر ساله و هر ماه کرامات بسیار از آن آستانه مبارک ظاهر می شود و مردم فیضها می بینند. و اکثر اوقات در شبهای جمعه کرامت ظاهر است [و] خلق بسیار از دور و نزدیک به زیارت

می آیند. ۴- ایضاً در زهدان آقا بادی الله و آقا سید ابراهیم. ۵و۶- محله صیقلان بی مقبره و آستانه؛ آقا سید کلان و سُرخ بنده. ۷- و در خمیران- زهدان بی آستانه؛ چهار برادران. ۸- محله بازار، آستانه آقا چله خانه نظام الدین. ۹- و آستانه مبارکه سید فخر الدین مشهور به آقا فقرا. ۱۰- در محله استاد سرا آستانه متبرکه آقا سید ابو جعفر علیه السلام. ۱۱- در محله کیاب بی بی زینب دختر امام موسی کاظم علیه السلام. ۱۲- در خمیران کیاب بی آستانه؛ مشهور [به] دو برادران. ۱۳- خارج شهر آستانه سلیمان داراب. ۱۴- و آقا پیر شریف هم خارج شهر است.

تکایا با سقاخانه سی و شش باب. مساجد بیست و دو باب. مدرسه ده باب. مکتب خانه سی و چهار باب. حمام هفده باب. کاروانسرای آباد هجده باب. دکانین وسط معموره با محلات یک هزار و بیست و یک باب. خانه وار رشت پنج هزار و یکصد و شانزده باب. مخلوق بیست و هفت هزار و سیصد و چهارده نفر. و مالیات کل گیلان مبلغ دویست و سی و پنج هزار تومان [است].

الحمد لله شهر رشت از شهرهای آباد و معمور گیلان است و اماکن علمای امامیه و فقهای اثنی عشریه و سکنه تجار معتبر و اهلش کلاً شیعه مذهبند.

و مجتهدان مشهور و معروف باورع و تقوی دارالمرز رشت: علامه العلما عمدة المجتهدین و فخر المحققین شریعتمدار حاجی ملا محمد رفیع زید توفیق و جناب فضیلت و کمالات اکتساب آخوند ملاحسن و آخوند ملا محمد علی و سلاله السادات العظام فخر الحاج حاجی سید عبدالله و

جناب علامی آخوند ملا یوسف با سایر علمای اعلام می باشند. هر چند همگی مروج دین مبین و خواستمند رفاه مسلمین و مظلومین اند خاصه علامه العلماء جناب شریعتمدار رفع الله قدره فوق ذکره که زیاده بر زیاد در ازدیاد آبادی ولایت و رفاه کل خلائق و حامی دین مبین می باشد. هم چنان که از سالهای سابق راه جهنم دره گیلان به سمت عراق که فی الواقع چاه ویل بود از بس که گل ولای و آب داشت هر کس گذر می کرد خلاصی برایش نبود. و هر ساله خسارت بسیار به تجار و مکاری و مترددین می رسید. و پل منجیل هم چند سال بود که خراب شده بود. از اعلی حضرت قدر قدرت پادشاه اسلامیان پناه سلطان العادل و الخاقان البازل السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن ناصر الدین شاه غازی خلد الله ملکه و دولته و سلطانه الی یوم الیوم القیام در خواست و استدعا نمودند و مرخصی و اعانت حاصل نموده ابتدا اقدام به ساختن پل منجیل کردند^۱ در سنه یک هزار و دویست و هفتاد و پنج در روی هفت طاق بنیاد محکم بنا نهادند که تعریف به وصف نمی آید. و تا به حال به ولایت گیلان چنین پلی کسی نشان ندارد. که مترددین و مسافرین به آسودگی عبور نموده [و] به دعا گوئی ذات اقدس شهرباری روحی فداه مشغول می باشند.

و راه کتل منجیل و رودبار و رستم آباد و شاهزاده هاشم که گذشتن و عبور نمودن [با] بیم [و] ترس و خوف بود، سنگ تراش آورده به خوبی و پاکیزگی اصلاح نمودند که حال به جهت مسافرین رفاه کلی حاصل است. و در روی رودخانه سیاه رود هم پلی از آجر بنا نهاده اند و راه جهنم دره را تا به شهر رشت که سال یک هزار و دویست و هفتاد و هفت است به اتمام

می‌رسانند. و در هیچ عهدی شتر به گیلان نیامده است. قرار داده‌اند که قافله شتر تا به شهر رشت بیاورند. و الحال هده که یک هزار و دویست و هفتاد و هفت است در گیلان زیاد تسعیر غله بهم رسید که مردمان بی چیز از گرسنگی و بی برگی تلف می‌شدند. بعد از اطلاع همگی فقرا را خواسته دوماهه اخراجات آنها را به اغنیا حواله نموده و خود هم متکفل شدند. و هر قدر سعی کردند که شاید برنج را ارزان نمایند فایده پذیر نشد. هر چند تنخواه به جهت برنج می‌فرستادند می‌خریدند می‌آوردند [و] در شهر از مظنه دو قران کمتر می‌فروختند چون که این گرانی در ولایت ایران همه جا شده بود. در دار الخلافه تهران برنج يك من به سنگ شاه پانزده قران، و نان شش قران وجود نداشت. هر آینه غله عراق نزدیک به درو نمی‌شد و از این طرف از ملك دولت بهیه روسیه آرد و برنج به گیلان نمی‌آمد قحطی عظیمی می‌شد که جمیع مردم تلف می‌شدند. و چنان حرص به اربابان صاحب ملك با انصاف گیلان رو داده بود که هر کدام از یک هزار الی دوهزار قوطی برنج داشتند [و] همه را پنهان کرده بودند. اگر کسی از گرسنگی می‌مرد يك دانه را نمی‌فروختند. خداوند عالم انشاء الله تعالی حرص و آزار از جمیع بندگان خود دور گرداند و در پناه خود نگهدارد.

و در سنوات سابق در گیلان يك قوطی برنج که چهار من سنگ شاه بوده باشد می‌فروختند دو قران و نیم الی سه قران، در سال ۱۲۷۵ قوطی شش قران و در سنه ۱۲۷۶ قوطی هشت قران و در هذه السنه ۱۲۷۷ برنج لنگرکنان، قوطی دو تومان، و آرد لنگرکنان، يك من سنگ شاه سه قران و نیم شده است. و هر چیز از این قرار گران بود.

و الحال هده حکمران و والی گیلانات نواب مستطاب شاهزاده کامکار عدالت شعار اردشیر میرزا می‌باشد که رعایا و برابا به آسودگی و مرفه الحال

به دعاگوئی ذات اقدس شهر یاری مشغول می باشند. و اسباب گلدوزی و لندره دوزی شهر رشت با اشیاء علاقه بندی و شعر بافی شهرت دارد. شش باب کارخانه شعر بافی در شهر رشت می باشد که قصب^۱ و لنگ و پرده و بقچه دارائی و چادر شب و کلاغی به عمل می آورند و دکان گلدوزی بسیار است که رومیز و رواستول و رو کفش و قالیچه و پرده و روبالش و کتل تاج^۲ و غیره خوب به عمل می آورند. و در شهر رشت در محله کیاب يك میدان سبزه زار با صفا دارد که دوره درخت های آزاد از قدیم کاشته اند [و] مشهور است به سبزه میدان. و کوچه های شهر رشت را از سنگ، فرش نموده اند و آب خوردنشان از چاه است. و دو مجرا رودخانه در خارج شهر می باشد که ارباب سلیقه از آب رودخانه می آشامند. يك مجرا که سیاه رود بار باشد از کهدم می آید و رودخانه دیگر که گوهر رود باشد از شفت می آید. به جهت آشامیدن، آب گوهر رود بهتر است، که هر دو داخل مرداب انزلی می شوند.

۱- به تشدید صاد. ۲- به فتح کاف.

[بخش سیزدهم]

[از رشت به دارالسلطنه قزوین]

[از بابت منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنه قزوین و
زنجان و ایلیات قزوین]

منازل چاپارخانه از رشت به دارالسلطنه قزوین و زنجان و احوال
ایلیات قزوین:

منزل اول- از شهر رشت به کهدم شش فرسخ [به] حساب چاپارخانه.

منزل دوم- رستم آباد، شش فرسخ.

منزل سیم- منجیل، شش فرسخ است. از جهت کوه و کتل ولای هر

منزل از این سه منزل را دو فرسخ برای چاپارخانه زیاده حساب می کنند.

فرسخ حسابی از رشت به منجیل دوازده فرسخ بالاتر نمی باشد که هر منزلی
چهار فرسخ بوده و می باشد.

۴- و از منجیل به خرزان شش فرسخ.

۵- و از خرزان به قزوین شش فرسخ، که جملتان به حساب چاپارخانه

سی فرسخ است.

[احوال ایلات قزوین]

احوال ایلیات قزوین:

اول- چگینی: در عهد آقامحمدشاه مغفور از خرم آباد فیلی خودشان آمدند. هشتصد و پنجاه خانه وارند. سر کرده [ایشان] باقرخان بابرادرش خان بابان [است]. مواجب سر کرده یکصد تومان [و] نوکر سواره چگینی چهار- صد نفر، سکنه سر کرده با شصت و پنج خانه وار دیگر در شهر قزوین است و سکنه سایرین در طارم از سیاه پوش منجیل، لوشان، خرزان الی قزوین و در ساوجبلاغ، بالاسر قشلاق هفتاد خانه وار ایضاً ساکنند. عمل شان کشت و زراعت بسیار می نمایند. و گلیم، قالی، جاجیم، سیاه چادر، خورجین، نمد، توبره [و] مفرش خوب هم می بافند. [به] تخمین شانزده هزار گوسفند دارند. زبان ایشان لری است به مثل زبان اهل بختیاری، فارسی و ترکی هم می دانند. همه کاسب کارند مگر چند نفر الوات دارد که دسته دارند [و] دله دزدی می نمایند. اسامی آنها: یکی پاپارضا و یکی حنارس. هردو [از] طایفه رفیع خان. یکی دیگر، خدارحم [از] طایفه علی زمان [و] کارشان دزدی است که در جمال آباد لوشان ساکنند [و] از قراری که مذکور گردید دزد مشهورند.

طایفه دویم- قیاس وند: در عهد آقامحمد شاه مرحوم، نصف از فارس و نصف دیگر از خرم آباد آمدند. یک هزار و سی خانوارند. سر کرده [ایشان] نوروز علی خان پسر احمدخان [و] مواجبش صد تومان [است]. نوکر سواره دویست نفر و خانه سر کرده در شهر قزوین است. و سکنه ایل از پل لوشان در میان ملا علی دره الی یوزباش چای و طرف شرقی الی انبوه حدسدر شوند [است]. [و] مالیات دویست و پنجاه تومان نقد بابیست رأس بره می باشد. همگی چادر نشینند [و] بیلاق و قشلاق دارند. کاسبی ایشان زیاده از حد زراعت

غلّه است. و بوستان خربزه و هندوانه هم می گیرند. و قدری برنج درملا-
علی دره می کارند. [به] تخمین یازده هزار گوسفند دارند که از پشم آنها گلیم،
قالی، پلاس، جاجیم، سیاه چادر، خورجین، نمد، توبره [و] مفرش می بافند.
زبان [ایشان] کردی است، فارسی و ترکی هم می دانند.

سیم- کا کاوند [که] از فارس و کرمانشاهان آمدند. ششصد و سی خانه-
وارند. سر کرده [ایشان] شاه رخ خان [و] غلام رضا خان و ذوالفقار خان [است].
موجب هر کدام یک صد تومان [است]. نو کر سواره سیصد نفر و خانه سر کردگان
در شهر قزوین است. و سکنه ایل سمت غربی قزوین در مغلاوا می باشد. [برای]
مالیات، بیست رأس بره می دهند. کشت و زرع ندارند [و] کارشان دزدی و راهزنی
است. مذهب درستی ندارند [و] اعتقادشان زیاد به حضرت داود است. هر
کدام که دزد هستند به دست خودشان داغ دزدی گذاشته اند. شش هزار و پانصد
رأس گوسفند دارند. از پشم آنها: گلیم، قالی، جاجیم، سیاه چادر، خورجین،
نمد، توبره [و] مفرش می بافند. زبان [ایشان] کردی است. و بیست خانه و اهرم
در شهر قزوین ساکنند.

چهارم- جلیل و ند: نهصد و پنجاه خانه و اهرم دارند. سر کرده [ایشان] بدرخان و
سفر علی خان و موسی خان و قاسم خان [می باشند]. نو کر سواره سیصد و پنجاه
نفر [و] موجب سر کرده یک صد تومان [است]. و نصف ایل باسر کردگان در
شهر قزوین [هستند] که جو را ب خوب می بافند و نصف دیگر سمت غربی
قزوین در دهات ساکنند. کاسبی ایشان کشت و زرع است. سه هزار و پانصد
رأس گوسفند دارند. و کمی دله دزدی به وقت فرصت می نمایند. زبان [ایشان]
کردی است.

پنجم - کَلْهُر^۱: دویست خانه وارند. سر کرده [ایشان] حضرت قلی خان [و] مواجیش یک صد تومان [است]. نوکر سواره شصت نفر [و] خانه سر کرده در شهر قزوین است. و سکنه ایل در قشلاق و ساوجبلاغ در خانه ها ساکنند. کاسبی ایشان کشت و زرع است. یک هزار و هشت صد رأس گوسفند دارند [و] از پشم آنها: گلیم، قالی، جاجیم، پلاس، سیاه چادر و غیره می بافند. زبان [ایشان] کردی است.

ششم - مافی: یک هزار و بیست خانه وارند. سر کرده [ایشان] محمدرضا خان و خسرو خان و نصرالله خان و سلیمان خان و هاشم خان می باشند. نوکر سواره مافی پانصد نفر [است]. دویست خانه وار از ایل مافی سمت شرقی قزوین نزدیک به شهر چادر نشینند [و] کشت و زرع می نمایند. و چهار هزار رأس گاو و گوسفند دارند. و تتمه در شهر قزوین ساکنند. دله دزدی هم دارند. زبان [ایشان] کردی است.

هفتم - بهتوئی: دویست خانه وارند. سر کرده [ایشان] بهزادخان [و] مواجیش یک صد تومان [است]. نوکر سواره یکصد نفر [است]. قلیلی در شهر قزوین ساکنند و الباقی در دهات چهار اطراف قزوین ساکن می باشند. کاسبی کشت و زرع و داد و ستد می نمایند. گلیم، قالی، جاجیم و سایر چیزها نیز می بافند. و گوسفند کمی دارند [و] مالیات نمی دهند. و دزدی هم می نمایند. و در سال یک هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری که موکب همایون اعلیحضرت پادشاهی در چمن سلطانیه نزول اجلال ارزانی داشت یکنفر غلام پادشاهی از طهران به سلطانیه می آمد. در راه او را الوات ایلیات بهتوئی گرفته مقتول نمودند و اسبابش را به سرقت بردند. بعد از استحضاری و اطلاع اولیای

دولت فرستاده سه نفر از آنهارا گرفته به سلطانیه آوردند. در ماه ذی قعدة به سزای عملشان رسانیدند. زبان [ایشان] کردی است.

هشتم- باجلان: شصت خانه وارند. سر کرده [ایشان] الله یار خان [و] مواجیش یکصد تومان [است]. نوکر سواره سی نفر، نصف در شهر و نصف دیگر در بیرون نزدیکی شهر قزوین چادر نشینند. کاسبیشان داد [و] ستد و گلیم، قالی، پلاس، جاجیم [و] جوراب هم می بافند. مالیات ندارد. پانصد رأس گوسفند دارند. زبان [ایشان] کردی است.

نهم- پای روند قلیچ خانی: چهارصد خانه وارند. نوکر سواره سیصد نفر، همگی در شهر قزوین ساکنند. جوراب خوب می بافند. واسم ایل پای- روند مخاطب به مافی می باشد. زبان [ایشان] کردی است.

دهم- ایل رشوند: یک هزار خانه وارند. سر کرده [ایشان] محمد علیخان [و] نوکر سواره سی نفر [است]. در پهلوی الموت رودبار و شیخ الجبال در سی قریه ده ساکن می باشند و چادر نشین نیستند. و کاسبی همگی زراعت است و رعیتی می نمایند. گلیم، قالی، جاجیم، پلاس با سایر چیزها هم می بافند. سه هزار و پانصد رأس گوسفند دارند. زبان [ایشان] فارسی است.

[از بابت راه منجیل به شهر زنجان]

و از منجیل به شهر زنجان سه راه دارد که گذر از رودخانه شارود و ملک طارم [است]:

راه اول- کلّج طارم است که از منجیل می رود به کلّج و از آنجا [به] سیردان چهار فرسخ [است]. منزل دوم- از سیردان بالای کوه شامه دشت می رود به ماهان، چهار فرسخ. منزل سیم- از ماهان می رود به سلطانیه قریه کاکاوا، چهار فرسخ. منزل چهارم- از کاکاوا می رود به شهر زنجان [که]

چهار فرسخ [است].

و راه دویم - راه امبد است. هرچند این هم راهش سخت است لیکن بهتر از راه کلّج و سیردان می باشد. و در راه آب بسیار دارد. عبورش از وزیر چمنی است. منزل اول - از منجیل به امبد چهار فرسخ. منزل دویم - از امبد می رود چهار فرسخ به سِرْزَنْق^۱. منزل سیم - از سرنق می رود به کاکاوا چهار فرسخ. منزل چهارم - شهر زنجان چهار فرسخ. و این دو راه سختم و هوایش سرد [است].

و راه سیم - از منجیل می رود به قیتول چهار فرسخ. و منزل دویم از قیتول می رود به بادامستان شش فرسخ. منزل سیم - از بادامستان می رود به شهر زنجان پنج فرسخ که هوایش گرم است.

[دهکده منجیل]

اسم امامزاده منجیل، امامزاده طاهر اولاد امام موسی کاظم علیه السلام
اسم امامزاده حرزه بیل، امامزاده ابراهیم اولاد امام زین العابدین علیه السلام
[است].

و پل منجیل حسب فرمان پادشاه اسلامیان پناه ناصرالدین شاه خلد الله
ملکه به سعی و اهتمام مجتهد العصر و الزمان شریعتمدار حاجی ملا رفیع زید
توفیق به تاریخ یک هزار و دوست و هفتاد و پنج به اتمام رسید. که هفت طاق
بنیاد محکم بنا نهاده است که مترددین و مسافرین به کمال آسودگی عبور
می نمایند. چون در منجیل وقت ظهر الی نیمه شب چنان بادی آید که درختها
راخم نموده است. و يك دفعه چنان شد [که] يك نفر آدم را باد از روی پل
برداشت [و] میان رودخانه سفیدرود انداخت. و هر کس در رفتن و آمدن

می‌خواست از پل منجیل عبور بکنند از ترس باد قبل از ظهر می‌گذشتند. و باد منجیل از سمت شمال است. هر کس می‌خواهد قبله منجیل را بشناسد نظر به درختهای زیتون منجیل بنماید که به سمت جنوب خم شده‌اند. حال الحمدالله هر کس هر وقت بخواهد از پل عبور می‌کند. و دو طرف پل رادیوار گذاشته‌اند و طاقها را از بنای اول بلندتر و بزرگتر و بهتر و محکم‌تر ساخته‌اند.

[بخش چهاردهم]

[از منجیل به آستارا]

[تفصیل احوال ولایت رحمت آباد]

تفصیل احوال ولایت رحمت آباد جانب جنوب رشت و مشرق سفیدرود واقع است. حاکم میر ابراهیم خان [است]. و مالیات دیوان چهارصد و هفتاد و پنج تومان [است]. محصولش گندم [و] جو و برنج و ابریشم و روغن زیتون و صابون و روغن قطران و روغن کره و پنیر و جوراب می باشد. ییلاق و قشلاق دارد. کنه و مله نیست مگر کک بسیار است. به قرار بیست و پنج هزار رأس گوسفند و یک هزار [و] پانصد رأس گاو گالشی دارند.

از مقابل نقبر به بالا در قشلاق، مارگزنده و عقرب و هزارپا و رطیل بسیار دارد. و از جانورهای درنده: ببر، پلنگ، خرس، گرگ، شغال، روباه و یک جور پلنگ کوچکی دارد [که] اسمش را وَرَشْتَه می گویند. و در سمت قریه کَلَشْتَر^۲: کَتَنَار، خارپشت، خورکه و گور شکاف و

۱- به فتح واو و سکون راء و فتح شین. ۲- به فتح کاف و لام و سکون

شین و فتح تاء.

خرگوش و دله‌رزدابه و شنگ و گربه و موش کوهی بسیار است. از قبیل شکار کوهی: گوزن، بز کوهی [و] آهو. از اقسام پرند: قرقاول، کبک، کبوتر [و] تیهو و از قوش‌های شکاری: ترلان کم است و قزل‌قوش و قرقی و لاجین و قراقوش و دال پرندۀ بزرگ لاش‌خور است. و درخت‌های بی‌میوه و میوه‌دار: راج، مازو، آزاد، سمد، اولس^۱ کی کین، تویه^۲، گئوول^۳، توسته^۴، چیت، قطران، رزبین سرو [که] اسم يك درخت است. بید و بیدمشک، أبرس^۵، چرم لیوه^۶، شمشاد، شب‌خس، نونچ که چویش قرمز است، پلند^۷ و ن^۸، چنار، شال که صنوبر باشد، سالف، قراتیکان، ازگیل، امرو، به، تبرغو، داغداغان، گیلان، انگور، سیب، انار، انجیر، آلوچه، زرشک، گردو، بادام تلخ، یمیشان قرمز و سیاه. میوه‌جات آبادی: زیتون، انار ترش و شیرین، انجیر، انگور، به، سیب، آلوچه، شفتالو، زردآلو، شاه‌توت سیاه، گردو، فندق، امرو و در دهات پائین درخت مرکبات دارد. و گسل پر و سیاه‌دانه، و رزک و ثعلب با توت زمین بسیار است. که اهل رحمت آباد توت زمین را چوم بُو^۹ می‌گویند [و] به زبان طالشی اِرا^{۱۰} و به زبان شفقی چِنارک^{۱۱} می‌نامند. و دو حوض آب گرم در رحمت آباد می‌باشد. یکی نزدیکی کلشتر در کنار سفیدرود و یکی در رودخان سَنَدَس^{۱۲}.

-
- ۱- به ضم لام. ۲- به ضم تاء و فتح یاء. ۳- به ضم گاف و فتح واو. ۴- به ضم تاء و فتح سین. ۵- به فتح الف و سکون باء و فتح راء. ۶- به فتح چ و فتح واو. ۷- به فتح پ و لام. ۸- به فتح واو. ۹- به ضم ج و باء. ۱۰- به کسر الف اول. ۱۱- به کسر ج و فتح راء. ۱۲- به فتح سین و سکون نون و فتح دال.

[دهات رحمت آباد]

اسامی دهات رحمت آباد:

- ۱- حرزه بیل. ۲- کلشتر. ۳- وِیایه^۱. ۴- دکه درّه ورزکا.
- ۵- گَلدِریان^۲. ۶- کندسر، مشهور به آقوزبُن. ۷- طلابر.
- ۸- گِل وُرز^۳. ۹- فتلک. ۱۰- نَصَفی^۴. ۱۱- کیا آباد. ۱۲- تونک بن.
- ۱۳- شیرکوه. ۱۴- اسطخ چان. ۱۵- فتکوه. ۱۶- شهران.
- ۱- کوشکچان. ۱۸- پرّه. ۱۹- کُلّوس فروش^۵. ۲۰- رودخانه.
- ۲۱- پشت هان. ۲۲- کلاپره.

[بلوکات رحمت آباد]

- واسامی بلوکات: ۱- حلیمه جان. ۲- شیخ علی طوسه.
- ۳- کوکنه. ۴- شربی جار. ۵- براگور.

[دهات ایل نشین رحمت آباد]

- اسامی دهات ایل نشین رحمت آباد: ۱- کلایه. ۲- علی آباد.
- ۳- سندس، حاکم نشین. ۴- دیورود. ۵- گاوخوس. ۶- خرشک.
- درهر قریه از ده^۶ الی سی خانه وار بالاتر نمی باشد مگر در حرزه بیل و کلشتر و نصفی و رودخان که دهات نامی رحمت آباد است. یکصد خانه وار ایل عمارلو در رحمت آباد ساکنند. و زبان ایل کُردی عمارلو و زبان رعیت تاتی و گیلکی است. فارسی هم می دانند.

- اسامی ایل رحمت آباد: ۱- طایفه حاکم، پیراَصْلُو^۷. ۲- دوغ کانلو.
- ۳- ولی لو. ۴- جمع کانلو. ۵- قَرخ^۸ کانلو [است].

- ۱- به کسر واو و فتح یاء. ۲- به فتح کاف و کسر دال. ۳- به کسر گاف و فتح واو.
- ۴- به فتح نون و سکون صاد. ۵- به ضم واو و لام.
- ۶- به فتح دال و سکون هاء. ۷- به فتح الف و سکون صاد.
- ۸- به فتح قاف و سکون راء و خاء.

و راه گذر عمارلو و خرکام از رودخان سندس می باشد. و راه دیگر از شیخ علی طوسه به خرکام می رود. موازی هشتاد [و] پنج من ابریشم به وزن شاه در رحمت آباد به عمل می آید. از رعیت وایل پانصد و نود و چهار خانه وارند. امامزاده ها هیچده بقعه [است].

[رودخانه های رحمت آباد]

اسامی رودخانه های رحمت آباد که داخل سفیدرود می شود: ۱- حرزه. ۲- کلشتر. ۳- آقوزبن. ۴- علی شاه رود. ۵- کُرتوم. ۶- گوهر رود نصفی. ۷- سیاه رود رودخان از بالا دوشعبه است [که] یکی از خرکام و یکی از دوگاه می آید. [در این رود] ماهی آزاد و ماهی کولی به عمل می آید. ۸- خرشک رود، [از آن] ماهی آزاد و قزل آلا صید می شود. ۹- شهران. ۱۰- حلیمه جان. ۱۱- سندس. ۱۲- براگور. ۱۳- رودخانه ذوله کی. شربی جار، [از آن] ماهی آزاد [صید] می شود. ۱۴- رودخانه کوکنه. ۱۵- رودخانه شیخ علی طوسه.

[ییلاق رحمت آباد]

اسامی ییلاق رحمت آباد: ۱- مرجان آباد. ۲- نوده. ۳- نوده. عنبر. ۴- خوش آب خوره. ۵- چال سراکی. ۶- گلو زن، منزل و ییلاق میر ابراهیم خان است.

[حدود ملك رحمت آباد]

حدود ملك رحمت آباد: قبله از منجیل و لوشان کشیده الی ییلاق بَرَكْ سَرِ و شَرِکْ دِهْ عمارلو. شرقیه از شَرِکْ دِهْ به وَشْ کشیده

الی دره سینه رود و از آنجا به شهیدان سرحد دیلمان. شمالیه از شهیدان کشیده به راه شاهی بزرگ رنکه و از آنجا راسته مرز مشهور تا به راهدار پشته سفیدرود سامان [سیاه] کتل^{۱۰}. غریبه از راهدار پشته سیاه کل کشیده رودخانه [سفید]رود الی منجیل. و کوه بزرگ رحمت آباد در فک می باشد [که چاه یخ دا]رد [و] یخ می بندند [و] ایام تابستان به مصرف می رسانند. [و وقتی در] رشت یخ کم یاب باشد از آنجا می برند. و مغاره [ای در] سمت شمالی دارد [که] می گویند در میان او به مثل آدم وزن [و] بچه با گهواره و خیک پنیر، سنگ شده است و انتها ندارد [و] تا خراسان می باشد و تاریک است [و] باید با چراغ رفت. و ایضاً از چاه یخ در فک مغاره دیگر دارد الی به مغاره رشی رودخان بیرون می آید. و حصاری از قدیم دور چاه در فک کشیده اند. [و] هر ساله به جهت تردد مردم و گله گوسفند و بزپاره از سنگ های حصار ریخته می شود بدون آن که کسی تعمیر نماید. اول بهار که ییلاق می روند بدون عیب و نقص می بینند که به احوال سابق ساخته شده است الله اعلم بحقایق الامور.

[احوال ولایت همارلو]

احوال ولایت عمارلو که در عهد شاه اسمعیل از ولایت روم آوردند. در هذه السنه قوی ثیل یک هزار و دو یست و هفتاد [و] شش حاکم عمارلو نوروز- خان و غلامعلیخان و کاظمخان باقلیخان است. مالیات دیوان سه هزار تومان [و] خانه وار دو هزار و یکصد [نفر است]. نوکر سوار یکصد نفر [و] سر- کرده [ایشان] ولیخان [و] مواجیش یکصد تومان [است].

محصولش گندم و جو و ماش و عدس و نخود و لوبیا و باقلا و کرچک و کنجد و ارزن و پنبه با سایر چیزها و روغن، پنیر، پشم زیاد است. گاو [و] گوسفند بسیار است. به قرار سی [و] یک هزار و یکصد و پنجاه رأس گوسفند و یازده هزار و دو یست و چهل و پنج رأس گاودارند که تازه در میان گاو هاناخوشی افتاده می میرند. اهلیشان ییلاق و قشلاق دارند. ییلاق حاکم، داماش و قشلاق جیرنده^۱. و سمت شرقی عمارلو رشوند که بالاسرش الموت رود بار است. [دهات عمارلو]

اسامی دهات عمارلو و بابا منصور: ۱- منجیل. ۲- لوشان. ۳- نمه کوران. ۴- خول خواب. ۵- بی ورزین. ۶- کلوردره.

۱- به کسر راء و سکون نون و کسر دال.

- ۷- سنگ رود، آب گرم دارد. ۸- سو کوره. ۹- پارو بار. ۱۰- پاکند^{۱۰}.
 ۱۱- اسکوئبن. ۱۲- جیرن ده^{۱۲}، حاکم نشین. ۱۳- میانه کوشک.
 ۱۴- عین ده. ۱۵- یوکنم. ۱۶- ناوه. ۱۷- خرپو. ۱۸- وی به.
 ۱۹- لایه. ۲۰- کتلیشم^{۲۰}. ۲۱- انبوه. ۲۲- ازخر گام برسه. ۲۳-
 ناش. ۲۴- پشته کلان^{۲۴}. ۲۵- نه ده^{۲۵}. ۲۶- گیلان کش. ۲۷- طالاکو.
 ۲۸- لیاو ل^{۲۸}. ۲۹- ماش میان. ۳۰- گیاش^{۳۰}. ۳۱- واطل^{۳۱}. ۳۲-
 جمل^{۳۲}. ۳۳- کپل^{۳۳}. ۳۴- سی بن^{۳۴}. ۳۵- گرد ویشه^{۳۵}.

[دهات بابامنصور عمارلو]

- اسامی دهات بابامنصور عمارلو: ۱- زکابر. ۲- کوور^۲ ط^۲.
 ۳- کشنه رود. ۴- توتک چال. ۵- تییان دشت. ۶- کاکوستان. ۷-
 گیرو^{۱۴}. ۸- پاشام. ۹- دی نک^{۱۵}. ۱۰- چل و اشک. ۱۱- پتل.
 ۱۲- کمال ده. ۱۳- نارن ده. ۱۴- کوره رود. ۱۵- زرده کش.
 ۱۶- دشت رز. ۱۷- طهورت آباد. ۱۸- کنگری. ۱۹- کله جوب^{۱۶}.
 ۲۰- کهکه چین. ۲۱- تسکین.

و زبان اهل عمارلو کردی است. فارسی و گیلکی هم می دانند. و در کنار رودخانه شاهرود اهل لوشان زراعت برنج دارند. بیست چشمه آب گرم

- ۱- به سکون کاف و کسر دال. ۲- به کسر راه و سکون نون. ۳-
 به فتح کاف و شین و سکون میم. ۴- به فتح کاف و سکون نون. ۵- به
 ضم نون و کسر دال. ۶- به فتح واو و سکون لام. ۷- به کسر کاف و سکون
 شین. ۸- به فتح طاء و سکون لام. ۹- به فتح چ و میم. ۱۰- به ضم
 کاف و پ. ۱۱- به کسر یاء و سکون نون. ۱۲- به کسر گاف و سکون
 دال. ۱۳- به ضم کاف و فتح واو و سکون راه و طاء. ۱۴- به فتح واو.
 ۱۵- به فتح دال و سکون یاء و فتح نون. ۱۶- به ضم کاف و فتح لام.

زیادتر در عمارلو می باشد. و آب که از چشمه بیرون می آید سنگ می شود. و چشمه [ای] دارد که آب او را هر حیوان بخورد می میرد. و زغال قزوین از عمارلو است. و قلیاب [و] صابون و جاجیم و پلاس و گلیم و شلوارپشم در عمارلو به عمل می آید. و میوه جات به قدر کفاف از قبیل انگور و انجیرو غیره دارند.

[طوایف عمارلو]

- اسامی طوایف عمارلو: ۱- طایفه ولیخان بی شانلو. ۲- شاهقلانلو.
- ۳- محمودلو ۴- چغتاللو. ۵- چاخملو. ۶- تی تی کانلو. ۷- میرزاخانلو. ۸- طایفه کاظم خان و نوروزخان باقلی خان. ۹- قبه کسرائلو.
- ۱۰- منجیلی ها بادرلو. ۱۱- وشمکانلو.

[احوال ولایت زیتون رودبار]

احوال ولایت زیتون رودبار: حاکم میرزا علینقی [است]. مالیات یکهزار و پانصد تومان [و] خانه وار هفتصد و نود و هفت باب [است]. محصولش روغن زیتون و گندم [و] جو و صابون و جوراب و شلوار پشم و موازی پنجاه من به وزن شاه ابریشم [است]. و از رستم آباد به پائین تر برنج خوب به عمل می آید. و درقریه کوشک، عبدالله بیگ باروت خوب می سازد. هفت آستانه امامزاده دارد. اهلسان ییلاق و قشلاق دارند. به تخمین بیست و یک هزار گوسفند و یک هزار گاوگالشی و هفتصد رأس قاطر بارکش دارند. اکثرشان حاجی می باشند. و در سرراه در چهار قریه، راسته بازار و کاروانسرا بنا نهاده اند. چون که عبور قافله و مترددین به عراق و طارمات و خسمه و غیره از رودبار است بدان جهت اهلیش کاسب کار و مردمان فقیری هستند. زبانشان تاتی و گیلکی است. فارسی هم می دانند. و یک چشمه آب گرم درقریه لئو^{۱۰} می باشد. و معدن مس و سنگ زغال در رودبار دارد. و میوه جات از قبیل انار شیرین و انگور و انجیر و به وزردالو و آلوچه [و] سیب [و] شفتالو و غیره بسیار است.

و رودبار در [قسمت] غربی سفیدرود واقع است. و كبك با ساير شكار
و فور است.

[دهات رودبارزیتون]

اسامی دهات رودبار: ۱- کبته. ۲- کلاس. ۳- علی آباد.
۴- الیزه. ۵- کوشک. ۶- کامبر. ۷- سرخون. ۸- لاکه. ۹-
دوکاهه. ۱۰- دارستان. ۱۱- تکلیم. ۱۲- خولومبو. ۱۳- فیله.
۱۴- گزن. ۱۵- لَوَوَه^۱. ۱۶- گنجه. ۱۷- جوبن. ۱۸- اسفندیار.
مرز. ۱۹- پشته. ۲۰- پیری. ۲۱- کلورز. ۲۲- شمام. ۲۳-
چَرَّیَه^۲. ۲۴- ایمن آباد. ۲۵- کرارود. ۲۶- راهدار پشته. ۲۷-
رشت رود. ۲۸- خولک. ۲۹- اسکولک.

[احوال ولایت شفت]

احوال ولایت شفت که در جنوب متصل غربی رشت واقع است. حاکم سعیدخان [و] سرکرده نعمت الله خان [است]. نوکر تفنگچی پیاده یکصد نفر [و] مالیات سه هزار و پانصد تومان [است]. محصولش برنج، ابریشم و کج لاس می باشد. اهلسان ییلاق و قشلاق دارند. وگوسفند [و] گاو بسیار است. درییلاق: مارگزنده، کک، کنه. و از قبیل شکار: کبک، گاو کوهی، بز کوهی. و از درنده: ببر، خرس، گرگ، پلنگ، گراز، روباه و موش کوهی. و در قشلاق: ببر، شغال، گراز خورکا و قرقاول بسیار است. و رودخانه های شفت که پسیخان و گوهررود باشد داخل مرداب و دریای انزلی می شود.

و روغن و پنیر و غسل و موم از شفت عمل می آید. و درقریه کومسار سکنه نجبای شفت است که همه عمارت سفالپوشی و خانه های خوب دارند. و امامزاده و مزار پیرو صحابه رسول هاشمی صل الله علیه و آله و سلم در شفت بسیار است. و مزار و مدفن امامزاده اسحق باهمشیره اش ابن امام موسی کاظم علیه السلام در بالای کوه شفت می باشد. بخصوص آستانه مبارکه سلطان سالوک معلم علیه الرحمه ابن وهب بن منیه در دامنه کوه شفت به قریه رزآش

می باشد که مردم بعد از فراغ نوغان از دور و نزدیک زیاد به زیارت می آیند.

[ییلاق شفت]

اسامی ییلاق شفت: ۱- کم بو، حاکم نشین. ۲- آفر سُر. ۳- آفر. ۴- آرامگاه. ۵- شمرچال، منزل نصیرخان. به غیر از این ها جای دیگر هم ییلاق می نمایند. و از ییلاق حاکم چهار فرسخ به شفت است. و از شهر رشت به بازار پنجشنبه شفت سه فرسخ می باشد. و بازار دیگر در محله قصبه دارد که روز دوشنبه، بازار و جمعیت می شود. [و] مردم به جهت داد و ستد زیاد می آیند. و سکنه سعیدخان حاکم در عثمانندان و نعمت الله خان سرکرده- پسر حاکم مذکور- در نصیر محله می باشد.

[دهات شفت]

اسامی دهات شفت: ۱- عثمانندان. ۲- مردقه. ۳- نصیر محله. ۴- شالمان. ۵- بداو. ۶- نیزم^۲. ۷- امسرگوراب. ۸- لقه بندان. ۹- سیاه مزگی. ۱۰- سفید مزگی. ۱۱- قصبه. ۱۲- ذوالپیران. ۱۳- قصبه محله. ۱۴- میر محله. ۱۵- شیخ محله. ۱۶- صیقلان. ۱۷- کومسار. ۱۸- چماچا^۲. ۱۹- خمیران. ۲۰- ناصران. ۲۱- تکریم. ۲۲- پیر محمد سرا. ۲۳- خرم آباد. ۲۴- لاسک. ۲۵- شاه. نشین. ۲۶- چوتاشان. ۲۷- چوبر. ۲۸- دُر خان^۴. ۲۹- طلاقان. ۳۰- گل سران. ۳۱- شالده^۵. ۳۲- خطیبان. ۳۳- رزآش.

۱- به کسرفاء و سکونداء. ۲- به کسرزاء و سکونیم. ۳- به ضم

چ اول. ۴- به ضم دال و سکون راه. ۵- به سکون لام و کسر دال.

۳۴- کولوان. ۳۵- لیفکو خندان. ۳۶- خورتوم.

و یک جلد کلام الله خط کوفی در چماچا به پیر سرا می باشد. مشهور و معروف است [که] به خط جناب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام [است] که مردم زیارت می نمایند^۱.

[احوال ولایت فومن]

تفصیل احوال ولایت فومن که در غربی شهر رشت واقع است. حاکم نصرالله خان [است] و محصولش برنج و ابریشم [است]. زیاد ولایت آباد و معمور است. و در شهر و قصبه فومن خانه‌ها محصور و سفالپوش و [دارای] کاروانسرا و دکاکین و حمام و مساجد و تکیه می‌باشد. گذر و عبور قافله به تبریز، به فومن است. و رودخانه‌های بزرگ دارد که داخل دریا و مرداب انزلی می‌شود. محل صید ماهی حلال است. و فومن قدیم‌تر از رشت می‌باشد. در ازمنه قدیم پایتخت سلاطین گیلان بوده است که الآن در قلعه رودخان به دامنۀ کوه قلعه صلصال جادو که پادشاه بود و از آجر بنا نهاده موجود و برقرار است. و در منار بازار هم از علامت قدیم می‌باشد. مالیات خالصه و اربابی ولایت فومن مبلغ سی و یک هزار تومان می‌باشد.

از بلده فومن به ماسوله چهار فرسخ [است]. دوست و پنجاه خانه دارند. مالیات یک هزار تومان. نایب علی اکریبگ [است]. و معدن آهن در ماسوله می‌باشد. زراعت ندارند و بالای کوه واقع است. اهلسان آهنگر و نعل و میخ - ساز و اهل داد [و] ستند می‌باشند. و آذوقه از اطراف می‌آورند [و] به مصرف می‌رسانند.

[دهات فومن]

- اسامی دهات فومن: ۱- کرد آباد. ۲- مالمان. ۳- کنسر. ۴- بوئین. ۵- پرده سر. ۶- قلعه رودخان. ۷- خسرو آباد. ۸- چمن. ۹- کوده. ۱۰- دوهنده. ۱۱- جورپاسکیه. ۱۲- نفوت. ۱۳- جور-کلاشم. ۱۴- لیلہ کام. ۱۵- خداشهر. ۱۶- علی سرا. ۱۷- قصابعلی-سرا. ۱۸- ملوسکان. ۱۹- پیشده. ۲۰- شپله پس. ۲۱- پوستین-سرا. ۲۲- ماوردیان. ۲۳- مهدی محله. ۲۴- راسته کنار. ۲۵- گوراب نصیر. ۲۶- مهوزان. ۲۷- کلدگور. ۲۸- قاضی ده. ۲۹- گاوکده. ۳۰- شولم. ۳۱- زیده. ۳۲- چیران. ۳۳- سیاه پیران. ۳۴- الاله گوراب. ۳۵- حلقوسر. ۳۶- ابرود. ۳۷- شکال گوراب. ۳۸- کهنه گوراب. ۳۹- گشت^۱. ۴۰- خشکه نودهان. ۴۱- باغبانان. ۴۲- اشکلن. ۴۳- گوراب پس. ۴۴- کما مردخ. ۴۵- ملاسرا. ۴۶- کوزه گران. ۴۷- کاسان. ۴۸- پامسار. ۴۹- جیرده. ۵۰- شنبه بازار. ۵۱- سراستان. ۵۲- شیرذیل. ۵۳- جیرسند. ۵۴- سنگه بچار. ۵۵- خسمخ. ۵۶- چکوسر. ۵۷- لومده. ۵۸- تتف. ۵۹- ازکم. ۶۰- لادمخ. ۶۱- چالوک سر. ۶۲- سیاهرود. ۶۳- جیرپیش خان. ۶۴- نوده. ۶۵- مرخال. ۶۶- سه شنبه. ۶۷- پشالم. ۶۸- کران. ۶۹- خطیب گوراب. ۷۰- لیش پاره. ۷۱- مرکیه. ۷۲- کیکاسر. ۷۳- لادمخ بخاران. ۷۴- خرم بیشه. ۷۵- فلح آباد. ۷۶- مخسر. ۷۷- رودپیش. ۷۸- کیایان. ۷۹- شالده. ۸۰- شاه خال. ۸۱- ماشاتوک. ۸۲- کلفت. ۸۳- خلیل سرا. ۸۴- پیش سار. ۸۵-

- ۸۶- لولمان. ۸۷- کاس احمدان. ۸۸- وافسار. ۸۹-
 گوراب زرمخ. ۹۰- کوشلونندان. ۹۱- جیر کلاشم. ۹۲- پیرکیان.
 ۹۳- بجارکنار. ۹۴- صیطلان. ۹۵- جورسند. ۹۶- ماکلوان. ۹۷-
 قصاب سرا. ۹۸- حسین آباد. ۹۹- چومثقال. ۱۰۰- جامه شوران.
 ۱۰۱- جوریش خان. ۱۰۲- صیقلان. ۱۰۳- جور بلکور. ۱۰۴- جیر-
 بلکور. ۱۰۵- پشتیر. ۱۰۶- کسما. ۱۰۷- اباتر. ۱۰۸- عربان.
 ۱۰۹- واقعه دشت. ۱۱۰- صومعه سرا. ۱۱۱- پیرده. ۱۱۲- سه سار.
 ۱۱۳- پشده مرسار. ۱۱۴- دو محله قصبه فومن. ۱۱۵- کوزان.
 ۱۱۶- جیرگوراب. ۱۱۷- کرافکوه. ۱۱۸- کلوندرود امین. ۱۱۹-
 کلوندرود هادی. ۱۲۰- زودل. ۱۲۱- کشته رودخان. ۱۲۲- کسکره.
 ۱۲۳- فوتمه سر. ۱۲۴- کله سر. ۱۲۵- شارم. ۱۲۶- سنگجو.
 ۱۲۷- میانده. ۱۲۸- زرکام. ۱۲۹- زعفران. ۱۳۰- پاتاوان. ۱۳۱-
 ولد. ۱۳۲- راسته کنار مخروبه. ۱۳۳- گربه کوچه. ۱۳۴- نقاره چیان.
 ۱۳۵- مناره بازار. ۱۳۶- کمسر. ۱۳۷- شیرتر. ۱۳۸- خطیب گوراب.
 حسینعلی خان. ۱۳۹- نصرالله آباد. ۱۴۰- گلف پشت. ۱۴۱- گل افزان.
 ۱۴۲- جور کله. ۱۴۳- جیر کله. ۱۴۴- فشخام. ۱۴۵- ازبر.
 ۱۴۶- ندامان. ۱۴۷- پیر سرا. ۱۴۸- پشت مسخ. ۱۴۹- تنیان.
 ۱۵۰- سورم.

[احوال ولایت تولم]

احوال ولایت تولم خالصه پادشاهی که در شمال فومن و در جنوب مرداب انزلی واقع است. حاکم [آن] به تاریخ شهرذی حجه یک هزار و دو بیست و هفتاد و شش محمد تقی خان پسر مرحوم حاجی قاسم خان [است]. و مالیات تولم نه هزار تومان [است]. و محصولش برنج و ابریشم و مرغ [و] ماهی است. یازده مجرا رودخانه دارد که به مرداب انزلی داخل می شود [و از آنها] صید ماهی حلال می نمایند. و مبلغ سه هزار تومان از بابت اجاره شیلات تولم می باشد. و در نزدیکی هنده خاله در سوماندق به دوره اسطوخ بجار کی [به] تخمین نیم فرسخ مسافت دارد و جنگل است. به قرار صد هزار مرغ سیاه که به اصطلاح اهل انزلی قوَن بیل^۱ و شهری آب قو پیل^۲ و مازندرانی دارقاز، در اول بهار می آیند [و] آشیانه می گذارند و جوجه در می آورند [و] در اول تابستان می روند. آدم هوشیار باشد به مسافت نیم فرسخ صدای مرغان را می شنود. و به قرار ده پانزده سال است که آن مکان را خوش کرده آشیانه می گذارند.

۱- به ضم قاف و سکون نون و باء و لام. ۲- به کسر پ و سکون لام.

[دهات تولم]

اسامی دهات تولم: ۱- کیشستان. ۲- نوخاله. ۳- طولاب. خاله. ۴- هنده خاله. ۵- سیاه درویشان. ۶- لاکسار. ۷- سیاوی. ۸- خم سر. ۹- نرگستان. ۱۰- لیف شاگرد. ۱۱- مرجقه. ۱۲- گوراب. ۱۳- پودیان. ۱۴- سس. ۱۵- مس. ۱۶- شالکا. ۱۷- صیقلان. ۱۸- پس خان. ۱۹- جمعه بازار. ۲۰- سیاه تون. ۲۱- ماتک. ۲۲- کیل خوران. ۲۳- ولامندان. ۲۴- مرسال. ۲۵- راسته کنار

[حاکم نشین شاندرمین^۱]

ایضاً جانب مغرب گیلان حاکم نشین اول- شاندرمین. حاکم نصرالله خان، تفنگچی یکصد و پنجاه نفر و ییلاق و قشلاق دارد. محصولش ابریشم و برنج و روغن و پنیر و عسل و پشم گوسفند [و] لباسشان از پشم و کفش چموش است. نیمی طالش و نیمی گیلک می باشند.

[حاکم نشین ماسال]

ماسال - حاکم کاظم خان، تفنگچی پنجاه نفر [و] ییلاق و قشلاق دارد. محصولش ابریشم و برنج و روغن و پنیر و عسل و پشم گوسفند و لباسشان از پشم و کفش چموش است. نیمی طالش و نیمی گیلک می باشند.

[حاکم نشین گیل گسکر]

گیل گسکر جانب مغرب مرداب انزلی است که رودخانه ها دارد [و] محل صید ماهی حلال است. حاکم حاجی آقا زیابری [است]. محصولش

ابریشم و برنج است. زبان گیلکی می باشد. ییلاقی ندارد.

[حاکم نشین لشت نشا]

جانب مشرق شهر رشت در چهارفرسخی و جنوب بحر خزر، ولایت لشت نشا است. حاکم عبدالله خان [است]. و مالیات هیجده هزار تومان. محصولش ابریشم و برنج است.

[حاکم نشین دیلمان]

ایضاً دیلمان - حاکم ابو الفتح خان [است]. ییلاق و قشلاق دارد. محصولش ابریشم و برنج و روغن و پنیر و گاو [و] گوسفند بسیار است. شصت خانه وار یهودی در قریه سیاه کل ساکنند. همگی کاسب و اهل داد و ستد می باشند.

[احوال ولایت انزلی]

احوال ولایت انزلی که در شمال رشت واقع است با احوال ولایت طالش دولاب و اسالم و کرگانرود و آستارا سرحد دولت علیّه ایران: اول از شهر رشت به سرحدّ انزلی پنج فرسخ می باشد. يك فرسخ از روی خشکه به پیربازار و از آن جا کرجی سوار شده روی آب رودخانه و مرداب که دریاچه باشد، چهار فرسخ است به انزلی. و حاکم و سرحد [د] ار انزلی به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و شش جعفر قلیخان انزانی است. مالیات دیوان سیصد و هشتاد تومان [است]. خانه وار سیصد و پنجاه و سه [و] خانه های شان اکثر گالی پوش است. دکاکین: یکصد و شصت باب. مساجد: سه باب. تکایا: سه باب. حمام: دو باب. توپخانه بزرگ: يك باب. قورخانه بامیان پشته: دو باب. سربازخانه: يك باب. بُرج باستان با غازیان: سه باب. عمارت دولتی: يك باب. توپ بزرگ و کوچک که از سی و دو پوند و هشت پوند: شانزده عراده. توپچی: یکصد و پنجاه و پنج نفر. یاور: باقر سلطان افشار. قورخانه چی: ده نفر. جمع نوکر سرحد انزلی با توپچی و قورخانه چی و انزانی و طولش و شفتی و مهاجر: نهصد و چهل و دو نفرند. و توپخانه و قورخانه و سربازخانه و بُرجها و عمارت دولتی با بازار و حمام و چهل [و]

پنج باب خانهٔ سفالپوشی است [و] باقی مانده از چوب و نی ساخته اند.
 و اهلشان کاسبند و داد [و] ستد و کرجی بانی می نمایند و حاصل
 زمینی ندارند. سه طرف انزلی آب است و طرف غربی خشکه. که در توی
 جنگلش سوای خرگوش و شغال و گراز حیوان دیگر ندارد. و در انزلی
 کک و پشه بسیار است. در پاره [ای] خانه ها ساس هم دارد.
 و خود انزلی دو محله است و دو طایفه دارد: یکی طایفهٔ سُرخِی
 که ایشان را از ولایت سمنان از قریهٔ سُرخک^۱ سه فرسخی شهر سمنان در
 اواخر دولت صفویه، به این ولایت آورده اند. و طایفهٔ دیگر مشهور [به] استاد
 محمدرضی است.

اصل زبان گیلکی می باشد، ترکی و فارسی هم خوب می دانند. و همگی
 شیعه مذهبند.

و سمت شرقی آن طرف رودخانه، غازیان است که چهل خانه وارند.
 یکصد و سی تومان منال دیوان دارد. کدخدای [یش] حسین جان [است]. اهلشان
 حصیر باف و کرجی بان و مالا و سماک می باشند. و قلیل ابریشم و کنجد و کنف.
 ریسمان به عمل می آید. خالصهٔ شاهی است.

و سمت جنوب انزلی میان پشته است که قورخانه و باغ شاه در آن
 جا است. قلیل ابریشم به عمل می آید. و باغ خربزه و هندوانه بسیار است و
 حصیر هم می بافند، به پای حصیر غازیان نمی رسد. و سماکی و مالائی و
 کرجی بانی هم می نمایند. مالیات [آن] سی و پنج تومان [است]. کدخدای [یش]
 تقی [نامی] است. خانه وار میان پشته بیست و پنج باب است.

و در نویر، آخر محلهٔ انزلی به قرار یازده من ابریشم به عمل می آید. و

در انزلی و توابع انزلی درخت مرکبات بسیار دارد. و از انزلی به اول خاک طالش دولا ب چهار فرسخ است.

اول چهار فریضه خالصه شاهی. منال دیوان دو یست [و] هفتاد تومان است. و حدود ملک چهار فریضه: شرقی انزلی، غربی چابجار، جنوب مرداب [و] شمال بحر خزر.

[از بابت راه از انزلی به کپورچال]

از بابت راه از انزلی که به کپورچال آخر ملک چهار فریضه، چهار فرسخ است. از انزلی در آمده طرف چپ قریه کلویر، دویم - بشم، سیم - گلوگاه مال ورثه حاجی علی حسن [و] چهارم سنگاجین و [از] کچلک محله گذشته کپورچال است.

کندخدایش کربلائی ملک است. و دو یست [و] سیزده باب خانه وار چهار فریضه است. که پنجاه [و] پنج من ابریشم به وزن شاه به عمل می آید. زراعت برنج و گندم ندارند. کرجی بانی و ملائی و سماکی و داد [و] ستد می نمایند. و بستان خربزه و هندوانه و کدو بسیار است. و کنف ریسمان و کنجد هم می کارند [و] به مصرف خود می رسانند. مباشر کل حسن جان و میرزا مجید می باشد. و مرغ آبی و چنگر زیاد به عمل می آید. از کپورچال گذشته اول خاک طالش دولا ب [دهگده] چابجار است.

[از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب]

از بابت احوال ولایت طالش دولاب باگیل دولاب که جانب مغرب گیلان واقع است. حاکم [آن] حسین قلیخان، تفنگچی پیاده نو کردیوان یکصد و پنجاه نفر [است]. خانه وار دوهزار و هشتصد و چهل و نه باب و مخلوق چهارده هزار و ششصد و چهل و چهار نفر [است]. امامزاده مشهور معروف بقعه دار پنج آستانه و امامزاده بی بقعه، مشهور به امامزاده، چهل و پنج [آستانه]. و دو بازار دارد که در ایام هفته یوم چهارشنبه و یوم پنجشنبه بازار می شود و يك باب حمام در سر بازار چهارشنبه، حاکم بنا نهاده است.

موازی پنجاه [و] هشت هزار و پانصد خروار برنج و دو هزار و پانصد و پانزده من ابریشم و پانصد و پنجاه من عسل و چهل خروار [روغن] و یکصد و پنجاه خروار پنیر و یک هزار و یکصد خروار دوشاب اربه و سیصد هزار دانه گرد و دوازده هزار قواره شال سرداری و بُرّمه^۱ و شلوار و چو خا به عمل می آید. والحالة هذا که یک هزار و دو بیست و هفتاد [و] شش است در میان گاوها ناخوشی افتاده تلف شده اند. و مساوی ده رأس گامیش و دوازده هزار گوسفند و یک هزار و یکصد و پنجاه رأس اسب [و] مادیان دارند.

و شش مجرا رودخانه به شرح ذیل از طالش دولا ب داخل مرداب انزلی می شود که [در آنها] صید ماهی سفید می نمایند. اجاره اش دویست و هشتاد تومان است. اول - ملک خاله. ۲ - بجار خاله. ۳ - کچلک. ۴ - صفی - خاله. ۵ - شیل. ۶ - کرگان.

ایضا هشت مجرا رودخانه از طالش دولا ب داخل بحر خزر می شود که [در آنها] ماهی آزاد صید می نمایند: اول - ملارود، ربع فرسخ گذشته. ۲ - آشور - کند است. ۳ - سفارود. ۴ - سندیان. ۵ - نوکنده. ۶ - آله کام. ۷ - سیمبر خاله. ۸ - دیناچال، حد سد طالش دولا ب با اسلام.

و اهل طالش دولا ب دو مذهب می باشند: شیعه و سنی. آنکه شیعه است در گیل دولا ب ساکنند و آنها که سنی اند در طالش دولا ب ساکن می باشند.

[دهات گیل دولا ب]

اسامی دهات گیل دولا ب [که] سکنه [آن] اهل تشیع [و] زبان شان گیلکی است. طالشی و ترکی و اکثر شان فارسی هم می دانند. بشرح ذیل است:

- ۱ - چابجار. ۲ - چنگیران. ۳ - وارسرا. ۴ - گیل چالان.
- ۵ - تربت برسید شرف شاه. ۶ - شانه پاور. ۷ - سیاه وزان. ۸ - کچلک.
- ۹ - سه کام. ۱۰ - رودبارسرا. ۱۱ - طارم سرا. ۱۲ - شیخ سرا.
- ۱۳ - آدم سرا. ۱۴ - ساسان سرا. ۱۵ - لکتار سرا. ۱۶ - سیاه بولاش.
- ۱۷ - رضوان ده غریب بنده. ۱۸ - رود پشت. ۱۹ - ممدوکان.
- ۲۰ - روسر. ۲۱ - خیمه سر. ۲۲ - آشور کند. ۲۳ - شفا رود.
- ۲۴ - بک زاده محله. ۲۵ - سندیان. ۲۶ - شاشکو. ۲۷ - آل کام.

۲۸- سیمبر خاله. ۲۹- نوکنده. ۳۰- دینا چال.

[دهات طالش دولاب]

اسامی دهات طالش دولاب [که] سکنه [آن] اهل تسنن [و] زبان نشان طالشی است. اکثرشان ترکی و گیلکی می دانند، به شرح تفصیل است:

۱- پره سر. ۲- خالخالیان. ۳- کدوستان. ۴- ارده جان. ۵- چکو. ۶- چاروج. ۷- مازوپشت. ۸- وانکا. ۹- دره واز^۱. ۱۰- ریشان. ۱۱- پونل، حاکم نشین است. ۱۲- آلان^۲. ۱۳- گالش محله. ۱۴- بیشه سرا. ۱۵- خاله خاله^۳. ۱۶- سیاه وانکا^۴. ۱۷- سیاه بیل. ۱۸- دوران میان رودخان. ۱۹- سرک^۵. ۲۰- شیرنه بر^۶. ۲۱- دشت مین. ۲۲- شیربچه پیر امام زاده. ۲۳- سیفه چومان. ۲۴- واسکام شان. ۲۵- چارواده.

[یبلاق طالش دولاب]

اسامی یبلاق طالش دولاب به شرح ذیل است:

۱- واسکا. ۲- پارکام. ۳- مینه رود. ۴- سراکیلی. ۵- روشن ده. ۶- اره وشت. ۷- برن^۷. ۸- امیرکوه. ۹- تاوله. کووان. ۱۰- کوله. ۱۱- دشت دامان. ۱۲- آرو^۸ و چول^۹. ۱۳- ریناج، حاکم نشین است. ۱۴- سینده ده^۹. ۱۵- اسپیت^{۱۰}.

۱- به فتح دال و کسر راء و سکون هاء و زاء. ۲- به فتح الف. ۳- به فتح لام و سکون هاء و کسر لام دوم و سکون هاء دوم. ۴- به سکون نون. ۵- به فتح سین و راء. ۶- به سکون شین. ۷- به فتح باء و راء و سکون نون. ۸- به فتح الف و سکون راء و ضم واو و چ و سکون لام. ۹- به کسر سین و سکون نون و فتح دال و سکون هاء و کسر دال و سکون هاء دوم. ۱۰- به کسر الف و سکون سین و تاء.

۱۶- عروستان. ۱۷- رنگ آب. ۱۸- برزه کوه، دو امامزاده دارد.

[احوال کلی طالش دولاب]

از قشلاق اِلی^۱ ییلاق پنج قنطره پل چوبی و شش مجرا آسیاب دارد. نرسیده به واسکا در وسط راه قبری است که مردم [آنرا] سنگ سار و چوب سار می نمایند. سالی يك دفعه در وقت بهار چوبهائی که روی قبر می ریزند آتش می گیرند، معلوم نشد که خود به خود آتش می گیرد یا این که مردم آتش می زنند. می گویند قبر مردی است که بادیختر خود زنا نموده است. الله اعلم به حقایق الامور. و به قرار دویست و پنجاه خانه وار طایفه خاشابری در طالش دولاب می باشند. و معنی خاشابَر^۱ این است [که] می گویند جد جد ما در خانه اش از استخوان بود، مشهور به خاشابر شد. زیرا که به زبان طالشی استخوان را خاش^۲ می گویند. و در را بر^۳ می گویند. و در میان طایفه خاشابری، سی خانه وار طایفه دیگر هست که مخاطب به شیرازی می باشند. مذکور نمودند که اصل ما از شیراز است. در عهد قدیم دوسه نفر از شیراز آمده در طالش دولاب تأهل اختیار نموده ساکن شدیم. الآن مشهور [به] شیرازی و همگی سنّی مذهبند.

اهل طالش دولاب ییلاق و قشلاق دارند. محصولان برنج و ابریشم و شال چوخا و بُرتمه و شلوار و روغن، پنیر، عسل و شیر و گردو و جوراب می باشد. و در ییلاق گندم [و] جو می کارند. که مارگزنده، ببر، پلنگ، گرگ، خرس، خرگوش، روباه، شغال و موش کوهی و کک بسیار است. و کنه ومله ندارد. و شکار کوهی از قبیل پزره که آهو باشد و گاو کوهی و قرقاول و کبک و فوفور دارد. شنگ و دله و کک و ساس که سُرْخَک^۴ باشد با

۱- به فتح باء. ۲- به سکون شین. ۳- به ضم سین و سکون راء.

پشه در قشلاق بسیار است. و میوه جات از هر قسم و فوراست. و در خانه حاکم که [در] پونل باشد، مرکبات زیاد دارد.

کُلّ طالش دولاب و گیل دولاب همه تفنگچی می باشند. هرگاه حاکم بخواهد پنج هزار تفنگچی در می آورد. و حکم حاکم زیاد مجری است. عزل و نصب در حکومتشان نشده است. و رعیت بی اذن حاکم آب نمی تواند بخورد. و حسین قلیخان که حاکم است زیاد با رعیت سلوک و رفتار خوب می نماید.

پنج برادرند از علی قلی خان مرحوم: اوّل - حسین قلیخان حاکم. دویم - امیر اصلان خان. سیم - ذوالفقار خان. چهارم - طهماسب قلیخان. پنجم - صادق خان مشهور [به] بیوک خان.

و حسین قلی خان سه پسر دارد: اوّل - جعفر قلیخان. دویم - امان الله خان. سیم - علی قلی خان مشهور [به] خان خانی.

و علامت قدیم در طالش دولاب قلعه کُلّ شانه پاور^۱ است که یک چشمه آب زلال از دور خندقش جاری است. و آثار دیگر ندارد مگر خورده آجر در دور قلعه و خاک ریز ریخته است، و کسی صفت نمی دهد که در چه عهد بنا شده است. در ایام زمستان از پونل راه دارد که از سنده عبور نموده می رود به خلخال. و در ایام تابستان از راه آر دَه^۲ و دشت دامان به خلخال می رود. که اوّل ده خلخال خَمَس^۳ و آسُکَسْتان^۴ بوده باشد.

حد سدّ طالش دولاب: شرقی، از چابجار کنار بحر خزر کشیده اِلِی^۱ گیل گسکر حاجی آقا و شاندرمین. جنوب، کوه البرز به ملک و سامان خلخال.

۱- به ضم گاف و سکون لام. ۲- به فتح الف و سکون راء و فتح دال.

۳- به فتح خاء و میم. ۴- به فتح الف و سکون سین و فتح کاف.

غربی، از برزه کوه طالش دولا ب کشیده الی دیناچال. شمالی، بحر خزر است. و از کنار دریای خزر به پونل يك فرسخ، و از پونل به ریناچ شش فرسخ، و از ریناچ به ختمس^۱ خلخال سه فرسخ [است]. که از کنار دریا به خلخال ده فرسخ [است]. و پهنائی شرق [و] غرب چهار فرسخ است. و لباس اهل طالش دولا ب از پشم است. و پاپوششان چموش که تیکه چرم بوده باشد. و طالش صاحب پول و گیلک صاحب قرض می باشند. و هر نفر رعیت که بخواهند زن بگیرند از ده تومان الی بیست تومان مهر جواز و اذن به حاکم می دهند. و [از] رودخانه های طالش که داخل بحر خزر می شود ماهی آزاد صید می نمایند [و] مبلغ سیصد تومان دیوان دریافت می نماید. و سنگ وزن طالش دولا ب دو قسم است:

یکی سقط که چهارده فوند و نیم است و یکی سنگ وزن ابریشم و برنج و غسل و پنیر و غیره [که] شانزده فوند و سه چتور بالا است. و در کل طالش دولا ب پنج آسیاب و بیست و یک آب دنگ می باشد. زیاد ولایت آباد و معمور است.

[از بابت احوال ولایت اسالم]

از بابت احوال ولایت اسالم به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و شش: حاکم محمد قلیخان [است]، تفنگچی نوکر پیاده پنجاه نفر [که] مأمور سرحد انزلی می‌باشند؛ خانه‌وار اسالم هفتصد و نود و یک باب [و] مخلوق چهار هزار و دویست و چهل نفرند.

ابریشم بسیار بد چو کش یکصد و پنجاه من [و] برنج بیست و پنج هزار خروار [است]، گوسفند پنج هزار و دویست رأس، روغن بیست و پنج خروار، پنیر پنجاه و پنج خروار، عسل ششصد و پنجاه من، گرد و دویست و پنجاه هزار دانه، شیرۀ ار به دویست و پنجاه خروار، گندم و جو ششصد و پنجاه خروار، شال چو خا و برمه [و] سرداری و شلوار سه هزار و پانصد قواره، و امسال در میان گاوها ناخوشی افتاده [و] مرده‌اند. کومۀ مرغابی از دیناچال تا نوارود^۱ که صید مرغابی می‌نمایند، دو باب به کنار دریا واقع است.

در ایام هفته روز یکشنبه در نوارود بازار می‌شود. و آنها که در

اسالم ساکنند طالش و گیلک می باشند. دو ثلث سنی، یک ثلث شیعه مذهبند. گیلک صاحب قرض و طالش صاحب پول اند. لباسشان پشم و کفششان چموش می باشد. محصولشان برنج، ابریشم، گندم و جو، عسل، پنیر، روغن، شیر، گردو و شال چو خا است. اهلشان ییلاق و قشلاق دارند. ساس، کک و پشه در قشلاق بسیار است. و [از] رودخانه ها که داخل بحر خزر می شود ماهی آزاد صید می نمایند [و] مبلغ دو یست تومان دیوان دریافت می نماید. و حاکم از رعیت که ماشک دار است یک تومان و از بل دار^۱ پنج هزار دینار می گیرد. و هر کس هم که بخوهد تأهل^۲ اختیار نماید از ده تومان الی پانزده تومان پول مهر جواز اذن به حاکم می دهند. و همگی تفنگچی می باشند.

در ییلاق: بیر، پلنگ، خرس، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و موش کور و مار گزنده می باشد. و شکار از قبیله: پرزه و گاوکوهی و کبک و قرقاول و غیره بسیار است. در قشلاق: شنگ و دله یافت می شود.

[دهات اسالم]

- اسامی دهات اسالم: ۱- کیکاسر. ۲- خال سرا. ۳- الالان.^۳
 ۴- نوارود. ۵- کِه سَم.^۴ ۶- لاتائی. ۷- کیاسرا، حاکم نشین است.
 ۸- کوله سرا.

[ییلاق اسالم]

- اسامی دهات ییلاق اسالم: ۱- نو. ۲- لومیر، منزل حاکم. ۳-
 الله ده.^۵

اسامی رودخانه های اسالم که در سه مجرا ماهی آزاد صید می شود [و]

۱- به ضم باء و سکون لام. ۲- به فتح الف. ۳- به کسر کاف و فتح سین.

نه مجرا اسم ندارد. ۱- خال سرا. ۲- الالان. ۳- نوارود.
و امامزاده چهارآستانه [دارد]. حدود ملك اسالم: شرقی- دیناچال،
ملك طالش دولاب. غربی- گلفرود، ملك کرگان رود. جنوب - کوه البرز،
ملك خلخال. شمال- بحر خزر. عرضاً دو فرسخ. طولاً الى خلخال، ده فرسخ.

[احوال ولایت کرگانرود]

احوال ولایت کرگانرود. حاکم فرج الله خان [است]. نوکرتفنگچی پیاده خارج نظام، دویست نفر. زیاد ولایت آباد و معمور و حاصل خیز می باشد.

بدین قرار است در عرض سال: برنج یکصد ونود و پنج هزار خروار- اسبی. گندم و جو پانزده هزار خروار اسبی. ابریشم چو کش بد که یک من پنج تومان است، هفتاد و پنج من. عسل دو هزار و پانصد من. روغن یکصد و پنجاه خروار. پنیر یک هزار و پانصد خروار اسبی. پیه یک هزار و پانصد من. موم دویست و پنجاه من. پشم چهارصد و بیست و پنج خروار اسبی. شال چو خا و برمه و سرداری و شلواری بیست و یک هزار قواره. جوراب هفت هزار و پانصد زوج. جاجیم یک هزار تخته. شیر و سیصد و پنجاه خروار اسبی. گرد و هفتصد و هشتاد هزار دانه. گوسفند هشتاد و پنج هزار رأس. گاو دو هزار و پانصد رأس. گامیش پانصد و پنجاه رأس.

خانه وار از شیعه و سنی شش هزار و نهصد ونود و پنج باب. مخلوق چهل و یک هزار و سیصد [و] هشتاد نفر. امامزاده پانزده آستانه. به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد [و] شش حاصل برنج کرگانرود را قدری ملخ

خورده است. و گاوهای ایشان هم زیاد از ناخوشی مرده اند. آدم بود که سیصد رأس گاو داشت [که] همگی تلف شدند.

و حاکم را طایفه عاشق زور می گویند که جدشان مطرب بوده است. و کرگانرود در جمع آذربایجان بود و در عهد حکومت معتمدالدوله منوچهرخان والی گیلان، در جمع گیلان شد. و حاکم بالاستقلال کرگانرود فرج الله خان پسر بالاخان می باشد که زیادتسلط به سر رعیت دارد و بسیار جبر [و] تعدی به رعایا می رساند. و رعیت داد [و] بیداد دارند که به دست شداد نمرود گرفتار آمده ایم و کسی نیست که به داد ما برسد. و پول بی حساب زیاد از رعیت می گیرد. مثلاً در عرض سال مبلغ سیصد تومان از بابت پول شیل به دیوان می دهد [و] در عوضش از جمیع رعایا، آنها که ماهی گیرند و آنها که نمی گیرند و شبان و گالش هستند و بالای کوهها در بیلاق می باشند، هرخانه ای پنج قران می گیرد. و طایفه بالاخان شیعه مذهبند لیکن فرج الله خان دین [و] مذهبش معلوم نیست. روزه نمی گیرد، نسا و غسل نمی کند [و] عوض آب، شراب می خورد. و چند طایفه در کرگانرود می باشند. اصل رعیت طالش است و آنها که غریبه اند تُرکنند [که] از محال اردبیل و خلخال آمدند [و] ساکن شدند و يك طایفه گالش است. و طایفه دیگر گیلک است که در هر قریه دوسه خانه وار ساکنند. و آنها که طالشند همه سنتی مذهب می باشند. و طایفه حاکم و ترك باگیلک شیعه هستند که نصف کرگانرود شیعه و نصف دیگر سنتی می باشند.

و دهات کرگانرود از بحر خزر کشیده است الی دامنه کوه البرز [و] ساحد سد خلخال و اردبیل [و] به کنار دریا هشت فرسخ [است]. و پهنائی از گلرود الی قراسو حد سد آستارا هشت فرسخ و از کنار دریا به دامنه کوه، يك فرسخ است.

و پاره‌ای جا تفاوت زیاد دارد. و آنها که کندهٔ عسل دارند خانه‌هایشان [در] دامان کوه است. و در دشت کندهٔ عسل نگه نمی‌دارند. و اهلشان ییلاقی می‌باشند. و کوه‌ها که در مقابل دهات است به اسم همان ده خطاب می‌شود. مثلاً نمیر در مقابلش کوه هست می‌گویند نمیر داغی، و کوه نمیر. یا خطیب سرا مقابلش کوه می‌باشد می‌گویند کوه ویلاق خطیب سرا. و رودخانه‌ها هم به اسم دهات خطاب می‌شود. رودخانهٔ نمیر و چوار و خطیب سرا.

و در ایام تابستان از ییلاقات به ولایت اردبیل و خلخال راه دارد و راه مخصوص عبور قافله از آق‌ایولر می‌باشد. و آن هم دورا دارد: یک راه حصاوار و یک راه بنامار. وقتی که زمستان برف به شدت ببارد راه بند و مسدود می‌شود که از راه آستارا به اردبیل می‌روند.

و حاصل ابریشم کم است و سر رشته در کشیدن ابریشم ندارند. محصولش برنج، گندم و جو و عسل و روغن و پنیر و پشم و جوراب و شیر و پیه و موم و گردو و غیره می‌باشد. و میوه‌جات سیب، امرو، به و شاه‌بلوط و فندق با سایر میوه‌جات بسیار است. زبان‌شان طالشی و ترکی می‌باشد. و ولایت کرگان‌رود دکان [و] بازار مثل سایر ولایت ندارد. [در] قدیم بازار بود، فرج‌الله‌خان موقوف کرد. هر چیز بخواهند باید [به] انزلی و یا آستارا بروند [و] خرید نمایند. به جهت همین بازار را موقوف کرد که کسی از احوال ولایت و ظلم [و] تعدیش باخبر نشود.

هر ساله هفت هشت کشتی برنج و گندم و جو و عسل و موم و روغن و پنیر و گردو و چوب‌گردو [را] اهل بادکوبه می‌آیند به حاکم تعارف می‌دهند [و] می‌خرند. و جنس فرنگ را بزازدبیلی و خلخال می‌آورند [و] می‌فروشند.

و در هر قریه يك نفر استاد آهنگر می باشد و سه نفر زرگر هم در کرگانرود نشسته اند. و يك نفر طالش تاجر کرگانرودی هر ساله چوب گردو به جهت فروش به حاجی ترخان می برد.

و امامزاده ای در مقابل خطیب سرا مسمّا به میرعظیم است که هر شب جمعه به قدر پنج سیر نفت سفید از قدرت خدای تعالی توی سنگ جوشیده بیرون می آید. و علامت قدیم، قلعه دور خاكریز مشهور [به] قلعه بنّامی باشد و به دامنه کوه واقع است [و] آثار چندانی ندارد. و اهل کرگانرود لباسشان از پشم است که خودشان به عمل می آورند. و پاپوش چموش است.

و در کوههای کرگانرود مارگزنده و ببر و پلنگ و گرگ و خرس و خوک و شغال [و] روباه و خرگوش و موش کوهی بسیار است. که در ییلاق و قشلاق می باشد. و مارگزنده در قشلاق ندارد. از قبیل شکار کوه: گاو کوهی، بز-کوهی، پرزه، گوسفند و كبك و در قشلاق قرقاول بسیار است. و پشه و ساس [و] كك زیاد است. و از قوشهای شکاری ترلان و لاجین و قزل و قرقی بسیار می باشد. و يك مرد ابچه ای در شلوار دارد که اسمش پلاس لی می باشد [و] نزار است. و قوشهای شکاری در آنجا آشیانه دارند و حاکم مستحفظ گذارده است می گیرد [و] به طهران و به هر جا که بخواهد می فرستد.

و فرج الله خان حاکم در ایام زمستان با برادرها در قریه ریگ، قشلاق می نماید که بالای بلندی است و درخت تبریزی که صنوبر باشد، زیاد کاشته اند. و در ایام تابستان به آق ایولر ییلاق می نماید که بسیار ییلاق خوبی است. و در دهاتهای آق ایولر درخت گردو زیاد دارد با فندق. حاصلشان گندم و جو است. و هر ساله ایلپات شاهسون از اردبیل و مغان^۲ به قرار چهار پنج هزار

۱- به ضم باء و سکون نون.

۲- به ضم میم.

خانه وار چادر نشین به ییلاقات کرگان رود می آیند و زمستان به مغان می روند. از بابت مرتع و علف چر هر خانه يك رأس بره باروغن و پنیر به حاکم می دهند.

ورعیت کرگان رود پاره ای در ییلاق خانه ساخته اند و پاره ای چادر نشینند. و خانه های صاحب اوضاع کرگان رود تخته پوش و مال فقرا گالی- پوش است. و هر رعیت که بخواهد زن بگیرد مبلغ سه تومان پول مهر به حاکم می دهند. و از کرگان رود به آق ایولر چهار فرسخ است که سه قنطره پل چوبی درست کرده اند.

[دهات کرگان رود]

- اسامی دهات کرگان رود: ۱- وزنه. ۲- نمیر. ۳- چوار.
- ۴- هویق. ۵- بورمه سرا. ۶- هنزنی. ۷- شلوار. ۸- خطیب سرا.
- ۹- لیسار. ۱۰- هرا دشت. ۱۱- ممدوار. ۱۲- قلعه بن. ۱۳- دره.
- کاری. ۱۴- خواجه کاری بالا. ۱۵- پشته. ۱۶- جمیکوه. ۱۷-
- گرداب اوزن. ۱۸- ناوان. ۱۹- سوره پشت. ۲۰- طول گیلان.
- ۲۱- شکر دشت. ۲۲- ریگ، منزل حاکم. ۲۳- طول رود. ۲۴-
- جولاندان. ۲۵- کوهه کاری. ۲۶- رنگرش خانه. ۲۷- سیده کی.
- ۲۸- تاکی ۲۹- جو کنندان. ۳۰- هنده کران. ۳۱- کُرد بی جار.
- ۳۲- گل فرود. ۳۳- حیان. ۳۴- خواجه کاری پائین. ۳۵- طول رج.
- ۳۶- ارادشت. ۳۷- طوره پشت. ۳۸- نعلکی. ۳۹- گالش. ۴۰- شبان.
- ۷ خانه ۸ خانه

[ییلاق آق ایولر]

اسامی ییلاقات آق ایولر: ۱- میان کو. ۲- شلهوش. ۳- رزان.
۴- مَریان^۱. ۵- نعون. ۶- اطاق سرا، منزل حاکم. ۷- دیزکا. ۸-
کورمار.

ایضاً اسامی ییلاقات کرگانرود. ۱- دران. ۲- طیلار. ۳-
چوران. ۴- آله کش. ۵- مکش. ۶- یاستی یال. ۷- دخلا کونی.
۸- ویل. ۹- هاوزکو. ۱۰- گنجنه کان کونی. ۱۱- گامیش بُن.
۱۲- قلعه بُن. ۱۳- آتش کش. ۱۴- سخت دره. ۱۵- بزکجه پونی.
۱۶- داش باشی. ۱۷- لپان کش. ۱۸- آذرباجان. ۱۹- تگری.
۲۰- کورمار. ۲۱- گنج خانه. ۲۲- میان کو.

[رودخانه های کرگانرود]

اسامی رودخانه های کرگانرود [که] هشت فرسخ و سه ربع است از حد
اسالم به آستارا: ۱- گلفرود. ۲- هنده کران. ۳- طولرود. ۴- تاکی.
۵- عماله جو. ۶- کرگانرود. ۷- پشته. ۸- خواجه کاری. ۹-
پُلك هنوی^۲. ۱۰- قوزك. ۱۱- قونبیل جو. ۱۲- سرداب خاله.
۱۳- کیده دهنه. ۱۴- طالب دهنه. ۱۵- ممدوار. ۱۶- لیسار. ۱۷-
بوره سرا. ۱۸- خطیب سرا. ۱۹- شله وار. ۲۰- هویق. ۲۱- هنزنی.
۲۲- چوار. ۲۳- نمیر. ۲۴- تا ۲۹- رودخانه کوچک بی اسم [که] شش
مجرا [است].

۱- به فتح میم و سکون راء. ۲- به ضم پ و سکون لام و کاف.

[آستارا]

اسامی رودخانه‌های آستارا که از حد کرگان‌رود به سرحد دولت بهیة روسیه دو فرسخ ونیم است: ۱- چلونند. ۲- لوندویل. ۳- خواجه-کاری. ۴- رودخانه خود آستارا.

حاکم وبزرگ آستارا میر سلطان احمدخان [است]. مباشر زمان بیگ [و] کدخدامشهدی محمدعلی [است]. بندرچی، آقاصفرعلی شیروانی رعیت ایران [است]. مالیات پانصد تومان [و] اجاره بندر هفتصد و پنجاه تومان [است]. تفنگچی نوکر سوار پانصد نفر [است]. خانه‌چوبی و گالی پوشی سوای خانه حاکم که سفالپوش است، دویست و پنجاه باب. مسجد، یک باب. حمام، یک باب. دکان چوبی، سی باب. انبار نفت، یک باب. انبار که متاع تجار گذاشته می‌شود، چهار باب. کرجی بارکن، چهار فروند [است].

محصول که در عرض سال به عمل می‌آید: برنج هفتصد و پنجاه خروار دیوانی. و ش کتان چهل خروار دیوانی. ابریشم شصت من. و در بالاها گندم و جو به عمل می‌آید. و مرغ و ماهی زیاد صید می‌نمایند. هر ساله پنجاه شصت فروند کشتی به جهت حمل و نقل بار تجارتی می‌آیند.

پار سال به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و پنج به قرار هشتاد و دو هزار پوط آهن از ملک روسیه به آستارا آوردند. و گمرک خانه آستارا در اردبیل

می‌باشد. جمیع متاع تجّار که از کشتی بیرون می‌آید سربسته می‌رود به اردبیل [و] گمرک می‌شود. و از آستارا به اردبیل هشت فرسخ و به نمین پایتخت حاکم، پنج فرسخ و به لنگرکنان چهار فرسخ و به انزلی بیست و یک فرسخ [است]. و در نزدیکی آستارا آب گرمی است که بالاسرش درخت انجیر دارد. هرگاه انجیر در میان آب گرم بیفتد سنگ می‌شود و این مشهور است.

تمت الكتاب به عون الله الملك الوهاب بیستم شهر ذی قعدة الحرام مطابق یک هزار و دویست و هفتاد و هفت هجرت النبوی قلمی گردید.
به حسب الفرمایش جناب جلالت و نبالت نصاب، فخامت و مناعت انتساب، فراست و کیاست اکتساب مخلصان استظهار صاحب مکرم معظم مهربان جنرال برنهارد دارن تحریر شد سنه ۱۲۷۷.

تطبيقات و تصحيحات و اضافات

صفحه سطر

۱۶/۴- شلتوك: برنجی كه هنوز آنرا از پوست درنياورده باشند = چلتوك، شالی

(فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۷۰ و برهان قاطع، ص ۷۲۴).

۱۵/۵- محسن میرزا میر آخور شاه: برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه

کنید به کتاب «تاریخ رجال ایران» تألیف مهدی بامداد، تهران

۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۴۷.

۸/۱۴- الیجه: الچه = الچه، نام ترکی نوعی از پارچه پشمی الوان و جامه

راه راه رنگارنگ است. مخفف الچه ترکی، لغت نامه دهخدا،

زیر الیجه و فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴۵.

۸/۱۴- قدك: جامه ای رنگین و رای ابریشم، لغت نامه دهخدا، زیر قدك.

فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۶۴۶.

۸/۱۸- شب گز: مله = غریب گز. قسمی حشره چون کنه و غریب گز، لغت نامه

دهخدا، زیر شب گز.

کرمی کوچک و پهن که خون انسان را مکد و نامهای دیگری ساس و

سرخك و غریب گز است (فرهنگ نظام، ج ۳، ص ۴۹۳).

جانور کوچکی است از جنس کنه (ناظم الاطباء، ج ۳، ص ۲۰۰۶ و

فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۱۹).

۱۴/۱۸- نان بکسمات: نانی است به شکل نیم کره که در اصل چانه خمیری بوده است که به تنور زده اند و کمی هم شیرین است و در تنور آنرا خشک می کنند.

۱۳/۲۸- الی صحیح است.

۷/۳۳- شله قرمز: نوعی پارچه نخی نازک سرخ رنگ.

۷/۳۳- پلاس: نوعی جامه پشمینه ستر کم بها که درویشان پوشند.

۷/۳۳- جاجیم: بافته ای از پشم تاییده الوان که بسیار زبر و خشن است و بیشتر برای پیچیدن رختخواب و مانند آن بکار رود. فرشی که آنرا از نمند الوان دوزند (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۲۰۰).

۷/۳۳- گلیم: زیر اندازی که از موی بز و گوسفند بافند.

۱۹/۳۳- ذرع با ذال معجمه صحیح است؛ مقیاس طول است معادل ۱۶ کره = ۱۰۴ سانتیمتر. ذرع شاه ۱۱۲ سانتیمتر است (لغت نامه دهخدا).

۱۰/۳۶- پوط: کلمه ایست روسی، و آن وزنی است معادل پنج من و نیم تبریز، و مالیات را بکار است؛ یک پوط، یک حلب، هجده لیتر (لغت نامه دهخدا).

۱۵/۳۷- گمی: بزرگترین قایق چوبینی که در دریای مازندران برای حمل و نقل کالا بکار می رود.

۱۶/۳۷- سالدات *soldat* = سرباز.

۳/۳۸- استول *ostul*: (بضم الف) در بیشتر نقاط گیلان صندلی را گویند، (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۹).

۱۰/۳۸- ماهی حرام: به ماهیهای بدون فلس چون انواع ماهی خاویار گفته می شود.

۱۰/۳۸- یلم: معروف به سریشم ماهی است که برای ساختن «ژله» یا

«لرزانك» بكار می‌رود. معمولاً آنرا از جدار کیسه‌شنای ماهی

غضروفی به‌نام «تاس» که به‌نام علمی *Aci penser ruthenus, A.*

gulten Stadi معروف است تهیه می‌کنند.

فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۵۲۷۰، آنرا سریشم نجاری دانسته است.

۸/۳۹- ویرس = ورس: (مأخوذ از روسی) اندازه‌ای از مسافت که معادل

۳۵۰۰ قدم باشد (ناظم‌الاطباء، ج ۵، ص ۳۸۴۹).

۱۳/۳۹- شالی‌زار: زمینی که در آن برنج کاشته باشند = کشتزار برنج (فرهنگ

فارسی معین، ج ۱، ص ۲۰۰۰).

۳/۴۱- کردمحل: نام قدیمی کردکوی است. ۲۹ کیلومتری غرب گرگان،

سرسره‌ای شوسه گرگان- بندرشاه و بندرگز واقع است (فرهنگ

جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۲۳۰).

۹/۴۱- ذرع باذل معجمه صحیح است.

۱۰/۴۱- مازو = بلوط: از درختان جنگلی شمال ایران است. نوعی که در

در این منطقه است به‌نام علمی «*Quercus Tourn*» شناخته می‌شود.

عظمت و بلندی این درخت مورد احترام جنگل نشینان است.

فرهنگ معین مازورا گونه‌ای درخت بلوط دانسته (فرهنگ فارسی

معین، ج ۳، ص ۳۶۹۶).

۹/۴۲- افرا: (بفتح الف اول و سکون فاء) از درختان جنگلی شمال است

از تیره «افراها» *Acérinées* که به‌نام علمی «*Acer Lobelia*» معروف

است. درختی است تنومند بابرگهای پنجه‌بی.

۸/۴۳- ماهی کپور: گونه‌ای ماهی است با نام علمی «*Cyprinus Carpio*»

از راسته «تله‌اوستن‌ها» *Téléostéens* و از تیره «سپربینده‌ها»

Cyprinidès» که جزو ماهیان آبهای شیرین است و در رودخانه‌ها و آبهای راکد می‌زید و در شمال ایران نیز فراوان است. رنگش قهوه‌ای مایل به سبز است و در ناحیه پشت تیره‌تر و در ناحیه شکم روشن‌تر است با طول بین ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر.

۱۳/۴۳- شهرباف: کسی که پارچه ابریشمی عالی بافد (ناظم‌الاطباء، ج ۳، ص ۲۰۴۷).

کسی که اقمشه ابریشمی بیافد مثل قطنی و زربفت و مانند آن (آندراج، ج ۴، ص ۲۶۳۰).

۱۴/۴۴- شب‌خس: تیره‌ایست از درخت گل ابریشم که در جنگلهای کرانه دریای مازندران در جلگه و میان بند فراوان است. آنرا در گیلان شب‌خسب گویند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «لغت‌نامه دهخدا» زیر شب‌خسب.

۱۹/۴۵- چادرشب: جامه‌ای که در آن رختخواب و بستر پیچند، (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ص ۱۱۵۴).

چادر رختخواب، چارشب، چارچپ، لغت‌نامه دهخدا زیر چادرشب.

۲۰/۴۵- پیراهن شیرپنیر: قسمی نسج ابریشمی که بیشتر در مازندران بافند، لغت‌نامه دهخدا، زیر شیرپنیر.

۲۰/۴۵ شال چوخا: جامه پشمین که در تبرستان بافند و بپوشند و آنرا چوخه نیز گویند (آندراج، ج ۲، ص ۱۴۶۴).

جامه‌واری که از پشم بافته باشند، (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ص ۱۱۸۲). جامه پشمین که اغلب لباس چوپانان و ماهیگیران است، لغت‌نامه دهخدا.

۳/۴۷- درخت به چشم (؟)

۳/۴۷- الی صحیح است.

۳/۴۷- درخت تلوی خار (؟)

۱/۵۷- بلوك فندرسك: چون مؤلف دهكده‌های بلوكات دیگر استرabad را

نامبرده ولی فندرسك از قلم او افتاده است، باتوجه به یادداشت‌های
اعتمادالسلطنه از این دهات نام برده می‌شود:

خیو- درّه ملك سلیمان- خور حال- زرین کل- نقی آباد- دار کلا-
شفیع آباد- مشو- مامیلو- سعد آباد- خان بابن- کلو کی- رامیان-
لوده- نوده- سوخته سرا- محله میر- قشلاق- سید کلاته- قارستان
قانچی- سبب حسین- حسین آباد- کاسی دار- نرآب- دامنان-
ده چناشك- دورمن- ترسم- دوزین- اسفرنجان- کلاسره-
ترنجه بُن- فارسیان فرنگ- فرنگ- سامر- لرد- ثیل آباد-
وطن- قلعه فامه.

۸/۵۷- طایفه یموت: طایفه یموت ترکمنهای دشت گرگان را تشکیل داده

وبه دوشعبه بزرگ آتابای و جعفر بای تقسیم می‌شوند. آتابای بیشتر
در منطقه گنبد تا پهلوی دژ و جعفر بای در نواحی گو میشان و خواجه-
نفس تا نواحی نزدیک پهلوی دژ سکونت دارند. شغل آنها زراعت،
تربیت اغنام و احشام، تجارت و کسب است (ایران شهر، نشریه
شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۸/۵۷- طایفه تکه: بیشتر در ترکمنستان شوری اقامت داشته و در حدود

یکصد خانوار آنها در اطراف گنبد سکونت دارند. قالیچه‌های

معروف و ممتاز تر کمنی نتیجه دستباف زنان این طایفه بوده و در این فن مهارت کاملی دارند (ایران شهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۸/۵۷- گوکلان: بیشتر در نواحی کوهستانی شرق دشت گرگان و یک قسمت در اطراف بجنورد و گوکلان سکونت داشته و به داشتن اسبهای ممتاز معروف می باشند (ایران شهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، تهران ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

۱۵/۶۵- سرچاه ها است.

۷/۶۶- هری قلعه صحیح است.

۱۷/۷۸- گالی پوش: گال، گیاهی است که در گیلان سقف خانه های دهقانی با آن پوشیده می شود. این گیاه در استخرها و آبگیرها می روید. گالی پوش: خانه های دهقانی که از گال پوشیده شده است (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، ص ۲۰۹).

۴/۷۹- اعلی صحیح است.

۷/۸۰- انزانی صحیح است.

۱/۸۱- شهر اشرف: نام قدیم شهر به شهر بوده است. این شهر از بناهای دوره صفویه و در عهد سلطنت شاه عباس اول بسیار آباد و در سال چندماه محل سکونت پادشاه ایران بوده است. در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی ساری و ۷۸ کیلومتری غربی گرگان و ۸ کیلومتری جنوب خلیج میان کاله واقع است.

طول جغرافیایی آن ۵۳ درجه و ۳۳ دقیقه و عرض آن ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۵۳).

- ۶/۸۸- سورتیج صحیح تر است.
- ۷/۸۹- لنگر کُنان: طالش نشین روسیه.
- ۱۳/۷۹- بلوک میان دورود است.
- ۲/۹۰- کالپوش صحیح است.
- ۱۸/۹۱- معمولاً «عذایی است الیم».
- ۲۱/۹۱- معمولاً «جان به جان آفرین تسلیم کرد».
- ۸/۹۳- ذرع با ذال معجمه صحیح است.
- ۲۰/۹۳- شتر گلو: راه آب زیرزمینی که بالوله یا تنبوشه‌های بزرگ در زیر
نهر یا رودخانه یا جاده‌ها به وسیله دو چاه تعبیه کنند تا آب از يك
سمت فرو رود و از سمت دیگر بالا آید. چاه آبگیر را «نر» و
چاه آب‌ده را «لاس» گویند (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۰۲۷).
- ۲/۹۵- کالپوش صحیح است.
- ۷/۹۵- ذرع با ذال معجمه صحیح است.
- ۳/۹۷- توسرخ: گونه ایست از نوع مرکبات با نام علمی «*Pamplermousse*»
شبه پرتقال ولیمو دارای برگهای پهن و خارهای بیشتر و گل‌های
بزرگتر و میوه‌اش نیز بسیار درشت تر است. طعم آن ترش و
شیرین و گوشت آن سرخ است (فرهنگ فارسی معین، ج ۱،
ص ۱۱۶۵).
- ۳/۹۷- توسبز: گونه‌ای توسرخ که قسمت خوراکی میوه‌اش سبزرنگ
است (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۶۵).
- ۳/۹۷- مینا: گونه‌ای مرکبات است.
- ۳/۹۷- پتاوی: گونه‌ای مرکبات است.

۵/۹۷- سلطان مرکبات = دارابی: درختی است از تیره سدابیان جزو دسته مرکبات است بانام علمی «*Citrus decumana* L.» میوه اش بزرگتر از پرتقال و طم آن ترش و شیرین است. رنگ میوه اش زرد و داخلش سبز رنگ است و دارای پوستی ضخیم می باشد.

۵/۹۷- پن پنهنا: گونه ای مرکبات است (۹)

۵/۹۷- نافه: گونه ای مرکبات است (۹)

۵/۹۷- لیموی شاهی: گونه ای لیمو است از گروه مرکبات بانام علمی «*Citrus*

Limonum dulcis L.»

۲/۹۸- سلم و تور است.

۲۰/۹۸- لشکر صحیح است.

۱/۱۰۱- علی آباد: نام قدیم شاهی است. دهی بود که در روزهای چهارشنبه

هر هفته بازار عمومی داشته است، ضمن احداث راه آهن مورد توجه

اعلیحضرت رضاشاه کبیر واقع شد و نام آن از علی آباد به شاهی

تبدیل گردید. ۲۳۷ کیلومتری شمال شرقی تهران، ۳۰ کیلومتری

جنوب غربی بابل و ۲۲ کیلومتری جنوب غربی ساری است.

طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه و عرض آن

۲۶ درجه و ۲۸ دقیقه است. اختلاف ساعت آن با تهران ۵ دقیقه و

۵ ثانیه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۵).

۵/۱۰۱- تالاریه = : نام یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان شاهی

است. این دهستان در طول رودخانه تالار از شمال دهستان بالاتجن

الی انتهای رکن کلا واقع و از رودخانه تالار مشروب می شود

(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۷۱).

۵/۱۰۱- او اخر صحیح است.

۲/۱۰۲- زرین آباد است.

۱۲/۱۰۲- چارقد: جامه‌ای که زنان زیرچادر بر سر افکنند. پارچه‌ای سه - گوشه یا چهار گوشه که زنان بر سر بندند، لغت نامه دهخدا، زیر

چارقد و ناظم الاطباء ج ۲، ص ۱۱۵۶.

۱۳/۱۰۲- کلِ نمد: نیم تنه نمدی بدون آستین.

۲/۱۰۳- بهمی رسد = به هم می رسد.

۱۴/۱۰۶- مقبره ملا مجدالدین صحیح است.

۲/۱۰۷- شهر بار فروش: نام قدیم شهر بابل بود. از سال ۱۳۰۶ ه. ق. بابل

نامیده شد. نام جدید، نام رودخانه‌ای است که از ارتفاعات جنوبی شهرستان سرچشمه گرفته از کنار شهر عبور و در بابل سر به دریای مازندران می ریزد.

طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه و عرض آن ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه، اختلاف ساعت با تهران ۵ دقیقه است. این شهر قبل از انقلاب کبیر روسیه یکی از مراکز بازرگانی مهم شمال کشور و محل واردات امتعه خارجی به علاوه مرکز خرید محصولات طبیعی و مصنوعی قراء و قصبات عمده مازندران محسوب و به لحاظ فوق بار فروش نامیده شده بود (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۷).

۶/۱۰۹- وزیکا(؟)

۶/۱۰۹- اشبل: اشبل *ashbol* (لاهیجان) و در ضیا بر و رشت *ashbal*، تخم ماهی است و در بیشتر نقاط گیلان آنرا نرم کرده با تخم مرغ مخلوط

می کنند و از آن کو کوتهیه می نمایند (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۹۰)

۱۲/۱۰۹- پیرپاس: (؟)

۱۳/۱۰۹- شیلات: پیش از سال ۱۲۷۲ ه. ش. سیاحان محلی سواحل دریای مازندران در مقابل پرداخت مبلغی به عنوان رسوم دیوانی به متصدیان دولتی که عنوان «دریابیگی» داشتند، اجازه صید ماهی می گرفتند. در سال مذکور امتیاز صید از طرف دولت ایران به یکی از سرمایه داران روسی به نام «استپان مارتینویچ لیانازوف» واگذار شد. در مهر ۱۳۰۶ ه. ش. شرکت مختلط ایران و شوروی برای مدت ۲۵ سال بهره برداری را شروع کرد. این شرکت در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ ملی گردید و بهره برداری در کرانه های شمالی ایران به ایران واگذار شد. برای اطلاع بیشتر درباره شیلات ن. گ. به فرهنگ فارسی معین، جلد ۵، ص ۹۵۷ و ۹۵۸ و فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، تهران ۱۳۳۲، ص ۱۶۱.

۱/۱۱۰- مشهدسر: نام قدیم بابلسر است. ۱۸ کیلومتری شمال بابل، کنار دریای مازندران و مصب رودخانه بابل واقع گردیده. طول جغرافیایی آن ۵۲ درجه و ۳۹ دقیقه و ۵۴ ثانیه و عرض آن ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه، اختلاف ساعت با تهران ۴ دقیقه و ۵۴ ثانیه است. مشهدسر به واسطه موقعیت بندری خود در عصر قاجاریه و پیش از آن مرکز تجارت مازندران مخصوصاً بابل بوده و اهمیت داشته است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۷).

۴/۱۱۰- ماهی اسپک: شاید ماهی «اسبله» *esbele* باشد که از ماهیان فلس دار

بحر خزر است بانام علمی «*Silurus glanis L.*». ماهی است بزرگ
بادهانی فراخ وریشو.

۴/۱۱۰- ماهی سفید: گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته «تله اوستن‌ها
Téléostéens» بانام علمی «*Rutilus frisii Kutum*» که طولش
در حدود ۵۰ سانتیمتر است. بهترین گونه‌ای ماهی در دریای خزر
فراوان است و از ماهیهای اصیل دریای مذکور می‌باشد. گوشتش
سفیدرنگ و خوش طعم است.

۱۹/۱۱۱- لاکمه: نوعی قایق چوبی است.

۴/۱۱۳- کتان‌وش: بوته‌ای که از آن الیاف کتان گرفته می‌شود.

۵/۱۱۳- قلیان کدو: نوعی کدو است که از پوست آن کوزه قلیان درست
می‌کنند.

۸/۱۱۳- خروار شتری: شاید برابر با خروار اسبی باشد که برابر ۲۰ من
شاه است.

۵/۱۱۴- پنجره ارسی: قسمی پنجره که آلت کاریهای ظریف و شیشه‌های
رنگین دارد و برخلاف پنجره‌های عادی، درد و ناو از بالا به پایین و
بالعکس حرکت می‌کند.

۱/۱۲۱- چنگر: نوعی مرغابی سیاه است به اندازه کبک یا کبوتر که در
سواحل دریای خزر یافت می‌شود، لغت نامه دهخدا، زیر چنگر.

۳/۱۲۱- ظیلاجی، صحیح آن طلاچی = تلاچی = کُلْمَه *Koloma* :
گونه‌ای ماهی استخوانی است که شکل ظاهریش تا حدی شبیه
ماهی سفید است ولی کمی چاق‌تر از آن و رنگ فلسهایش هم
قدری تیره‌تر است. نام علمی آن «*Rutilus rutilus Caspicus L.*»

مدت چهار سال در محضر سید کاظم رشتی شاگردی کرد. پس از می‌باشد و آنرا از گونه‌های ماهی سفید می‌دانند.

۳/۱۲۱- ماهی چکاب: (؟)

۳/۱۲۱- ماهی طیل خُس: (؟)

۲۰/۱۲۱- جاورس = گاورس: گیاهی است از تیره گندمیان و از دسته غلات که

دانه‌هایی شبیه ارزن دارد و به نام علمی *Andropogon arundinaceus*

معروف است. دانه‌اش از ارزن درشت‌تر و پوستش هم‌زبرتر است.

۲۱/۱۲۱- مَلّه = شب گز.

۷/۱۲۳- فوند = پوند = ۴۵۳/۵۹۲ گرم.

۹/۱۲۵- قرّة‌العین: دختر بزرگ حاج ملاصالح برغانی از خاندان صاحب اعتبار

قزوین بود. وی در سال ۱۲۳۳ ه.ق. در قزوین متولد شد. نام اصلیش

«فاطمه» و کنیه‌اش «ام‌سلمه» و در بین اقوام و بستگان به «زرین تاج»

مشهور بود و «قرّة‌العین» عنوانی است که آسید کاظم رشتی بدو

داده است؛ از طرف سید باب به «طاهره» ملقب شد. وی اولین زنی

است که در عنفوان جوانی در واقعه بدشت (نزدیک شاهرود) کشف

حجاب کرد. این عمل باندازه‌ای غیر مترقبه بود که عده‌ای از بایان

آنرا پذیرا نشده و ترك آیین بایه کردند. قرّة‌العین از روی نوشته‌ها

و آثار سید علی محمد باب که تازه دعوی خود را آشکار ساخته

بود، به او ایمان آورد. وی زنی فاضل و باذوق بود و شعر نیکو

می‌سرود. در اواخر زندگی در منزل محمودخان، کلانتر تهران

محبوس و در سال ۱۲۶۸ ه.ق. شبانه وی را به باغ ایلخانی (محل

فعلی بانک ملی مرکز و بیمارستان آن) در خیابان علاءالدوله

(= فردوسی) برده و خفه کردند و جسدش را در چاهی انداختند.

قرة العین هنگام مرگ ۳۵ سال داشت. از اشعار اوست:

گر بتو افتدم نظر چهره بچهره روبرو

شرح دهم غم تو را نکته به نکته موبمو

از پی دیدن رخت همچو صبا فتاده‌ام

کوچه بکوچه در بدر خانه بخانه کوبکو

برای اطلاع بیشتر درباره این زن نگاه کنید به کتاب «تاریخ

شهدای امر، وقایع تهران»، محمدعلی ملک‌خسروی، سال ۱۳۰

بدیع (اکنون ۱۳۲ بدیع است)، ص ۱۲۹ الی ۲۱۵ و کتاب «سخنوران

و سرایندگان قزوین»، سید محمود خیری، تهران ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۲۷

الی ۱۳۶ و «تاریخ رجال ایران» مهدی بامداد، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۹.

۹/۱۲۵- حاجی ملا محمد صالح مجتهد قزوینی = حاج ملا محمد صالح برغانی

پدر قرة العین. برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه کنید به کتاب

«تاریخ شهدای امر، وقایع تهران»، محمدعلی ملک‌خسروی، سال ۱۳۰

بدیع، ص ۱۲۹ به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، ج ۱،

ص ۲۰۳-۲۰۶.

۱۸/۱۲۵- حاجی محمدعلی بارفروش: معروف به قدوس فرزند محمد صالح

در خانواده‌ای زارع در سال ۱۲۳۹ ه.ق. در محله چهارشنبه پیش

شهر بارفروش به دنیا آمد. مادر را که از سادات بود در طفولیت از

دست داد و نامادری در تربیت و تعلیم وی کوشید. ملا محمدعلی

ابتدا در شهر بارفروش و ساری و سپس در مشهد به تحصیل مقدمات

علوم متداول زمان خود پرداخت. در هژده سالگی به کربلا رفت و

فوت سید، چون دیگر شاگردان وی به جستجوی قائم موعود پرداخت و زمان ظهور را آنچنان نزدیک می‌دانست که گاهی نزد خود می‌پنداشت که چون کسی تاکنون ادعا نکرده شاید خود او صاحب امر باشد؛ تا آنکه گذرش به شیراز افتاد و باملاحسین بشرویه از دیگر شاگردان سید کاظم رشتی که به سید باب ایمان آورده بود، برخورد می‌نماید. وی هژدهمین نفری است که بدون تبلیغ و بتفحص خود به سید باب ایمان می‌آورد و به این ترتیب حروف «حی» تکمیل می‌گردد و به همین واسطه از طرف سید باب به «نقطهٔ آخری» ملقب می‌شود. در مسافرتی که سید باب به مکه می‌کند، قدوس همراه وی بود و خطابهٔ سید باب به شریف مکه را قدوس به شریف مکه ابلاغ می‌کند. سپس راهی مشهد شده و پس از مدتی اقامت در مشهد به «بدشت» و از آنجا راهی مازندران می‌شود. در ساری دستگیر و در خانهٔ ملا محمد تقی مجتهد زندانی می‌گردد.

بعد از پناه بردن ملاحسین بشرویه به قلعهٔ شیخ طبرسی، بنا به توصیهٔ میرزا حسینعلی بهاءالله، ملاحسین چند نفری را جهت آزادی قدوس به منزل ملا محمد تقی مجتهد می‌فرستد. این هنگام مصادف با مرگ محمد شاه قاجار بود و ملا محمد تقی هم قدوس را در اختیار فرستادگان ملاحسین می‌گذارد و جملگی به قلعهٔ شیخ طبرسی می‌روند و فرماندهی قلعه به عهدهٔ قدوس قرار می‌گیرد. آخر الامر به وسیلهٔ مهد یقلی خان- عموی ناصرالدین شاه- عده‌ای از بابیان قلعهٔ شیخ طبرسی را دستگیر و عده‌ای را هم به گلوله بسته می‌کشند. قدوس در بار فروش به سعیدالعلما- از مجتهدین متنفذ بار فروش- تحویل داده می‌شود؛ وی

هم حاج محمدعلی را به دست طلبه ها و غلام خود سپرده و آنان نیز ملارا پس از آنکه به قتل می‌رسانند جسدش را در سبزه میدان بارفروش آتش می‌زنند. جسد نیم سوخته ملا، شب هنگام به وسیله طرفدارانش به مدرسه‌ای که محل اقامتشان بود برده و در همان مدرسه به خاک سپرده می‌شود. بدین ترتیب در سال ۱۲۶۵ ه.ق. به زندگی ملا محمدعلی بارفروش در حالیکه بیش از ۲۸ سال نداشت، خاتمه داده می‌شود. ملا محمدعلی در نزد بابیان مقامی بس ارجمند داشته و بعد از سید باب شخص دوم محسوب می‌شود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب «تاریخ شهدای امر، وقایع قلعه شیخ طبرسی»، ج ۱، ص ۵۸ به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۱۳۱ و ۳۸۱-۳۸۳.

۲۰/۱۲۵- ملاحسین بشرویه = ملاحسین خراسانی: معروف به باب‌الباب، پسر حاج ملا عبدالله صباغ در ۱۲۲۹ ه.ق. در بشرویه فردوس خراسان متولد شد. وی اولین شخصی بود که به سید باب ایمان آورد و به همین جهت از طرف سید باب به باب‌الباب ملقب گردید.

ملاحسین زمانی که به بارفروش می‌رسد به تحریک ملا سعید سعیدالعلما بارفروشی، نزاعی بین اهالی شهر و بابیان در می‌گیرد که در نتیجه عده‌ای از طرفین کشته می‌شوند. بزرگان شهر مصلحت در آن دیدند که ملارا در کاروانسرای که در حومه شهر بود ملاقات کنند و از او بخواهند که به اتفاق همراهانش بارفروش را ترک نماید. ملا می‌پذیرد و بزرگان بارفروش هم خسرو قادیکلائی را مأمور حفاظت وی و همراهانش تا شیرگاه می‌کنند. در خفا سعیدالعلما خسرو را می‌دارد برخلاف امانی که بزرگان شهر داده بودند در بین راه تیغ در میان بابیان بکشد

و اموال آنان را برای خسرو مباح می‌داند. در میان جنگل، خسرو که تصمیم به اجرای دستور سعیدالعلما داشت به دست مهتر ملاحسین کشته می‌شود. ملاحسین بعد از کشته شدن خسرو به قلعه شیخ طبرسی پناه می‌برد و بالاخره در همین قلعه کشته می‌شود و به دستور حاجی محمدعلی بارفروش در زیر قبر شیخ طبرسی به خاک سپرده می‌شود. برای اطلاع بیشتر درباره این مرد نگاه کنید به کتاب «تاریخ شهدای امر، وقایع قلعه شیخ طبرسی» ج ۱، ص ۵۸ به بعد و «تاریخ رجال ایران»، مهدی بامداد، تهران ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۳۳ و ۳۷۹-۳۸۳. ۹/۱۲۵- مقبره شیخ طبرسی: سنگر بایان بعد از کشته شدن خسرو قادیکلای.

۱۱/۱۲۵- خسرو قادیکلای: از دست پرورگان سعیدالعلما بارفروشی از مجتهدان متنفذ بارفروش که از مخالفین سرسخت شیخیه بود.

۱۷/۱۲۶- قلیخان صحیح است.

۱۴/۱۲۹- محمودخان کلانتر: کلانتر تهران در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری وزیر ناصرالدین شاه قاجار. چند روز بعد از تیراندازی به ناصرالدین شاه در روز یکشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۸ ه.ق. به فتوای دو تن از مجتهدان تهران: حاج ملاعلی کنی و حاج میرزا محمداندر- مانی، توسط عزیزخان سردار به زندگی قره‌العین که در منزل او تحت نظر وزندانی بود، در باغ ایلخانی خاتمه داد.

۵/۱۳۳- آهلمه = آهلم، ده از دهستان اهلم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل، ۲۰ کیلومتری شمال غربی آمل و ۲ کیلومتری جنوب شوسه کناره (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۱۹/۱۳۳- آهلمستاق = آهلم رستاق، نام یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان آمل. این دهستان در شمال غربی آمل و در طرفین شوسه آمل به محمودآباد بین دهستانهای هزارپی- ناتل کنار- پایین خیابان واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۱/۱۳۴- اُچی آباد = اوجی آباد: ده از دهستان هزارپی بخش مرکزی آمل. ۳۰ کیلومتری شمال آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۲۹).

۱۷/۱۳۶- سوردار صحیح است.

۱۷/۱۳۷- کچرود = کچه رود.

۱۷/۱۳۷- کُنُسُود = کُنْسه رود.

۱۲/۱۴۰- زاند رستاق = زند رستاق.

۱۲/۱۴۰- کوه پهر = کوهپر: نام یکی از دهستانهای کجور شهرستان نوشهر

است. این دهستان در شمال غربی کجور و شمال دهستان زانوس-

رستاق واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، ص ۱۴۸).

۱۴/۱۴۰- کچلستاق = کچ رستاق: نام یکی از دهستانهای کجور شهرستان

نوشهر است و از رودخانه کچرود مشروب می گردد.

۱۰/۱۴۱- مازگا صحیح است.

۱۷/۱۴۱- رودخانه کُر کُردسر = کُر کرودسر.

۷/۱۴۶- اسپه رود = اسپ رود.

۷/۱۴۶- تیل رودسر- تیل رودسر.

۱۱/۱۴۷- رودخانه نیشتا = رودخانه نشتا.

۱۲/۱۴۷- اذارود = ازارود.

۱۴/۱۴۸- می فروشند صحیح است.

۱۴۹/۱۴۵- کولی جان = گلیجان: ده مرکز دهستان گلیجان شهرستان شهنسوار، شش کیلومتری جنوب غربی شهنسوار. راه قدیم شهنسوار به سخت سر (رامسر) از میان اراضی این ده می گذشته است.

۱۴۹/۶- مذر دشت = مزر دشت: ده از دهستان خرم آباد شهرستان شهنسوار، چهار کیلومتری جنوب شهنسوار، کنار راه شهنسوار به خرم آباد.
۱۵۰/۷- رودخانه مذر = رودخانه مزر.

۱۵۰/۱۲- چال کیرود = چالکهرود: ده از دهستان گلیجان شهرستان شهنسوار، یازده کیلومتری شمال غربی شهنسوار. کنار راه شهنسوار به رامسر.
۱۵۳/۴- از بابت صحیح است.

۱۵۴/۵- میرزا عبدالباقی منجم باشی: پسر حاجی آقا بزرگ منجم باشی و داماد فتحعلی شاه قاجار بود. بناها و آثار زیادی از وی در لنگرود برجای است. برای اطلاع بیشتر درباره این مردنگاه کنید به کتاب «از آستارا تا استارآباد» ج ۲، تألیف منوچهر ستوده، ص ۲۴۹.

۱۵۵/۱۵- کوه سماس = کوه سَمامز.

۱۵۹/۳- ماهی شور: ماهی است که در آب نمک غلیظ «اژدم آب» می خوابانند تا خوب نمکی شود و در وقت خوردن با کمی گرم کردن آن بدون پختن و یاسرخ کردن همراه با کته می خورند.

۱۵۹/۳- ماهی خشک = خشکه ماهی: ماهی سفیدی که پانزده روز در «اژدم آب» گذارند و بعداً آنرا خشک کنند.

۱۶۱/۱۹- شیخ خونه بر = شیخانه ور: ده جزء دهستان حومه بخش مرکزی

شهرستان لاهیجان. سه کیلومتری شرق لاهیجان، سر راه لاهیجان به
لنگرود. مزار شیخ زاهد گیلانی و یکی از سادات کیا در این آبادی
دفن و زیارتگاه اهالی آن سامان است.

۲۱/۱۶۱- چار قنه سر = چار خونه سر.

۱۰/۱۶۲- پشاکجی = پشاک: ده جزء دهستان لقمجان بخش مرکزی
شهرستان لاهیجان، بیست کیلومتری شرق لاهیجان و هشت کیلومتری
لقمجان کنار نهر کیا جوب.

۵/۱۶۵- بازه کی گوراب = بازی کیا گوراب: قصبه ایست جزء دهستان حومه
بخش مرکزی شهرستان لاهیجان، سه کیلومتری غرب لاهیجان،
سرسه راهی لاهیجان- رشت- سیاهکل.

۳/۱۶۶- ملک به پس: در متون قدیمی همه جا بیه پس آمده است.

۳/۱۶۸- آستانه آقاچله خانه نظام الدین؟

۳/۱۶۸- آستانه مبارکه سید فخر الدین مشهور به آقا فخر = آفخرا.

۹/۱۶۹- السلطان صحیح است.

۳/۱۷۱- قصب. کسره زیاد است.

۱۳/۱۷۴- حنارس (؟)

۱۶/۱۷۵- صفر علی صحیح است.

۱۷/۱۷۷- رودخانه شارود = رودخانه شاهرود.

۱۷/۱۷۸- امامزاده حرزیل = هرزه ویل.

۱۰/۱۸۱- نقلبر = *Noqlebar*

۱۳/۱۸۱- گفتار: پستانداری است از راسته گوشتخواران با نام علمی

«*Hyaena*» که تیره خاصی را به نام «گفتاران *Hyénidés*» در این

راسته بوجود می آورد. دندان بندیش شبیه گربه است و لسی چنگالهایش بداخل غلاف نمی روند. غذایش منحصرأ از نعش یا مرده حیوانات است. رنگش با خالهای سیاه و نسبة عظیم الجثه است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «فرهنگ فارسی معین» ج ۳، ص ۳۰۰۱.

۱۳/۱۸۱- خور که = خورکا: همان خارپشت است به لغت مردم گیلان (ناظم- الاطباء و لغت نامه دهخدا).

۱۳/۱۸۱- خارپشت - جوجه تیغی: پستانداری است از راسته حشره خواران بانام علمی «*Hérissou*». پشت این حیوان پوشیده از تیغهای تیزی است که آلت دفاعی حیوان را بوجود می آورد.

۱۳/۱۸۱- گورشکاف = گورکن: پستانداری است وحشی با نام علمی «*Meles*» از راسته گوشتخواران و از تیره سموریان که به جثه يك سنگ معمولی است. رنگ پشت و پهلوهای بدن حیوان سفید و زیر شکمش سیاه است. طرفین صورت نیز دارای نواری سیاه رنگ طولی می باشد. این جانور دالانهای نسبة عمیق و پیچ و خم دار در زمین حفر می کند و از همه چیز حتی ریشه و میوه درختان و عسل تغذیه می کند.

۱/۱۸۲- دله: پستانداری است از راسته گوشتخواران از تیره سموریان به جثه گربه باپاهای کوتاه و دم دراز و پوست نرم به رنگ زرد یا قهوه ای که زیر گردن و شکمش مایل به سفید است. به نام علمی «*Mustela Zibelina*» شناخته می شود.

۱/۱۸۲- رزدابه: (۹)

۱/۱۸۲- شنگ: پستانداری است از راسته گوستخواران از تیره سموریان که شباهت زیاد با «دله» دارد.

۱/۱۸۲- موش کوهی: پستانداری است کوچک از راسته جوندگان.
۳/۱۸۲- ترلان: مرغی از جنس بازشکاری است (لغت نامه دهخدا، زیر ترلان).

۳/۱۸۲- قزل قوش: قسمی باز شکاری است در لغت مردم گیلان.
۳/۱۸۲- لاجین: در ترکی شاهین شکاری را گویند (غیاث اللغات، ج ۲، ص ۲۷۴).

۴/۱۸۲- قراقوش = قراغوش: قراسنقر را گویند که عبارت از سنقر سیاه رنگ بانوك خمیده قوی و پنجه های با قدرت است به نام علمی *Falco* «*gyr falco*» (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۹۳۰، زیر سنقر و ص ۲۶۵۴، زیر قراقوش).

۴/۱۸۲- دال: پرنده ایست از راسته شکاریان و از دسته شکاریان روزانه که دارای جثه ای نسبتاً بزرگ و پنجه و منقاری بسیار قوی است. این پرنده بسیار جسور و پرجرات است و نسبت به دیگر پرندگان شکاری قدرت و شجاعتی مخصوص دارد.

۵/۱۸۲- راج: گیاهی است از تیره راجها که برخی گونه هایش به صورت درختچه و برخی دیگر به صورت درخت می باشند. به نام علمی *Ilex aquifolium* «شناخته می شود».

۵/۱۸۲- آزاد: از درختان جنگلی است که به نام علمی *Zaluova crenata* خوانده می شود. درختی است تنومند و بلند که در همه جنگلهای شمال ایران بخصوص در فضای باز اطراف مساجد و امامزاده های

گیلان دیده می‌شود. شاید بلندی و استقامت آن سبب شده است که اهالی این درخت را به چشم احترام بنگرند.

۵/۱۸۲- درخت سمد: (؟)

۵/۱۸۲- اولس = اولاس: از درختان جنگلی شمال ایران است از تیره

«غانها» *Betulacées* که به نام علمی «*Carpinus*» خوانده می‌شود.

۵/۱۸۲- کی کین: شاید «کی کف» باشد. درختی است افرا گونه که با نام

علمی «*Acer monspessulanum*» خواند می‌شود.

۵/۱۸۲- توبه = توی: از درختان جنگلی شمال که با نام علمی «*Celtis*»

معروف است و در لاهیجان «تادانه» خوانند.

۵/۱۸۲- درخت گوول: (؟)

۵/۱۸۲- توسه = توسکا: از درختان جنگلی شمال ایران که به نام علمی

«*Olnus Tourn*» معروف است.

۵/۱۸۲- چیت صحیح آن است = کرب *karb*: از درختان جنگلهای

شمال ایران است که یکی از گونه‌های درخت «افرا» *Erable* «

است با نام علمی «*Acer Campastris*».

۶/۱۸۲- قطران: شاید درخت ابهل باشد که قطران از آن گرفته می‌شود.

این درخت از گونه‌های «سرو کوهی» *Juni perus sabina* است که

در جنگلهای شمال ایران موجود است.

۶/۱۸۲- رزین سرو: از درختان جنگلی شمال است از راسته بازدانگان

که در مناطق کوهستانی ایران فراوان است و به نام علمی

«*Cupressus horizontalis*, *C. sempervirens*» خوانده می‌شود.

۷/۱۸۲- درخت ابرس: صحیح آن «اورس» (بفتح الف و سکون واو و فتح

راء) است که از انواع درختان سرو جنگلی است. درختی است از راستهٔ بازدانگان از تیرهٔ مخروطیان با نام علمی «*Cugressus horizontalis*»
C. sempervirens L.» که بلندی آن تا ۲۵ متر می‌رسد. میوهٔ آن شبیه به میوهٔ کاج ولی به مراتب کوچکتر و دارای بوی تند و مطبوعی است.
 ۷/۱۸۲- چرم لیوه = غار گیلان: درختچه‌ای است از تیرهٔ گل‌سرخیان و از دستهٔ بادامیها با نام علمی «*Prunus Lauro-cerasus/cerasns*»
Lauro-cerasus منشأ این گیاه قفقازیه و ایران است. از برگ غار گیلان در پزشکی به طرق مختلف استفادهٔ دارویی می‌شود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۳۷۲ به بعد.

۷/۱۸۲- شمشاد: درختی است از راستهٔ دولپه‌یی‌های جدا گلبرگ از تیرهٔ «شمشادها *Buxacées*» با نام علمی «*Buxus sempervirens* L.»
 برگهای این درخت دائمی است و دارای چوب سختی می‌باشد. یکی از فراوانترین درختان جنگلی شمال ایران است که به آن «کیش» می‌گویند و بسیار مورد تعظیم و احترام است.

۷/۱۸۲- درخت نونج: (?)

۸/۱۸۲- پلد = پلت (بفتح پ و لام): از درختان جنگلی شمال است از تیرهٔ «افراها *Acérinées*» که با نام علمی «*Acer insigne Boisse.et.Bh.*» معروف است.

۸/۱۸۲- ون (بفتح واو) = زبان گنجشک: درختی است زیبا از تیرهٔ زیتونیان دارای شاخه‌های انبوه که در نواحی شمالی ایران به حالت وحشی می‌روید و به نام علمی «*Fraxinus excelsior*» معروف است.

۸/۱۸۲- شال = سال = ساج: از درختان جنگلی است که در جنگلهای شمالی ایران زیاد است و از چوب آن برای ساختن قایق و کرجی استفاده می‌شود.

۸/۱۸۲- درخت سالف: (؟)

۸/۱۸۲- درخت قراتیکان: (؟)

۸/۱۸۲- صنوبر: درختی است از تیره مخروطیان که همیشه سبز است و به نام علمی «*Abies picea L.*» معروف می‌باشد. برگهایش متناوب و سوزنی ولی از برگهای کاج کوتاه‌تر و ضخیم‌تر است. درختان خانواده تبریزی و سفیدار را در بعض کتب نیز به خطا به نام صنوبر ذکر کرده‌اند.

۸/۱۸۲- از گیل: از درختان جنگلی شمال است که به نام علمی «*Mespilus germanica L.*» خوانده می‌شود و به گیلکی «کنوس = کنس (بضم کاف و نون)» گویند.

۸/۱۸۲- امرود = امروت = مرود = انبرود = انبروت = ارمود: از درختان جنگلی است که به نام علمی «*Pirus L.*» خوانده می‌شود. در محوطه اطراف بعض از امامزاده‌های گیلان و مازندران، درختان کهنسال امرود دیده می‌شود.

۹/۱۸۲- درخت تبرغو: (؟)

۹/۱۸۲- داغداغان = قوی = تویه.

۹/۱۸۲- انار: از درختان جنگلی ایران است که به نام علمی «*Punica granatum L.*» شناخته می‌شود.

۹/۱۸۲- انجیر: درختی است از تیره گزنه‌ها جزو دسته توتها که در

جنگلهای شمال ایران بلندی‌ش تا ۱۲ متر می‌رسد و به نام علمی

«*Ficus carica L.*» خوانده می‌شود.

۹/۱۸۲- آلوچه: قسم خردتر گوجه که ترشتر از آن می‌باشد و در جنگلهای

شمال فراوان است و به «هلی» بفتح هاء، مشهور است که با نام

علمی «*Prunus aivaricata L.*» معروف می‌باشد.

۹/۱۸۲- زرشک: گیاهی است از ردهٔ دولپه‌یهای جداگلبرگ که تیرهٔ خاصی

به نام تیرهٔ زرشکیان را بوجود می‌آورد. درختچه‌ایست به بلندی

۲ تا ۳ متر که معمولاً در حاشیهٔ جنگلهای می‌روید. ریشه و برگ و

میوهٔ آن به مصارف دارویی می‌رسد. نام علمی آن «*Berberis*

«*Vulgaris L.*» می‌باشد.

۱۰/۱۸۲- بادام تلخ: درختی است با نام علمی «*Amandier*» از تیرهٔ گل-

سرخیان که سردهٔ «*Amygdalées*» بادامیها است.

۱۰/۱۸۲- درخت یمیشان قرمز = سرخ‌ولیک: گونهٔ وحشی *زالزالک* است

با نام علمی «*Crataegus*» که بیشتر به صورت درختچه است و در

نواحی معتدل می‌روید.

۱۰/۱۸۲- زیتون: درختی است با نام علمی «*Oleae uropaea L.*» که سر-

دستهٔ تیرهٔ «زیتونیان» *Oleacées* است. بلندی‌ش معمولاً بین ۷ تا

۸ متر و بعضی اوقات تا ۱۵ متر می‌رسد. چوبش سخت و مقاوم و

زرد رنگ با خطوط قهوه‌ای می‌باشد. برگهایش دایمی و گلهایش

سفید رنگ و مجتمع به صورت خوشه در کنار برگها جای دارند.

۱۰/۱۸۲- گل‌پر: گیاهی است از تیرهٔ چتریان با نام علمی «*Heracleum*

«*gummi ferunl H. persicum L.*» که دو ساله است و دارای برخی

گونه‌های پایا نیز می‌باشد. این گیاه در مناطق کوهستانی ایران فراوان است. میوه گلبر پس از رسیدن به شکل فلسهای بازی می‌باشند که دانه‌ای در بردارند و آنها را کوبیده و به عنوان چاشنی خوشبو بکار می‌برند.

۱۳/۱۸۲- سیاه‌دانه: گیاهی است از تیره آلانگان جزو دسته خربقیها که به نام علمی «*Nigella sativa L.*» معروف است. این گیاه بطور خود-رو در اکثر نقاط بخصوص شمال ایران می‌روید. دانه‌اش تیره‌رنگ و سه گوش و دارای بویی خاص است. سیاه‌دانه را نانوایان برای خوشمزه‌سازی نان در موقع پخت روی آن می‌ریزند.

۱۳/۱۸۲- وركك (؟)

۱۳/۱۸۲- ثعلب: گیاهی است از رده «تک‌لپه‌یها *Monocoty Lédones*» که گونه‌هایش تیره خاصی را به نام تیره «ثعلب *Orchidées*» بوجود می‌آورد. ریشه ثعلب دوغده دارد که یکی توخالی است و مربوط به گیاه روئیده فعلی است و دیگری توپر است که مایه جوانه سال آینده است. غده‌های توپر ثعلب دارای مواد نشاسته‌یی و لعابی و غذایی است. از غده‌های زیرزمینی ثعلب آردی تهیه می‌کنند که در تجارت نیز به نام «ثعلب *Salep*» مشهور است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۸۹، زیر ثعلب).

۱۴/۱۸۲- توت زمینی: از انواع گیاهان وحشی است که اهل رحمت‌آباد آنرا «چوم‌بو» و به لهجه شفتی و لاهیجانی آنرا «چنارک *Chenârak*» می‌شناسند (فرهنگ گیلکی، منوچهر ستوده، ص ۷۸).

۱۸۴/۹۱- خرگام است.

۱/۱۸۴- رودخان [و] سندس است.

۱۸۴/۹- دوگاه = دوگاه: قصبه جزء دهستان حومه بخش رودبار شهرستان رشت. ییلاق دوگاه در ۲۰ کیلومتری غرب دوگاه قشلاقی واقع است.

۱۲/۱۸۶- جیرنده = جیرینده.

۱۳/۱۸۷- طهمورث آباد صحیح است.

۱۰/۱۸۹- خمه صحیح است.

۶/۱۹۰- دوگاه است.

۱۴/۱۹۲- ذوالپیران = زلپیران.

۱/۱۹۲- نوغان: در تمامی خاک گیلان و مازندران کرم ابریشم راگویند.

۱۰/۱۹۷- قون بیل = آب قوپل = آب قمبر: پرنده ایست سیاه رنگ

شبه مرغابی که در کنار مرداب انزلی (پهلوی) زندگی می کند و به

نام علمی «*Phalacrocorax carbol/Anas niger L.*» نامیده می شود.

این پرنده را گاهی قمبر نیز می نامند. به مازندرانی «دارغاز» و در

غیر از نواحی شمال آنرا «آب کوپیل *āb-kūpil*» می شناسند.

۲/۲۰۱- کرجی بان: کسی که کرجی را راه برد؛ قایقران، لنگه چی.

۱۴/۲۰۱- مالا: ماهیگیر.

۱۴/۲۰۱- سماک (بفتح سین و تشدید میم): ماهی فروش.

۱۲/۲۰۳- شال سرداری: شالی که برای درست کردن سرداری بافته می شده

است. سرداری: جامه چین دار مردانه که روی لباس پوشیده می شد

و تا زیر زانو می رسید.

۱۲/۲۰۳- برمه (بضم باء): (؟)

۲۰/۲۰۶ پرزه: آهواست به گیلکی.

۱۲/۲۰۸- چتور (بفتح چ و سکون تاء و فتح واو): واحد وزن است، از اجزاء فوند.

۷/۲۱۰- ماشک‌دار: «ماشک *Māshk*» دامی است که گردبافته شده و در حاشیه

آن در فواصل معین تکه‌ها یا گلوله‌های سرب قرار داده‌اند. این دام

را در دریا یا رودخانه طوری می‌اندازند که پهن و صاف روی سطح

آب قرار می‌گیرد و سرب‌ها آهسته دام را پایین می‌برند و جمع

می‌کنند و در نتیجه ماهیانی که داخل آن قرار گیرند به دام می‌افتند.

۸/۲۱۰- بل‌دار: «بل *bol*» آلتی است که برای شکار ماهی بکار می‌رود و

آن عبارتست از چوب بلندی به اندازه دسته بیل و گاهی هم بلندتر

که در انتهای آن آهنی سه شاخه تعبیه شده است. در محل‌هایی که

آب دارای عمق کمی است با این آلت به بدن ماهی زده و او را زخمی

می‌کنند و از آب بیرون می‌کشند.

فهرست هم‌رہی

- آب مال (برسر راه ساری به فرح آباد):
 ۱۰۵۷
 آتا [طایفه...]: ۶۲
 آتابای [طایفه...]: ۵۹
 آخال (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه
 آخال نشین): ۶۶
 آخوند محله (از دهکده‌های سخت‌سر):
 ۱۵۳، ۱۵۱
 آذرباجان (از ییلاقات کرگان رود): ۲۱۷
 آدم علیه السلام [حضرت...]: ۱۶
 آدم‌سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴
 آدینه‌اور ازخان (یکی از خوانین جعفر‌بای):
 ۷۰
 آدینه نظرخان (یکی از خوانین جعفر‌بای):
 ۷۰
 آذربایجان: ۷۴، ۲۱۳
 آذر پرستان: ۱۳۹
 آرامگاه (از ییلاقهای شفت): ۱۹۲
 آرق [دهکده...]: ۵۸
 آروانه (از دهکده‌های سمنان): ۱۵
 آزاد خان: ۷۳
- ۲
- آب انبار ارادان: ۸
 آب انبار دهکده قوشه: ۲۳
 آب انبار ده نمک: ۱۲
 آب انبار شاه عباسی (در شهر اشرف): ۸۲
 آب انبار قشلاق: ۷
 آب انبار لاس‌گرد: ۱۴
 آب بروز: ۸۵
 آب تیزکله (برسر راه چلندر به اورنگک):
 ۱۴۱
 آب جنت رودبار: ۱۵۰
 آب دنگ‌سر (برسر راه اشرف به نیکاح):
 ۹۴، ۸۹
 آب‌ریز ده نمک: ۱۲
 آب سیاه: ۶۸
 آب گرگان (حد غربی سکناى طایفه قرق):
 ۶۳
 آب گرم (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱
 ۱۵۳
 آب گرم آستارا: ۲۱۹

- آزادکلا (بر سر راه سمیس کنده به ساری): ۹۳.
 آزاد محله (از دهکده های بلوک سدن رستاق
 استرآباد): ۵۳.
 آسایشلو [طایفه...]: ۹.
 آستارا: ۲۱۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹.
 آب گرم: ۲۱۹. انبار تجار: ۲۱۸. انبار
 نفت: ۲۱۸. رودخانه آستارا: ۲۱۸.
 حمام: ۲۱۸. مسجد: ۲۱۸. ولایت: ۲۰۰.
 آستارا (از رودخانه های آستارا): ۲۱۸.
 آستارا [ولایت...]: ۲۰۰.
 آستانه [محلّه...]: ۱۱۷.
 آستانه آقا پیر شریف (در خارج شهر رشت):
 ۱۶۸.
 آستانه آقاچله خانه نظام الدین (در شهر
 رشت): ۱۶۸.
 آستانه آقا سید ابوجعفر (در شهر رشت):
 ۱۶۸.
 آستانه آقا فقرا = آستانه سید فخرالدین:
 ۱۶۸.
 آستانه بی بی زینب (دختر امام موسی کاظم
 علیه السلام در شهر رشت): ۱۶۸.
 آستانه سلطان سالوک معلم ابن وهب بن منیه
 (در دامنه کوه شفت): ۱۹۱.
 آستانه سلیمان داراب (در خارج شهر رشت):
 ۱۶۸.
 آستانه سید جلال الدین اشرف ابن موسی -
 بن جعفر علیه السلام: ۱۶۳.
 آستانه سید فخرالدین = آقا فقرا (در شهر
 رشت): ۱۶۸.
- آسیاب تروجن: ۸۸.
 آشوراده [جزیره...]: ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹.
 ۷۷، ۱۱۳.
 آشورکند (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
 آشورکند (از رودخانه های طاش دولاب): ۲۰۴.
 آفر (از بیلاقهای شفت): ۱۹۲.
 آفر سر (از بیلاقهای شفت): ۱۹۲.
 آق [طایفه...]: ۵۹.
 آقا بادی الله [امامزاده...]: ۱۶۸.
 آقا بزرگ آقا (بلوک باشی اورنگ): ۱۴۴.
 آقا پیر شریف [امامزاده...]: ۱۶۸.
 آقاچله خانه نظام الدین [آستانه...]: ۱۶۸.
 آقاخان (یکی از خوانین جعفر بای): ۷۰.
 آقاخان صدراعظم [میرزا...]: ۶۹، ۸۸،
 ۱۳۶.
 آقاسی (کدخدای سرخ رود): ۱۳۲.
 آقا سید ابراهیم [امامزاده...]: ۱۶۸.
 آقا سید ابوجعفر [آستانه...]: ۱۶۸.
 آقا سید کلان [امامزاده...]: ۱۶۸.
 آقا لر آقا (بزرگ فریکنار): ۱۳۱.
 آقا محمد خان: ۴۸، ۷۴.
 آقا محمد شاه: ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۹۰،
 ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۲۰، ۱۵۴، ۱۷۴.
 آقا میر ابراهیم [بقعه...]: ۱۶۳.
 آقا میر شهید [بقعه...]: ۱۶۳.
 آقا میر کریم [تکیه...]: ۱۶۳.
 آق ایولر: ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶.
 آق ایولر [بیلاق...]: ۲۱۶.
 آق تپه (یکی از محلهای سکنای طوایف تکه

ابدالی [احمدشاه...]: ۷۳.
 ابراهیم [امامزاده...]: ۱۷۸.
 ابراهیم (ضابط چا پارخانه قوشه): ۲۳.
 ابراهیم آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.
 ابراهیم ابوجواب [آقاسید...]: ۱۱۲، ۱۱۳.
 ابراهیم خان (سرکرده هزارجریب دودانگه):
 ۱۰۳.
 ابراهیم خان [میر...]: (حاکم ولایت رحمت-
 آباد): ۱۸۱، ۱۸۴.
 ابرو (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 ابوتراب خان [میر...]: (دریا بیگی گیلان):
 ۱۰۹.
 ابوطالب [حاجی...]: (بانی کاروانسرای
 شاهرود): ۲۸.
 ابو الفتح خان (حاکم دیلمان): ۱۹۹.
 ابو محله [محله...]: ۱۱۷.
 اتر اچال (از دهکده‌های بلوک استراباد رستاق
 استراباد): ۵۶.
 اترك: ۵۷، ۶۲.
 اتمیش [طایفه...]: ۶۵.
 اثرم [دهکده...]: ۹۰.
 اچی آباد [بلوک...]: ۱۳۴.
 احمد بیگ (کدخدای علوی کلا): ۱۳۸.
 احمد خان (پدرنوروز علی خان سرکرده
 طایفه قیاس وند): ۱۷۴.
 احمد شاه ابدالی: ۷۳.
 احمد علی خان (رئیس طایفه استراباد رستاقی):
 ۵۲.
 احمد میرزا (تیولدار قریه فیروز کنده):

آخال نشین): ۶۷.
 آق رود (از شاخه‌ها رودخانه بابل): ۱۲۰.
 آق قلعه (از شهرهای خراب استراباد): ۵۰،
 ۵۹.
 آق قلیچ خانی [فرقه...]: ۹۳.
 آق مشهد: ۶۰.
 آقوزین = کندسر (از دهکده‌های رحمت-
 آباد): ۱۸۳.
 آکند (برسراه ساری به فرح آباد): ۱۰۷.
 آلکام (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
 آلوستان (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
 و کتول استراباد): ۵۶.
 آلو کلا (از دهکده‌های بلوک استراباد رستاق
 استراباد): ۵۵.
 آلو کنده (دهکده‌ای برسراه ساری به فرح-
 آباد): ۱۰۷.
 آلوواک (از دهکده‌های ورامین): ۵.
 آله کام (از رودخانه‌های طالش دولاب):
 ۲۰۴.
 آله کش (از ییلاقات کرگان رود): ۲۱۷.
 آمل: ۱۳۵.
 آهنگر کلا [محله...]: ۱۱۷.
 آهنگر محله (از دهکده‌های بلوک استراباد-
 رستاق استراباد): ۵۵.
 آهوان [دهکده...]: ۱۹، ۲۲.

الف

ابا تر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 ابدال [طایفه...]: ۶۰.

۱۰۷. ازخراگام برسه (ازدهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- ازکم (ازدهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- اسالم: ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۷. دهات:
- ۲۱۰، ۲۱۵. رودخانه: ۲۱۰. ملک: ۲۱۱.
- ولایت: ۲۰۰، ۲۰۹. ییلاق: ۲۱۰.
- اسالم [ولایت...]: ۲۰۰، ۲۰۹.
- اسپوخیل (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- اسپه ورد شوراب [بلوک...]: ۱۰۱.
- اسپیت (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- استاجلو [طایفه...]: ۷۲.
- استادجق [طایفه...]: ۶۱.
- استادسرا (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
- استادمحمدرضی (از طوایف ساکن در آنزلی): ۲۱۰.
- استرآباد: ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۷.
- ۷۸، ۸۱، ۱۵۳. امامزاده اسحق: ۴۹.
- امامزاده بی‌بی حور: ۴۹. امامزاده بی‌بی سبز: ۴۹.
- امامزاده بی‌بی ظهور: ۴۹. امامزاده توستان: ۴۹.
- امامزاده چهارشنبه: ۴۹. امامزاده دوشنبه: ۴۹.
- امامزاده سه تن: ۴۹. روبند بزو: ۴۹.
- امامزاده عبدالله: ۴۹. امامزاده قاسم: ۴۹.
- امامزاده مراد بخش: ۴۹. امامزاده نور: ۴۹.
- بلوک استرآباد رستاق: ۵۵. بلوک سدن رستاق: ۵۳.
- بلوک آنزان: ۵۴. بلوک ساور: ۵۵.
- بلوک شاه کوه: ۵۵. بلوک فخر عمادالدین: ۵۶.
- بلوک فندرسک: ۷۳.
- ارادان (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- ارادان [بلوک...]: ۸، ۱۰. آب انبار: ۸.
- تکیه: ۸. حمام: ۸. طایفه آسایشلو: ۹.
- طایفه پازوکی: ۹. قلعه: ۸. یخچال: ۸.
- ارادشت (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- اراض لی [طایفه...]: ۶۰.
- ارجلان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- ارچمان (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۷.
- اردبیل: ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹.
- محال: ۲۱۳. ولادت: ۲۱۴.
- اردبیل (گمرکخانه آستارا): ۲۱۸، ۲۱۹.
- اردستان: ۷، ۱۰.
- اردشیر میرزا [شاهزاده...]: (حکمران ووالی گیلانات): ۱۷۰.
- اردو بازار [محله...]: ۱۶۳.
- اردوی محمد حسن خان: ۷۴.
- ارده جان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- ارس: ۱۰۹.
- ارککلی [طایفه...]: ۶۴.
- ارگ دامغان: ۲۴.
- ارگ سمنان: ۱۷.
- ارگ شاه رود: ۲۸.
- اروه چول (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- ارده وشت (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- ازیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- ازبک: ۷۳.

- اسکوبین (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
 اسکولک (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
 اسماعیل [شاه...]: ۷۲، ۱۸۶.
 اسمعیل [مشهدی...]: ۱۳۳.
 اسمعیل خان (داماد فتحعلی شاه وتیولدار بلوک بندپی شرقی وغربی): ۱۲۱.
 اشاقه‌باش [فرقه...]: ۷۲، ۷۳.
 اشاقه بوی‌لی [طایفه...]: ۶۵.
 اشپل‌سازخانه فرح‌آباد: ۱۰۹.
 اشرف: ۸۵، ۸۷، ۹۱، ۱۲۵.
 اشرف‌آباد (از دهکده‌های ورامین): ۴.
 اشرف‌البلاد: ۷۸.
 اشروستاق: ۱۰۳.
 اشکن (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 اشکورات [بلوک...]: ۱۴۹.
 اصائلو [ایل...]: ۹، ۹۰، ۹۷.
 اصفهان: ۷۴، ۷۵.
 اصلان‌خان [امیر...]: (حاکم گیلان): ۱۰۹.
 اطاق‌سرا (از بیلاقهای آق‌ایولر): ۲۱۶.
 افاغنه: ۸۳، ۸۷.
 افراسیاب: ۸، ۱۴.
 افشار [طایفه...]: ۷۲.
 افغان: ۶، ۹، ۲۴، ۸۷.
 افغان [طایفه...]: ۸، ۹۰، ۹۷.
 افغانان: ۷۲.
 اقسین: ۵۹.
 اقورجلی [طایفه...]: ۷۱، ۱۱۰.
 اقورجلی حسینقلی‌نشین: ۵۸.
 ۵۷. بلوک‌کتول: ۵۶. حمام: ۴۹. طایفه
 بلوج: ۴۸. طایفه حاجی‌لر: ۴۸. طایفه
 قاجار: ۴۸. قدم‌گاه‌خضر: ۴۹. کاروانسرا:
 ۴۹. محله‌سبزه مشهد: ۴۸. محله میدان:
 ۴۸. محله نعلبندان: ۴۸. مدرسه: ۴۹.
 مساجد: ۴۹.
 استراباد [بلوک...]: ۶۹.
 استراباد رستاق (از بلوک استراباد): ۵۵.
 استراباد رستاقی [طایفه...]: ۵۲.
 استون‌آباد (از دهکده‌های بلوک انزان استراباد): ۵۴.
 استین کورازی (سردار سپاهیان روس): ۱۰۸.
 اسحق [امام‌زاده...]: ۱۹۱.
 اسحق (امام‌زاده استراباد): ۴۹.
 اسدالله‌خان (رئیس لیوانی وسیل‌سپر): ۵۳.
 اسدالله [میرزا...]: (بلوک‌باشی سیاه‌کله-رود): ۱۵۵.
 اسطخ‌چان (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
 اسطخ‌لاهیجان: ۱۶۲، ۱۶۴.
 اسفنجان [محله...]: ۱۷.
 اسفندیارمرز (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
 اسفندیسین (قریه‌ای برسر راه ساری‌به‌فرح-آباد): ۱۰۷.
 اسکستان: ۲۰۷.
 اسکناکو (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
 اسکندر میرزا (مالک ده داراب‌کلام): ۹۱.

امام زاده آقا سیدکلان (در شهر رشت):
۱۶۸.

امام زاده ابراهیم (اولاد امام زین العابدین
علیه السلام در حرزه یل): ۱۷۸.

امام زاده اسحق (در شهر استرآباد): ۴۹.

امام زاده اسحق ابن موسی کاظم (از امامزاده
های شفت): ۱۹۱.

امام زاده اسمعیل (از دهکده های خوار):
۱۲.

امام زاده اسمعیل ابن امام موسی کاظم علیه
السلام (در شهر رشت): ۱۶۷.

امام زاده اشرف: ۸۱.

امام زاده ای در خمیر کلایه لاهیجان: ۱۶۳.

امام زاده ای در کاروانسرا بر لاهیجان: ۱۶۳.

امام زاده ای در محله پردسر لاهیجان: ۱۶۳.

امام زاده ای در محله گاوبنه لاهیجان: ۱۶۳.

امام زاده ایوان کیف: ۶.

امام زاده یار فروش: ۱۱۸.

امام زاده بلند امام (بر سر راه بلوک کلباد به
شهر اشرف): ۸۰.

امام زاده بی بی حور (در شهر استرآباد):
۴۹.

امام زاده بی بی سبز (در شهر استرآباد):
۴۹.

امام زاده بی بی ظهور (در شهر استرآباد):
۴۹.

امام زاده بی بی نور (در شهر استرآباد):
۴۹.

امام زاده پنج امام = امام زاده ورسن (بر

الازمن) از دهکده های بلوک فخر عمادالدین
و کتول استرآباد: ۵۶.

الاله گوراب (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

الالان (از دهکده های اسالم): ۲۱۰.

الالان (از رودخانه های اسالم): ۲۱۱.

الان (از دهکده های طالش دولاب): ۲۰۵.

الله ده (از ییلاق های اسالم): ۲۱۰.

الله یارخان (سر کرده ایل باجلان): ۱۷۷.

الله قلی بیگ (کدخدای دهکده خاتون-
آباد): ۴.

الله ویدی آباد (از دهکده های خوار): ۱۲.

الله ویدی سوادکوهی [حاجی...]: (از
طایفه جان باز...): ۱۱۰.

البرز [کوه...]: ۲۰۷.

الستان (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین
و کتول استرآباد): ۵۶.

الموت (بر سر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.

الموت رودبار: ۱۷۷.

النک (از دهکده های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.

الوار (از دهکده های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.

الوفه (از دهکده های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.

الیزه (از دهکده های رودبار زیتون): ۱۹۰.

امام زاده آقادی الله (در شهر رشت): ۱۶۸.

امام زاده آقا سید ابراهیم (در شهر رشت):
۱۶۸.

امام زاده آقا سید رضا (در دهکده لاس گرد): ۱۴.

سر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.
 امامزاده تقی (در دهکده لاسگرد): ۱۴۰.
 امامزاده تنگ دره: ۱۵۳.
 امامزاده توتستان (در شهر استرآباد): ۴۹.
 امامزاده چهاربرادران (در شهر رشت):
 ۱۶۸.
 امامزاده چهارشنبه (در شهر استرآباد): ۴۹.
 امامزاده خلیل الله (از دهکده های خوار): ۱۱.
 امامزاده دوبرادران: ۱۵۸.
 امامزاده دوبرادران (در شهر رشت): ۱۶۸.
 امامزاده دوشنبه (در شهر استرآباد): ۴۹.
 امامزاده ذوالفقار (از دهکده های خوار):
 ۱۱.
 امامزاده رستم کلا (بر سر راه اشرف به
 نیکاح): ۸۹.
 امامزاده روبندبرو (در خارج شهر استرآباد):
 ۴۹.
 امامزاده روشن آباد = امامزاده عبدالله:
 ۴۵.
 امامزاده زیربان (بر سر راه اشرف به نیکاح):
 ۸۸.
 امامزاده سرخ بنده (در شهر رشت): ۱۶۸.
 امامزاده سلطان شاه نظر (در ارادان): ۹.
 امامزاده سمیس کنده: ۹۳.
 امامزاده سه تن (در شهر استرآباد): ۴۹.
 امامزاده سید ریکایی (از امامزاده های
 ساری): ۹۶.
 امامزاده سیدزین العابدین (از امامزاده-
 های ساری): ۹۶، ۹۸.

امامزاده سی سر (از امامزاده های سمنان):
 ۱۸.
 امامزاده طاهر (اولاد امام موسی کاظم علیه-
 السلام در منجیل): ۱۷۸.
 امامزاده عباس (در قریه آزادکلا): ۹۳.
 امامزاده عباس ابن امام موسی کاظم علیه السلام
 (در شهر رشت): ۱۶۷.
 امامزاده عبدالله: ۹۵.
 امامزاده عبدالله = امامزاده روشن آباد:
 ۴۵.
 امامزاده عبدالله (از دهکده های خوار):
 ۱۲.
 امامزاده عبدالله (در خارج شهر استرآباد):
 ۴۹.
 امامزاده عبدالله (در دهکده صارو): ۸۵.
 امامزاده علی اکبر (از دهکده های خوار):
 ۱۱.
 امامزاده علی اکبر (در شش فرسخی لاسگرد):
 ۱۵.
 امامزاده قاسم (در قریه ول موزی): ۸۵.
 امامزاده قاسم (در شهر استرآباد): ۴۹.
 امامزاده قاسم پسر امام موسی کاظم علیه-
 السلام: ۴۲.
 امامزاده محمد (در محله لیمراس بلوک کلباد):
 ۷۹.
 امامزاده محمود (در قریه لاریم): ۱۱۱.
 امامزاده مرادبخش (در شهر استرآباد):
 ۴۹.
 امامزاده میرعظیم (در مقابل خطیب سرا):

۲۱۵. انبارنمك فرح آباد: ۱۰۹.
- انبوه (از دهكده‌های عمارلو): ۱۸۷، ۱۷۴.
- انجیراب (از دهكده‌های بلوك سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- اندرود [بلوك...]: ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰.
- انزان (بلوك استرآباد): ۳۹، ۴۲، ۵۴.
- ۷۸.
- انزانی [جعفر قليخان...]: (حاکم و سرحددار انزلی در ۱۲۷۶ ه. ق.): ۲۰۰.
- انزانی [ذوالفقارخان...]: ۳۵.
- انزانی [طایفه...]: ۵۳.
- انزانی [محمد باقرخان...]: ۸۰.
- انزلی: ۱۵۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲.
- ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۹. اهل: ۱۹۷. برج باستان: ۲۰۰، تکایا: ۲۰۰.
- توابع: ۲۰۰. توپخانه بزرگ: ۲۰۰.
- حمام: ۲۰۰. سر بازخانه: ۲۰۰. سرحد: ۲۰۰، ۲۰۹. قورخانه: ۲۰۰. مرداب: ۱۹۷، ۱۹۸. مسجد: ۲۰۰. ولایت: ۲۰۰.
- انزلی [مرداب...]: ۱۹۷، ۱۹۸.
- انزلی [ولایت...]: ۲۰۰.
- انگاز [بلوك...]: ۱۴۰.
- انگرم (از دهكده‌های بلوك سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- انگرو [بلوك...]: ۱۳۷.
- انگلیس: ۸۴.
- انلق [طایفه...]: ۶۰.
- انلق قوماج [طایفه...]: ۵۸.
- انوشیروان: ۲۱.
- امامزاده ورسن = امامزاده پنج امام (بر سر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.
- امامزاده ولسی بزرگوار (در شهر رشت): ۱۶۷.
- امامزاده هلاکو (از امامزاده‌های سمنان): ۱۸.
- امامزاده هلاوی (از امامزاده‌های سمنان): ۱۸.
- امامزاده یحیی (پسر امام موسی کاظم، از امامزاده‌های ساری): ۹۶، ۹۸.
- امان الله خان (پسر حسین قليخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- امسرگوراب (از دهكده‌های شفت): ۱۹۲.
- امیر = امیر تبردا - (از اهالی سوادکوه): ۱۲۷.
- امیر اصلان خان (برادر حسین قليخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- امیر تبردار = امیر (از اهالی سوادکوه): ۱۲۷.
- امیر تیمور: ۷۲.
- امیر کبیر [میرزا تقی خان...]: ۴۸.
- امیر کلا (بر سر راه مشهد به بارفروش): ۱۱۶.
- امیر کوه (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.
- امین آباد [قریه...]: ۴.
- امین آباد (از دهكده‌های بلوك سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- انبار پیر پاس فرح آباد: ۱۰۹.

- اوبه عرب (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 اوجابن (از دهکده‌های سدن رستاق استرآباد):
 ۵۳.
 اوجاق بند [محله...]: ۱۱۷.
 اوج قونلی [طایفه...]: ۶۴.
 اودک [طایفه...]: ۶۰.
 اورنگک: ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۴۱.
 اوز رود (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
 اوزین آق [طایفه...]: ۵۹.
 اوزینه (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق
 استرآباد): ۵۵.
 اوطاق (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۴،
 ۱۵۵.
 اوطاق [محله...]: ۱۵۴.
 اوغ: ۵۷.
 اومال [محله...]: ۸۹.
 اهل اشرف: ۸۲، ۸۵.
 اهل انزلی: ۱۹۷.
 اهل بارفروش: ۸۲، ۱۲۶.
 اهل بختیاری: ۱۷۴.
 اهل چلندر: ۱۳۹.
 اهل چین: ۸۴.
 اهل رحمت آباد: ۱۸۲.
 اهل خرم آباد: ۱۴۹.
 اهل دامغان: ۸۴.
 اهل ساری: ۹۹.
 اهل سوادکوه: ۱۱۰، ۱۲۷.
 اهل شاه کو: ۸۴.
 اهل عمارلو: ۱۸۷.
 اهل فرح آباد: ۱۰۸.
 اهل کلباد: ۷۹.
 اهل لوشان: ۱۸۷.
 اهل مازندران: ۸۷، ۹۰، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۳۹.
 اهل مستاق [بلوک...]: ۱۳۳.
 اهل نیالا: ۱۲۵.
 اهل هند: ۹۹.
 ایجکم [طایفه...]: ۶۰.
 ایدرویش [طایفه...]: ۶۴.
 ایران: ۳۶، ۷۲، ۹۸، ۱۰۸، ۱۷۰، ۲۰۰.
 سرحدات: ۱۰۸. ولایت: ۱۷۰.
 ایران [سرحدات...]: ۱۰۸.
 ایران [ولایت...]: ۱۷۰.
 ایرج (پسر فریدون شاه): ۹۸.
 ایری توماج [طایفه...]: ۵۸.
 ایزد ده (از قشلاقیهای نور): ۱۳۷.
 ایکدر [طایفه...]: ۵۸، ۶۱.
 ایلات رحمت آباد: ۱۸۳.
 ایل اصانلو (از طوایف ساکن در خوار):
 ۹، ۹۰، ۹۷.
 ایل باجلان (از طوایف قزوین): ۱۷۷.
 ایل پای‌روند قلیچ‌خانی (از طوایف قزوین):
 ۱۷۷.
 ایل تکه (از ایلات استرآباد): ۵۷.
 ایلخانی: ۶۸، ۶۹.
 ایلخانی [جعفرقلی‌خان...]: (حاکم استر-
 آباد): ۵۰، ۶۷.
 ایل رشوند (از ایلات قزوین): ۱۷۷.
 ایل زرگر (از ایلات ساکن سمنان): ۱۷.

ایل شاهسون: ۲۱۵.
 ایل عرب ورامین (ساکن در بلوک خالصه ارادان): ۹.
 ایل قاجار: ۷۲.
 ایل گوکلان (از ایلات استرآباد): ۵۷.
 ایل مافی: ۱۷۷.
 ایل یموت (از ایلات استرآباد): ۵۷.
 ایلیات قزوین: ۱۷۳، ۱۷۴.
 ایمر [طایفه...]: ۶۱.
 ایمن آباد (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
 ایوان کیف (از دهکده‌های ورامین): ۵، ۶.
 امامزاده: ۶. تکیه: ۹. حمام: ۶. مسجد: ۶.

ب

باباینگ [میرزا...]: (رئیس طایفه بلوچ): ۵۳.
 بابا منصور عمارلو: ۱۸۷.
 بابل: ۱۱۵.
 بابل پشت [محله...]: (برسر راه مشهدسر به بارفروش): ۱۱۲، ۱۱۵.
 بابل کنار شرقی و غربی [بلوک...]: ۱۲۱.
 باب ناظر [محله...]: ۱۱۷.
 بایها: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹.
 باجلان [ایل...]: ۱۷۷.
 بادامستان: ۱۷۸.
 بادکوبه: ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۴. اهل: ۲۱۴.
 بادکوبه [اهل...]: ۲۱۴.

باد منجیل: ۱۷۹.
 بادیل: ۹۱.
 بارفروش: ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹.
 امامزاده بارفروش: ۱۱۸. باغ شاه:
 ۱۱۸. بلوک بندی شرقی و غربی: ۱۲۱.
 بلوک بابل کنار شرقی و غربی: ۱۲۱. بلوک دابو: ۱۲۲. بلوک جلال ازرك: ۱۲۲.
 بلوک سوادکوه: ۱۲۱. بلوک بهمنی رودبست: ۱۲۲. بلوک کل بست: ۱۲۲.
 بلوک کیا کلا: ۱۲۲. بلوک لاله آباد: ۱۲۱.
 بلوک لغور: ۱۲۱. تکایا: ۱۱۸. حمام: ۱۱۸.
 کاروانسرای سبزه میدان: ۱۲۵.
 مدرسه: ۱۱۸. مسجد: ۱۱۸.
 بارفروش [حاجی محمد علی...]: ۱۲۵، ۱۲۸.
 بارفروش ده = شهر بارفروش = مامطیر: ۱۲۲.
 بارفروشی [عباسقلی خان...]: ۳۵.
 بارکلا: ۳۲، ۳۴.
 باریک آب: ۱۳.
 بازار (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
 بازار پنجشنبه شفت: ۱۹۲.
 بازار چهارشنبه (در ولایت طالش دولاب): ۲۰۳.
 بازار کوچه اصفهان: ۱۶۶.
 بازار لنگرود: ۱۵۹.
 بازار محله [محله...]: ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵.

بازار محله قصبه شفت = دوشنبه بازار:

۱۹۲.

بازه کی گوراب [دهکده...]: ۱۶۵.

باغبانان (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

باغ دشت (از دهکده های سیاهکله رود):

۱۵۵.

باغات سمنان: ۱۵.

باغات شاه عباسی (در دامنه کوه سوت کلوم

اشرف): ۸۲.

باغات لاس گرد: ۱۳.

باغ پلنگ [گذر...]: ۵۰.

باغ تپه شاه عباسی: ۸۰.

باغ تنگه [محله...]: ۱۱۲.

باغ چشمه شاه عباسی: ۸۰.

باغ چهل ستون (در شهر اشرف): ۸۲، ۸۳.

باغ خلوت (از بناهای شاه عباس در شهر

اشرف): ۸۵.

باغ زندان [محله...]: ۲۹.

باغ زیتون (در شهر اشرف): ۸۳.

باغ شاه (در بیرون شهر سمنان): ۱۷.

باغ شاه بار فروش: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰.

باغ شاه میان پشته: ۲۰۱.

باغ شاه عباس (در شهر ساری): ۹۵.

باغ شمال (از بناهای شاه عباس در شهر

اشرف): ۸۴.

باغ شهر (در شهر بار فروش): ۱۲۶.

باغ صاحب الزمان (از بناهای شاه عباس در

شهر اشرف): ۸۴.

باغ گلبن (از دهکده های بلوک استرآباد-

رستاق استرآباد): ۵۵.

باغ ملک آرا (در خارج از شهر ساری): ۹۵.

باغو (از دهکده های بلوک انزان استرآباد):

۴۱، ۵۴.

بافروز (از دهکده های سر راه ساری به فرح-

آباد): ۱۰۷.

الباقر [امام...]: ۱.

باقر [میرزا...]: (از پسران آقامیرزا یوسف):

۱۴۷.

باقرخان (سر کرده طایفه چگینی قزوین):

۱۷۴.

باقر سلطان افشار [یاور...]: ۲۰۰.

باقره [طایفه...]: ۶۰.

باکرمحله (از دهکده های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۴.

بالا بلوک [محله...]: ۴۳.

بالا بلوک (یک قسمت از بلوک لاله آباد بار-

فروش): ۱۲۱.

بالا جاده (از دهکده های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۴.

بالاچلی (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین

و کول استرآباد): ۵۶.

بالاخان [طایفه...]: (از طوایف ساکن در

کرگان رود): ۵۱۳.

بالا لیتکو [بلوک...]: ۱۳۴.

بام (یکی از محلهای سکناى طوایف تکه

آخال نشین): ۶۷.

بالان (پدر فرج الله خان حاکم کرگان رود):

۲۱۳.

بانہ امام (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۳.
البتول علیها السلام: ۱.
بجارخاله (از رودخانه‌های طالش دولاب):
۲۰۴.
بجارکنار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
بحرخرز: ۳۲، ۱۶۲، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴،
۲۰۷، ۲۰۸، ۱۱، ۲۱۳.
بداو (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
بدراق [طایفه...]: ۶۱.
بدرخان (از سرکرده‌های طایفه جلیل‌وند):
۱۷۵.
بدیع الزمان میرزای صاحب اختیار (پسر
محمد قلی میرزای ملک‌آرا): ۳۴.
برج باستان انزلی: ۲۰۰.
برج آدم بکش و مکشوم: ۱۳.
برج حاجی میرزا عسکری: ۱۷.
برج قدیمی (در کمره کوه بالاسر بندین نزدیک
اوطاق): ۱۵۵، ۱۵۶.
برج یزید: ۴.
برزنو (یکی از محله‌های سکنای طوایف
تکه‌آخال نشین): ۶۷.
برزه کوه (از ییلاق طالش دولاب): ۲۰۶،
۲۰۸.
برفتان (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
وکتول استرآباد): ۵۶.
بز که پونی (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
بسظام: ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۶۷.
بسظام [دروازه...]: ۶۸.

بستوی ترکمان: ۴۴.
بشرویه [ملاحسین...] = خراسانی [ملا-
حسین...]: ۱۲۵، ۱۲۷.
بشم [دهکده...]: ۲۰۲.
بقعه آقا ابراهیم (در لاهیجان): ۱۶۳.
بقعه آقا میرزا صادق جیردکان‌بر (در لاهیجان):
۱۶۳.
بقعه آقا میر شهید (در لاهیجان): ۱۶۳.
بقعه پنج‌پیران (در لاهیجان): ۱۶۳.
بقعه غریب آقا (در لاهیجان): ۱۶۳.
بقعه ملا مؤمن (در لاهیجان): ۱۶۳.
بقعه میرشمس‌الدین (در اردو بازار لاهیجان):
۱۶۳.
بك [دهکده...]: ۲۷.
بك‌زاده‌محلّه (از دهکده‌های گیل دولاب):
۲۰۴.
بلخان (محل سکنای طایفه قروتی): ۵۷،
۶۲.
بلده اصفهان: ۱۱۸.
بلده فومن: ۱۹۴.
بلندامام [امام زاده...]: ۸۰.
بلوچ [طایفه...]: ۴۸، ۵۳، ۹۷.
بلور [میرزا محمد حسین]، (وزیر تهران و
مباشر ورامین و سیصد قریه آن که خالصه
شاهی است): ۴.
بلوک آمل: ۱۳۳.
بلوکات بارفروش: ۱۲۱، ۱۳۶.
بلوکات ساری: ۱۰۰.
بلوکات شش‌دانگ هزارجریب (از بلوکات

- ساری): ۱۰۲.
 بلوک ارادان (از بلوک خوار): ۸. قریه ارادان:
 ۸. قریه پاده: ۸. قریه کند: ۸. ملک فروان:
 ۹. ملک کهن آباد: ۹.
 بلوک اچی آباد (از بلوک آمل): ۱۳۴.
 بلوک اسپه ورد شوراب (از بلوکات ساری):
 ۱۰۱.
 بلوک استراباد: ۶۹.
 بلوک استراباد رستاق (از بلوک استراباد):
 ۵۵.
 بلوک اشکورات (از بلوک تنکابن):
 ۱۴۹.
 بلوک اندرود (از بلوکات ساری): ۹۴،
 ۹۴، ۹۷، ۱۰۰.
 محله بادی له: ۹۲. محله سیمس کنده: ۹۲.
 محله شیخ محله: ۹۲. محله علوی کلا: ۹۱.
 بلوک انزان (از بلوک استراباد): ۳۵، ۳۶،
 ۳۹، ۵۴.
 بلوک انگاز (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک انگرود (از بلوک نور): ۱۳۷.
 بلوک اهل مستاق (از بلوک آمل): ۱۳۳.
 بلوک بایل کنار شرقی و غربی (از بلوکات
 بارفروش): ۱۲۱.
 بلوک بالالیتکو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
 بلوک براگور (از بلوک رحمت آباد): ۱۸۳.
 بلوک بندی شرقی و غربی (از بلوکات
 بارفروش): ۱۲۱.
 بلوک بهمنی رودبست (از بلوکات بارفروش):
 ۱۲۲.
 بلوک پل (از بلوک نور): ۱۳۷.
 بلوک پائین لیتکو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
 بلوک پنجک رستاق (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک پیسپرس (از بلوک نور): ۱۳۷.
 بلوک جلال ازرك (از بلوکات بارفروش):
 ۱۲۲.
 بلوک چلاو (از بلوک آمل): ۱۳۴.
 بلوک چلندر (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک چنارده (از بلوک لاهیجان): ۱۶۲.
 بلوک حلیمه خان (از بلوک رحمت آباد):
 ۱۸۳.
 بلوک خیرود کنار (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک دابو (از بلوکات بارفروش): ۱۲۲.
 بلوک دانکو (از بلوک نور): ۱۳۷.
 بلوک دشت سر (از بلوک آمل): ۱۳۳.
 بلوک دشت کلا رستاق (از بلوک کلا رستاق):
 ۱۴۳.
 بلوک دوهزار (از بلوک تنکابن): ۱۴۹.
 بلوک زرین آباد (از بلوکات ساری): ۱۰۲.
 بلوک زاند رستاق (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک زوار (از بلوک تنکابن): ۱۴۹.
 بلوک ساور (از بلوک استراباد): ۵۵.
 بلوک سخت سر (از بلوک تنکابن): ۱۴۹.
 بلوک سدن رستاق (از بلوکات استراباد):
 ۴۲، ۴۵، ۵۳، ۵۷.
 بلوک سنگر کبود جامه (بخشی از بلوک
 فندرسک استراباد): ۵۷.
 بلوک سوادکوه (از بلوکات بارفروش):
 ۱۲۱.

- بلوك سيارستاق (از بلوك تنكابين) ۱۴۹.
 بلوك سيارورز با بلده (از بلوك تنكابين): ۱۴۹.
 بلوك سپاه كله رود (از بلوك رانكو): ۱۵۴، ۱۵۵.
 بلوك شاه كو (از بلوك استرآباد): ۵۵.
 بلوك شري چار (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
 بلوك شيخ علي طومسه (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
 بلوك شرخا (از بلوكات ساري): ۱۰۰.
 بلوك شهر كجور (از بلوك كجور): ۱۴۵.
 بلوك كوكنه (از بلوك رحمت آباد): ۱۸۳.
 بلوك شيرگاه (از بلوكات ساري) ۱۰۴.
 بلوك علي آباد (از بلوكات ساري): ۱۰۱.
 بلوك فخر عمادالدين: ۶۰.
 بلوك فخر عمادالدين و كنول (از بلوك استرآباد): ۵۶.
 بلوك فندرسك (از بلوك استرآباد): ۵۷.
 بلوك فيروز كلا (از بلوك كجور): ۱۴۰.
 بلوك فيروز كلا: ۱۳۸.
 بلوك قراطغان (از بلوكات ساري): ۸۹، ۹۷، ۱۰۰.
 بلوك كالج (از بلوك نور): ۱۳۷.
 بلوك كپ (از بلوك نور): ۱۳۶.
 بلوك كنول: ۶۰.
 بلوك كجور (از بلوك نور): ۱۳۷.
 بلوك كچلستاق (از بلوك كجور): ۱۴۰.
 بلوك كران (از بلوك كجور): ۱۴۰، ۱۴۱.
 بلوك كلار آباد (از بلوك تنكابين): ۱۴۹.
 بلوك كلارستاق: ۱۴۲.
 بلوك كلارستاق بيرون بشم (از بلوك كلارستاق): ۱۴۴.
 بلوك كلاره دشت (از بلوك كلارستاق): ۱۴۳.
 بلوك كلباد: ۷۸، ۷۹.
 بلوك كل بست (از بلوكات بارفروش): ۱۲۲.
 بلوك كولي جان (از بلوك تنكابين): ۱۴۹.
 بلوك كوه پهر (از بلوك كجور): ۱۴۰.
 بلوك كوهستان غربي و شرقي (از بلوك كلارستاق): ۱۴۴.
 بلوك كهسار (بخشي از بلوك فندرسك استرآباد): ۵۷.
 بلوك كيا كلا (از بلوكات بارفروش): ۱۲۲.
 بلوك گلجيان رستاق (از بلوكات ساري): ۱۰۰.
 بلوك لاشك (از بلوك كجور): ۱۴۰.
 بلوك لاهاي آباد (از بلوكات بارفروش): ۱۲۱.
 بلوك لاويج (از بلوك نور): ۱۳۷.
 بلوك لزور (از بلوك نور): ۱۳۷.
 بلوك لقور: ۱۲۱.
 بلوك لنگا = جوربند لنگا و جيربند لنگا (از بلوك تنكابين): ۱۴۹.
 بلوك لنگا (از بلوك تنكابين): ۱۴۷.
 بلوك مذر دشت خرم آباد (از بلوك تنكابين): ۱۴۹.
 بلوك مياندرد (از بلوكات ساري): ۸۹،

- ۱۰۰، ۹۷. بهارلو [طایفه...]: ۷۲.
 بلوک میان نایه خرم آباد (از بلوک تنکابن):
 ۱۴۹. به پس [ملک...]: ۱۶۶.
 بهتوئی [طایفه...]: ۱۷۶.
 بلوک نارنجک بند (از بلوک کجور): ۱۴۰.
 بلوک نسن (از بلوک نور): ۱۳۷.
 بلوک نیشتا (از بلوک تنکابن): ۱۴۹.
 بلوک هرازی و دابو (از بلوک آمل): ۱۳۳.
 بوجنورد: ۶۵.
 بورمه (یکی از محلهای سکنای طوایف تکه
 آخال نشین): ۶۷.
 بوقجه [طایفه...]: ۶۵.
 بناهای شاه عباسی: ۸۵.
 بند بن: ۱۵۵.
 بندی: ۱۱۵.
 بندی شرقی و غربی [بلوک...]: ۱۲۱.
 بندر انزلی: ۱۱۳، ۱۵۹.
 بندر جز: ۷۸، ۳۶.
 بندر لاهیجان: ۱۵۸.
 بندر مشهدسر: ۱۱۱، ۱۱۳.
 بن کوه (از دهکدههای خوار): ۱۱.
 بنه کبودجامه: ۶۳.
 بنی هاشم: ۱۱۲.
 بوئین (از دهکدههای فومن): ۱۹۵.
 بورمه سرا (از دهکدههای کرگان رود):
 ۲۱۶.
 بوره سرا (از دهکدههای کرگان رود):
 ۲۱۷.
 بهاء الدوله (پسر فتحعلی شاه وسانی ارگ
 سمنان): ۱۷.
 بهزاد خان (سرکرده طایفه بهتوئی):
 ۱۷۶.
 بهلکه [طایفه...]: ۶۲.
 بهمنی رودبست [بلوک...]: ۱۲۲.
 بی بی حور (امامزاده استرabad): ۴۹.
 بی بی زینب [آستانه...]: ۱۶۸.
 بی بی سبز (امامزاده استرabad): ۴۹.
 بی بی شروان: ۶۲.
 بی بی شهربانو: ۴. قبر: ۴.
 بی بی ظهور (امامزاده استرabad): ۴۹.
 بی بی نور (امامزاده استرabad): ۴۹.
 بیدآباد [محله...]: ۱۱۷.
 بی سرتکیه [محله...]: ۱۱۷.
 بیسه سرا (از دهکدههای طالش دولا ب):
 ۲۰۵.
 بیوک خان = صادق خان: ۲۰۷.
 بی وزین (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۱.
 پ
 پاپا رضا (از طایفه رفیع خان): ۱۷۴.
 پاتاوان (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
 پاده (از دهکدههای بلوک ارادان): ۸، ۱۲.
 پارکام (از ییلاقهای طالش دولا ب): ۲۰۵.
 پاروبار (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۷.
 پاریز (یکی از محلهای سکنای طوایف تکه
 آخال نشین): ۶۶.

- پازوار (بر سر راه مشهد سر به بار فروش):
۱۱۵، ۱۲۲.
- پازوکی [طایفه...]: ۹.
- پاشام (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):
۱۸۷.
- پاکده (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- پامسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پانق [طایفه...]: ۵۸.
- پایتخت سلاطین گیلان = فومن: ۱۹۴.
- پای‌روند قلیچ‌خانی [ایل...]: ۱۷۷.
- پای‌سرو [گذر...]: ۴۹.
- پائین بلوک (یک قسمت از بلوک لاله آباد
بارفروش): ۱۲۱.
- پائین چلی (از دهکده‌های بلوک فخر عماد
الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- پائین لیتکو [بلوک...]: ۱۳۴.
- پتل (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو):
۱۸۷.
- پرخاص [طایفه...]: ۵۸.
- پردسر (از محله‌های لاهیجان) ۱۶۲، ۱۶۳.
- برده‌سر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پره (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
- پره‌سر (از دهکده‌های طالش دولاب):
۲۰۵.
- پس‌خان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- پسیخان [رودخانه...]: ۱۹۱.
- پشاکجی: ۱۶۲.
- پشالم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- پشت مسخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پشت هان (از دهکده‌های رحمت آباد):
۱۸۳.
- پشته (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- پشته (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- ۲۱۷.
- پشته کلان (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- پشتیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پشده مرسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- پل [بلوک...]: ۱۳۷.
- پل آجری حاجی ابراهیم: ۴۱.
- پل آجری رودخانه سیاه‌رود: ۱۶۹.
- پل آجری کیارود: ۱۵۸.
- پل آجری لنگرود: ۱۵۹.
- پل آجری ولیسه: ۱۵۸.
- پلاس‌لشی (نام مردابچه‌ای در ده شلوار):
۲۱۵.
- پل بزرگ نیکاح: ۸۹.
- پل تیجن: ۹۴.
- پل چوبی (بر سر راه کرگان رود به آق‌ایولر):
۲۱۶.
- پل خورده (از دهکده‌های بلوک استرآباد
رستاق استرآباد): ۵۵.
- پل دارکله رود: ۹۱.
- پل سورک: ۹۱.
- پلک هنوی (از رودخانه‌های کرگان رود):
۲۱۷.
- پل لوشان: ۱۷۴.
- پل منجیل: ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۷۹.
- پل نیکاح: ۳۲.

پنج امام [امام زاده...]: (برسر راه کفشگیری به استرآباد): ۴۶.

پنج امام [امام زاده...] = امام زاده ورسن: ۴۶.

پنج پیران [بقعه...]: ۱۶۳.

پنجک رستاق [بلوک...]: ۱۴۰.

پودیان (از دهکده های تولم): ۱۹۸.

پوستین سرا (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

پولکی [محلّه...]: ۴۳.

پونل (از دهکده های طالش دولاب): ۲۰۵.

۲۶۸، ۲۰۷.

پیاده بوجوردی: ۶۷.

پیاده جاجرمی: ۶۷.

پیاده نردینی: ۶۷.

پیاکلا [محلّه...]: ۱۱۷.

پیچاک محلّه (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.

الدین وکتول استرآباد): ۵۶.

پیربازار: ۲۰۰.

پیرده (از دهکده های فومن): ۱۹۶.

پیرسرا (از دهکده های فومن): ۱۹۳، ۱۹۶.

پیرکیان (از دهکده های فومن): ۱۹۶.

پیرمحمدسرا (از دهکده های شفت): ۱۹۲.

پیری (از دهکده های رودبارزیتون): ۱۹۰.

پیسپرس [بلوک...]: ۱۳۷.

پیش ده (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

پیش سار (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

پیشین کلاته (از دهکده های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.

رستاق استرآباد): ۵۳.

پیغمبر آخر الزمان (ص): ۱۰.

پی مت (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.

پی مت (از ییلاقهای نور): ۱۳۶.

ت

تاتار [طایفه...]: ۶۲.

تاش (از دهکده های بلوک شاه کوه استرآباد): ۵۵.

تاش [قریه...]: (حد غربی شاهرود): ۲۸.

۳۱.

تاکو (نام چاهی است در دو فرسخی شهر ساری): ۹۷.

تاکو (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.

تاکو (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.

تالار: ۱۰۱.

تاور (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.

تاوله کوان (از ییلاقهای دولاب): ۲۰۵.

تبریز: ۱۲۹، ۱۹۴.

تبریزی [مهدی بیگ...]: (پدر محمود بیگ ضابط چاпарخانه شاهی دهکده قشلاق): ۱۵، ۷.

تپه باغ (در شهر اشرف): ۸۳.

تپه زرجال (در پای کوه شاهوار): ۳۳.

تپه کلباد: ۷۷.

تتف (از دهکده های فومن): ۱۹۵.

تجن گوکه (از دهکده های لاهیجان): ۱۶۵.

تبخشی محلّه (از دهکده های سدن رستاق استرآباد): ۵۳.

ترت بر نسید شرف شاه (از دهکده های

- گیل دولاب: ۲۰۴.
 تریزی هزارجریب: ۹۴.
 ترکستان: ۹۸.
 ترکمان: ۶۹، ۶۸، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۳۹، ۳۸، ۷۵، ۷۱، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۱۰۹، ۱۱۰.
 ترکمان [صحرا...]: ۷۸.
 ترکمانیه [طایفه...]: ۷۸، ۶۷، ۳۷.
 ترکمن: ۲۴.
 تساکو (از دهکده‌های سیاه کله‌رود): ۱۵۵.
 تسکین (از دهکده‌های بابام‌صو رعمارلو): ۱۸۷.
 تفرشی [مطلب بیگ...]: (نسایب حاکم سمنان): ۱۶.
 تنگچی ساوری: ۳۶.
 تنگچی قراچوخوا: ۱۰۲.
 تنگچی هزارجریبی: ۱۲۷.
 تقیمش [طایفه...]: ۶۵.
 تقی [آقا میرزا...]: (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
 التقی [امام...]: ۱.
 تقی (امامزاده لاس‌گرد): ۱۴.
 تقی (کدخدای میان‌پشته): ۲۰۱.
 تقی‌آباد (از دهکده‌های بلوک‌فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
 تقی‌هزارجریبی [حاجی‌ملا...]: (از مجتهدین بنام ساری): ۱۰۶.
 تکابای رشت: ۱۶۸.
 تکریم (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
 تکریم (از بیلاهای کرگان رود): ۲۱۷.
 تکلیم (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
 تکه [ایل...]: ۵۷.
 تکه‌آخال‌نشین [طوایف...]: ۶۵.
 تکه قوم‌نشین (از طوایف استرآباد): ۶۵.
 تکیه‌آقا [از تکابای لاهیجان]: ۱۶۲، ۱۶۳.
 تکیه‌آقا میرکریم (از تکابای لاهیجان): ۱۶۳.
 تکیه ارادان: ۸.
 تکیه اشرف: ۸۱.
 تکیه انزلی: ۲۰۰.
 تکیه‌ای در شهرباف محله لاهیجان: ۱۶۳.
 تکیه ایوان کیف: ۶.
 تکیه بارفروش: ۱۱۸.
 تکیه‌بر (در محله میدان لاهیجان): ۱۶۳.
 تکیه حاجی باقر (در لاهیجان): ۱۶۳.
 تکیه جز: ۳۵.
 تکیه رادکان: ۳۴.
 تکیه ساری: ۹۶.
 تکیه شاهرود: ۲۹.
 تکیه شاه‌کوه: ۳۳.
 تکیه عاقلیه (در لاهیجان): ۱۶۳.
 تکیه قشلاق: ۷.
 تکیه کفشگیری: ۴۵.
 تکیه لاس‌گرد: ۱۳.
 تکیه محله‌ارباب: ۱۱۷.
 تلخ‌آب (بالا دست لاس‌گرد): ۱۴.
 تلیک [میرزا سعید...]: (کدخدای آمل): ۱۳۳.
 تمسکینی [مطایفه...]: ۵۳.

ج

- تمك [طایفه...]: ۶۵.
 تنكاین: ۱۴۸، ۱۴۹.
 تنگدره (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱، ۱۵۳.
 تنگه: ۱۳۷.
 تیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 توپخانه بزرگ انزلی: ۲۰۰.
 تو (قریه‌ای بر سر راه آهوان به قوشه): ۲۲.
 توستان (امامزاده استرآباد): ۴۹.
 تونک‌بن (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
 تونک چال (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷.
 تور (پسر فریدون شاه): ۹۸، ۹۹.
 توران: ۹۸.
 تورنگ تپه (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
 توساسان (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
 توسکا ئیش [محلّه...]: ۴۳.
 توشن (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
 تولم [ولایت...]: ۱۹۷.
 تولم [دهات...]: ۱۹۸.
 تولم [شیلان...]: ۱۹۷.
 تهران: ۱۷۰. دارالخلافت: ۱۷۰.
 تی‌تی کانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
 تیج‌ناور (از دهکده‌های سمنان): ۱۵.
 تیر تاش (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.
 تیان دشت (از دهکده‌های بابا منصور): ۱۸۷.
 جاجرود [رود...]: ۴، ۵.
 جامه شوران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جان باز [طایفه...]: ۱۱۰، ۱۱۱.
 جان بیگ‌لو [طایفه...]: ۹۷، ۱۰۸.
 جای پای دلدل (در نزدیکی دامغان): ۲۵.
 جتر کلباد: ۷۷، ۷۸، ۱۰۲، ۱۰۳.
 جز (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۷۷. تکیه: ۳۵. حمام: ۳۵. گمرکخانه: ۳۵. مسجد: ۳۵. محلّه کردها: ۳۵. مسگر محلّه: ۳۵. میان محلّه: ۳۵.
 جز [محلّه...]: ۳۹.
 جزیره آشوراده: ۳۶.
 جعفر علیا السلام [امام...]: ۱۶۳، ۱۶۷.
 جعفر آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۶.
 جعفر آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
 جعفر آقا: ۸۹.
 جعفر بای [خوانین...]: ۶۸، ۶۹، ۷۰.
 جعفر بای [طایفه...]: ۵۷، ۶۸.
 جعفر قلیخان (پسر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
 جعفر قلیخان (رئیس طایفه ساوری): ۵۲.
 جعفر قلیخان یوزباشی خواجه‌وند: ۱۴۳.
 جلال‌الدین اشرف [سید...]: ۱۶۳.
 جلال ازرك [بلوک...]: ۱۲۲.
 جلیل‌وند [طایفه...]: ۱۷۵.

جلین سفلی (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵.
 جلین علیا (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵.
 جلیل خان (سرکرده ایل اصانلو خوار): ۹.
 جمال آباد لوشان: ۱۷۴.
 جمعه بازار (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
 جمیکوه (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
 جنگل ده (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
 وکتول استرآباد): ۵۶.
 جنگل ملو: ۷۷.
 جوبن (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۵.
 جور بلکور (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جور پیش خان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جور پاسکیه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 جورسند (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جور کلاشم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 جور کلاه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جور محله (از دهکده‌های سیاهکله رود):
 ۱۵۵.
 جورکندان (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
 جولاندان (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
 جهان آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
 جیر بلکور (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جیر پیش خان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 جیرسند (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 جیر کلاشم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جیر کلاه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 جیر گوراب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

جیرن ده (از دهکده‌های عمارلو و محل حاکم-
 نشین عارلو): ۱۸۷.
 جیرده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

چ

چائی جان (از دهکده‌های سیاهکله رود):
 ۱۵۵.
 چابجار (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۲،
 ۲۰۴.
 چابجار (کنار بحر خزر): ۲۰۷.
 چا پارخانه آهوان: ۲۲.
 چا پارخانه اشرف: ۸۸.
 چا پارخانه دامغان: ۲۶.
 چا پارخانه دولتی کردمحل: ۴۳.
 چا پارخانه دولتی لیوان: ۷۷.
 چا پارخانه دهکده قوشه: ۲۳.
 چا پارخانه ده نمک: ۱۲.
 چا پارخانه سمنان: ۱۹.
 چا پارخانه کردمحل: ۴۳.
 چا پارخانه لاس گرد: ۱۴.
 چانخم لو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
 چارواده (از دهکده‌های طالش دولاب):
 ۲۰۵.
 چاروچ (از دهکده‌های طالش دولاب):
 ۲۰۵.
 چارود: ۱۵۴.
 چاقربیکدلی [طایفه...]: ۶۴.
 چاقونی محله (از دهکده‌های سیاهکله رود):
 ۱۵۵.

- چال خانه (از دهکده‌های بلوك استرabad): ۵۵
- چال سراکی (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۴
- چالکی (از دهکده‌های بلوك سدن رستاق استرabad): ۵۳
- چالوكسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چاه آب لاس گرد: ۱۴
- چاه درفك: ۱۸۵
- چاه ویل: ۱۶۹
- چاه یخ درفك: ۱۸۵
- چپگرود [محلّه...]: ۱۱۱
- چرکن: ۷۱، ۵۷
- چریه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰
- چشمه آب گرم عمارلو: ۱۸۷، ۱۸۸
- چشمه باغ (در شهر اشرف): ۸۳
- چشمه سرولیجی: ۹۰
- چشمه علی (منبع آب جاری دامغان): ۲۴
- چغلانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸
- چقر (از دهکده‌های بلوك سدن رستاق استرabad): ۵۴
- چکو (از دهکده‌های طالش): ۲۰۵
- چكوسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چكه [طایفه...]: ۶۳
- چلدو [بلوك...]: ۱۳۴
- چلدوی: ۱۳۴
- چلندر (مشهور به مقام دیوسفید): ۱۳۷، ۱۳۸
- ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۳۹
- چلندر (در جمع بلوك كجور): ۱۴۰
- چل واشك (از دهکده‌های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷
- چلونند (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸
- چماچا (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲، ۱۹۳
- چمارسرا (از محله‌های رشت): ۱۶۷
- چمل (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷
- چمن (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵
- چمندیان [گذر...]: ۵۰
- چمن ساور: ۳۳
- چمن سلطانیه: ۱۷۶
- چمن گوهر باران: ۸۹
- چمن هفت چشمه شاه کو: ۶۷
- چنگیران (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴
- چوار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶
- چوار (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷
- چوباکنده (از دهکده‌های بلوك انزان استرabad): ۵۴
- چوبر (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲
- چوب لانی (از دهکده‌های بلوك استرabad رستاق استرabad): ۵۵
- چوتاشان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۳
- جوران (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷
- چورسر (از دهکده‌های سخت سر): ۱۵۱
- چومثقال (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶
- چوگان [طایفه...]: ۵۸
- چوماسان: ۱۳۷
- چومسجد [محلّه...]: ۱۷
- چهار امام (مسکن طایفه عبدالملکی): ۸۸
- چهاربرادران [امامزاده...]: ۱۶۸

چهار پادشاه (از بقاع لاهیجان): ۱۶۳.
 چهار ده (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
 استرآباد): ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۵۴.
 چهار ده [بلوک...]: ۱۶۲.
 چهارشنبه (امامزاده استرآباد): ۴۹.
 چهارشنبه پیش [محلّه...]: ۱۱۷.
 چهار فریضه (خالصه شاهی): ۲۰۲.
 چه جا (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
 و کتول استرآباد): ۵۶.
 چهل ستون (در شهر اشرف): ۸۳.
 چیران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 چین: ۸۴.

ح

حاجی آباد [دهکده...]: ۵۵، ۳۳.
 حاجی آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
 حاجی آقا (کدخدای سخت‌سر): ۱۵۱.
 حاجی باقر [تکیه...]: ۱۶۳.
 حاکم رانکو: ۱۵۵.
 حاجی ترخان: ۳۶، ۱۰۹، ۲۱۵.
 حاجی لر [طایفه...]: ۴۸، ۵۳، ۹۳.
 حاکم لنگرود: ۱۵۵.
 حبیب‌الله: ۱۴۸.
 حبیب‌الله‌خان سرتیپ (حاکم کل اورنگ):
 ۱۴۴، ۱۴۷.
 حبیب‌الله‌خان سرتیپ (حاکم کل تنکابن):
 ۱۴۹.
 حد سد کلباد و اشرف: ۸۰.

حرزه بیل (از دهکده‌های رحمت آباد):
 ۱۷۸، ۱۸۳.
 حسام‌الدوله [گنبد...]: ۹۷.
 حسن علیه‌السلام [امام...]: ۱۳۴.
 حسن [آخوند ملا...]: (از علمای رشت):
 ۱۶۸.
 حسن آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 حسن ارباب [آقا...]: ۱۱۲.
 حسن جان (مباشر کل چهار فریضه): ۲۰۲.
 حسن کیاده (دهکده‌ای نزدیک مصب سفید
 رود): ۱۶۲.
 حسین [سید...]: ۱۵۰.
 حسین آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
 حسین آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 حسین آباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 حسین آباد: ۸۸.
 حسین بشرویه [ملا...] = ملا حسین خراسانی:
 ۱۲۵، ۱۲۷.
 حسین بیگ (بلوک باشی چلندر): ۱۳۹.
 حسین جان (کدخدای غازیان): ۲۰۱.
 حسین خراسانی [ملا...] = ملا حسین بشرویه:
 ۱۲۶.
 حسینقلی: ۵۷.
 حسین قلیخان (حاکم ولایت طالش دولاب
 و گیل دولاب): ۲۰۳، ۲۰۷.
 حصارک (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
 حصاوار [راه...]: ۲۱۴.
 حصیر فروشان [محلّه...]: ۱۱۷.

حضرت قلی خان (سرکرده طایفه کلهر قزوین):

۰۱۷۶

حق نظر: ۰۱۱۰

حکمران استرآباد: ۰۷۱

حلقوسر (از دهکده های فومن): ۰۱۹۵

حلقه داغلی [طوایف...]: ۰۶۳، ۰۶۴

حمال آباد (از دهکده های خوار): ۰۱۲

حمام ارادان: ۰۸

حمام استرآباد: ۰۴۹

حمام اشرف: ۰۸۱

حمام انزلی: ۰۲۰۰

حمام ایوان کیف: ۰۶

حمام بارفروش: ۰۱۱۸

حمام جز: ۰۳۵

حمام رادکان: ۰۳۴

حمام ساری: ۰۹۶

حمام شاهرود: ۰۲۹

حمام شاه کو: ۰۳۳

حمام قشلاق: ۰۷

حمام کرده محله: ۰۴۳

حمام کفشگیری: ۰۴۵

حمام لاسگرد: ۰۱۳

حمام لاهیجان: ۰۱۶۳

حمام لنگرود: ۰۱۵۹

حمزه کلا (برسر راه مشوید سر به بار فروش):

۰۱۱۷، ۰۱۱۶

حمید آباد (قریه ای بر سر راه ساری به فرح-

آباد): ۰۱۰۸

حنارس (از طایفه رفیع خان): ۰۱۷۴

حوزده [طایفه...]: ۰۶۲

حوض هشت کنج (در عمارت چهل ستون

اشرف): ۰۸۳

حیان (از دهکده های کرگانرود): ۰۲۱۶

حیدرآباد (از دهکده های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۰۵۳

حیدرآباد: ۰۶۴

حیدری (مذهب سه محله ساری): ۰۹۶

خ

خاتون آباد (از دهکده های ورامین): ۰۵۴

خارکلا (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین

وکتول استرآباد): ۰۵۶

خاشابری (طایفه ساکن در طالش دولاب):

۰۲۰۶

خاقان مغفور = فتح علی شاه: ۰۲۴، ۰۷۰

خاک آمل: ۰۱۳۳

خاک بوجنورد: ۰۵۰

خاک تنکابن: ۰۱۴۶

خاک خراسان: ۰۱۳

خاک رانکو: ۰۱۶۲

خاک طالش دولاب: ۰۲۰۲

خاک عراق: ۰۱۳

خاک فیروزکوه: ۰۱۰

خالخالیان (از دهکده های طالش دولاب):

۰۲۰۵

خال سرا (از دهکده های اسالم): ۰۲۱۱

خال سرا (از رودخانه های اسالم): ۰۲۱۱

خاله خاله (از دهکده های طالش دولاب):

۲۰۵. خرم به بن (از دهکده های بلوک فندر سک استرآباد): ۵۷.
۱۴۴. خان بابا [ملا...], (بلوک باشی اورنگک): ۱۷۴.
۱۴۴. خان بابا خان (برادر باقر خان سر کرده طایفه چگینی قزوین): ۱۷۴.
۸۹. خان بابا خان (سر کرده طالش های ساکن اشرف): ۸۹.
۱۴۰. خان جان خان یوزباشی: ۱۴۰.
۷۱. خان جعفر بای: ۷۱.
۲۰۷. خان خانی = علیقلی خان: ۲۰۷.
۱۶۴. خانه وار لاهیجان: ۱۶۴.
- خدا بخش (پسر حاجی الله و یردی سواد کوهی): ۱۱۰.
۱۷۴. خدا رحم (از طایفه علی زمان): ۱۷۴.
۱۹۵. خدا شهر (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
۳۸. خدیرخان ترکمان: ۳۸.
- نخرا به مسجد (از دهکده های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- ۱۸۵، ۱۲۵، ۷۲، ۲۹. خراسان: ۱۸۵، ۱۲۵، ۷۲، ۲۹.
- خراسانی [ملاحسین...] = بشرویه [ملاحسین...]: ۱۲۶.
۱۸۷. خرپو (از دهکده های عمارلو): ۱۸۷.
- ۱۷۴، ۱۷۳. خرزان: ۱۷۴، ۱۷۳.
۱۸۳. خرشک (از دهات ایل نشین رحمت آباد): ۱۸۳.
۱۸۴. خرمک: ۱۸۴.
۸۱. خرکوران (نام اولیه شهر اشرف): ۸۱.
- ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹. خرم آباد: ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹.
۱۹۲. خرم آباد (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
۱۷۴. خرم آباد فیلی: ۱۷۴.
۱۷۴. خرم آباد لرستان: ۱۷۴.
۱۹۵. خرم یشه (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- خرمن (یکی از محله های سکنا ی طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
۶۴. خرو شور [طایفه...]: ۶۴.
۷۲. خزینه دارلو [طایفه...]: ۷۲.
۱۱. خسرو آباد (از دهکده های خوار): ۱۱.
۱۹۵. خسرو آباد (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
۱۷۶. خسروخان (از سر کرده های ایسل مافی): ۱۷۶.
۱۲۶. خسرو قادی کلائی: ۱۲۶.
۱۹۵. خشمخ (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- خشک لات (از دهکده های سیاهکله رود): ۱۵۵.
۱۹۵. خشکه نودهان (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
۱۹۲. خطیبان (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
- ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶. خطیب سرا (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶.
- ۲۱۷، ۲۱۴. خطیب سرا (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷، ۲۱۴.
۱۹۵. خطیب گوراب (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- خطیب گوراب حینعلی خان (از دهکده های فومن): ۱۹۶.

خلخال: ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴.
 سامان: ۲۰۷، ملك: ۲۱۱، ولايت: ۲۱۴.
 خلخالى: ۱۰۹.
 خليل خيل [دهكده...]= رباط: ۸۰.
 خليل سرا (از دهكده‌هاى فومن): ۱۹۵.
 خليلدر (از دهكده‌هاى بلوك فخر عماد الدين و كوتل استرآباد): ۵۶.
 خمس (از دهكده‌هاى خلخال): ۲۰۸، ۲۰۷.
 خم سمر (از دهكده‌هاى تولم): ۱۹۸.
 خمسه: ۱۸۹.
 خمسه بازار: ۱۳۲.
 خميران (از دهكده‌هاى شفت): ۱۹۲.
 خميران زاهدان (از محله‌هاى رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
 خميران كياب (از محله‌هاى رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.
 خمير كلايه (از محله‌هاى لاهيجان): ۱۶۳.
 خندق قريه كفشگيرى: ۴۵.
 خندق قلعه كل شانه پاور: ۲۰۷.
 خواجه كارى (از رودخانه‌هاى آستارا): ۲۱۸.
 خواجه كارى (از رودخانه‌هاى كركان رود): ۲۱۷.
 خواجه كارى بالا (از دهكده‌هاى كركان رود): ۲۱۶.
 خواجه كارى پائين (از دهكده‌هاى كركان - رود): ۲۱۶.
 خواجه‌وند [طايفه...]: ۱۴۰، ۱۴۳.
 خوار: ۶، ۷، ۸، ۹، ۹۷، ارادان: ۱۲.

ارجلان: ۱۱. الله ويردى آباد: ۱۲.
 امامزاده اسمعيل: ۱۲. امامزاده خليل - الله: ۱۱. امامزاده ذوالفقار: ۱۱. امامزاده عبدالله: ۱۲. امامزاده على اكبر: ۱۱.
 اوبه عرب: ۱۱. ايل اصانلو: ۹. ايل عرب: ۹. بن كوه: ۱۱. پاده: ۱۲. جهان آباد: ۱۲. حسن آباد: ۱۱. حسين آباد: ۱۱. حصارك: ۱۲. حمال آباد: ۱۲.
 خسرو آباد: ۱۱. ده سهراب: ۱۱. رستم - آباد: ۱۱. ريكان: ۱۱. سلمان: ۱۱. سزد: ۱۱. شاه بداق: ۱۱. شه سفيد: ۱۱. طايفه على كاهى: ۹. طايفه قراچورلو: ۹.
 على آباد: ۱۲. فنده: ۱۱. قاتول: ۱۱. قشلاق (شامل پنج قريه): ۱۱. قشلاق نفر: ۱۱. قلعه چك: ۱۱. قلعه خرابه: ۱۲. قلعه نو: ۱۱.
 كرنند: ۱۱. گند: ۱۱. كوشك: ۱۱. كهك: ۱۱. لاريجان: ۱۱. محمد آباد: ۱۲.
 محمود آباد: ۱۲. مندولك: ۱۲. مهدى - آباد: ۱۲. مهران: ۱۲. نازحه: ۱۱. نارسا: ۱۱. نوزده: ۱۲. هاشم آباد: ۱۲. ياترى: ۱۱.
 خوانين جعفر باى: ۶۸، ۶۹، ۷۰.
 خورتوم (از دهكده‌هاى شفت): ۱۹۳.
 خورشيد كلا (از دهكده‌هاى بلوك كلباد): ۷۹.
 خورطه [طايفه...]: ۶۱.
 خورياب [محله...]: ۲۵.
 خوش آب خوره (از ييلاقهاى رحمت آباد): ۱۸۴.
 خول خواب (از دهكده‌هاى عمارلو): ۱۸۶.

خولك (از دهكده‌های رودبار زيتون):

۱۹۵.

خولوم بو (از دهكده‌های رودبار زيتون):

۱۹۵.

خيابان شاه عباس: ۷۷.

خيابان شاه عباس (از خيابانهای جز): ۴۱.

خيابان شاه عباسی (برسراه كرد محله به

كفشگیری): ۴۵.

خيابان شاه عباسی (نزديك شهرساری): ۱۰۶.

خياط محله (از دهكده‌های سياهكله رود):

۱۵۵.

خيرات (از دهكده‌های بلوك استرآبادرستاق

استرآباد): ۵۵.

خيرودكنار [بلوك...]: ۱۴۰.

خيمه‌دوزان [گذر...]: ۴۹.

خيمه‌سر (از دهكده‌های گيل دولاب): ۲۰۴.

خيوق: ۶۵.

خيوقی [طايفه...]: ۶۰.

۵

دايو [بلوك...]: ۱۲۲.

داراب: ۹۱.

داراب كلا [دهكده...]: ۹۱.

داراجق: ۵۹.

دارالخلافة طهران: ۱۷۵، ۱۵۰، ۱۲۷، ۴، ۳، ۱.

دارستان (از دهكده‌های رودبار زيتون):

۱۹۵.

دارالسلطنة قزوین: ۱۷۳.

دارالسلطنة مسكو: ۱۱۸.

دارالمرز رشت: ۱۶۷، ۱۶۸.

دارالملك مازندران: ۱۲۵.

دارن [جنرال برنهارد...]: ۲۱۹.

داز [طايفه...]: ۶۲.

دازم كنده [محله...]: ۱۰۸.

داش باشی (از ييلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

داشلو [طايفه...]: ۷۲.

داشليم: ۶۱.

دالكا: ۱۰۹.

دامغان: ۱، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۸۴.

۹۹. ارگه: ۲۴. چا پارخانه: ۲۶. محله

خورياب: ۲۵. محله قلعه: ۲۵. محله

شاه: ۲۵. محله دباغان: ۲۵. مدرسه:

۲۴. مسجد جامع: ۲۴. منار: ۲۴.

دامغانی [عبدالله ييگ...]: (ضابط چا پار-

خانه آهوان): ۲۲.

دامنه كوه البرز: ۲۱۳.

دانكو [بلوك...]: ۱۳۷.

دانيال پيغمبر: ۱۴۵.

داود [حضرت...]: ۱۷۵.

داود ميرزا (برادرزاده شاهزاده صاحبقران

ميرزا): ۱۲۸.

دباغان [گذر...]: ۵۰.

دباغان [محله...]: ۲۵.

دباغ خانه پيش [محله...]: ۱۱۷.

دخلاكونی (از ييلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

دراز كله [محله...]: ۴۳.

دران (از ييلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

- دربنو [گذر...]: ۵۰.
- درخان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- درکونجی [طایفه...]: ۵۹.
- درلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- درمسجد (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.
- دروا (قریه‌ای بر سر راه آهوان به قوشه): ۲۲.
- دروازه بسطام (در شرق شهر استرآباد): ۴۸.
- دروازه بسطام: ۶۸.
- دروازه چهل دختر (در جنوب شهر استرآباد): ۴۸.
- دروازه ساری: ۱۰۶.
- دروازه سبزه مشهد (در شمال شهر استرآباد): ۶۸، ۴۸.
- دروازه مازندران (در غرب شهر استرآباد): ۴۸، ۴۷.
- دروازه ملامجالدین: ۱۰۷.
- درود محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- درون (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۷.
- درویش خیل [محله...]: ۱۱۷.
- دره بادپران: ۳۱.
- دره چاشت‌خور: ۲۱.
- دره سینه‌رود: ۱۸۵.
- دره دماوند: ۶.
- دره کاری (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
- دره کیف‌تنگه (در غرب دهکده قوشه): ۲۳.
- دره گز: ۶۵، ۶۳.
- دره‌واز (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- دریاپشته (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- دریاچه دامغان: ۲۴.
- دریاچه ساوه: ۱۰.
- دریاسر: ۱۵۸.
- دریاقلیخان (خان کل طوایف جعفری‌ای): ۷۰، ۶۸.
- دریای انزلی = دریای خزر: ۱۹۱، ۱۹۴.
- دریای جز = دریای انزلی: ۷۸، ۳۶.
- دزدین [مغاره...]: ۱۶۱، ۱۱۶.
- دشت دامان (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۷، ۲۰۵.
- دشت‌ذر (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو): ۱۸۷.
- دشت ساری: ۱۰۱.
- دشت‌سر [بلوک...]: ۱۳۳.
- دشت کلارستاق [بلوک...]: ۱۴۳.
- دشت مین (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- دشتی کلوته (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد): ۵۴.
- دکه دره ورزکا (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- دماغه بادپران: ۳۲.
- دماوند: ۱۱۸.
- دنگلان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴، ۴۵.

- دوانلو [طایفه...]: ۷۲.
 دوبرادران [امامزاده...]: (برسر راه لنگرود): ۱۵۸.
 دوبرادران [امامزاده...]: (در محله خمیران-کیاب رشت): ۱۶۸.
 دوچناران [گذر...]: ۵۰.
 دو دانگه (از دهکده‌های استرآباد رستاق استرآباد): ۵۶.
 دو درقه [طوایف...]: ۶۳.
 دوران میان رودخان (از دهکده‌های طالش-دولاب): ۲۰۵.
 دوست علیخان معیر الممالک (تیولد اقریة آزاد کلا خالصه شاهی): ۹۴.
 دوشنبه (امامزاده استرآباد): ۴۹.
 دوشنبه [گذر...]: ۵۰.
 دوشنبه بازار = بازار محله قصبة شفت: ۱۹۲.
 دوغانلی [محله...]: ۸۹.
 دوغ یلم: ۶۴.
 دوکاهه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
 دوگاه (سرچشمه یکی از شعب رودخانه سیاه-رود رودخان): ۱۸۴.
 دولت آباد (از دهکده‌های استرآباد): ۵۷، ۵۹.
 دولت آباد (از دهکده‌های حومه طهران): ۳.
 دولت روسیه: ۲۸، ۱۰۸.
 دولت علیه ایران: ۱۰۸.
 دومحله قصبة فومن: ۱۹۶.
 دوهنده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 دهات اسالم: ۲۱۰.
 دهات ایل نشین رحمت آباد: ۱۸۳.
 دهات بابا منصور عمارلو: ۱۸۶، ۱۸۷.
 دهات دوهزار [بلوک...]: ۱۴۹.
 دهات رحمت آباد: ۱۸۳.
 دهات رودبار: ۱۹۰.
 دهات شفت: ۱۹۲.
 دهات عمارلو: ۱۸۶.
 دهات فندرسک: ۶۱.
 دهات فومن: ۱۹۵.
 دهات کتول: ۶۱.
 دهات کرگانرود: ۳۱۲، ۲۱۶.
 دهات گیل دولاب: ۲۰۴.
 ده داراب کلا: ۹۱.
 ده سرکلاته: ۴۲.
 ده سهراب (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 ده سیاه‌وش کلا: ۸۹.
 ده شوراب‌سر (برسر راه اشرف به نیکاح): ۸۹.
 ده علی‌تپه: ۸۰.
 ده کرامی‌جان (برسر راه اورنگ به عباس-آباد): ۱۴۵.
 ده گلستان: ۸۹.
 ده لاهو (از دهکده‌های بلوک کسلاره‌دشت-کلارستاق): ۱۴۳.
 ده لپاوک: ۱۴۲.
 ده ملا (حد جنوبی شاهرود): ۲۷، ۲۸.
 ده مهماندوست: ۲۷.
 دهند [طایفه...]: ۶۳.
 ده نمک: ۱۰، ۱۲.

دهنه کوه آهوان (درسه فرسنگی سمنان):

۱۹.

دهنه لنگرود: ۱۶۲.

دهنه میررود: ۱۱۱.

دیزك (از دهكده‌های ورامین): ۶.

دیزكا (از ییلاقهای آق‌یولر): ۲۱۶.

دیلمان (حاکم نشین...): ۱۹۹.

دیمتوران (قریه‌ای بر سر راه ساری به فرح-

آباد): ۱۰۷.

دیناچال (از دهكده‌های گیل دولاب): ۲۰۵.

دیناچال (از رودخانه‌های طالش دولاب):

۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱.

دیوانخانه (از بناهای شاه عباس در شهر

اشرف): ۸۵.

دیوانخانه رحیم‌خان درقریه کفشگیری: ۴۵.

دیوانخانه فرح‌آباد (از بناهای شاه‌عباسی):

۱۰۸.

دیوانخانه شهرساری: ۹۵.

دیورود (از دهات ایل نشین رحمت‌آباد):

۱۸۳.

دیوشل (از دهكده‌های لاهیجان): ۱۶۱.

۱۶۲.

دیلمان: ۱۸۵. سرحد: ۱۸۵.

دینك (از دهكده‌های بابامنصور عمارلو):

۱۸۷.

ذ

ذولپیران (از دهكده‌های شفت): ۱۹۲.

ذوالفقارخان (از سرکرده‌های طایفه کاکاوند):

۱۷۵.

ذوالفقار خان (برادر حسین قلیخان حاکم

طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.

ذوالقدر [طایفه...]: ۷۲.

ر

راپشته (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.

رادکان (از دهكده‌های بلوك ساوراسترآباد):

۳۳، ۳۴، ۵۵. تکیه: ۳۴. حمام: ۳۴.

مسجد: ۳۴.

راسته بازار (از بناهای شاه عباس در فرح-

آباد): ۱۰۸.

راسته بازار دامغان: ۲۴.

راسته کنار (از دهكده‌های تولم): ۱۹۸.

راسته کنار (از دهكده‌های فومن): ۱۹۵.

راسته کنار مخروطه (از دهكده‌های فومن):

۱۹۶.

رامیان (از دهكده‌های بلوك فندرسك

استرآباد): ۵۷، ۵۰.

رانكو: ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰.

راه آب گرم سخت‌سر به سیاهکله‌رود: ۱۵۳.

راه آستارا به اردبیل: ۲۱۴.

راه آهوان به قوشه: ۲۳.

راه از دارالخلافه طهران به سمنان: ۳.

راه اردان به ده نمك: ۱۰، ۱۲.

راه استرآباد: ۳۱.

راه اشرف به نیکاح: ۸۸.

راه انزلی به کپورچال: ۲۰۲.

- راه اورنگ به عباس آباد: ۱۴۵.
 راه ایوان کیف به خاتون آباد: ۵.
 راه ایوان کیف به قشلاق: ۶.
 راه بنامار (از کسراگان رود به اردبیل و خلخال): ۲۱۴.
 راه تاش به شاه کوی بالا: ۳۲.
 راه جز به کردمحل: ۴۱، ۴۲.
 راه جهنم دده گیلان: ۱۶۹.
 راه چشمه علی: ۲۵.
 راه چلندر به اورنگ: ۱۴۱.
 راه چهار ده به استرآباد: ۳۳.
 راه حصاروار (راه از کسراگان رود به اردبیل و خلخال): ۲۱۴.
 راه خاتون آباد به دارالخلافه: ۴.
 راه خرم آباد به آب گرم سخت سر: ۱۵۰.
 راهدار پشته (از دهکده های رودبارزیتون): ۱۹۰.
 راهدار پشته سفید رود: ۱۸۵.
 راهدار پشته سیاهکل: ۱۸۵.
 راهدارخانه حاجی ویشه: ۱۶۶.
 راه دامغان به شاهرود: ۲۷.
 راه ده نمک به لاس گرد: ۱۳.
 راه رادکان به جز: ۳۴.
 راه رودسر به لنگرود: ۱۵۸.
 راه زیارت خاصه: ۳۳.
 راه ساری به فرح آباد: ۱۰۷.
 راه سلده به چلندر: ۱۳۷.
 راه سمنان: ۱.
 راه سمنان به آهوان: ۲۱.
 راه سیاهکلرود به رودسر: ۱۵۶.
 راه سیردان: ۱۷۸.
 راه شاهرود به تاش: ۳۱.
 راه شاه کوی بالا به رادکان: ۳۳.
 راه شاهی بزرگ رنکه: ۱۸۵.
 راه شمشیربر: ۳۲.
 راه عباس آباد به خرم آباد: ۱۴۷.
 راه عبور مازندران به استرآباد: ۷۸.
 راه فرح آباد به مشهدسر: ۱۱۰.
 راه فریکنار به محمودآباد: ۱۳۲.
 راه قشلاق به ارادان: ۸.
 راه قوزلق به استرآباد: ۶۷.
 راه قوشه به دامغان: ۲۳.
 راه کتل منجیل: ۱۶۹.
 راه کفشگیری: ۴۵.
 راه کفشگیری به استرآباد: ۴۶.
 راه کلج: ۱۷۸.
 راه کلج طارم (یکی از راههای منجیل به شهر زنجان): ۱۷۷.
 راه گذر عمارلو و خرکام: ۱۸۴.
 راه لاس گرد به سمنان: ۱۵.
 راه لاهیجان به رشت: ۱۶۰، ۱۶۵.
 راه لنگرود به لاهیجان: ۱۶۱.
 راه محمودآباد هراز به سلده: ۱۳۴.
 راه مشهدسر به بارفروش: ۱۱۵.
 راه مشهدسر به فریکنار: ۱۳۱.
 راه منجیل به امبد: ۱۷۸.
 راه منجیل به شهر زنجان: ۱۷۷.
 راه منجیل به قیتول: ۱۷۸.

- راه نظنز: ۷.
 راه نیکاح به سیمس کنده: ۹۰.
 راه ورامین: ۷.
 رباط [دهکده...]= خلیل خیل: ۸۰.
 رباط تجر: ۳۱.
 ربیع کلا (از دهکده‌های بلوک استراباد رستاق استراباد): ۵۵.
 رجبعلی (کدخدای ده نمک): ۱۲.
 رحمت آباد: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴. اسطخ-
 چان: ۱۸۳. اهل: ۱۸۲. بلوک براگور:
 ۱۸۳. بلوک حلیمه جان: ۱۸۳. بلوک
 شربی جار: ۱۸۳. بلوک شیخ علی طوسه:
 ۱۸۳. بلوک کوکنه: ۱۸۳. پره: ۲۸۳.
 توتک بن: ۱۸۳. پشت‌هان: ۱۸۳: ۱۸۳.
 حرزه بیل: ۱۸۳. خرشک: ۱۸۳. دکه
 دره ورزکا: ۱۸۳. دیورود: ۱۸۳.
 رود خان: ۱۸۳. رودخانه آقوزین:
 ۱۸۴. رودخانه برگوار: ۱۸۴.
 رودخانه حلیمه جان: ۱۸۴. رودخانه
 خرشک رود: ۱۸۴. رودخانه دوله‌کی
 شربی جار: ۱۸۴. رودخانه سندس: ۱۸۴.
 رودخانه سیاه رودخان: ۱۸۴.
 رودخانه شهران: ۱۸۴. رودخانه شیخ
 علی طوسه: ۱۸۴. رودخانه
 علی شاه رود: ۱۸۴. رودخانه
 کرتوم: ۱۸۴. رودخانه کلشتر: ۱۸۴.
 رودخانه کوکنه: ۱۸۴. رودخانه
 گوهر رود نصفی: ۱۸۴. سندس: ۱۸۳.
 شهران: ۱۸۳. شیرکوه: ۱۸۳. طایفه
- پیر اصلو: ۱۸۳. طایفه جمع کاتلو: ۱۸۳.
 طایفه: دوغ کاتلو: ۱۸۳. طایفه قرخ کاتلو:
 ۱۸۳. طایفه ولی لو: ۱۸۳. طلایر: ۱۸۳.
 علی آباد: ۱۸۳. فتکوه: ۱۸۳. فتک:
 ۱۸۳. کلاه پره: ۱۸۳. کلشتر: ۱۸۳.
 کلوس فروش: ۱۸۳. کندسر = آقوزین:
 ۱۸۳. کوشکچان: ۱۸۳. کیا آباد:
 ۱۸۳. گاوخوس: ۱۸۳. گلدیان: ۱۸۳.
 گل ورز: ۱۸۳. نصفی: ۱۸۳. ویسایه:
 ۱۸۳. ییلاق چال سراکی: ۱۸۴. ییلاق
 خوش آب خوره: ۱۸۴. ییلاق مرجان-
 آباد: ۱۸۴. ییلاق گلوزن: ۱۸۴. ییلاق
 نوده: ۱۸۴. ییلاق نوده عنبر: ۱۸۴.
 رحیم [آقا...], (پدر آقا محمد رضا کدخدای
 دهکده رادکان): ۳۴.
 رزآش (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
 رزان (از ییلاقهای آق‌ایولر): ۲۱۶.
 رزیا کلا [محله...]: ۱۱۷.
 رستم: ۸، ۱۴.
 رستم آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 رستم آباد (بر سر راه رشت به منجیل): ۱۹۶،
 ۱۷۳، ۱۸۹.
 رستم رود (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
 رستم کلا: ۸۸.
 رستم کلای سادات (از دهکده‌های بلوک
 استراباد رستاق استراباد): ۵۵.
 رستم کلای عباس بیگ (از دهکده‌های بلوک
 استراباد رستاق استراباد): ۵۵.
 رسول (ص): ۱۱۲.

رفیع [آقا...]: (کدخدای دهکده تاش):
۳۲

رفیع [حاجی ملا...]: ۱۷۸.

رفیع خان [طایفه...]: ۱۷۴.

رمضان [حاجی...]: (پدر محمدقلی): ۱۱۰.

رمك (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.

رنکه: ۱۸۵.

رنگ آب (از بیلاقهای طالش دولا ب): ۲۰۶.

رنگ رش‌خانه (از دهکده‌های کرگان رود):

۲۱۶.

رو بند برو (امام‌زاده استرآباد): ۴۹.

رودبار: ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۶۹، ۱۰۲، ۱۹۰. دهات: ۱۹۰.

رودبار [دهات...]: ۱۹۰.

رودبار سرا (از دهکده‌های گیل دولا ب): ۲۰۴.

رودپشت (از دهکده‌های گیل دولا ب): ۲۰۴.

رود پیش (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

رودخان = رودخانه (از دهکده‌های رحمت-

آباد): ۱۸۳، ۱۸۴.

رودخانه (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.

رودخانه آستارا: ۲۱۸.

رودخانه آسارود (بر سر راه خرم آباد به آب-

گرم سخت‌سر): ۱۵۰.

رودخانه آقوزین (از رودخانه‌های رحمت-

آباد): ۱۸۴.

رودخانه اچرود (بر سر راه اورنگ به عباس-

آباد): ۱۴۵.

رودخانه اذارود (بر سر راه عباس آباد به خرم-

آباد): ۱۴۷.

رودخانه ارمنج: ۱۳۸.

رسول آباد (از دهکده‌های استرآباد): ۵۵.

رشت: ۱۲۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۸۵.

۱۹۱، ۲۹۲، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰. نکایا:

۱۶۸. حمام: ۱۶۸. خانه‌وار: ۱۶۸.

سقاخانه: ۱۶۸. کاروانسرا: ۱۶۸. محله

استادسرا: ۱۶۷. محله بازار: ۱۶۷. محله

چمارسرا: ۱۶۷. محله خمیران زاهدان:

۱۶۷. محله خمیران کیاب: ۱۶۷. محله

صیقلان: ۱۶۷. محله کیاب: ۱۶۷.

مدرسه: ۱۶۸. مسجد: ۱۶۸. مکتب: ۱۶۸.

رشت رود (از دهکده‌های رودبار زیتون):

۱۹۰.

رشوند [ایل...]: ۱۷۴، ۱۷۷.

الرضا علیه السلام [امام...]: ۱، ۱۳، ۱۶۷.

رضا [آقا سید...]: (امام‌زاده لاس‌گرد):

۱۴.

رضا [حاجی میرزا...]: (داماد منجم باشی):

۱۵۸.

رضامحله (از دهکده‌های سیاه‌کله رود):

۱۵۵.

رضا قلی (کدخدای محمود آباد هراز):

۱۳۳.

رضا قلیخان: ۷۳.

رضا قلیخان (پسر میرزا محمد خان کلبادی):

۷۹.

رضا قلیخان (صاحب اختیار کردمحله): ۴۲.

رضاقلی خان (رئیس سدن رستاق): ۵۲.

رضوان ده غریب بنده (از دهکده‌های گیل-

دولا ب): ۲۰۴.

- رودخانهٔ اسپچین: ۱۴۶.
 رودخانهٔ اسپهرود: ۱۴۶.
 رودخانهٔ المی بزرگ (برسر راه سله به چلندر): ۱۳۷.
 رودخانهٔ الوندکیاب: ۴۲.
 رودخانهٔ امام رود (برسر راه اورنگک به عباس آباد): ۱۴۵.
 رودخانهٔ امیج کلا: ۱۴۶.
 رودخانهٔ امیررود (برسر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.
 رودخانهٔ انجیر آب: ۴۷.
 رودخانهٔ اوشیانرود: ۱۵۴.
 رودخانهٔ اهلرود (برسر راه محمودآباد هراز به سله): ۱۳۵.
 رودخانهٔ اهلمه (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
 رودخانهٔ ایزد ده (برسر راه محمودآباد هراز به سله): ۱۳۵.
 رودخانهٔ بابل: ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰.
 رودخانهٔ باشی رود (برسر راه خرم آباد به آب گرم سخت سر): ۱۵۰.
 رودخانهٔ براگور (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
 رودخانهٔ بلالم: ۱۵۶.
 رودخانهٔ بندپی (برسر راه چلندر به اورنگک): ۱۴۱.
 رودخانهٔ پسند رود: ۱۴۷.
 رودخانهٔ پسیخان (از رودخانه های شفت): ۱۹۱.
 رودخانهٔ پلنگک رود: ۱۴۶.
 رودخانهٔ پلورود: ۱۸۶.
 رودخانهٔ تالار: ۱۵۱، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶.
 رودخانهٔ ترك رود: ۱۵۳.
 رودخانهٔ تفنگک گاه (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
 رودخانهٔ تمشون (برسر راه محمودآباد هراز به سله): ۱۳۶.
 رودخانهٔ تیجن: ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۹.
 رودخانهٔ تیرپردسر (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷، ۱۴۸.
 رودخانهٔ چال کرو (برسر راه خرم آباد به سخت سر): ۱۵۰.
 رودخانهٔ چالوس: ۱۴۱، ۱۴۲.
 رودخانهٔ چاله پل: ۸۹.
 رودخانهٔ چشمه کیله (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰.
 رودخانهٔ چلندر: ۱۳۸.
 رودخانهٔ چوار: ۲۱۴.
 رودخانهٔ حاجی محله: ۱۴۸.
 رودخانهٔ حرزه ییل (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
 رودخانهٔ حلیمه جان (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
 رودخانهٔ خورشک رود (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
 رودخانهٔ خرنک رود: ۱۴۶.
 رودخانهٔ خشک رود: ۴۶، ۱۵۵، ۱۵۶.
 رودخانهٔ خطیب سرا: ۲۱۴.
 رودخانهٔ خیر رود (برسر راه چلندر به اورنگک):

۱۴۱. رودخانه دزدک رود (برسر راه چلندر به اورنگ): ۱۴۱.
- رودخانه دوست کوه: ۱۵۶.
- رودخانه ذوله کی شربی جار (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه راپشته (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷.
- رودخانه سالومحله: ۱۵۶.
- رودخانه رستم رود (برسر راه محمودآباد هراز به سله): ۱۳۶.
- رودخانه زوارکله (برسر راه عباس آباد به خرم آباد): ۱۴۷.
- رودخانه زیارت خاصه: ۴۹.
- رودخانه سرخانی = سفیدتمش (حد سد گیلان و مازندران): ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴.
- رودخانه سرداب رود: ۱۴۵.
- رودخانه سرد رودسر (در کلاره دشت): ۱۴۴.
- رودخانه سفید تمش = رودخانه سرخانی: ۱۵۳، ۱۶۴.
- رودخانه سفید رود: ۱۶۵، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰.
- کنار: ۱۶۳، ۱۸۲.
- رودخانه سله: ۱۳۶.
- رودخانه سندس (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۲، ۱۸۴.
- رودخانه سنگ تاجان (برسر راه چلندر به اورنگ): ۱۴۱.
- رودخانه سویرود: ۱۵۳.
- رودخانه سیاه رود: ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۶۹.
- رودخانه سیاه رودبار: ۱۷۱.
- رودخانه سیاه رودخان (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه سیاه رودسر (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
- رودخانه سیدمحله: ۱۵۰.
- رودخانه سیگارود: ۱۵۰.
- رودخانه شارود = شاهرود: ۱۷۷.
- رودخانه شاهرود = شارود: ۱۸۷.
- رودخانه شلمان: ۱۵۸.
- رودخانه شلیت (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۳.
- رودخانه شمشیر بر: ۱۰۰.
- رودخانه شوراب سر: ۱۵۰.
- رودخانه شهران (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه شیخ علی طوسه (از رودخانه های رحمت آباد): ۱۸۴.
- رودخانه شیرا (برسر راه فریکنار به محمودآباد هراز): ۱۳۲.
- رودخانه شیرارود: ۱۵۶.
- رودخانه شیردار بن: ۴۲.
- رودخانه صارو: ۸۰.
- رودخانه صیقلان رودپار: ۱۶۶.
- رودخانه طیروم (برسر راه خرم آباد به سخت سر): ۱۵۰.

- رودخانه کهنه خشک رود : ۱۵۶.
 رودخانه کیارود (از رودخانه های رودسر) :
 ۱۵۷، ۱۵۸.
 رودخانه گج رود (برسر راه سلده به چلندر) :
 ۱۳۷.
 رودخانه گراف رود : ۱۵۶.
 رودخانه گورگان : ۵۰.
 رودخانه گوهر رود (از رودخانه های شفت) :
 ۱۷۱، ۱۹۱.
 رودخانه گوهر رود نصفی (از رودخانه های
 رحمت آباد) : ۱۸۴.
 رودخانه گیلا کجان : ۱۵۶.
 رودخانه لذر جان : ۱۵۶.
 رودخانه لنگرود : ۱۵۹.
 رودخانه لوار : ۴۱.
 رودخانه لیلکوه : ۱۶۱.
 رودخانه مازکا (برسر راه چلندر به اورنگ) :
 ۱۴۱.
 رودخانه ماشلك (برسر راه چلندر به اورنگ) :
 ۱۴۱.
 رودخانه محمدحسین آباد : ۱۴۶.
 رودخانه محمودآباد (برسر راه محمودآباد
 هراز به سلده) : ۱۳۵.
 رودخانه مذر : ۱۴۹، ۱۵۰.
 رودخانه مرزنده کله (برسر راه اورنگ به
 عباس آباد) : ۱۴۵.
 رودخانه مشهدسر : ۱۱۵، ۱۳۱.
 رودخانه ملاکلا : ۱۳۲، ۱۳۳.
 رودخانه میان ده رود : ۱۵۴.
 رودخانه طیل رودسر : ۱۴۶.
 رودخانه طیل نو : ۷۹.
 رودخانه علی آباد بزرگ (برسر راه چلندر
 به اورنگ) : ۱۴۱.
 رودخانه علی شاه رود (از رودخانه های
 رحمت آباد) : ۱۸۴.
 رودخانه فرش کلا (برسر راه سلده به چلندر) :
 ۱۳۷.
 رودخانه قاسم آباد : ۱۵۴.
 رودخانه قدم گاه خضر : ۴۷.
 رودخانه قراسو (در نیم فرسخی کردمحله) :
 ۴۳.
 رودخانه قشلاق : ۷.
 رودخانه کاظم آباد : ۱۴۷.
 رودخانه کرتونم (از رودخانه های رحمت-
 آباد) : ۱۸۴.
 رودخانه کرکردسر (برسر راه چلندر به
 اورنگ) : ۱۴۱.
 رودخانه کرند : ۷۸.
 رودخانه کلشتر (از رودخانه های رحمت آباد) :
 ۱۸۴.
 رودخانه کل : ۱۳۸.
 رودخانه کندرود (برسر راه چلندر به اورنگ) :
 ۱۴۱.
 رودخانه کسرود (برسر راه سلده به چلندر) :
 ۱۳۷.
 رودخانه کوکته (از رودخانه های رحمت-
 آباد) : ۱۸۴.
 رودخانه کهسان : ۸۸.

روشن‌ده (از ییلاق‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
روم (آسیای صغیر = ترکیه امروز): ۹، ۹۸،
۱۸۶. ولایت: ۱۸۶.

ری: ۹۸.

ریشان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
ریق چشمه (از دهکده‌های بلوک فخر عماد
الدین و کتول استرآباد): ۵۶.

ریکا بند [دهکده...]: ۸۰.

ریکان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.

ریگه (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۵، ۲۱۶.
ریناج (از ییلاق‌های طالش دولاب و حاکم-
نشین): ۲۰۵، ۲۰۸.

ز

زاغ مرز (مسکن طایفه عبدالملکی): ۸۸.

زاند رستاق [بلوک...]: ۱۴۰.

زاهدان (از محله‌های رشت): ۱۶۷، ۱۶۸.

زبان شفقی: ۱۸۲.

زبان طالشی: ۱۸۲.

زرده کش (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):

۱۸۷.

زرکام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

زروان محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۴.

زرین‌آباد [بلوک...]: ۱۰۲.

زعقان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

زکابر (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):

۱۸۷.

زکریای قادی کلائی: ۱۲۶.

زکین محله (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.

رودخانه نصیرکیله (برسر راه خرم‌آباد به

آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.

رودخانه نمک‌آبرود: ۱۵۰.

رودخانه نمک‌آب رودسر (مرز کلارستاق و

تنکابن): ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۹.

رودخانه نمیر: ۲۱۴.

رودخانه نورودسر (برسر راه اورنگ به

عباس‌آباد): ۱۴۵، ۱۴۶.

رودخانه نوکنده: ۷۷.

رودخانه نیاست‌رود: ۱۵۰.

رودخانه نی‌روا: ۱۳۸، ۱۴۸.

رودخانه نیشا (برسر راه عباس‌آباد به خرم-

آباد): ۱۴۷.

رودخانه نیکاح: ۸۹، ۱۰۰.

رودخانه واپک (برسر راه خرم‌آباد به آب-

گرم سخت‌سر): ۱۵۰.

رودخانه وازی‌دار (برسر راه سلده به چلندر):

۱۳۷.

رودخانه ولیسه: ۱۵۸.

رودخانه هاشم‌رود (برسر راه محمودآباد-

هراز به سلده): ۱۳۵، ۱۳۶.

رودخانه‌های رحمت‌آباد: ۱۸۴.

رودسر: ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴.

رودگر محله [محله...]: ۱۱۷.

روسر (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.

روسیه: ۱، ۲۶، ۳۷، ۱۰۸، ۱۵۹، ۱۷۰،

۲۱۸. ملک: ۲۱۸.

روسیه [ملک...]: ۲۱۸.

روشن‌آباد: ۴۵.

- زمان بیگ (حاکم استرآباد در زمان نادر- شاه افشار): ۷۳.
- زمان بیگ (مباشراستارا): ۲۱۸.
- زنجان: ۱۲۹، ۱۷۳.
- زند [شیخعلی خان...]: ۷۴.
- زند [طایفه...]: ۷۴.
- زند [کریم خان...]: ۸۱.
- زندان قدیمی (درمیان تپه ای قدیمی در مقابل محله باغ زندان شاهرود): ۲۹.
- زندان یزید: ۴.
- زنگی محله (از دهکده های بلوک سدن- رستاق استرآباد): ۵۳.
- زودل (از دهکده های فومن): ۱۹۶.
- زوار [بلوک...]: ۱۴۹.
- زیابری [حاجی آقا...]: (حاکم گیل گسکر): ۱۹۸.
- زیادلو [طایفه...]: ۷۲.
- زیارت خاصه: ۳۳.
- زیارت خاصه رود (از دهکده های استرآباد): ۵۶.
- زیتون رودبار [ولایت...]: ۱۸۹.
- زیده (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- زین العابدین علیه السلام [امام...]: ۱۷۸.
- زین العابدین [حاجی...]: (یکی از وارد کنندگان کارخانه شکر سازی بارفروش): ۱۱۸.
- سادات محله (از دهکده های سخت سر): ۱۵۱.
- سادات محله (از محله های مشهد سر): ۱۱۲.
- ساری: ۲۳، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۶. بلوک اسپه- ورد شوراب: ۱۰۱. بلوک اندرود: ۱۰۵.
- بلوک زرین آباد: ۱۰۲. بلوک شرخا: ۱۰۵. بلوک شیرگاه: ۱۰۴. بلوک علی- آباد: ۱۰۱. بلوک قادی کلا: ۱۰۱. بلوک قراطغان: ۱۰۵. بلوک کیا کلا: ۱۰۱.
- بلوک گلستان: ۱۰۵. بلوک میاندرود: ۱۰۵.
- بلوک هزار جریب چهار دانگه: ۱۰۲.
- بلوک هزار جریب دودانگه: ۱۰۳.
- بلوک هزار جریب شش دانگ: ۱۰۲.
- بلوکات: ۱۰۵. تکیه: ۹۶. حمام: ۹۶.
- دروازه: ۱۰۶. کاروانسرا: ۹۶. محله اصنانلو: ۹۶. محله چاله باغ: ۹۶. محله سی السم سر = سیلاب سر: ۹۶. محله میر مشهد: ۹۶. مدرسه: ۹۶. مسجد جامع: ۹۶.
- ساریجه لی [طایفه...]: ۵۹.
- ساریجه میوت [طایفه...]: ۶۰.
- ساری سو: ۶۴.
- ساسان سرا (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سالی کنده [محله...]: ۴۳.
- سامان خلخال: ۲۰۷.
- سامان سیاه کل: ۱۸۵.
- سامان عمارلو: ۱۶۲.
- س
- سادات [طایفه...]: ۴۸.

- سامان گوکلان: ۵۰.
 سامان نصرالله آباد: ۱۶۲.
 ساوجبلاغ: ۱۷۴، ۱۷۶.
 ساور (از بلوک استر اباد): ۵۵.
 ساور کسلا (از دهکده های بلوک فخر عماد الدین و کتول استر اباد): ۵۶.
 ساوری [آقامصطفی...]: (سرکرده تفنگچیان ساوری ساخلوی بندر جز): ۳۶.
 ساوری [طایفه...]: ۵۲.
 سبزه زار سرخ رود (بر سر راه فریکنار به محمود آباد هراز): ۱۳۲.
 سبزه مشهد [دروازه...]: ۶۸.
 سبزه مشهد [محلّه...]:
 سبزه میدان (از بناهای شاه عباس در شهر اشرف): ۸۵.
 سبزه میدان (در محلّه کیاب رشت): ۱۷۱.
 سبزه میدان بار فروش: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹.
 سبزه میدان لاهیجان: ۱۶۲، ۱۶۴.
 سپانلو [طایفه...]: ۷۲.
 سپه سالار: ۲۵.
 السجاد [امام...]: ۱.
 سخت دره (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
 سخت سر [بلوک...]: ۱۴۹.
 سد آمل و نور: ۱۳۵.
 سد کلا (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
 سد گیلان و مازندران: ۱۵۳.
 سد مازندران و استر اباد: ۱۵۳.
 سدن (از دهکده های بلوک سدن رستاق استر اباد): ۵۴.
 سدن رستاق (از بلوک استر اباد): ۴۴، ۴۲.
 ۴۵، ۵۳، ۵۷.
 سدن رستاق [طایفه...]: ۵۲.
 سراپستان (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
 سراج محلّه (از دهکده های بلوک کلباد): ۷۹.
 سراکیلی (از ییلاقهای طالش دولا ب): ۲۰۵.
 سربازخانه انزلی: ۲۰۰.
 سربندر: ۳۵.
 سرپیر [گذر...]: ۵۰.
 سرچشمه [گذر...]: ۵۰.
 سرحدات ایران: ۱۰۸.
 سرحد انزلی: ۲۰۰، ۲۰۹.
 سرحد خراسان: ۷۲.
 سرحد دیلمان: ۱۸۵.
 سرحد کلارستاق: ۱۴۹.
 سرحد گیلان: ۱۴۹.
 سرحمام بیج ناجی (از محلّه های بار فروش): ۱۱۷.
 سرحمام کاظم بیگ (از محلّه های بار فروش): ۱۱۷.
 سرحمام نسائی (از محلّه های بار فروش): ۱۱۷.
 سرخ بنده [امامزاده...]: ۱۶۸.
 سرخ رود (بر سر راه فریکنار به محمود آباد هراز): ۱۳۲.
 سرخک (دهی در نزدیکی سمنان): ۲۰۱.
 سرخواجه [قنات...]: ۴۹.
 سرخون (از دهکده های رودبار زیتون): ۱۹۰.

- سرخون کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
رستاق استرآباد): ۵۵.
سرخه کریه (حاکم نشین هزارجریب مهدی
خانی): ۱۰۳.
سرداب خاله (از رودخانه‌های کرگان رود):
۲۱۷.
سردار کل طایفه قاجار استرآباد = فتحعلی
خان: ۷۳.
سردره: ۶، ۷.
سرك (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
سرگردگان استرآباد: ۶۹.
سرکلانه خرابه شهر (از دهکده‌های بلوک
سدن رستاق استرآباد): ۴۲، ۵۴.
سر محله (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):
۴۱، ۵۴.
سر میدان (از محله‌های بار فروش): ۱۱۸.
سز تق: ۱۷۸.
سس (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
سعدآباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.
سعید تلیک [میرزا...]: (کدخدای آمل):
۱۳۳.
سعیدخان (حاکم ولایت شفت): ۱۹۱، ۱۹۲.
سفید مزگی (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
سقار [طایفه...]: ۶۰.
سقالی [دهکده...]: ۵۸.
سقی [طایفه...]: ۵۹.
سلاخ [طایفه...]: ۶۲.
سلاطین صفویه: ۸۱.
سلاطین گیلان: ۱۹۴.
سلده (از قشلاقهای نور): ۱۳۴، ۱۳۵.
۱۳۷.
سلطان آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
رستاق استرآباد): ۵۵، ۵۷.
سلطان دوین: ۶۰.
سلطان سالوک معلم [آستانه...]: ۱۹۱.
سلطان شاه نظر [امامزاده ارادان]: ۹.
سلطان محمد خان (یکی از خوانین جعفریای):
۷۰.
سلطانیه: ۱۷۶، ۱۷۷.
سلم (پسرفریدون شاه): ۹۸، ۹۹.
سلمان (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
سلم رودسر (از دهکده‌های سخت سر): ۱۵۱.
سلمقان: ۵۰.
سلیا کتی (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
سلیمان [شاه...]: ۲۱.
سلیمان خان (از سرکرده‌های ایل مافی):
۱۷۶.
سلیمان داراب [آستانه...]: ۱۶۸.
سمنان: ۱، ۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱.
۹۹. ارگ: ۱۷. اسطخ آب: ۱۶.
امامزاده سی سر: ۱۸. امامزاده هلاکو:
۱۸. امامزاده هلاوی: ۱۸. باغ شاه: ۱۷.
برج: ۱۷. برج حاجی میرزا عسکری:
۱۷. تکیه: ۱۶. چا پارخانه: ۱۸. حمام:
۱۶. دکان: ۱۶. دروازه: ۱۷. قدمگاه
شاه عباس: ۱۷. قلعه: ۹۶. کاروانسرای

- سیف‌الله میرزا: ۱۷. کاروانسرای شاه‌عباسی:
 ۱۷. محلهٔ اسفنجان: ۱۷. محلهٔ چومسجد
 ۱۷. محلهٔ شاه‌جو: ۱۷. محلهٔ کوش‌مغان:
 ۱۹. محلهٔ لئی‌بار: ۱۷. مدرسه: ۱۷.
 مسجد: ۱۸. مسجد شاه: ۱۷. منار مسجد
 جامع: ۱۷. میدان شاه: ۱۷. نارنج
 قلعه: ۱۷. ولایت: ۲۰۱.
 سمنان [ولایت...]: ۲۰۱.
 سمنانی [آقا سید حسین...]: ۲۲.
 سمنانی [میرزا محمد...]: (مستوفی دامغان):
 ۲۴.
 سمیس‌کنده (از دهکده‌های بلوک اندرود و
 خالصه‌شاهی): ۹۲، ۹۰.
 سن (بر سر راه آهوان به قوشه): ۲۲.
 سنجی‌بنه: ۶۴.
 سندس (از دهات ایمل نشین رحمت‌آباد و
 حاکم نشین): ۱۸۳، ۱۸۴.
 سند در (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵،
 ۲۰۷.
 سندیان (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
 سندیان (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
 سزد (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 سنگاجین [دهکده...]: ۲۰۲.
 سنگجو (از دهکده‌های عمارلو): ۱۹۶.
 سنگدوین (از دهکده‌های بلوک فخر عماد
 الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
 سنگر: ۵۰.
 سنگر [طایفه...]: ۶۳.
 سنگ‌رود (از دهکده‌های عمارلو که آب-
 گرم دارد): ۱۸۷.
 سنگر سوادگرگان: ۶۱.
 سنگر کبود جامه [بلوک...]: ۵۷.
 سنگه بجار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 سوادکوه: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۲،
 ۱۲۷. ییلاق: ۱۱۱.
 سوادکوهی [حاجی‌الله ویردی...]: (پدر
 خدا بخش): ۱۱۰.
 سوادکوهی [عباس قلیخان...]: ۱۲۷.
 سواره بسطامی: ۶۷.
 سواره بوجزوردی: ۶۷.
 سواره جرجامی: ۶۷.
 سواره کوداری: ۶۷.
 سواره نردینی: ۶۷.
 سوت کلوم [کوه...]: ۸۴.
 سوته [محله...]: ۱۰۸.
 سوتده (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):
 ۵۴.
 سوخته‌چنار [گذر...]: ۵۰.
 سورتیج [محسن خان...]: (سرکردهٔ طایفهٔ
 عبدالملکی): ۸۸.
 سورک [دهکده...]: ۹۱.
 سورم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 سوره‌پشت (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
 سوکوره (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
 سومارود (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵.
 سوماندق: ۱۹۷.
 سونچه (یکی از محله‌های سکناى طوایف

- تکه آخال نشین: ۶۷.
- سه تن (امام زاده استرآباد): ۴۹.
- سه سار (از دهکده های فومن): ۱۹۶.
- سه شنبه (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- سه کام (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سه نه [طایفه...]: ۵۹.
- سیاتلو (از دهکده های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- سیارستاق [بلوک...]: ۱۴۹.
- سیامرکو (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- سیاورز با بلده [بلوک...]: ۱۴۹.
- سیاوی (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- سیاه بولاش (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سیاه بیل (از دهکده های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیاه پوش منجیل: ۱۷۴.
- سیاه پیران (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- سیاه تون (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- سیاه درویشان (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- سیاهرود (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- سیاه کل (از دهکده های دیلمان): ۱۸۵، ۱۹۹.
- سیاه کله رود: ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶.
- سیاه مزگی (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
- سیاه وانکا (از دهکده های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیاه وزان (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
- سیاه وش کلا [دهکده...]: ۸۹.
- سید جلال [محلّه...]: ۱۱۷.
- سید جلال الدین اشرف [آستانه...]: ۱۶۳.
- سید ریکایی [امام زاده...]: ۹۶.
- سید زین العابدین [امام زاده...]: ۹۶، ۹۸.
- سید محله: ۱۵۱.
- سید میران (از دهکده های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- سیده کی (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- سی بن (از دهکده های عمارلو): ۱۸۷.
- سی سر (امام زاده سمنان): ۱۸.
- سیفه چومان (از دهکده های طالش دولاب): ۲۰۵.
- سیل سپر [طایفه...]: ۵۴.
- سیم (پسر حضرت آدم علیه السلام): ۱۶.
- سیمبر خاله (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۵.
- سیمبر خاله (از رودخانه های طالش دولاب): ۲۰۴.
- سینه رود: ۱۸۵، دره: ۱۸۵.
- ش
- شاخه پلورود: ۱۵۶.
- شاده (از دهکده های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- شارم (از دهکده های فومن): ۱۷۶.
- شاشکو (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شاطر گنبدی (بین راه ساری به نیکاح): ۹۰، ۹۱، ۹۲.
- شاه قوزینی (از دهکده های سیاهکله رود): ۲۰۴.

- شاهرودی [محمد علی...]: (ضابط چاپار- ۱۵۵
 خانه دامغان): ۲۶.
 شاهزاده هاشم: ۱۶۹.
 شاه سلیمان صفوی: ۲۱.
 شاهسون [ایل...]: ۲۱۵.
 شاه صفی صفوی: ۸۸.
 شاه طهماسب صفوی: ۷۳.
 شاه عباس صفوی: ۵۰، ۷۲، ۷۷، ۸۱، ۸۳،
 ۸۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۸.
 شاه غازی رستم [مقبره...]: ۹۹.
 شاهقلانلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.
 شاهقلی خان (پدر مهدی خان): ۷۹.
 شاه کلا [محلّه...]: ۱۱۷.
 شاه کو [دهکده...]: ۳۳، ۸۴. تکیه: ۳۳.
 حمام: ۳۳. قلعه: ۳۳. مسجد: ۳۳.
 شاه کوه (از بلوک استرآباد): ۵۵، ۶۷. چمن
 هفت چشمه: ۶۷.
 شاهکویی [آقا موسی...]: (مالک دهکده
 تاش): ۳۲.
 شاه کوئی [طایفه...]: ۵۲.
 شاه کوی سفلی (از دهکده های بلوک شاه کو
 استرآباد): ۳۲، ۵۵.
 شاه کوی علیا (از دهکده های بلوک شاه کو
 استرآباد): ۳۲، ۳۳، ۵۵.
 شاه نشین (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
 شبان (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
 شپله پس (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
 شداد نمرود: ۲۱۳.
 شرخا [بلوک...]: ۱۰۰.
- شالده (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
 شالده (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
 شالکا (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
 شالکو [دهکده...]: ۱۵۶.
 شالمان (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
 شام: ۷۲.
 شام بیاتی [طایفه...]: ۷۲.
 شامراد محله (از دهکده های سیاهکله رود):
 ۱۵۵.
 شاملو [طایفه...]: ۷۲.
 شامیرزاد: ۱۸.
 شاندرمین [حاکم نشین...]: ۱۹۸، ۲۰۷.
 شانه پاور (از دهکده های گیل دولاب): ۲۰۴.
 شاه [محلّه...]: ۲۵.
 شاه اسماعیل صفوی: ۹، ۷۲، ۱۸۶.
 شاه بداق (از دهکده های خوار): ۱۱.
 شاه پسند (از دهکده های بلوک انزان استرآباد):
 ۵۴.
 شاهجو [محلّه...]: ۱۷.
 شاه خال (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
 شاهرخ خان (از سرکرده های طایفه کاکوند):
 ۱۷۵.
 شاهرود: ۱، ۲، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲،
 ۶۸. ارگ: ۲۸. باغ: ۲۸. تکیه: ۲۹.
 حمام: ۲۹. دکان: ۲۹. قلعه: ۲۸. قناب:
 ۲۹. کاروانسرا: ۲۸. محلّه باغ زندان:
 ۲۹. مسجد: ۲۹. معدن سرب: ۲۸. معدن
 سنگ مس: ۲۸.

- شرفوند [طایفه...]: ۱۴۰.
- شریف آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.
- شریک ده عمارلو: ۱۸۴.
- شعرباف محله [محله...]: ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۱۷.
- شفارود (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شفارود (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- شفت: ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۲. اما مزاده اسحق:
۱۹۱. آستانه سلطان سالوک معلم: ۱۹۱.
- امسرگوراب: ۱۹۲. بازار: ۱۹۲. بداو:
۱۹۲. پیر محمد سرا: ۱۹۲. تکرم: ۱۹۲.
- چماچا: ۱۹۲. چوبر: ۱۹۲. چوتاشان:
۱۹۲. خرم آباد: ۱۹۲. خطیبان: ۱۹۲.
- خمیران: ۱۹۲. خورتوم: ۱۹۲. درخان:
۱۹۲. دهات: ۱۹۲. ذولپیران: ۱۹۲.
- رژآش: ۱۹۲. رودخانه پسیخان: ۱۹۱.
- رودخانه گوهر رود: ۱۹۱. سفید مزیگی:
۱۹۲. سیاه مزیگی: ۱۹۲. شالده: ۱۹۲.
- شالمان: ۱۹۲. شاه نشین: ۱۹۲. شیخ محله:
۱۹۲. صیقان: ۱۹۲. طلاقان: ۱۹۲.
- عثمانندان: ۱۹۲. قصبه: ۱۹۲. قصبه محله:
۱۹۲. کولوان: ۱۹۳. کومسار: ۱۹۲.
- کوه شفت: ۱۹۱. گل سران: ۱۹۲.
- لاسک: ۱۹۲. لقه بندان: ۱۹۲. لیفکو—
- خندان: ۱۹۳. مردقه: ۱۹۲. میر محله:
۱۹۲. ناصران: ۱۹۲. نصیر محله: ۱۹۲.
- نیزم: ۱۹۲. ولایت: ۱۹۱. ییلاق:
۱۹۲. ییلاق آرامگاه: ۱۹۲. ییلاق آفر:
۱۹۲. ییلاق آفرسر: ۱۹۲. ییلاق شمر—
- چال: ۱۹۲.
- شفتی: ۲۰۰.
- شکرا لله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- شکرا لله خان: ۱۳۴.
- شکور (نوکر حاجی رمضان): ۱۱۰.
- شکی: ۷۹.
- شکال گوراب (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شکردست (از دهکده‌های کرگان رود):
- ۲۱۶.
- شلوار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۵،
- ۲۱۶.
- شله کمانان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- شله وار (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
- شلهوش (از ییلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- شمام (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
- شمرچال (از ییلاقهای شفت): ۱۹۲.
- شمس آباد (از دهکده‌های بلوک استراباد—
- رستاق استراباد): ۵۵.
- شمشادستان (ملك لیمون جو): ۱۵۶.
- شمشیر بر: ۸۹.
- شمشیرگر محله [محله...]: ۱۱۷.
- شمکان لو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- شموشک (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
- استراباد): ۵۴.
- شنه بازار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شورابسر [دهکده...]: ۸۹.
- شوریان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
- استراباد): ۴۵، ۵۴.
- شولم (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شهدا [محله...]: ۱۱۷.

- شهر آمل: ۱۳۴.
- شهر استرآباد: ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۶۸، ۱۶۴.
- شهر اشرف: ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۱۶۴.
- آب انبار شاه عباسی: ۸۲. امامزاده: ۸۱.
- اهل اشرف: ۸۲. بازار محله: ۸۱. باغات:
۸۱. باغات شاه عباسی: ۸۲، ۸۳. باغ چهل
- ستون: ۸۲. باغ حرم: ۸۴. باغ خلوت:
۸۵. باغ زیتون: ۸۳. باغ سبزه میدان:
۸۵. باغ شمال: ۸۴. باغ صاحب الزمان:
۸۴. برج: ۸۳. تکیه: ۸۱. چشمه باغ:
۸۳. حمام: ۸۱. حوض هشت کنج: ۸۳.
- دکان: ۸۱. دیوانخانه: ۸۵. عمارات:
۸۱. عمارت اندرونی: ۸۳، ۸۴. عمارات
- شاه عباسی: ۸۴. فراش محله: ۸۱.
- کاروانسرا: ۸۱. مدرسه: ۸۱. نقاش-
محله: ۸۱.
- شهران (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
- شهر بارفروش = بارفروش ده = مامطیر:
- ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۶۴.
- شهر جرجان: ۵۰.
- شهر دامغان: ۲۴.
- شهر رشت: ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹.
- ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۹.
- شهر زنجان: ۱۷۷، ۱۷۸.
- شهر ساری (دارالحکومه حکمران
مازندران): ۴۸، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱،
۱۰۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱،
۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۲۷،
۱۶۴.
- شهر سمنان: ۱۶. ۲۰۱.
- شهر شاهرود: ۲۸.
- شهر قزوین: ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷.
- شهر کجور [بلوک...]: ۱۴۰.
- شهر کلا (از قشلاکهای نور): ۱۳۷.
- شهر لاهیجان ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،
۱۶۵.
- شه سفید (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- شهیدان (سرحد دیلمان): ۱۸۵.
- شیخ الجبال: ۱۷۷.
- شیخ خونه‌بر (از دهکده‌های لاهیجان):
۱۶۱.
- شیخ سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- شیخعلی خان زند (سردار کریم خان زند):
۲۲.
- شیخ علی طوسه: ۱۸۴.
- شیخ محله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- شیخ محله [محله...]: ۹۲.
- شیراز: ۷۳، ۷۴، ۸۱، ۲۰۶.
- شیرازی [حاجی بیگ...]: (داروغه دامغان):
۲۴.
- شیرازی [طایفه...]: (ساکن در طالش دولاب):
۲۰۶.
- شیربچه پیرامام زاده (از دهکده‌های طالش
دولاب): ۲۰۵.
- شیرتر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- شیرذیل (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- شیرکش [گذر...]: ۴۹.
- شیرکوه (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.

شیرنه یر (از دهکده‌های طالش دولاب):

۲۰۵

شیروانی [آقا صفرعلی...], (بندرچی

آستارا): ۲۱۸

شیطان محله (برسر راه اشرف به نیکاح):

۸۹

شیل (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴

شیلات تولم: ۱۹۷

شیلات رانکو: ۱۵۸

شیلات مازندران: ۱۰۹

ص

صادق خان = بیوک خان (برادر حسین قلیخان

حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷

صاحب الزمان علیه السلام [امام...]: ۱۲۷

صاحبقران میرزا [شاهزاده...]: ۱۲۸

صارو [دهکده...]: ۸۰

صالح [حاجی ملا...], (مجتهد قزوین و پدر

قره العین): ۱۲۵

صحرای ترکمان: ۷۸، ۴۶

صحرای خوار: ۱۰

صحرای فریکتار: ۱۳۱

صحرای کرادوین: ۸۱، ۷۴

صحرای کلاره دشت: ۱۴۳

صحرای گویر: ۲۸، ۱۲، ۱۰

صفرعلی خان (از سرکرده‌های طایفه جلیل-

وند): ۱۷۵

صفوی [شاه عباس بهادر...]: ۱۰۸

صفویه [دولت...]: ۲۰۱

صفی [شاه...]: ۸۸

صفی [محلّه...]: ۱۱۲، ۱۳۱

صفی آباد اشرف: ۸۴، ۸۷

صفی خاله (از رودخانه‌های طالش دولاب):

۲۰۴

صلصال جادو: ۱۹۴

صوفیان [طایفه...]: ۶۳

صومعه سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶

صیقلان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶

صیقلان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸

صیقلان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲

صیقلان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶

صیقلان (از محله‌های رشت): ۱۶۷

ط

طارم: ۱۷۴

طارمات: ۱۸۹

طارم سرا (از دهکده‌های گیل دولاب):

۲۰۴

طالاکو (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷

طالب دهنه (از رودخانه‌های کرگان رود):

۲۱۷

طالش: ۸۹، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۴

طالش [طایفه...]: ۲۱۳

طالش دولاب: ۲۰۲، ۲۰۴، ۵۰۶، ۲۰۷

۲۰۸. آب دنگ: ۲۰۸. آسیاب آبی:

۲۰۵. ارده جان: ۲۰۵، ۲۰۷

الان: ۲۰۵. اهل: ۲۰۸. بیشه سرا: ۲۰۵

پره سر: ۲۰۵. پل چوبی: ۲۰۶. پونل سرا:

۲۰۷. چارواده: ۲۰۵. چاروچ:

۲۰۵. چشمه قلعه: ۲۰۷. چکو: ۲۰۵.
خالخالیان: ۲۰۵. خاله خاله: ۲۰۵. خندق
قلعه: ۲۰۷. دره واز: ۲۰۵. دشت مین: ۲۰۵.
دوران میان رودخان: ۲۰۵. دهات: ۲۰۵.
رودخانه‌های طالش: ۲۰۸. ریشان: ۲۰۵.
سیاه وانکا: ۲۰۵. سیفه چومان: ۲۰۵.
شیر بچه پیر امام زاده: ۲۰۵. شیر تهر:
۲۰۵. طایفه خاشابری: ۲۰۶. طایفه
شیرازی: ۲۰۶. قلعه کل شانه پاور: ۲۰۷.
کدوستان: ۲۰۵. کوه برزه کوه: ۲۰۸.
گالش محله: ۲۰۵. مازو پشت: ۲۰۵.
ملک: ۲۱۱. واسکام شان: ۲۰۵. وانکا:
۲۰۵. ولایت: ۲۰۰، ۲۰۳. ییلاق اروه-
چول: ۲۰۵. ییلاق اره وشت: ۲۰۵.
ییلاق اسپت: ۲۰۵. ییلاق امیر کوه:
۲۰۵. ییلاق برزه کوه: ۲۰۶. ییلاق برن:
۲۰۵. ییلاق پارکام: ۲۰۵. تاوله کووان:
۲۰۵. ییلاق دشت دامان: ۲۰۵، ۲۰۷.
ییلاق رنگ آب: ۲۰۶. ییلاق روشن ده:
۲۰۵. ییلاق ریناج: ۲۰۵، ۲۰۸. ییلاق
سراکیلی: ۲۰۵. ییلاق سنده ده: ۲۰۵،
۲۰۷. ییلاق عروستان: ۲۰۶. ییلاق
مین رود: ۲۰۵. ییلاق واسکا: ۲۰۵.
طالش دولاب [دهات...]: ۲۰۵.
طالش دولاب [ملک...]: ۲۱۱.
طالش دولاب [ولایت...]: ۲۰۰، ۲۰۳.
طالش محله (از دهکده‌های سخت سر): ۱۵۱.
طالقان (بر سر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.
طایفه آتا (از طوایف استرآباد): ۶۲.
- طایفه آتابای (از طوایف استرآباد): ۵۹.
طایفه آرق (از طوایف یارعلی استرآباد):
۵۸.
طایفه آسایشلو (از طوایف ساکن ارادان):
۹.
طایفه آق (از طوایف استرآباد): ۵۹.
طایفه ابدال (از طوایف دازاسترآباد): ۶۰.
طایفه اتمیش (از طوایف تکه آخال نشین
استرآباد): ۶۵.
طایفه اراض لی (از طوایف یلقی استرآباد):
۶۰.
طایفه ارککلی (از طوایف حلقه داغلی
گوکلان): ۶۴.
طایفه استاجلو (یکی از هفت طایفه اصلی
قاجار): ۷۲.
طایفه استادجق (از طوایف کوچک استرآباد):
۶۱.
طایفه استرآباد رستاقی: ۵۲.
طایفه اشاقه بوی لی (از طوایف قرا بلخان
حلقه داغلی گوکلان استرآباد):
۶۵.
طایفه اصائلو (از ساکنین شهر ساری): ۹۰، ۹۷.
طایفه افشار (یکی از هفت طایفه اصلی
قاجار): ۷۲.
طایفه افغان (از ساکنین شهر ساری): ۸۷،
۹۰، ۹۷.
طایفه اقورجلی (از ترکمانان): ۱۱۰.
طایفه انزانی: ۵۳.
طایفه انلق (از طوایف یلقی استرآباد): ۶۰.

طایفه ائلق قوماج (از طوایف یارعلی
استراباد): ۵۸.
طایفه اوج قونلی (از طوایف ینقاق دو درقه
گوکلان استراباد): ۶۴.
طایفه اودک (از طوایف دازاستراباد): ۶۵.
طایفه اوزین آق (از طوایف آق استراباد):
۵۹.
طایفه ایچمک (از طوایف داز استراباد):
۶۵.
طایفه ایری توماج (از طوایف یارعلی
استراباد): ۵۸.
طایفه ایکدر (از طوایف نورعلی استراباد):
۵۸، ۶۱.
طایفه ایدرویش (از طوایف حلقه داغلی
گوکلان استراباد): ۶۴.
طایفه ایمر (از طوایف استراباد): ۶۱.
طایفه بالاخان: (از طوایف ساکن در کرگان-
رود): ۲۱۳.
طایفه باقه (از طوایف داز استراباد): ۶۵.
طایفه بدراق (از طوایف استراباد): ۶۱.
طایفه بلوچ (ساکن در استراباد): ۴۸،
۵۳.
طایفه بلوچ (از طوایف ساکن در شهر ساری):
۹۷.
طایفه بوقچه (از طوایف غائی حلقه داغلی
گوکلان استراباد): ۶۵.
طایفه بهارلسو (یکی از هفت طایفه اصلی
قاجار): ۷۲.
طایفه بهتوئی (از طوایف قزوین): ۱۷۶.

طایفه بهلکه (از طوایف استراباد): ۶۲.
طایفه بازوکی (از طوایف ساکن اردان):
۹.
طایفه پانق (از طوایف نورعلی استراباد):
۵۸.
طایفه پرخاص (از طوایف یارعلی استراباد):
۵۸.
طایفه پیراصلو (از طوایف رحمت آباد):
۱۸۳.
طایفه تاتار (از طوایف استراباد): ۶۲.
طایفه ترکمان: ۱۱۵.
طایفه ترکمانیه: ۳۷، ۶۷.
طایفه تفتیش (از طوایف تکه آخال نشین
استراباد): ۶۵.
طایفه تمسکینی: ۵۳.
طایفه تمک (از طوایف غائی حلقه داغلی
گوکلان): ۶۵.
طایفه جان باز (از طوایف مازندران): ۱۱۵،
۱۱۱.
طایفه جان بیگلو: ۹۷.
طایفه جعفربای (از طوایف استراباد): ۵۷.
طایفه جلیلوند (از طوایف قزوین): ۱۷۵.
طایفه جمع کانلو (از طوایف رحمت آباد):
۱۸۳.
طایفه چافر بیگدلی (از طوایف حلقه داغلی
گوکلان استراباد): ۶۴.
طایفه چکه (از طوایف قرق استراباد): ۶۳.
طایفه چگینی (از طوایف قزوین): ۱۷۴.
طایفه چوگان (از طوایف یارعلی استراباد):

- طوایف دو درقه (فرقه‌ای از طایفه گویکلان
استرآباد): ۶۳.
- طایفه دوغ کائلو (از طوایف رحمت‌آباد):
۱۸۳.
- طایفه دهند (از طوایف قرق‌استرآباد): ۶۳.
- طایفه ذوالقدر (یکی از هفت طایفه اصلی
قاجار): ۷۲.
- طایفه رحیم خان هرازجریبی: ۳۵.
- طایفه رفیع خان: ۱۷۴.
- طایفه زند: ۷۴.
- طایفه زیادلو (یکی از شش طایفه اشاقه-
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه سادات (ساکن در استرآباد): ۴۸.
- طایفه ساریجه‌لی (از طوایف آتابای
استرآباد): ۵۹.
- طایفه ساریجه میوت (از طوایف داز
استرآباد): ۶۰.
- طایفه ساوری: ۵۲.
- طایفه سپانلو (یکی از شش طایفه یخاری-
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه سدن‌رستاق: ۵۲.
- طایفه سرخی (از طوایف ساکن در انزلی):
۲۰۱.
- طایفه سقار (از طوایف یلقی استرآباد): ۶۰.
- طایفه سقالی (از طوایف یارعلی استرآباد):
۵۸.
- طایفه سقی (از طوایف آتابای استرآباد):
۵۹.
- طایفه سلاخ (از طوایف استرآباد): ۶۲.
- ۵۸.
- طایفه حاجی‌لر (ساکن در استرآباد): ۴۸.
- ۵۳.
- طایفه حوزده (از طوایف قجق تاتار استرآباد):
۶۲.
- طایفه خاشا بری (از طوایف ساکن در طالش
دولاب): ۲۰۶.
- طایفه خروشور (از طوایف سنگر و درقه
گویکلان استرآباد): ۶۴.
- طایفه خزینسه‌دارلو (یکی از شش طایفه
یخاری‌باش قاجار): ۷۲.
- طایفه خواجه‌وند (ساکن در کجور): ۱۴۰.
- طایفه خواجه‌وند (ساکن در کلاره دشت):
۱۴۳.
- طایفه خورطه (از طوایف کوچک استرآباد):
۶۱.
- طایفه خیوقی (از طوایف داز استرآباد):
۶۰.
- طوق داربند [محلّه...]: ۱۱۷.
- طایفه داری (از طوایف غائی حلقه داغلی
گویکلان استرآباد): ۶۵.
- طایفه داز (از طوایف استرآباد): ۶۰، ۶۲.
- طایفه داشلو (یکی از شش طایفه یخاری‌باش
قاجار): ۷۲.
- طایفه درکونجی (از طوایف آتابای استرآباد):
۵۹.
- طایفه دوانلو (یکی از شش طایفه یخاری-
باش قاجار): ۷۲.
- طایفه دوجی (از طوایف استرآباد): ۶۰.

طایفه سنگر (ازطوایف دودرقه گویکلان
استرآباد): ۶۳.
طایفه سهنه (ازطوایف آتابای استرآباد):
۵۹.
طایفه سیل سپر: ۵۳.
طایفه شام بیاتی (یکی ازشش طایفه اشاقه-
باش قاجار): ۷۲.
طایفه شاملو (یکی ازهفت طایفه اصلی قاجار):
۷۲.
طایفه شاه کوئی: ۵۲.
طایفه شرفوند (ساکن در کجور): ۱۴۵.
طایفه شیرازی (ازطوایف ساکن در طالش-
دولاب): ۲۵۶.
طایفه صوفیان (ازطوایف قرق استرآباد):
۶۳.
طایفه طعنه (ازطوایف آتابای استرآباد):
۵۹.
طایفه عاشق زور: ۲۱۳.
طایفه عبدالملکی: ۸۸.
طایفه عرب (از طوایف حلقه داغلی گویکلان
استرآباد): ۶۴.
طایفه عضدانلو (یکی از شش طایفه اشاقه-
باش قاجار): ۷۲، ۷۳.
طایفه علی زمان: ۱۷۴.
طایفه علی کاهی (از طوایف ساکن در
خوار): ۹.
طایفه عمرانلو (از طوایف ساکن در بلوک
کلباد): ۷۹.
طایفه غائی (ازطوایف حلقه داغلی گویکلان

استرآباد): ۶۵.
طایفه غب اوصانلو (ساکن در تنکابن):
۱۴۹.
طایفه قاجار (یکی ازهفت طایفه اصلی قاجار):
۷۲، ۴۸.
طایفه قانقرمه (ازطوایف آتابای): ۵۹.
طایفه قان یقمز (ازطوایف استرآباد): ۶۲.
طایفه قجر: ۷۴.
طایفه قجق تاتار (ازطوایف استرآباد): ۶۲.
طایفه قراچورلو (ازطوایف ساکن در
خوار): ۹.
طایفه قراچه داغی (ازطوایف دازاسترآباد):
۶۱.
طایفه قرا بلخان (از طوایف حلقه داغلی
گویکلان استرآباد): ۶۴.
طایفه قراداشلو (ازطوایف آتابای استرآباد):
۵۹.
طایفه قراشور (از طوایف سنگر دو درقه
گویکلان استرآباد): ۶۴.
طایفه قرامسانلو (یکی ازشش طایفه اشاقه-
باش قاجار): ۷۲.
طایفه قرخ کانلو (ازطوایف رحمت آباد):
۱۸۳.
طایفه قرق (از طوایف دودرقه گویکلان
استرآباد): ۶۳.
طایفه قرناسن (ازطوایف غائی حلقه داغلی
گویکلان استرآباد): ۶۵.
طایفه قرنجیک (ازطوایف نورعلی استرآباد):
۵۸.

طایفه قروتی (ازطوایف استرآباد): ۶۲.

طایفه قزاق: ۱۰۸.

طایفه قزل (ازطوایف یارعلی استرآباد):

۵۸.

طایفه قسقه آق (ازطوایف آق استرآباد):

۵۹.

طایفه قلیج لی = قلیج لی (ازطوایف

ساکن درشهر ساری): ۹۷، ۹۰.

طایفه قوانلو (یکی ازشش طایفه اشاقه باش

قاجار): ۷۲.

طایفه قوشچی (ازطوایف سنگر دو درقه

گوکلان استرآباد): ۶۴.

طایفه قولر (ازطوایف آتابای استرآباد):

۵۹.

طایفه قباخلو (یکی از شش طایفه یخاری-

باش قاجار): ۷۲.

طایفه قیاس وند (ازطوایف قزوین): ۱۷۴.

طایفه قیر (ازطوایف یلقی استرآباد): ۶۰.

طایفه کاکاوند (ازطوایف قزوین): ۱۷۵.

طایفه کنول: ۵۲.

طایفه کر (ازطوایف نورعلی استرآباد): ۵۸.

طایفه کرد (ازطوایف نورعلی استرآباد):

۵۸.

طایفه کرگز (ازطوایف دو درقه گوکلان

استرآباد): ۶۴.

طایفه کرلو (یکی ازشش طایفه اشاقه باش

قاجار): ۷۲.

طایفه کره (ازطوایف داز استرآباد): ۶۰.

طایفه کسه (ازطوایف آتابای استرآباد): ۵۹.

طایفه کسه حلقه (ازطوایف آتابای استرآباد):

۵۹.

طایفه کل (ازطوایف یارعلی استرآباد):

۵۸.

طایفه کلته (ازطوایف نورعلی استرآبادی):

۵۸.

طایفه کلهر (ازطوایف قزوین): ۱۷۶.

طایفه کم (ازطوایف نورعلی استرآباد):

۵۸.

طایفه کنک لیک (ازطوایف قرق استرآباد):

۶۳.

طایفه کوتی معجم (ازطوایف نیقاق دودرقه

گوکلان استرآباد): ۶۴.

طایفه کوچک (ازطوایف استرآباد): ۶۱.

طایفه کوسه لی (ازطوایف یارعلی استرآباد):

۵۸.

طایفه کوجک (ازطوایف قرق استرآباد):

۶۳.

طایفه کهنکه (ازطوایف قجق تاتار استرآباد):

۶۲.

طایفه کهنه لو (یکی از شش طایفه یخاری -

باش قاجار): ۷۲.

طایفه گالش: ۲۱۳.

طایفه گرای لی: ۸۸، ۸۹، ۹۰.

طایفه گیلک: ۲۱۳.

طایفه لك: ۱۴۳.

طایفه لیوانی: ۵۳.

طایفه مافی (ازطوایف قزوین): ۱۷۶.

طایفه محمدانلق (ازطوایف آتابای

- استراباد: ۵۹.
- طایفه محذوم (از طوایف استراباد): ۶۲.
- طایفه مدانلو: ۹۷.
- طایفه مدو: ۱۴۵.
- طایفه مقصودلو: ۵۲.
- طایفه میرزا علی (از طوایف یلّقی استراباد): ۶۰.
- طایفه نورعلی (از طوایف استراباد): ۵۸.
- طایفه نیناق (از طوایف دودرّقه گوکلان استراباد): ۶۳.
- طایفه نیکالو (یکی از هفت طایفه اصلی قاجار): ۷۲.
- طایفه وکیلی (از طوایف یلّقی استراباد): ۶۰.
- طایفه ولی لو (از طوایف رحمت آباد): ۱۸۳.
- طایفه یابندر (از طوایف دودرّقه گوکلان استراباد): ۶۳.
- طایفه یارعلی (از طوایف استراباد): ۵۸.
- طایفه یان پی (از طوایف آتابای استراباد): ۵۹.
- طایفه یخار بوی لی (از طوایف قرا بلخان حلقه داغلی گوکلان استراباد): ۶۵.
- طایفه یخاری باش: ۷۳، ۷۴.
- طایفه یصواجی (از طوایف قجق تاتار استراباد): ۶۲.
- طایفه یلّقی (از طوایف استراباد): ۶۰.
- طبرسی [شیخ...]: ۱۲۷، ۱۲۹.
- طعنه [طایفه...]: ۵۹.
- طغان قلیچ خان (یکی از خوانین جعفرای): ۷۰.
- طلابر (از دهکده های رحمت آباد): ۱۸۳.
- طلاقان (از دهکده های شفت): ۱۹۲.
- طوالش: ۲۰۰.
- طوایف ترکمان: ۶۸.
- طوایف ترکمانیه: ۱، ۷۸.
- طوایف تکه آخال نشین (از طوایف استراباد): ۶۵.
- طوایف جعفرای: ۶۸.
- طوایف حلقه داغلی (فرقه ای از طایفه گوکلان استراباد): ۶۳، ۶۴.
- طوایف عمارلو: ۱۸۸.
- طوایف گوکلان: ۶۳.
- طوایف میوت: ۶۲.
- طوره پشت (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولاب خاله (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- طولرج (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولرود (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طولرود (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.
- طولگیلان (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- طهران: ۱، ۶، ۷، ۲۵، ۲۹، ۶۹، ۷۴، ۹۳، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۴.
- طهاسب [شاه...]: ۲۱۵، ۱۷۶، ۱۴۹. دارالخلافه: ۱.
- طهاسب قلیخان (برادر حسین قلیخان حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
- طهمورث آباد (از دهکده های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷.
- طیلار (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

طیل نو (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.

ظ

ظل السلطان: ۳.

ع

عاشق زور [طایفه...]: ۲۱۳.

عاقلیه [تکیه...]: ۱۶۳.

عباس [استاد...], (استادکارکارخانه

شکر سازی بارفروش): ۱۱۸.

عباس [امامزاده...]: ۹۳.

عباس [شاه...]: ۷۲، ۷۷، ۸۱، ۸۴، ۸۷،

۹۱، ۹۴.

عباس آباد: ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶.

عباس آباد (از دهکده‌های ورامین): ۴.

عباسو (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.

عباسقلی [آقا...]: ۱۱۲.

عباسقلی ارباب [آقا...], (مالک محله کل-

بست): ۱۱۵، ۱۲۲.

عباسقلی خان: ۱۲۸.

عباسقلی خان سردار (بزرگ لاریجان و پسر

غلامعلی خان سرهنگ): ۱۳۴.

عباسقلی خان سوادکوهی: ۱۲۷.

عباسقلی میرزا: ۹۰، ۹۳.

عباسقلی میرزا (تیولدار دهکده سمیس کنده

خالصه شاهی): ۹۲.

عباس میرزا (نایب السلطنه فتحعلیشاه): ۳.

عبدالباقی منجم یاشی [میرزا...], (مالک

قریه قاسم آباد): ۱۵۴، ۱۶۰.

عبدالله [آقا...], (برادر حاجی مصطفی خان

سورتیج): ۱۲۷.

عبدالله [امامزاده...], (بر سر راه کفشگیری):

۴۵.

عبدالله [امامزاده...], (در قریه صارو): ۸۰.

عبدالله [امامزاده...], (بر سر راه نیکاح به

سمیس کنده): ۹۰.

عبدالله (امامزاده استرآباد): ۴۹.

عبدالله [حاجی سید...], (از علمای رشت):

۱۶۸.

عبدالله [حاجی ملا...], (از مجتهدین بنام

ساری): ۱۰۶.

عبدالله [دهکده...]: ۱۳.

عبدالله [میرزا...], (از پسران آقا میرزا

یوسف): ۱۴۷.

عبدالله آباد [دهکده...]: ۱۰.

عبدالله آباد (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.

عبدالله ارباب [آقا...], (مالک قریه سورک):

۹۱.

عبدالله ییگک: ۱۸۹.

عبدالله ییگک (کدخدای ایوان کیف): ۵.

عبدالله خان (پسر کوچک حبیب الله خان

سرتیپ): ۱۴۹.

عبدالله خان (حاکم لشت نشا): ۱۹۹.

عبدالصمد خان (رئیس طایفه مقصودلو):

۵۲.

عبدالصمد خان [میر...]: ۱۶۵.

عبدالملکی [طایفه...]: ۸۸.

عبد الوهاب [میرزا...], (بلوک باشی سیاه کله.

رود): ۱۵۵.
 عثمان کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵.
 عثمان‌نودان (از دهکده‌های شفت و حاکم
 نشین): ۱۹۲.
 عراق: ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۶۹، ۱۸۹.
 عرب [ایل...]: ۹، ۶۴.
 عربان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 عرب‌خیل (از قشلاک‌های نور): ۱۳۷.
 عروستان (از ییلاق‌های طالش دولاب): ۲۰۶.
 عسکرخانه فرح‌آباد (از بناهای شاه‌عباسی):
 ۱۰۸.
 العسکری علیه‌السلام [امام...]: ۱.
 عشق‌آباد: ۶۵.
 عضدانلو [طایفه...]: ۷۲، ۷۳.
 علامن (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
 و کتول استرآباد): ۵۶.
 علوی کلا (قریه‌ای از بلوک فیروز کلا): ۱۳۸.
 علی‌آباد: ۱۰۶، ۱۲۸.
 علی‌آباد (از دهکده‌های ایل نشین رحمت-
 آباد): ۸۳.
 علی‌آباد (از دهکده‌های استرآباد رستاق
 استرآباد): ۵۵.
 علی‌آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
 علی‌آباد (از دهکده‌های رودبار زیتون):
 ۱۹۰.
 علی‌آباد [بلوک...]: ۱۰۱.
 علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌السلام (مولای متقیان):

۲۵، ۱۹۳.
 علی اکبر [آقا...]: (کلاتر استرآباد):
 ۵۰.
 علی اکبر [آقا میرزا...]: (برادر کوچک
 مرتضی قلی بیگ بزرگ ارادان): ۸.
 علی اکبر (امام زاده‌ای در نزدیکی لاس‌گرد):
 ۱۵.
 علی اکبر بیگ: ۱۹۴.
 علی اکبرخان [میر...]: (در بایگی گیلانات):
 ۱۶۵.
 علی اکبر کجوری [ملا...]: (ضابط علوی-
 کلا): ۱۳۸.
 علیاواک (خالصه شاهی و تیول قجر): ۱۰۷.
 علی تپه [دهکده...]: ۸۰.
 علی حسن [حاجی...]: (مالک دهکده گلو-
 گاه): ۲۰۲.
 علی زمان [طایفه...]: ۱۷۴.
 علی سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 علی کاهی [طایفه...]: ۹.
 علی محمد باب [سید...]: ۱۲۹.
 علی نقی [حاجی...]: (تاجر کاشی ساکن
 طهران): ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۳.
 علیقلی خان = خان‌خانی (پسر حسین قلی خان
 حاکم طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
 علی‌قلی خان (پدر حسین قلی خان حاکم
 طالش دولاب و گیل دولاب): ۲۰۷.
 علی‌نقی [میرزا...]: (حاکم ولایت زیتون-
 رودبار): ۱۸۹.
 علی‌نقی خان (پسر عموی میرزا محمد خان

سپه سالار): ۲۴.
 عمادالدین [ملا...]: ۷۹.
 عمارات آقا محمد خان (در استرآباد): ۴۸.
 عمارات شاه عباسی (دفرح آباد): ۱۰۹.
 عمارت آقا میرزا یوسف: ۱۴۷.
 عمارت باغ شاه (در شهر بارفروش): ۱۲۵.
 عمارت تپه کلباد: ۷۷، ۷۸، ۷۹.
 عمارت حاجی میرزا رضا داماد منجم باشی:
 ۱۵۸.
 عمارت رحیم خان (در کفشگری): ۴۵.
 عمارت جهان نما (از بناهای شاه عباسی فرح-
 آباد): ۱۰۸.
 عمارت سرطویه فرح آباد (از بناهای شاه-
 عباسی): ۱۰۸.
 عمارت سرومحلّه جعفر آقا: ۸۹.
 عمارات شاه عباسی: ۸۳، ۸۴.
 عمارت شاه عباسی قرا تپه: ۸۷.
 عمارت اندرونی (از بناهای شاه عباسی در
 شهر اشرف): ۸۳.
 عمارت اندرونی (از بناهای ملک آرا در
 ساری): ۹۶.
 عمارت محمد باقر خان انزانی: ۸۵.
 عمارتو: ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸.
 آب گرم: ۱۸۷، ۱۸۸. از خرگام برسه:
 ۱۸۷. اسکوبین: ۱۸۷. انبوه: ۱۸۷.
 اهل: ۱۸۷. بی ورزین: ۱۸۶. پارویار:
 ۱۸۷. پاشام: ۱۸۷. پاکده: ۱۸۷. پتل:
 ۱۸۷. پشته کلان: ۱۸۷. تسکین: ۱۸۷.
 توتک چال: ۱۸۷. تیان دشت: ۱۸۷.

جیرنده: ۱۸۷. چل واشک: ۱۸۷. چمل:
 ۱۸۷. خریو: ۱۸۷. خول خواب: ۱۸۶.
 داماش: ۱۸۷. دشت زر: ۱۸۷. دی نک:
 ۱۸۷. زکابر: ۱۸۷. سامان عمارتو: ۱۶۲.
 سنگ رود: ۱۸۷. سو کوره: ۱۸۷. سی-
 بن: ۱۸۷. طالاکو: ۱۸۷. طایفه تی تی
 کانلو: ۱۸۸. طایفه چاخم لو: ۱۸۸.
 طایفه چغلانلو: ۱۸۸. طایفه درلو: ۱۸۸.
 طایفه شاهقلانلو: ۱۸۸. طایفه قبه کرانلو:
 ۱۸۸. طایفه قلی خان: ۱۸۸. طایفه کامل
 خان: ۱۸۸. طایفه محمودلو: ۱۸۸.
 طایفه منجیلی ها: ۱۸۸. طایفه میرزاخانلو:
 ۱۸۸. طایفه نوروزخان: ۱۸۸. طایفه
 وشمکانلو: ۱۸۸. طایفه ولیخان بی شانلو:
 ۱۸۸. طوایف: ۱۸۸. طمهورث آباد:
 ۱۸۷. عین ده: ۱۸۷. کاکوستان: ۱۸۷.
 کپل: ۱۸۷. کشته رود: ۱۸۷. کلور-
 دره: ۱۸۶. کله جوب: ۱۸۷. کلیشم:
 ۱۸۷. کمال ده: ۱۸۷. کنگری: ۱۸۷.
 کوره رود: ۱۸۷. کوورط: ۱۸۷.
 کهکه چین: ۱۸۷. گردویش: ۱۸۷.
 گیاش: ۱۸۷. گیروه: ۱۸۷. گیلان کش:
 ۱۸۷. لایه: ۱۸۷. لوشان: ۱۸۶، ۱۸۷.
 لیاول: ۱۸۷. ماش میان: ۱۸۷. منجیل:
 ۱۸۶. میانه کوشک: ۱۸۷. نارن ده:
 ۱۸۷. ناش: ۱۸۷. ناوه: ۱۸۷. نمه-
 کوران: ۱۸۶. نه ده: ۱۸۷. واطل: ۱۸۷.
 ولایت: ۱۸۶. وی یه: ۱۸۷. یو کتم: ۱۸۷.
 عماله جو (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.
 عمرانلو [طایفه...]: ۷۹.
 عمرخان (وزیر اول دریاقلیخان جعفر بای): ۷۰.

عمیدالملک امیراصلان خان (حاکم گیلان):

۱۶۵، ۱۰۹

علیخان [سید...]: ۱۶۵.

عیسی خان: ۱۴۰.

عین‌ده (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

غ

غائی [طایفه...]: ۶۵.

غازیان: ۲۰۱.

غب اوصانلو [طایفه...]: ۱۴۹.

غریب‌آباد (بقعه‌ای در لاهیجان): ۱۶۲،

۱۶۳.

غلام حسین خان (کدخدای قشلاق): ۷.

غلامحسین [مشهدی...]: (بانسی تعمیر

کاروانسرای شاه عباسی آهوان در

۱۲۷۱): ۲۱.

غلام‌رضاخان (از سرکرده‌های طایفه کاکاوند):

۱۷۵.

غلامعلیخان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.

غلامعلیخان سرهنگ (پدر عباسقلیخان و

بزرگ لاریجان): ۱۳۴.

ف

فارس: ۸۸، ۱۷۴، ۱۷۵.

فاطمه = حضرت معصومه = مزار لال‌شوی

(خواهر حضرت امام رضا علیه السلام):

۱۶۷.

فتح‌الله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.

فتح‌الله [میرزا...]: (بلوک باشی سیاه‌کله.

رود): ۱۵۵.

فتحعلی‌خان (بزرگ فرقه اشاقه‌باش) = سردار

کل طایفه قاجار استرآباد: ۷۳.

فتحعلی شاه [خاقان مغفور...]: ۱۷، ۲۴،

۷۵، ۱۲۱.

فتک (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.

فتکوه (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.

فخر عمادالدین (از بلوک استرآباد): ۵۶،

۶۰.

فخر عمادالدین وکتول [بلوک...]: ۵۶.

فراش محله [محله...]: ۸۱.

فرج‌الله خان (حاکم ولایت کرگان رود):

۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵.

فرح‌آباد: ۸۸، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰. اشپل‌سازخانه:

۱۰۹. انبار پیرپاس: ۱۰۹. انبار نمک:

۱۰۹. حمام: ۱۰۸. دیوانخانه: ۱۰۸.

راسته بازار ۱۰۸. سرطویله: ۱۰۸.

عسکرخانه: ۱۰۸. عمارت جهان نما:

۱۰۸، قصاب‌خانه: ۱۰۹. کاروانسرا:

۱۰۸. مسجد: ۱۰۸.

فرضه انزلی: ۱۶۰.

فرقه آق قلیچ‌خانی (از طایفه یابندر دو-

درقه استرآباد): ۶۳.

فرقه اشاقه‌باش: ۷۳.

فرقه نفس‌خانی (از طایفه یابندر دودرقه

گو کلان استرآباد): ۶۳.

فرنگ: ۲۱۴.

فریدون گبر پارسی: ۹۸، ۹۹.

- فریکنار: ۱۳۱، ۱۳۲.
- فشخام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- فضل الله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- فلح آباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- فند (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- فندرسک (از بلوک استرآباد): ۵۷، ۵۳، ۵۵.
- فندرسک [دهات...]: ۶۱.
- فوتمه سر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- فومن: ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷. اهل: ۱۹۴.
- پایتخت سلاطین گیلان: ۱۹۴. تکیه: ۱۹۴.
- حمام: ۱۹۶. دکا کین: ۱۹۴. دهات:
۱۹۵. رودخانه: ۱۹۴. سلاطین گیلان:
۱۹۴. قلعه صلصال جادو: ۱۹۴. کاروانسرا:
۱۹۴. مساجد: ۱۹۴. منار بازار: ۱۹۴.
- ولایت: ۱۹۴.
- فیروز کلا [بلوک...]: ۱۳۸، ۱۴۵.
- فیروزکنده (خالصه شاهی و تیول احمد میرزا): ۱۵۷.
- فیروزکوه: ۷، ۸.
- فیشکلی [محله...]: ۱۵۹.
- فیض آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- فیلده (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
- ق
- قاتول (شامل چهارقریه است از دهکده‌های خوار): ۱۱.
- قاجار [حاجی فتحعلی بیگ...]: (بانسی مدرسه دامغان در سنه ۱۱۱۹): ۲۴.
- قاجار [طایفه...]: ۴۸، ۷۲.
- قاجار استرآباد نشین: ۷۲، ۷۵.
- قادرآباد [دهکده...]: ۲۷.
- قادی کلا [بلوک...]: ۱۵۱.
- قادی کلانی [خسرو...]: ۱۲۶.
- قادی کلانی [زکریا...]: ۱۲۶.
- قاری قلعه: ۶۹.
- قاسم [امام زاده...]: ۸۵.
- قاسم [امام زاده...]: (پسر امام موسی کاظم علیه السلام): ۴۲.
- قاسم (امام زاده استرآباد): ۴۹.
- قاسم آباد (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- قاسم آباد (از دهکده‌های رانکو): ۱۵۴.
- قاسم خان (از سرکردگان طایفه جلیل وند): ۱۷۵.
- قاسم خان [حاجی...]: (پدر محمد تقی خان حاکم ولایت تولم): ۱۹۷.
- قاضی ده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- قاضی کتی [محله...]: ۱۱۷.
- قاضی محله: ۱۵۸.
- قانقرمه [طایفه...]: ۵۹.
- قان یقمز [طایفه...]: ۶۲.
- قبچاق (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- قبر بی بی شهربانو: ۴.
- قبر رسول الله صل الله علیه وآله: ۱۱۲.
- قبرستان اتباع روس در میان کاله: ۳۷.
- قبرستان اسب چین: ۱۴۶.
- قبرستان امیج کلا: ۱۴۶.

قبرستان قدیم چهار دهی: ۴۴.
 قبرستان قدیمی (تپه‌ای پشت چاپارخانه
 آهوان): ۲۲.
 قبرستان گبرها (در نزدیکی کفشگیری): ۴۵.
 قبرستان محمودآباد هراز: ۱۳۳.
 قبرستان ملا امیر (در رودسر): ۱۵۷.
 قبر شیخ طبرسی: ۱۲۶، ۱۲۷.
 قبر فریدون: ۹۶.
 قبله هالم = ناصرالدین شاه: ۹۳.
 قبه کرانلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
 قجر (طایفه ترک): ۷۲، ۷۳، ۱۰۷.
 قجر افشاری: ۷۳.
 قجق تانار [طایفه...]: ۶۲.
 قدم‌گاه حضرت امام رضا (ع) (در شمال
 غربی دهکده آهوان): ۲۲.
 قدم‌گاه خضر علیه‌السلام (در خارج شهر
 استرآباد): ۴۷، ۴۹.
 قدم‌گاه شاه عباس = کاروانسرای شاه
 عباسی سمنان: ۱۷.
 قرا باغ: ۷۹.
 قرا بلخان [طایفه...]: ۶۴.
 قرا تپه (در دوفرسنگی نیکاح): ۳۸، ۸۷،
 ۸۸، ۹۰.
 قرا تیکان: ۶۱.
 قراچورلو [طایفه...]: ۹.
 قراچه داغی [طایفه...]: ۶۱.
 قرا داشلو [طایفه...]: ۵۹.
 قرا داغ: ۷۹.
 قرا سنگر [دهکده...]: ۴۶، ۵۷.

قرا سو: ۲۱۴.
 قرا شور [طایفه...]: ۶۴.
 قرا شیخ: ۶۴.
 قرا طغان [بلوک...]: ۹۷، ۸۹، ۹۰، ۱۰۰.
 قرا قان (یکی از محله‌های سکناى طوایف
 تکه آخال نشین): ۶۷.
 قرا کلا [محله...]: ۱۱۷.
 قرا مسانلو [طایفه...]: ۷۲.
 قرا کافلو [طایفه...]: ۱۸۳.
 قرن آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵، ۶۴.
 قرناسن [طایفه...]: ۶۵.
 قرنجیک [طایفه...]: ۵۸.
 قراولخانه سنگی (از ساخته‌های نادرشاه در
 اراضی سررده): ۶.
 قراولخانه نادری (در اراضی سررده): ۶.
 قرة العین (دختر حاجی ملا صالح، مجتهد
 قزوین): ۱۲۵، ۱۲۹.
 قرق [طایفه...]: ۶۳.
 قروتی [طایفه...]: ۶۲.
 قریه امین آباد: ۴.
 قریه بازه کی گوراب: ۱۶۵.
 قریه رزآش: ۱۹۱.
 قریه سرخک (از دهکده‌های سمنان): ۱۵.
 قریه شالکو: ۱۶۶.
 قریه کاکاوا: ۱۷۷.
 قریه کلشتر: ۱۸۱.
 قریه کومسار: ۱۹۱.
 قریه کیسم (از دهکده‌های لاهیجان): ۱۶۵.

۱۶۶. قریه نیالا (از دهکده‌های ولایت هزار جریب):
 ۱۲۵. قزاق [طایفه...]: ۱۰۸.
 قزان چای: ۷، ۸.
 قزل [طایفه...]: ۵۸.
 قزل‌باش (لقبی که شاه اسماعیل به هفت طایفه قاجار داد): ۷۲.
 قزل‌رباط (یکی از محله‌های سکناى تکه آخال‌نشین): ۶۵، ۶۷.
 قزلی [طایفه...]: ۹۰.
 قزوین: ۱۰۵۰، ۱۲۵، ۱۴۸، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۸. ایلیات قزوین: ۱۷۳، ۱۷۴.
 طایفه بهتوتی: ۱۷۶. طایفه باجلان: ۱۷۷.
 طایفه پای روند قلیچ خانسی: ۱۷۷.
 طایفه رشوند: ۱۷۷. طایفه جلیل-وند: ۱۷۵.
 طایفه چگینی: ۱۷۴. طایفه قیاس‌وند: ۱۷۴.
 طایفه کاکاوند: ۱۷۵. طایفه کلهر: ۱۷۶.
 طایفه مافی: ۱۷۶.
 قسقه‌آق [طایفه...]: ۵۹.
 قشلاق (از دهکده‌های خوار که شامل پنج قریه است): ۶، ۷، ۱۱. آب انبار: ۷.
 تکیه: ۷. چاپارخانه: ۷. حمام: ۷.
 کاروانسرا: ۷. مسجد: ۷.
 قشلاق جیرنده (قشلاق حاکم عمارلو): ۱۸۶.
 قشلاق نفر (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 قشون زندیه: ۸۱.
 قصاب خانه فرح آباد: ۱۰۹.
 قصاب سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
 قصاب بعلی سرا (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
 قصاب کلا [محله...]: ۱۱۷.
 قصبه (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
 قصبه مومن: ۱۹۴.
 قصبه محله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
 قلعه [محله...]: ۲۵.
 قلعه ارادان: ۸، ۱۰.
 قلعه اسب چین = قلعه عثمان پاشا: ۱۴۶.
 قلعه استرآباد: ۴۷، ۴۸.
 قلعه الله ویردی (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال‌نشین): ۶۶.
 قلعه‌ای قدیمی (در سرودخانه نمک آب‌رود-سر): ۱۴۶.
 قلعه‌ای قدیمی بر کوه ذنبیل کوه سخت‌سر: ۱۵۱.
 قلعه بابا عرب (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال‌نشین): ۶۶.
 قلعه باقر (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه آخال‌نشین): ۶۶.
 قلعه بن (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶، ۲۱۵.
 قلعه بن (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
 قلعه تپه (محل منزل سرشناسان ارادان): ۸.
 قلعه چک (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 قلعه‌چقه ده نمک: ۱۲.
 قلعه‌چقه سرخک: ۱۵.
 قلعه خرابه (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
 قلعه خرابه (بر سر راه دامغان به شاهرود): ۲۷.
 قلعه خرابه آهوان: ۲۱.

- قلعه خندان: ۴۷.
 قلعه دهکده تاش: ۳۱.
 قلعه دولت آباد: ۲۳.
 قلعه رودخان (ازدهکده‌های قومن): ۱۹۴، ۱۹۵.
 قلعه سر [محلۀ...]: ۸۹.
 قلعه سلطان آباد (قلعه‌ای در قوشه): ۲۳.
 قلعه شاه‌رود: ۲۸.
 قلعه شاه‌کو: ۳۳.
 قلعه شیخ طبرسی: ۱۲۹.
 قلعه شیشه: ۷۴.
 قلعه صلصال جادو: ۱۹۴.
 قلعه عثمان پاشا = قلعه اسب چین: ۱۴۶.
 قلعه عشق آباد (یکی از محل‌های تکه آخال- نشین): ۶۶.
 قلعه قشلاق: ۷.
 قلعه کل شانه‌پاور: ۲۰۷.
 قلعه کوشی (یکی از محل‌های سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
 قلعه لاس‌گرد: ۱۳، ۱۴.
 قلعه محمود (از دهکده‌های بلوک سدن- رستاق استرآباد): ۵۳.
 قلعه نو (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
 قلعه یزید: ۴.
 قلندر عایش (از دهکده‌های بلوک سدن- رستاق استرآباد): ۵۴.
 قلندر محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
 قلیچلی [طایفه...]: ۹۰، ۹۷.
 قلی‌خان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.
 قلی‌خان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
 قلیخان یوزباشی: ۵۲.
 قنات سرخواجه: ۴۹.
 قنات شاه‌رود: ۲۹.
 قوانلو [طایفه...]: ۷۲.
 قوچان: ۶۵.
 قورخانه انزلی: ۲۰۰.
 قورخانه میان‌پشته: ۲۰۱.
 قوزک (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
 قوزلق: ۶۷.
 قوشچی [طایفه...]: ۶۴.
 قوشن کرپی (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین وکتول استرآباد): ۵۶.
 قوشه [دهکده...]: ۲۲. آب انبار: ۲۳.
 چا پارخانه: ۲۳. قلعه سلطان آباد: ۲۳.
 کاروانسرای شاه‌عباسی: ۲۳.
 قولر [طایفه...]: ۵۹.
 قوم (حد شمالی سکناى تکه آخال نشین): ۶۵.
 قونبیل جو (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.
 قونچه‌خان (یکی از خوانین جعفرابای): ۷۰.
 قیاخلو [طایفه...]: ۷۲.
 قیاس‌وند [طایفه...]: ۱۷۴.
 قیتول [دهکده...]: ۱۷۸.
 قیر [طایفه...]: ۶۰.
 ک

کارکنده (از دهکده‌های بلوک انزان

- استرآباد: ۵۴.
- کاروانسرای [محله...]: ۱۶۳.
- کاروانسرای استرآباد: ۴۹.
- کاروانسرای اشرف: ۸۱.
- کاروانسرای انوشیروان دهکده آهوان: ۲۲.
- کاروانسرای بارفروش: ۱۱۸.
- کاروانسرای سبزه میدان (دربار فروش): ۱۲۵.
- کاروانسرای سیف الله میرزا (در سمنان): ۱۷.
- کاروانسرای سنگی (منسوب به انوشیروان): ۲۱.
- کاروانسرای شاه (از کاروانسراهای ساری): ۹۶.
- کاروانسرای شاه رود: ۲۹.
- کاروانسرای شاه رود (بانی آن حاجی ابو-طالب): ۲۸.
- کاروانسرای شاه عباسی (در محله پایین ایوان کیف): ۵.
- کاروانسرای شاه عباسی آهوان: ۲۱.
- کاروانسرای شاه عباسی دهکده قوشه: ۲۳.
- کاروانسرای شاه عباسی دهکده لاس گرد: ۱۴.
- کاروانسرای شاه عباسی ده نمک: ۱۲.
- کاروانسرای شاه عباسی سمنان = قدمگاه شاه عباس: ۱۷.
- کاروانسرای فرح آباد (از بناهای شاه عباس): ۱۵۸.
- کاروانسرای فومن: ۱۹۴.
- کاروانسرای قشلاق: ۷.
- کاروانسرای لاهیجان: ۱۶۳.
- کاروانسرای لنگرود: ۱۹۵.
- کاریز (یکی از محلهای سکناى طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- کاس احمدان (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
- کاسان (از دهکدههای فومن): ۱۹۵.
- کاسه گران [گذب...]: ۵۰.
- کاسه گر محله [محله...]: ۱۱۶.
- کاشان: ۷، ۱۰.
- الکاظم علیه السلام [امام...]: ۱.
- کاظم آباد (از محلههای مشهدسر): ۱۱۲.
- کاظم آباد (بر سر راه مشهدسر به بارفروش): ۱۱۵.
- کاظم خان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.
- کاظم خان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- کاظم خان (حاکم ماسال): ۱۹۸.
- کافر دین: ۶۱.
- کاکلوا [دهکده...]: ۱۷۷، ۱۷۸.
- کاکوستان (از دهکدههای بامصور عمارلو): ۱۸۷.
- کالج [بلوک...]: ۱۳۷.
- کاله [محله...]: ۱۱۲.
- کامبر (از دهکدههای رودبارزیتون): ۱۹۰.
- کامپانی تاجر دولت روسیه: ۲۸.
- کاور قلعه: ۶۳.
- کبته (از دهکدههای رودبارزیتون): ۱۹۰.
- کبودجامه: ۵۰.
- کپ [بلوک...]: ۱۳۶.
- کپل (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۷.

- کپورچال: ۲۰۲.
- کتل منجیل: ۱۶۹.
- کتله چالچالیان (دوفر سنگی تاش): ۳۲.
- کتول: ۵۰.
- کتول (از بلوک استرآباد): ۵۶، ۶۰.
- کتول [دهات...]: ۶۱.
- کتول [طایفه...]: ۵۲.
- کجور: ۸۸، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۹.
- بلوک: ۱۳۷. انگاز: ۱۴۰. پنجک.
- رستاق: ۱۴۰. چلندر: ۱۴۰. خیرود.
- کنار: ۱۴۰. زاندر رستاق: ۱۴۰. شهر.
- کجور: ۱۴۰. فیروزکلا: ۱۴۰.
- کچلستاق: ۱۴۰. کران: ۱۳۰. کوهپر:
۱۴۰. لاشک: ۱۴۰. نارنجک بند: ۱۴۰.
- کجور [بلوک...]: ۱۳۷.
- کجوری [ملاعلی اکبر...]: (ضابط علوی - کلا): ۱۳۸.
- کچلستاق (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- کچلک (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
- کچلک (از رودخانه‌های طالش دولاب): ۲۰۴.
- کچلک محله [محله...]: ۲۰۲.
- کدوستان (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.
- کر [طایفه...]: ۵۸.
- کرادوین [صحرا...]: ۷۴.
- کرارود (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- کرافکوه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- کرانی جان [دهکده...]: ۱۴۵.
- کران (از بلوک کجور): ۱۴۰.
- کران (از دهکده‌های فومن): ۱۵۹.
- کرجی محله (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.
- کرد [طایفه...]: ۵۸، ۹۷.
- کردآباد (از دهکده‌های بلوک فخر عماد الدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- کردآباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- کردان (برسر راه تنکان به طهران): ۱۵۰.
- کردبی جار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶.
- کرد جان بیگ‌لو (ساکنین قریه حمیدآباد): ۱۰۸.
- کردستان: ۱۴۰.
- کردل کلا (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
- کرد محله (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴.
- ۵۳، ۱۶۶. چاپارخانه دولتی: ۴۳.
- حمام: ۴۳. دکان: ۴۳. حمام: ۴۳.
- محله بالابلوک: ۴۳. محله پولکی: ۴۳.
- محله توسکائیش: ۴۳. محله درازکله: ۴۳.
- محله سالی کنده: ۴۳. محله شیر - داربن: ۴۴. محله لاقوز: ۴۳. محله ملاکیله: ۴۳. مسجد: ۴۳.
- کردها [محله...]: ۳۵.
- کرکت محله (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.
- کرگان رود (از رودخانه‌های طالش - دولاب): ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴.

- استرآباد): ۴۴، ۴۵، ۵۴. تکیه: ۴۵.
حمام: ۴۵. خندق: ۴۵. دکان: ۴۵.
دیوانخانه: ۴۵. مسجد: ۴۵.
کل [طایفه...]: ۵۸.
کلاپره (ازدهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.
کلاته (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه
آخال نشین): ۶۶.
کلاته ایشاباشی (یکی از محله‌های سکنای
طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
کلاجان (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۴۶، ۵۳.
کلار: ۱۴۴.
کلارآباد [بلوک...]: ۱۴۹.
کلارستاق: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۹.
کلارستاق بیرون بشم [بلوک...]: ۱۴۴.
کلاره دشت: ۱۴۴، ۱۴۵.
کلاره دشت [بلوک...]: ۱۴۳.
کلاس (ازدهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.
کلاسنکیان (ازدهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.
کلاک [دهکده...]: ۸۰.
کلام الله خط کوفی: ۱۹۳.
کلامون (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۴.
کلایه (از دهات ایل نشین رحمت آباد):
۱۸۳.
کلباد: ۳۵، ۷۴، ۸۰. بلوک: ۷۸، ۸۹.
محلات: ۷۸.
کلباد [بلوک...]: ۷۸، ۷۹.
- ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸. دهات: ۲۱۳، ۲۱۶.
ملك: ۲۱۱. ولایت: ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۱۴.
یلاقات: ۲۱۷.
کرگان رود (از رودخانه‌های کرگان رود):
۲۱۷.
کرگز [طایفه...]: ۶۴.
کُرو [طایفه...]: ۷۲.
کرمانشاهان: ۱۷۵.
کرم رود (ازدهکده‌های سخت سر): ۱۵۱.
کرنند (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
کره [طایفه...]: ۶۰.
کریم آباد (از دهکده‌های ورامین): ۵.
کریم آباد (ازدهکده‌های بلوک سدن رستاق
استرآباد): ۵۳.
کریم خان زند: ۷۳، ۷۴، ۸۱.
کریم خان [میرزا...]: (تیولدادر بلوک لغور):
۱۲۱.
کریم خان سرتیپ [میرزا...]: (تیولدادر
بلوک سوادکوه): ۱۲۱.
کسکره (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
کسما (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
کسه [طایفه...]: ۵۹.
کسه حلقه [طایفه...]: ۵۹.
کشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
کشته رود خان (از دهکده‌های فومن):
۱۹۶.
کشته رود (ازدهکده‌های بابامنصور عمارلو):
۱۸۷.
کفشگیری (ازدهکده‌های بلوک سدن رستاق

- کلباد [محللات...]: ۷۸.
- کلباد [میرزا محمد خان...]: ۷۸.
- کل بازخان (سر کرده طایفه قراچورلو-خوار): ۹.
- کل بست (از بلوک بار فروش): ۱۲۲.
- کل بست [محلله...]: ۱۱۵.
- کلته [طایفه...]: ۵۸.
- کلج: ۱۷۷.
- کل خرابه: ۷۷.
- کلبه جار (یکی از محلهای سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- کلاگور (از دهکدههای فومن): ۱۹۵.
- کلشتر (از دهکدههای رحمت آباد): ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳.
- کلفت (از دهکدههای فومن): ۱۹۵.
- کلوس فروش (از دهکدههای رحمت آباد): ۱۸۳.
- کلوردره (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۶.
- کلورز (از دهکدههای رودبار زیتون): ۱۹۰.
- کلوندرد امین (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
- کلوندرد هادی (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
- کلویر [دهکده...]: ۲۰۲.
- کله جار (یکی از محلهای سکنای طوایف آخال نشین): ۶۶.
- کلهجوب (از دهکدههای بابامنصور عمارلو): ۱۸۷.
- کله ده (از دهکدههای لاهیجان): ۱۶۵.
- کلهر [طایفه...]: ۱۷۶.
- کلهسر (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
- کلیت (قریه ای بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۹.
- کلیشم (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۷.
- کم [طایفه...]: ۵۸.
- کمال ده (از دهکدههای بابامنصور عمارلو): ۱۸۷.
- کماسی (از دهکدههای بلوک استراباد - رستاق استراباد): ۵۶.
- کمامدرخ (از دهکدههای فومن): ۱۹۵.
- کم بو (از ییلاقهای شفت): ۱۹۲.
- کمسر (از دهکدههای فومن): ۱۹۶.
- کمیش تپه [دهکده...]: ۵۷.
- کنار سفید رود: ۱۶۳، ۱۸۲.
- کناره (از دهکدههای بلوک فخر عمادالدین وکتول استراباد): ۵۶.
- کند (از دهکدههای بلوک ارادان): ۸.
- کند (از دهکدههای خوار): ۱۱.
- کندآب (از دهکدههای استراباد): ۵۵.
- کندسر (از دهکدههای سختسر): ۱۵۱.
- کنک لیک [طایفه...]: ۶۳.
- کنو (از دهکدههای بلوک فخر عمادالدین وکتول استراباد): ۵۶.
- کنیزک: ۶۱.
- کوتی مجمن [طایفه...]: ۶۵.
- کوچک [طایفه...]: ۶۱.
- کوسه لی [طایفه...]: ۵۸.

- کوشك (از دهكده‌های خوار): ۱۱.
- کوش مغان [محلۀ...]: ۱۹.
- کوك تپه (يكي از محله‌های سكنای طوايف
- تكه آخال نشين): ۶۷.
- كو كچه [طایفه...]: ۶۳.
- كو كچه (يكي از محله‌های سكنای طوايف
- تكه آخال نشين): ۶۶.
- كولى جان = گليجان [بلوك...]: ۱۴۹.
- كوه آرسك (در سمت راست دهكده قوشه):
- ۲۳.
- كوه ابدال (در شمال سمنان): ۱۹.
- كوه الامل: ۱۴۴.
- كوه النذ: ۱۴۴.
- كوه انجیلاب (در شمال شرقی سمنان): ۱۹.
- كسوه بیارجمند (در شمال دهكده قوشه):
- ۲۳.
- كوه بيخ كوه (در شمال آهوان): ۲۲.
- كوهر (از بلوك كجور): ۱۴۵.
- كوه پس‌داكو (در شرق عباس‌آباد): ۱۴۷.
- كوه چای شیرین (در شمال شرقی سمنان):
- ۱۹.
- كوه خا كتر دله (در غرب رادكان): ۳۴.
- كوه داكو (در جنوب شرقی عباس‌آباد):
- ۱۴۷.
- كوه دلیر: ۱۴۲، ۱۴۴.
- كوه دماوند: ۵، ۷.
- كوه دوازده امام: ۷.
- كوه دو هزار (در غرب عباس‌آباد): ۱۴۷،
- ۱۴۹.
- كوه دباريان (در جنوب شرقی رادكان):
- ۳۴.
- كوه دیسو سفید (در جنوب غربی چلندر):
- ۱۳۹.
- كوه رادكان (مقابل كرد محل): ۴۳.
- كوه زر (در سمت قبله دامغان): ۲۵.
- كوه زرشك چال (در شرق رادكان): ۳۴.
- كوه زرشك خوانی (در جنوب رادكان):
- ۳۴.
- كوه زرشك كوه (در غرب دهكده آهوان):
- ۲۲.
- كوه زنبیل كوه (در سخت‌سر): ۱۵۱.
- كوهستان غربی و شرقی [بلوك...]: ۱۴۴.
- كوه سرحر (در شمال ارادان): ۱۵.
- كسوه سنگ (در شمال سمنان): ۱۹، ۲۲.
- كوه سوت كلوم: ۸۲، ۸۴.
- كوه سول‌خور (مقابل كاروانسرای انوشیروان
- دهكده آهوان): ۲۲.
- كوه سه هزار (در غرب عباس‌آباد): ۱۴۷.
- كوه سیاه كوه (سمت قبله ارادان): ۱۵، ۷.
- كوه شاه‌بار (در غرب دامغان): ۲۵.
- كوه شاه دار كوه (در غرب دامغان): ۲۵.
- كوه شاه علم دار (در بلوك كلاره دشت
- كلارستاق): ۱۴۳، ۱۴۴.
- كوه شاه كو (در شمال دامغان): ۲۵، ۴۳.
- كوه شاه‌وار (در سمت شرقی دهكده تاش):
- ۳۲، ۳۳.

- کوه شفت: ۱۹۱.
- کوه شله کوه (در سمت شرق دهکده شام-کو): ۳۳.
- کوه شولان (در نزدیکی سمنان): ۱۶، ۱۹.
- کوه صوردار (در جنوب سله): ۱۳۶.
- کوه قالی باف (در شمال شرقی ارادان): ۱۰.
- کوه کردکوه (در سمت شرقی دهکده شام-کو): ۳۳.
- کوه کلرز: ۷.
- کوه کورما (در جنوب عباس آباد): ۱۴۷.
- کوه کوکوشان (در سمت جنوب دهکده تاش): ۳۲.
- کوه لاویج: ۱۳۶.
- کوه مارکو (در سخت سر): ۱۵۱.
- کوه متصل بوجنورد: ۶۵.
- کوه محمد خفیه (در شمال دامغان): ۲۶.
- کوه ملوبند: ۱۴۵.
- کوه مران (بالا دست خرم): ۱۴۷، ۱۴۹.
- کوه مشک زار (در شمال رادکان): ۳۴.
- کوه مکرش: ۷.
- کوه ناتشکوه: ۱۵۸.
- کوه هزار جریب (در غرب سمنان): ۱۹.
- کوه های هزار جریب: ۹۴.
- کوه نمیر = نمیرداغی: ۲۱۴.
- کوه کاری (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
- لهلم: ۱۷۱، ۱۷۳.
- کوبر حسینان: ۲۵.
- کهم (از دهکده های اسالم): ۲۱۰.
- کهمار [بلوک...]: ۵۷.
- کهمک (از دهکده های خوار): ۱۱.
- کهمکه چین (از دهکده های بابا منصور عمارلو): ۱۸۷.
- کهمکه [طایفه...]: ۶۲.
- کهمه گوراب (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کهمه لو [طایفه...]: ۷۲.
- کهمه محله (بر سر راه فرح آباد به مشهد سر): ۱۱۱.
- کیا آباد (از دهکده های رحمت آباد): ۱۸۳.
- کیاب (از محله های رشت): ۱۵۷، ۱۷۱.
- کیارستم: ۱۶۳.
- کیاسرا (از دهکده های اسالم و حاکم نشین): ۲۱۰.
- کیا کلاه [بلوک...]: ۱۰۱، ۱۲۲.
- کیایان (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کیده دهنه (از رودخانه های کرگان رود): ۲۱۷.
- کیسم [دهکده...]: ۱۶۶.
- کشیستان (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- کیکاسر (از دهکده های اسالم): ۲۱۰.
- کیکاسر (از دهکده های فومن): ۱۹۵.
- کیکلایه: ۱۵۸.
- کیل خوران (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
- کیومرث (پادشاه کیانی): ۹۵، ۱۳۴.
- گالش (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۳.

۲۱۶. گالش محله (از دهکده‌های طالش دولا ب):
۲۰۵. گاما (نام یکی از گمی‌های روس در آشوراده):
۳۸. گامیش بن (از بیلا قهای کرگان رود): ۲۱۷.
- گاوبنه [محله...]: ۱۶۲.
- گاوخوس (از دهات ایل نشین رحمت آباد):
۱۸۳. گاوکده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- گدوك قوزلق: ۳۳.
- گذر باغ بلنگک (در محله میدان استرآباد): ۵۰.
- گذر پای سرو (در محله نعلبندان استرآباد):
۴۹. گذر چمن‌دیوان (در محله سبزه مشهد استرآباد):
۵۰. گذر خیمه‌دوزان (در محله نعلبندان استرآباد):
۴۹. گذر دباغان (در محله سبزه مشهد استرآباد):
۵۰. گذر درب‌نو (در محله میدان استرآباد): ۵۰.
- گذر دوچناران (در محله میدان استرآباد):
۵۰. گذر دوشنبه (در محله میدان استرآباد): ۵۰.
- گذر سرپیر (در محله سبزه مشهد استرآباد):
۵۰. گذر سرچشمه (در محله سبزه مشهد استرآباد):
۵۰. گذر سوخته چنار: (در محله سبزه مشهد
۵۰. گذر شیرکش (در محله نعلبندان استرآباد):
۴۹. گذر عمارلو و خرگام: ۱۸۴.
- گذر کاسه‌گران (در محله میدان استرآباد):
۵۰. گذر میخچه‌گران (در محله نعلبندان استرآباد):
۴۹. گذر نقاره‌چیان (در محله سبزه مشهد استرآباد):
۵۰. گرای لی [طایفه...]: ۸۸، ۹۰، ۹۷.
- گره کوچه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- گرستان: ۷۲.
- گرجی: ۷۵.
- گرجی (کدخدای محله یهودیهای بار فروش):
۱۱۸. گرجی [نهر...]: ۶۰، ۶۱.
- گرجی محله (از دهکده‌های بلوک سدن—
- رستاق استرآباد): ۵۴.
- گرجی محله [محله...]: ۸۱.
- گرداب اوزن (از دهکده‌های کرگان رود):
۲۱۶. گرد ویشه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- گرگان: ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۱۰۹.
- گزن (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۰.
- گل افزان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- گلستان [دهکده...]: ۸۹.
- گلدیان (از دهکده‌های رحمت آباد):
- ۱۸۳.

۲۱۷.

گنداب (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.

گوراب (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.

گوراب پس (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

گوراب زرمخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

گوراب نصیر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۱.

گوهر رود [رودخانه...]: ۱۹۱.

گوهرشاد خانم (دختر کیا رستم): ۱۶۳.

گیاش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

گیرو (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):

۱۸۷.

گوکلان [ایل...]: ۵۷، ۵۲، ۵۰، ۶۳، ۶۲.

گیلان: ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹.

۱۷۰، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۳.

گیلان‌ات: ۱۴۸.

گیلان کش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

گیل‌چالان (از دهکده‌های گیل دولاب):

۲۰۴.

گیل دولاب: ۲۰۴، ۲۰۷. دهات: ۲۰۴.

ولایت: ۲۰۳.

گیل دولاب [دهات...]: ۲۰۴.

گیل دولاب [ولایت...]: ۲۰۳.

گیلک [طایفه...]: ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۳.

گیل‌گسکر [حاکم نشین...]: ۱۹۸.

گیل‌گسکر حاجی آقا: ۲۰۷.

ل

لاتائی (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۰.

لادمخ بخاران (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

گل سران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

گلف پشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

گلغرو (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۱.

۲۱۳، ۲۱۶.

گلغرو (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۷.

گل محله (از دهکده‌های سیاهکله رود): ۱۵۵.

گلسو (از دهکده‌های بلسوک سدن رستاق

استراپاد): ۵۴.

گل‌ورز (از دهکده‌های رحمت آباد): ۱۸۳.

گلوزن (از ییلاقهای رحمت آباد): ۱۸۴.

گلوگاه (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۳۶،

۷۹، ۸۱.

گلوگاه [دهکده...]: (متعلق به ورثه حاجی

علی حسن): ۲۰۲.

گلیجان رستاق [بلوک...]: ۱۴۹.

گمرکخانه آستارا: ۲۱۸.

گمرکخانه جز: ۳۵، ۳۶.

گمرکخانه مشهدسر: ۱۱۱.

گمرکخانه قراپه: ۸۷.

گمرک لاهیجان: ۱۶۴.

گمرک لنگرود: ۱۶۴.

گنبد قابوس و شمگیر: ۵۰.

گنبد حسام‌الدوله (در شهر ساری): ۹۷.

گنبد سلم و تور: ۹۸، ۹۹.

گنبد قاووس: ۶۳.

گنج‌خانه (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.

گنجه: ۷۲، ۷۳.

گنجه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.

گنجه‌کان کونی (از ییلاقهای کرگان رود):

- لاریجان: ۱۱، ۱۳۴.
- لاریم [محلّه...]: ۱۱۵.
- لاسک (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- لاس‌گرد (از دهکده‌های سمنان): ۱۳، ۱۴، ۱۵.
- آب‌انبار: ۱۴. امامزاده آقا سید رضا: ۱۴. امامزاده تقی: ۱۴. باغ: ۱۳.
- تکیه: ۱۳. چاپارخانه: ۱۵. چاه‌آب: ۱۴.
- حمام: ۱۳. قلعه: ۱۳، ۱۴.
- کاروانسرای شاه عباسی: ۱۴. مسجد: ۱۳.
- لاشک [بلوک...]: ۱۴۵.
- لاکسار (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- لاکه (از دهکده‌های رودبار زیتون): ۱۹۵.
- لاله‌آباد [بلوک...]: ۱۲۱.
- لالیم [دهکده...]: ۹۱.
- لامی لنگک (از دهکده‌های بلوک سدن‌رستاق استرآباد): ۵۳.
- لان (پسر حضرت آدم علیه‌السلام): ۱۶.
- لاومخ (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- لاویج (از ییلاقهای نور): ۱۳۶.
- لاویج [بلوک...]: ۱۳۷.
- لاهو [دهکده...]: ۱۴۳.
- لاهیجان: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶.
- اسطوخ: ۱۶۲، ۱۶۴. امامزاده آقامیرزا صادق جیر دکان‌بر: ۱۳۶. امامزاده میر ابراهیم: ۱۶۳. امامزاده آقامیر شهید: ۱۶۳.
- امامزاده آقامیر کریم: ۱۶۳. امامزاده‌پرد سر: ۱۶۳. امامزاده پنج پیران: ۱۶۳.
- امامزاده تکیه آقا: ۱۶۲، ۱۶۳. امامزاده تکیه‌بر: ۱۶۳. امامزاده حاجی باقر: ۱۶۳.
- امامزاده عاقلیه: ۱۶۳. امامزاده غریب‌آباد: ۱۶۲، ۱۶۳. امامزاده ملا مؤمن: ۱۶۳.
- امامزاده محلّه خمیر کلایه: ۱۶۳. امام زاده محلّه کاروانسرایر: ۱۶۳. امامزاده محلّه گاوبنه: ۱۶۳. تازه کی گوراب: ۱۶۵.
- تجن‌گوکه: ۱۶۵. حمام: ۱۶۳. خانه‌وار: ۱۶۳. دزدین: ۱۶۳. دیوشل: ۱۶۱.
- سبزه میدان: ۱۶۲، ۱۶۴. شهر لاهیجان: ۱۶۲. شیخ خونه‌بر: ۱۶۱.
- کاروانسرا: ۱۶۳. کله ده: ۱۶۵. کیسم: ۱۶۵.
- گمرک: ۱۶۴. لیل: ۱۶۲. لیارستان: ۱۶۱.
- محلّه اردو بازار: ۱۶۳. محلّه پردسر: ۱۶۲، ۱۶۳. محلّه خمیر کلایه: ۱۶۳.
- محلّه شریاف: ۱۶۲، ۱۶۳. محلّه کاروانسرایر: ۱۶۳. محلّه گاوبنه: ۱۶۲.
- محلّه میدان: ۱۶۲. مدرسه: ۱۶۳. مسجد: ۱۶۳.
- ملک چارقه سر: ۱۶۱. ملک لاهیجان: ۱۶۲. موازی: ۱۶۴. ولایت لاهیجان: ۱۶۴.
- لایه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- لپان کش (از ییلاقهای کرگان‌رود): ۲۱۷.
- لپاوک [دهکده...]: ۱۴۲.
- لثی‌بار [محلّه...]: ۱۷.
- لژگی: ۷۲.
- لذرجان (از دهکده‌های سیاه‌کله‌رود): ۱۵۵.
- لزور [بلوک...]: ۱۳۷.

لشت نشا [حاکم نشین...]: ۱۶۲، ۱۹۹.

لشت نشا [ولایت...]: ۱۹۹.

لش کنار (از ییلاقهای نور): ۱۳۶، ۱۳۷.

لطف الله میرزا [شاهزاده...]: (حکمران

مازندران در سال ۱۲۷۵ ه. ق.): ۹۵.

لفور [بلوک...]: ۲۲۱.

لفه بندان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

لک [طایفه...]: ۱۴۳.

لکتار سرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.

للدوین (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۳.

لمتر (از دهکده‌های سخت سر): ۱۵۱.

لمسک (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۳.

لنگا = جور بند لنگا و جیر بند لنگا [بلوک...]:

۱۴۹.

لنگر کنار: ۱۷۰، ۲۱۹.

لنگرود: ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰،

۱۶۱، ۱۶۴، اما مزاده: ۱۵۹. پل آجری:

۱۵۹. حمام: ۱۵۹. کاروانسرا: ۱۵۹.

گمرک: ۱۶۴. محله در مسجد: ۱۵۹.

محله راپشته: ۱۵۹. محله فیشکلی: ۱۵۹.

مسجد: ۱۵۹.

لوشان (از دهکده‌های عمارلو): ۱۷۴، ۱۸۴،

۱۸۶، ۱۸۷. اهل: ۱۸۷. جمال آباد:

۱۷۴.

لولمان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

لومده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

لومیر (از ییلاق اسالم و منزل حاکم): ۲۱۰.

لوندویل (از رودخانه‌های آستارا): ۲۱۸.

لوه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۹۰.

لوه (از دهکده‌های رودبارزیتون): ۱۸۹.

لیاول (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.

لی خرف [ایوان...]: (دریاییگی روس

در بندر جز): ۳۷.

لیسار (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۶،

۲۱۷.

لیش پاره (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

لیف شاگرد (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.

لیفکوخندان (از دهکده‌های شفت): ۱۹۳.

لیکون (قورخانه بندر جز): ۳۷.

لیل (از بخشهای لاهیجان): ۱۶۲.

لیلاکوه: ۱۶۲.

لیله کام (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.

لیمراس (از دهکده‌های بلوک کلباد): ۷۹.

لیمون چو: ۱۵۶.

لیوان (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):

۵۴، ۷۷. چارخانه دولتی: ۷۷.

لیوانی [طایفه...]: ۵۳.

م

ماتروس: ۲۸.

ماتک (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.

ماچیان: ۱۵۶.

مازندران: ۱، ۶، ۱۵، ۲۳، ۳۱، ۳۲،

۳۳، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸،

۸۷، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۹،

۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲،

۱۱۷. محله اردو بازار (از محله‌های لاهیجان):
۱۶۳. محله اسب چین: ۱۴۶.
محله استادسرا: ۱۶۸.
محله اسفنجان (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.
محله اصائلو (از محله‌های ساری): ۹۶.
محله اوجاق بند (از محله‌های بارفروش):
۱۱۷. محله اوطاق: ۱۵۴، ۱۵۶.
محله اومال (از محله‌های نیکاح): ۸۹.
محله بابل پشت (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.
محله باب ناظر (از محله‌های بارفروش):
۱۱۷. محله بادی له (از محله‌های بلوک اندرود): ۹۲.
محله بازار رشت: ۱۶۸.
محله بازار محله (از محله‌های اشرف): ۸۱.
محله بازار محله (از محله‌های مشهدسر):
۱۱۲. محله باغ تنگه (از محله‌های مشهدسر):
۱۱۲، ۱۱۱.
محله باغ زندان (از محله‌های شاهرود): ۲۹.
محله بالا (از محله‌های قاسم آباد): ۱۵۴.
محله بالا بلوک (از محله‌های کرد محله): ۴۳.
چاپارخانه دولتی: ۴۳.
محله بیدآباد (از محله‌های بارفروش):
۱۱۷. محله بی سرتکیه (از محله‌های بارفروش):
۱۱۷. مازندرانی: ۱۹۷.
مامطیر = بارفروش = بارفروش ده:
۱۲۲. مازو پشت (از دهکده‌های طالش دولاب):
۲۰۵. ماسال [حاکم نشین...]: ۱۹۸.
ماسوله: ۱۹۴.
ماشاتوک (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
ماش میان (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
مافی [ایل...]: ۱۷۶، ۱۷۷.
ماکلوان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
مالمان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
مأمون (خلیفه عباسی): ۱۱۲.
ماوردیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
ماهان: ۱۷۷.
مجید [میرزا...]: [مباشر کل چهار فریضه]:
۲۰۲. محال اردبیل: ۲۱۳.
محال ری: ۹۸.
محال کلباد اشرف: ۷۴.
محال مازندران: ۷۷.
محسن خان سورتیج: ۸۸.
محسن میرزا (میر آخورشاه): ۵.
محلات کلباد: ۷۸.
محله آستانه (از محله‌های بارفروش): ۱۷۷.
محله آهنگر کلا (از محله‌های بارفروش):
۱۱۷. محله ابو محله (از محله‌های بارفروش):

- محله خمیران زاهدان: ۱۶۸.
- محله خمیر کلایه (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۳.
- محله خمیران کیاب: ۱۶۸.
- محله خوبان رزکا (بر سر راه خرم آباد به آب گرم سخت‌سر): ۱۵۵.
- محله خوریاب (از محله‌های دامغان): ۲۵.
- محله دازم کنده (از محله‌های فرح آباد): ۱۸۵.
- محله دباغان (از محله‌های دامغان): ۲۵.
- محله دباغ‌خانه پیش (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله درازکله (از محله‌های کردمحله): ۴۳.
- محله درمسجد (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.
- محله درویش خیل (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله دریاپشته: ۱۵۳.
- محله دوغانلی (از محله‌های نیکاح): ۸۹.
- محله راپشته (از محله‌های لنگرود): ۱۵۹.
- محله رزیاکلا (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله رستم رود (بر سر راه محمودآباد هراز به سلده): ۱۳۶.
- محله رودگر محله (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله زاهدان: ۱۶۸.
- محله زیربان (بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۸.
- محله سادات محله (از محله‌های مشهدسر): ۱۴۱.
- محله پایین (از محله‌های ایوان کیف): ۵.
- کاروانسرای شاه عباسی: ۵.
- محله پردسر (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۲.
- محله پولکی (از محله‌های کرد محله): ۴۳.
- محله پیاکلا (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله تازه‌آباد: ۱۴۷.
- محله تروجن (بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۸.
- محله تکیه ارباب (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله توسکائیش (از محله‌های کردمحله): ۴۳.
- محله جر: ۷۷.
- محله جز: ۳۵، ۳۹.
- محله جمشیدآباد: ۱۴۶.
- محله چاله‌باغ (از محله‌های ساری): ۹۶.
- محله چاله‌پل (بر سر راه اشرف به نیکاح): ۸۹.
- محله چپکرو: ۱۱۱.
- محله چومسجد (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.
- محله چهارشنبه پیش (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله حصار فروشان (از محله‌های بارفروش): ۱۱۷.
- محله حوض کئی (از محله‌های چلندر): ۱۳۹.
- محله خادک: ۱۴۱.

- محله شعر باف محله (از محله های بارفروش):
۰۱۱۲
محله سالی کنده (از محله های کردمحله):
۰۴۳
محله سبزه مشهد (از محله های استرآباد):
۵۰، ۴۷. گذر چمن دیان: ۵۰. گذر دباغان:
۵۰. گذر سرپیر: ۵۰. گذر سرچشمه:
۵۰. گذر سوخته چنار: ۵۰. گذر نقاره-
چیان: ۵۰.
محله سرحمام بیج ناجی (از محله های
بارفروش): ۰۱۱۷.
محله سرحمام کاظم ییگ (از محله های
بارفروش): ۰۱۱۷.
محله سرحمام نسائی (از محله های
بارفروش): ۰۱۱۷.
محله سرمیدان (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله سمیس کنده (از محله های بلوک اندرود):
۰۹۲.
محله سوتنه (از محله های فرح آباد): ۰۱۰۸.
محله سی الم سر = سیلاب سر (از محله-
های ساری): ۰۹۶.
محله سیدجلال (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله سیلاب سر = سی الم سر (از محله های
ساری): ۰۹۶.
محله شاه (از محله های دامغان): ۰۲۵.
محله شاه جو (از محله های سمنان): ۰۱۷.
محله شاه کلا (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله شعر باف محله (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله شعر باف محله (از محله های لاهیجان):
۰۱۶۳، ۱۶۲.
محله شمشرگر محله (از محله های بار-
فروش): ۰۱۱۷.
محله شهدا (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله شیخ محله (از محله های بلوک اندرود):
۰۹۲.
محله شیر کرز: ۰۱۴۸.
محله شی رود: ۰۱۵۰.
محله صفی محله (از محله های مشهدسر):
۰۱۱۲.
محله صلاح الدین کلا: ۰۱۳۸.
محله صیقلان: ۰۱۶۸.
محله طوق داربند (از محله های بارفروش):
۰۱۱۷.
محله طیل نو: ۰۷۹.
محله علوی کلا (از محله های بلوک اندرود):
۰۱۳۷، ۹۲.
محله علی آباد کوچک: ۰۱۳۸.
محله فراش محله (از محله های اشرف): ۰۸۱.
محله فرح آباد (از محله های فرح آباد):
۰۱۰۸.
محله فیشکلی (از محله های لنگرود): ۰۱۵۹.
محله قادی کیاب (بر سر راه اشرف به نیکاح):
۰۸۸.
محله قاضی کتی (از محله های بارفروش):

۱۱۷. محله قراکلا (از محله‌های بار فروش):
۱۱۷. محله قزلی (از محله‌های نیکاح): ۸۹، ۹۰.
محله قصاب کلا (از محله‌های بار فروش):
۱۱۷. محله قلعه (از محله‌های دامغان): ۲۵.
محله قلعه سر (از محله‌های نیکاح): ۸۹.
محله کاروانسرای (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۳.
محله کاسه‌گر محله (از محله‌های پازوار):
۱۱۶. محله کاظم آباد (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.
محله کاظم آباد: ۱۴۷.
محله کاله (از محله‌های مشهدسر): ۱۱۲.
محله کردها (از محله‌های جز): ۳۵.
محله کرم رود: ۱۵۰.
محله کل بست (بر سر راه مشهدسر به بار-
فروش): ۱۱۵.
محله کوش مغان (از محله‌های خارج شهر
سمنان): ۱۹.
محله کیاب: ۱۶۸، ۱۷۱. سبزه میدان: ۱۷۱.
محله گاونبه (از محله‌های لاهیجان): ۱۶۲.
امامزاده: ۱۶۳.
محله گرجی محله (از محله‌های اشرف): ۸۱.
محله لاریم: ۱۱۰، ۱۱۱.
محله لئی بار (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.
محله لنگرود: ۱۵۹.
محله لیمراس: ۷۹.
محله لیارستان (از دهکده‌های لاهیجان):
۱۶۱. محله مرادیگ (از محله‌های بار فروش): ۱۱۷.
محله مسجد جامع شنجریه (از محله‌های
بار فروش): ۱۱۷.
محله ملاکلا (بر سر راه فریکنار به محمود-
آباد هراز): ۱۳۲.
محله ملاکیله (از محله‌های کرد محله): ۴۳.
محله میان دشت (از محله‌های مشهدسر):
۱۱۲. محله میدان (از محله‌های استرآباد): ۴۸،
۵۰. گذر باغ پلنگ. گذر درب نو: ۵۰.
گذر دوچناران: ۵۰. گذر دوشنبه: ۵۰.
گذر کاسه‌گران: ۵۰.
محله میدان (از محله‌های لاهیجان): ۱۸۲.
محله میرزا کوچک (از محله‌های بار فروش):
۱۱۷. میرمشهد (از محله‌های ساری): ۹۶.
محله نارنج‌بن: ۱۵۳.
محله ناسار (از محله‌های شهر سمنان): ۱۷.
محله نال کلا: ۱۱۶.
محله نعلبندان (از محله‌های استرآباد): ۴۸،
۴۹. گذر وپای سر: ۴۹. گذر خیمه-
دوزان: ۴۹. گذر شیر کش: ۴۹. گذر
میخچه‌گران: ۴۹.
محله نقاش محله (از محله‌های شهر اشرف):
۸۱. محله نودیک (از محله‌های نیکاح): ۹۰.
محله ورزکتی (از محله‌های بار فروش):
۱۱۷.

محلّه ولاقوز (از محلّه‌های کرد محلّه): ۴۳.
محلّه هسکا کلا (از محلّه‌های بارفروش):

۱۱۷.

محمد [آقا...]: (کدخدای دهکده تاش):
۳۲.

محمد [امام زاده...]: ۷۹.

محمد [حاجی ملا...]: (مجتهد بارفروش):
۱۰۶.

محمدآباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
محمدآباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد
رستاق استرآباد): ۵۵.

محمدآباد (دهی خراب بر سر راه شاهرود به
تاش): ۳۱.

محمد ابراهیم خان (حاکم شاهرود): ۲۸.
محمد اسمعیل خان (نوه فتحعلی خان و تیولدار
محلّه رستم رود): ۱۳۶.

محمد انلق [طایفه...]: ۵۹.
محمد باقر بیگ مهاجر هراتی (تحصیلدار
فرح‌آباد): ۱۰۸.

محمد باقر خان (رئیس طایفه انزانی): ۵۳.
محمد تقی [حاجی میرزا...]: (از مجتهدین
بنام ساری): ۱۰۶.

محمد تقی بیگ (نایب حاکم شاهرود):
۲۸.

محمد تقی خان [حاجی...]: ۱۰۳.
محمد تقی خان (حاکم ولایت تولم در
۱۲۷۶ ه. ق.): ۱۹۷.

محمد حسن [آقا...]: (تیولدار بلوک شیر-
گاه): ۱۰۴.

محمد حسن خان (پدر آقا محمد شاه): ۸۱.
محمد حسن خان (پسر فتحعلی خان): ۷۳.
۷۴.

محمد حسن خان (پسر نصرالله خان): ۵.
محمد حسن خان (وزیر مازندران): ۹۶.

محمد حسن خان (از طایفه یخاری باش): ۷۴.
محمد حسن خان اشاقه باش: ۷۴.
محمد حسین [آقا...]: (بزرگ علوی کلا):

۱۳۸.

محمد حسین [آقا میرزا...]: (مجتهد ساری
و مالک محلّه لاریم): ۱۱۱، ۱۰۶.

محمد حسین [میرزا...]: (از پسران آقا میرزا
یوسف): ۱۴۷.

محمد حسین [میرزا...]: (کدخدای دهکده
لاس گرد): ۱۳.

محمد حسین مجتهد [آقا میرزا...]: ۱۱۰.
محمد خان [حاجی میرزا...]: (یکی از
وارد کنندگان کارخانه شکر سازی بار-
فروش): ۱۱۸.

محمد خان (یکی از خوانین جعفر بای): ۷۰.
محمد خان افغان (سرکرده طایفه افغان در
قراتپه): ۸۷.

محمد خان بیگ (رئیس طایفه حاجی لری):
۵۳.

محمد خان سپه سالار [میرزا...]: ۱۳، ۱۵،
۲۴.

محمد رحیم خان (پسر مهدی خان): ۱۰۲،
۱۰۳.

محمد رضا [آخوند ملا...]: (مجتهد

- استرآباد: ۶۹.
 محمدرضا [آقا...]: (بزرگ علوی کلا):
 ۱۳۸.
 محمدرضا [آقا...]: (کدخدای دهکده
 رادکان): ۳۴.
 محمد رضا خان (ازسر کرده‌های ایل مافی):
 ۱۷۶.
 محمد رفیع [حاجی ملا...]: (از علمای
 رشت): ۱۶۸.
 محمد شاه (سومین شاه قاجار): ۳.
 محمدصادق خان (رئیس طایفه کتول): ۵۲.
 محمد صادق خان کردمحلای: ۵۲.
 محمد علی [آخوند ملا...]: (از علمای
 رشت): ۱۶۸.
 محمد علی [آقا...]: (ازطایفه شاه کوئی):
 ۵۲.
 محمدعلی [حاجی...]: ۱۲۹.
 محمدعلی [مشهدی...]: (کدخدای آستارا):
 ۲۱۸.
 محمدعلی [مشهدی...]: (کدخدای محله
 لاریم): ۱۱۱.
 محمدعلی [میرزا...]: ۵.
 محمدعلی [میرزا...]: (داماد حبیب‌الله
 خان سرتپ و نایب حکومت تنکابن):
 ۱۴۹.
 محمدعلی بارفروش [حاجی ملا...]: ۱۲۵،
 ۱۲۸، ۱۲۷.
 محمدعلی خان: ۵۲.
 محمدعلی خان (سرکرده ایل رشوندقزوین):
 ۱۷۷.
 محمدعلی خان [میرزا...]: (حاکم لاهیجان):
 ۱۵۷.
 محمد علی خان [میرزا...]: (صاحب اختیار
 لاهیجان): ۱۶۲.
 محمد قلی (پسر حاجی رمضان): ۱۱۵.
 محمد قلی بیگ بلوک باشی: ۱۵۵.
 محمدقلی خان (حاکم ولایت اسالم در ۱۲۷۶
 ق.ه): ۲۰۹.
 محمدقلی خان (یوزباشی خواجه‌وند): ۱۴۳.
 محمدقلی میزای ملک آراء (حاکم مازندران):
 ۳۴، ۹۵، ۹۷.
 محمدکج دماغ [آقامیرزا...]: (مالک بلوک
 اهلستان آمل): ۱۳۳.
 محمدکریم بیگ (نایب دامغان): ۲۴.
 محمد مهدیخان (پسر شاهقلی خان و رئیس
 طایفه عمرانلو): ۷۹.
 محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی (پدر
 محمد ابراهیم خان حاکم شاهرود): ۲۸.
 محمد ولیخان (بیگلربیگی استرآباد): ۴۸،
 ۷۵.
 محمدیاور [آقا...]: (ازپسران میرزایوسف):
 ۱۴۷.
 محمود [امامزاده...]: ۱۱۱.
 محمودآباد (از دهکده‌های ورامین): ۴.
 محمودآباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
 محمود آباد هراز: ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴.
 قبرستان: ۱۳۳. مسجد: ۱۳۳.
 محمود بیگ (ضابط چا پارخانه شاهی در

- مرزن کلا (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- مرسال (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مرغ زار (حد شرقی سکناى طایفه غائی): ۶۵.
- مرکیه (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مرو: ۷۲، ۷۳.
- مریان (از ییلاقهای آق‌ایولر): ۲۱۶.
- مریم‌آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- مزارلال شوی = حضرت معصومه = فاطمه: ۱۶۷.
- مزرعه (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین وکتول استرآباد): ۵۶.
- مزرعه اورنگک: ۱۴۵.
- مزرعه خوبان رزکا (برسر راه خردم‌آباد به آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.
- مزرعه شیرکرز (برسر راه خرم‌آباد به آب‌گرم سخت‌سر): ۱۵۰.
- مزرعه علوی کلا (برسر راه سمیس‌کنده): ۹۲.
- مزرعه لنگرود: ۱۶۱.
- مس (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مسجد آستارا: ۲۱۸.
- مسجد ارادان: ۸.
- مسجد استرآباد: ۴۹.
- مسجد اشرف: ۸۱.
- مسجد انزلی: ۲۰۰.
- مسجد ایوان‌کیف: ۶.
- مسجد بارفروش: ۱۱۸.
- قشلاق و پسر مهدی ییگک تبریزی): ۷.
- محمود ییگک (مستول چا پارخانه ده نمک): ۱۲.
- محمود خان (کلاتر طهران): ۱۲۹.
- محمودلو (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
- مخلوم [طایفه...]: ۶۲.
- مخسر (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مدانلو (تیره‌ای از اکراد ساکن سمیس-کنده): ۹۳، ۹۷.
- مدرسه استرآباد: ۴۹.
- مدرسه بارفروش: ۱۱۸.
- مدرسه ساری: ۹۶.
- مدرسه اشرف: ۸۱.
- مدرسه لاهیجان: ۱۶۳.
- مدو [طایفه...]: ۱۴۵.
- مدینه طیه: ۱۱۲.
- مذهب بایی: ۱۲۵.
- مراد بخش (امام‌زاده استرآباد): ۴۹.
- مران (برسر راه تنکابن به طهران): ۱۵۰.
- مرتضی قلی ییگک (بزرگ ارادان): ۸.
- مرتضی قلی خان (پسر میرزا محمد خان کلبادی): ۷۹.
- مرجان‌آباد (از ییلاق رحمت‌آباد): ۱۸۴.
- مرجقه (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- مرخال (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مرداب: ۲۰۲.
- مرداب انزلی: ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۸.
- ۲۰۴.
- مردقه (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

- مسجد جامع بارفروش: ۱۲۶.
- مسجد جامع دامغان: ۲۴.
- مسجد جامع ساری: ۹۶.
- مسجد جز: ۳۵.
- مسجد چی نی جان: ۱۵۸.
- مسجد حکیم اصفهان: ۱۷.
- مسجد رادکان: ۳۴.
- مسجد شاه رود: ۲۹.
- مسجد شاه سمنان (از بناهای فتحعلی شاه قاجار): ۱۷.
- مسجد شاه کو: ۳۳.
- مسجد فرح آباد (از بناهای شاه عباسی): ۱۰۸.
- مسجد قشلاق: ۷.
- مسجد کرد محله: ۴۳.
- مسجد کفشگری: ۴۵.
- مسجد لاس گرد: ۱۳.
- مسجد محمود آباد هراز: ۱۳۲.
- مسکو [دارالسلطنه...]: ۱۱۸.
- مسگر محله (از محله های جز): ۳۵.
- مسیح مستوفی [میرزا...]: (مالک بلوک گلستان رستاق مازندران): ۱۰۰.
- مشک غیر (حد شرقی طایفه قرق): ۶۳، ۶۵.
- مشهدسبز (نام قدیم مشهدسر): ۱۱۲.
- مشهدسر: ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۱. بازار محله: ۱۱۲.
- بندر: ۱۱۱ سادات محله: ۱۱۲.
- گمر کخانه: ۱۱۱، ۱۱۲. محله بابل پشت: ۱۱۲.
- محله باغ تنگه: ۱۱۲. محله
- کاظم آباد: ۱۱۲. محله کاله: ۱۱۲. محله
- میان دشت: ۱۱۲.
- مصطفی [آقا...]: (از طایفه ساوری): ۵۲.
- مصطفی خان (پدر رضا قلیخان صاحب اختیار کرد محله): ۴۲.
- مصطفی خان سورتیج [حاجی...]: (مالک بلوک زرین آباد): ۱۰۲، ۱۲۷.
- مطلب ییگ (کدخدای ایوان کیف ومباشر میرزا محمدعلی): ۵.
- مطلب ییگ (بانسی راسته بازار دامغان): ۲۴.
- معبیر دیگچه گرگان: ۶۱.
- معتدالدوله منوچهرخان (والی گیلان): ۲۱۳.
- معصوم آباد (از دهکده های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۵.
- معصومه [حضرت...] = فاطمه = مزار لال شوی (خواهر حضرت اما رضا علیه السلام در شهر رشت): ۱۶۷.
- معیر الممالک [دوست علیخان...]: ۹۴.
- مغاره ای در کوه دزدبن: ۱۶۱.
- مغاره ای در کوه درفک: ۱۸۵.
- مغاره رشی رودخان: ۱۸۵.
- مغان: ۲۱۵.
- مغلاوا (در غرب قزوین): ۱۷۵.
- مقام دیوسفید = چلندر: ۱۳۷، ۱۴۰.
- مقبره آقاسید ابراهیم ابوجواب با خواهرش (اولاد امام موسی کاظم علیه السلام): ۱۱۲.
- مقبره امامزاده سیدحسین (در محله شی رود):

۱۵۰. مقبره دانیال پیغمبر (در پای کوه مدوبند):
 ۱۴۵. مقبره شاه غازی رستم (در شهر ساری): ۹۹.
 مقبره ملاعمادالدین (در محله طیل نوبلوك
 كلباد): ۷۹.
 مقبره ملامجدالدین (در بیرون دروازه ساری):
 ۱۰۶.
 مقصودلو [طایفه...]: ۵۲.
 مقصودلو [محمد باقرخان...]: ۵۲.
 مكش (از ییلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
 ملا [دهكده...]: ۲۷.
 ملارود (از رودخانه‌های طالش دولاب):
 ۲۰۴.
 ملاسرا (از دهكده‌های فومن): ۱۹۵.
 ملاعلی دره: ۱۷۴، ۱۷۵.
 ملاكیله [محله...]: ۴۳.
 ملامجدالدین [مقبره...]: ۱۰۶.
 ملك [كربلائی...]: (كندخداي كپورچال):
 ۲۰۲.
 ملك آرا [محمد قلی میرزای...]: ۹۵، ۹۷.
 ملك اسالم: ۲۱۱.
 ملك اشرف: ۸۰.
 ملك به‌پس: ۱۶۶.
 ملك جز: ۴۱.
 ملك خاله (از رودخانه‌های طالش دولاب):
 ۲۰۴.
 ملك چارقه‌سر: ۱۶۱.
 ملك خلیخال: ۲۱۱.
 ملك دیلمان: ۱۶۲.
 ملك رانكو: ۱۵۸.
 ملك رحمت آباد: ۱۸۴.
 ملك روسیه: ۱۴۶.
 ملك ری: ۱۱۲.
 ملك طارم: ۱۷۷.
 ملك طالش دولاب: ۲۱۱.
 ملك كركان رود: ۲۱۱.
 ملك فروان (در بلوك خالصه ارادان): ۹.
 ملك لاهیجان: ۱۶۲.
 ملك لیلاكوه: ۱۶۱.
 ملك ولیسه: ۱۵۸.
 ملوسكان (از دهكده‌های فومن): ۱۹۵.
 ممداور (از دهكده‌های كركان رود): ۲۱۶.
 ممداور (از رودخانه‌های كركان رود): ۲۱۷.
 ممدوكان (از دهكده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.
 ملك كهن آباد (در بلوك خالصه ارادان): ۹.
 منار بازار فومن: ۱۹۴، ۱۹۶.
 منار مسجد جامع دامغان: ۲۴.
 منبع كركان: ۶۴.
 منجیل (از دهكده‌های عمارلو): ۱۷۳، ۱۷۷،
 ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶. امامزاده:
 ۱۷۸. باد: ۱۷۹.
 منجیل [امامزاده...]: ۱۷۸.
 منجیلی‌ها (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.
 مندوك (از دهكده‌های خوار): ۱۲.
 منوچهر (شاه ایران): ۹۸، ۹۹.
 منوچهر خسان [معتمد الدوله...]: (والی
 گیلان): ۲۱۳.

- منیه: ۱۹۱.
- موازی (از بلوک لاهیجان): ۱۶۴.
- مورحلی (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- موسی [آقا...]: (مالك دهكده شاه كو): ۳۳.
- موسی [ملا...]: (كدهخدای آب گرم): ۱۵۱.
- موسی بن جعفر علیه السلام [امام...]: ۱۶۱، ۱۶۷.
- موسی خان (از سرکرده‌های طایفه جلیل وند): ۱۷۵.
- موسی کاظم علیه السلام [امام...]: ۴۲، ۹۶، ۱۱۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۸، ۱۹۱.
- مونچه (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۷.
- مهرت کلاته (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۳.
- مهدی [مشهدی...]: (كدهخدای اورنگك): ۱۴۴.
- مهدی آباد (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- مهدی خان (پدر محمد رحیم خان): ۱۰۲.
- مهدی خان [میرزا...]: (پدر میرزا یوسف خان حاکم اشرف): ۸۲.
- مهدی خان [میرزا...]: (حاکم لنگرود و دورانکو، پسر میرزا عبدالباقی منجم باشی): ۱۶۰.
- المهدی صاحب الزمان علیه السلام [امام...]: ۱.
- مهدیقلی [میرزا...]: (میرزای حاکم شاهرود): ۲۸.
- مهدیقلی بای (وزیر دوم دریاقلی خان، خان جعفر بای): ۷۰.
- مهدیقلی میرزا (مأمور دفع فتنه بایها): ۱۲۹، ۱۲۸.
- مهدی محله (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مهران (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- مهماندوست [دهكده...]: ۲۷.
- مهوزان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- مهن (یکی از محله‌های سکنای طوایف تکه آخال نشین): ۶۶.
- میامی (حد شرقی شاهرود): ۲۸.
- میان آباد (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- میانپشته (جنوب انزلی): ۲۰۱.
- میان درود [بلوك...]: ۸۹، ۹۷، ۱۰۰.
- میان دره (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد): ۵۴.
- میان دشت [محله...]: ۱۱۲.
- میاننده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- میانرود: ۹۴.
- میان کاله: ۳۷، ۷۸، ۸۸، ۱۰۸.
- میان کو (از زیلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- میان کو (از زیلاقهای کرگان رود): ۲۱۷.
- میان کوله (بر سر راه اشرف به نیکاج): ۸۹.
- میان محله (از محله‌های جز): ۳۵.
- میان مزرعه: ۱۵۰.
- میان نایب و موزدشت خرم آباد [بلوك...]: ۱۴۹.
- میان کوشك (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
- میخچه گران [گذر...]: ۴۹.
- مهدیقلی بای (وزیر دوم دریاقلی خان، خان

- میدان شاه سمنان: ۱۷.
میران محله (از دهکده‌های سیاهکله رود):
۱۵۵.
میربازار (برسر راه مشهدسر به بارفروش):
۱۱۵.
میررود: ۱۱۱.
میرزا آقا (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
میرزا خانلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.
میرزا علی [طایفه...]: ۶۰.
میرسلطان احمد خان (حاکم و بزرگ آستارا):
۲۱۸.
میرشمس الدین [بقعه...]: ۱۶۳.
میرعظیم [امامزاده...], (مقابل خطیب‌سرا):
۲۱۶.
میرمحله (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
رستاق استرآباد): ۵۵.
میرمحله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
میل آجری رادکان: ۳۳.
مین رود (از ییلاقهای طالش دولاب): ۲۰۵.

ن
نایب (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
نادرشاه: ۶، ۹، ۷۳، ۸۳.
نارحه (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
ناردان (نام یکی از گمی‌های روس در
آشوراده): ۳۸.
نارنج آباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-
رستاق استرآباد): ۵۵.
نارنج بن (از دهکده‌های سخت‌سر): ۱۵۱.

- نارنج قلعه (دریرون شهر سمنان): ۱۷.
نارنچک باغ: ۸۹.
نارنچک بند [بلوک...]: ۱۴۰.
نارن ده (از دهکده‌های بابامنصور عمارلو):
۱۸۷.
ناسار (از دهکده‌های خوار): ۱۱.
ناسار [محله...]: ۱۷.
ناش (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
ناصران (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
ناصرالدین شاه: ۳، ۷۰، ۱۲۵، ۱۶۹، ۱۷۸.
ناطق کلا (از قشلاقهای نور): ۱۳۷.
نام تلو (از دهکده‌های بلوک فندرسک
استرآباد): ۵۷.
ناوان (از دهکده‌های کرگان‌رود): ۲۱۶.
ناوه (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۷.
ناوه (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه-
آخال‌نشین): ۶۶.
نبی - محمد (ص): ۱.
نترسو (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین
وکتول استرآباد): ۵۶.
نجفقلی خان (پسر عموی محمد رحیم خان و
نوه حاجی محمد تقی خان): ۱۰۳.
نجور (یکی از محله‌های سکناى طوایف تکه-
آخال‌نشین): ۶۷.
ندامان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
نرگستان (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
نسن [بلوک...]: ۱۳۷.
نسو (از دهکده‌های بلوک استرآباد): ۵۵.
نصرآباد (از دهکده‌های بلوک استرآباد-

- رستاق استرآباد: ۵۵.
- نصرالله (پسر مرتضی قلی بیگ): ۸.
- نصراللهآباد (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- نصراللهآباد (ملك يحيى ميرزا): ۱۶۲.
- نصراللهخان (از سرکرده‌های ایل مافی): ۱۷۶.
- نصرالله خان (حاکم شانندمین): ۱۹۸.
- نصرالله خان (حاکم ولایت فومن): ۱۹۴.
- نصرالله خان (سرای دارباشی شاهی): ۵.
- نصفی (از دهکده‌های رحمت‌آباد): ۱۸۳.
- نصیر محله (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.
- نصیرالملک (مالک بلوک دابو و جلال ازرك): ۱۲۲.
- نظز: ۷، ۱۰.
- نظرخان بزرگ: ۹۰.
- نظرخان کوچک: ۹۰.
- نعمت‌الله خان (پسر حاکم و سرکرده تفنگچی ولایت شفت): ۱۹۱، ۱۹۲.
- نعلبندان [محلۀ...]: ۴۹.
- نعلکی (از دهکده‌های کرگانرود): ۲۱۶.
- نعمتی (مذهب محلۀ میر مشهد ساری): ۹۶.
- نعون (از ییلاقهای آق ایولر): ۲۱۶.
- نفس خانی [فرقه...]: ۶۳.
- نفوت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- نقاره چیان (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.
- نقاره چیان [گذر...]: ۵۰.
- نقاره‌خانه: ۴.
- نقاش محله [محلۀ...]: ۸۱.
- النقی علیه السلام [امام...]: ۱.
- نقیب کلا (از محله‌های بار فروش): ۱۱۷.
- نمرودتپه (در اراضی عباس‌آباد و رامین): ۴.
- نمه کوران (از دهکده‌های عمارلو): ۱۸۶.
- نمیر (از دهکده‌های کرگان رود): ۲۱۴، ۲۱۶.
- نمیر (از رودخانه‌های کرگان رود): ۲۱۴، ۲۱۷.
- نمیر داغی = کوه نمیر: ۲۱۴.
- نمین: ۲۱۹.
- نو (از ییلاق اسالم): ۲۱۰.
- نوائی: ۱۳۴.
- نوائی [احمدخان...]: (تیولداسرخ‌رود): ۱۳۲.
- نوارود (از دهکده‌های اسالم): ۲۱۰، ۲۰۹.
- نوارود (از رودخانه‌های اسالم): ۲۱۱.
- نوبر علی خان: ۵۲.
- نوجمن (از دهکده‌های سدن رستاق استرآباد): ۵۲.
- نوخاله (از دهکده‌های تولم): ۱۹۸.
- نوده (از دهکده‌های خوار): ۱۲.
- نوده (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق استرآباد): ۵۰، ۵۶.
- نوده (از دهکده‌های بلوک فخر عمادالدین و کتول استرآباد): ۵۶.
- نوده (از دهکده‌های بلوک فندرسک استرآباد): ۵۷.
- نوده (از دهکده‌های فومن): ۱۹۵.
- نوده (از ییلاقهای رحمت‌آباد): ۱۸۲.
- نوده عنبر (از ییلاقهای رحمت‌آباد): ۱۸۲.

نودیجه (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۳.

نودیک [محله...]: ۹۰.

نودیک (بر سر راه نیکاح به سیمس کنده): ۹۰.

نودیک [دهکده...]: ۱۴۵.

نوذرآباد (قریه‌ای در دوفرسخی فرج‌آباد):

۸۸، ۱۰۹.

نور: ۸۸، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۲.

نورعلی [طایفه...]: ۵۸.

نورقلعه (یکی از محل‌های سکناى طوایف تکه

آخال‌نشین): ۶۶.

نورمحمد خان قجر [سرتیپ...]: (سرکرده

طوایف جان‌پیگ‌لو و مدانلو): ۹۰.

نوروزخان (از حکام عمارلو): ۱۸۶.

نوروزخان (از طوایف عمارلو): ۱۸۸.

نوروزعلی‌خان (پسر احمد خان و سرکرده

طایفه قیاس وند): ۱۷۴.

نوکنده (از دهکده‌های بلوک انزان استرآباد):

۵۴.

نوکنده (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۵.

نوکنده (از رودخانه‌های طالش دولاب):

۲۰۴.

نومل (از دهکده‌های بلوک استرآباد رستاق

استرآباد): ۵۵.

نوبر (آخر محله انزلی): ۲۰۱.

نه ده (از دهکده‌های عمالو): ۱۸۷.

نهرگرچی: ۶۰، ۶۱.

نیالا [دهکده...]: ۱۲۵.

نیزم (از دهکده‌های شفت): ۱۹۲.

نیشتا [بلوک...]: ۱۴۹.

نیکاح: ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱. محله اومال:

۸۹. محله دوغانلی: ۸۹. محله قزلی:

۹۰. محله قلعه سر: ۸۹. محله نودیک:

۹۰.

نیکالو [طایفه...]: ۷۲.

و

وارسرا (از دهکده‌های گیل دولاب): ۲۰۴.

واسکا (از ییلاق‌های طالش دولاب): ۲۰۵.

۲۰۶.

واسکام‌شان (از دهکده‌های طالش دولاب):

۲۰۵.

واسکس [دهکده...]: ۱۲۸.

وافسار (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

واقع دشت (از دهکده‌های فومن): ۱۹۶.

والی‌گیلان: ۲۱۳.

وانکا (از دهکده‌های طالش دولاب): ۲۰۵.

ورامین: ۴، ۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹. آل‌واک:

۵. ابراهیم‌آباد: ۵. اشرف‌آباد: ۴. ایوان

کیف: ۵. خاتون‌آباد: ۴. خسوار: ۶،

۷. دیزک: ۶. شریف‌آباد: ۵. عباس‌آباد:

۴. فوزون‌آباد: ۴. کریم‌آباد: ۵. محمود

آباد: ۴. نمرود تپه: ۴.

ورزکتی [محله...]: ۱۱۷.

ورسن (از دهکده‌های بلوک سدن رستاق استرآباد):

۵۳.

ورسن [امام زاده...]: = امام‌زاده پنج امام:

۴۶.

وزرا محله (بر سر راه فریکنار به محمودآباد

۱۹۰. تعلیم: ۱۹۰. جوبین: ۱۹۰. جریه:
 ۱۹۰. خولک: ۱۹۰. خولوم بو: ۱۹۰.
 دارستان: ۱۹۰. دوکاهه: ۱۹۰. راسته-
 بازار: ۱۸۹. راهدارپشته: ۱۹۰. رشت-
 رود: ۱۹۰. سرخون: ۱۹۰. شمام: ۱۹۰.
 علی آباد: ۱۹۰. فیلده: ۱۹۰. کاروانسرا:
 ۱۸۹. کام بر: ۱۹۰. کبته: ۱۹۰. کلاس:
 ۱۹۰. کرارود: ۱۹۰. کلورز: ۱۹۰.
 کوشک: ۱۹۰. گزن: ۱۹۰. گنجه: ۱۹۰.
 لاکه: ۱۹۰. لوه: ۱۹۰.
 ولایت سمنان: ۲۰۱.
 ولایت شفت: ۱۹۱.
 ولایت طالش دولاب: ۲۰۳، ۲۰۰.
 ولایت فومن: ۱۹۴.
 ولایت کرگانرود: ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۱۴.
 ولایت گیلان: ۱۶۹.
 ولایت گیل دولاب: ۲۰۳.
 ولایت لاهیجان: ۱۶۳.
 ولایت لنگرکنان: ۸۹.
 ولایات مازندران: ۷۹، ۹۹، ۱۰۲، ۱۲۴،
 ۱۲۵.
 ولایت نور: ۱۳۶.
 ولایت هزارجریب: ۱۲۵.
 ولد (از دهکده های فومن): ۱۹۶.
 ولقرا (از دهکده های بلوک انزان استرآباد):
 ۴۱، ۵۴.
 ول موزی [دهکده...]: ۸۰.
 ولی خان (پدر حبیب الله خان سرتیب): ۱۴۹.
 هراز: ۱۳۲.
 وزنه (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.
 وزیرجمنی: ۱۷۸.
 ویسیر (از دهکده های بلوک فخر عمادالدین
 وکتول استرآباد): ۵۶.
 وش: ۱۸۴.
 وطن (از دهکده های بلوک انزان استرآباد): ۵۴.
 وکیلی [طایفه...]: ۶۰.
 ولادش آباد (از دهکده های بلوک استرآباد-
 رستاق استرآباد): ۵۵.
 ولاقوز [محله...]: ۴۳.
 ولامندان (از دهکده های تولم): ۱۹۸.
 ولایت آستارا: ۲۰۰.
 ولایت اردبیل: ۲۱۴.
 ولایت اسالم: ۲۰۰، ۲۰۹.
 ولایت استرآباد: ۷۱.
 ولایت انزلی: ۲۰۰.
 ولایت ایران: ۱۷۰.
 ولایت تنکابن: ۱۴۸.
 ولایت تولم: ۱۹۷. دهات: ۱۹۸. شیلات:
 ۱۹۷.
 ولایت خراسان: ۱۰۱.
 ولایت خلخال: ۲۱۴.
 ولایت رحمت آباد: ۱۸۱.
 ولایت روم: ۱۸۶.
 ولایت زیتون رودبار: ۱۸۹. آب گرم: ۱۸۹.
 آستانه: ۱۸۹. اسفندیار مرز: ۱۹۰.
 اسکولک: ۱۹۰. الیزه: ۱۹۰. اهل:
 ۱۸۹. ایمن آباد: ۱۹۰. پشته: ۱۹۰. پیری:

ولی خان (سرکرده نوکسر سوارعمارلو):

۱۸۶.

ولی خان بی شانلو (ازطوایف عمارلو): ۱۸۸.

ولی خان سرهنگ (پسر بزرگ حبیب الله

خان سرتپ): ۱۴۹.

ولیک آباد (از دهکده های بلوک استرآباد

رستاق استرآباد): ۵۵.

ونوش تپه (از دهکده های بلوک انزان

استرآباد): ۵۴.

وهب بن منیه: ۱۹۱.

ویایه (از دهکده های رحمت آباد): ۱۸۳.

ویزا (نام چاهی است در دوفر سنگی شهر

ساری): ۹۷.

ویل (از بیلاقی های کرگان رود): ۲۱۷.

وی به (از دهکده های عمارلو): ۱۸۷.

ه

هادی [آقا...]: (رئیس طایفه شاه کوئی):

۵۲.

هادی خان [سرتپ...]: (جد حبیب الله خان):

۱۴۸.

هارون الرشید: ۲۴.

هاشم آباد (از دهکده های بلوک سدن رستاق

استرآباد): ۵۳.

هاشم آباد (از دهکده های خوار): ۱۲.

هاشم خان: ۹۵.

هاشم خان (از سرکرده های ایل مافی): ۱۷۶.

هاوزکو (از بیلاقی های کرگان رود): ۲۱۷.

هدایت الله خان رشتی: ۱۵۴.

هرا دشت (از دهکده های کرگان رود): ۲۱۶.

هراز: ۱۳۲.

هراز آمل: ۱۳۳.

هزارپی و دابو [بلوک...]: ۱۳۳.

هری قلعه (یکی از محله های سکناى طوایف

تکه آخال نشین): ۶۶.

هزارجریب: ۱۸، ۹۲، ۹۴، ۱۰۵.

هزارجریب چهار دانگه: ۱۰۲.

هزارجریب چهار دانگه محسن خان:

۱۰۳.

هزارجریب چهار دانگه نجفقلی خانی:

۱۰۳.

هزارجریب دو دانگه: ۱۰۳.

هزارجریب مهدی خانی: ۱۰۳.

هزارجریبی [حاجی ملاتقی...]: (از مجتهدین

بنام ساری): ۱۰۶.

هزارجریبی [رحیم خان...]: (مالک دهکده

کفشگیری): ۳۵، ۴۵.

هسکا کلا [محله...]: ۱۱۷.

هشتادکوه: ۷.

هشتیکه (از دهکده های بلوک انزان استرآباد):

۵۴.

هلاکو (امامزاده سمنان): ۱۸.

هلاوی (امامزاده سمنان): ۱۸.

همایون تپه شاه صفی: ۸۸.

همایون تپه صفی آباد اشرف: ۸۷.

هندوستان: ۹۹.

هنده خاله (از دهکده های تولم): ۱۹۷، ۱۹۸.

هنده کران (از دهکده های کرگان رود):

استرآباد: ۵۳.
 یصواجی [طایفه...]: ۶۲.
 یعقوب [حاجی...]: (سرپرست کارخانه
 شکر سازی بار فروش): ۱۱۹.
 یلقی [طایفه...]: ۶۰.
 یموت [ایل...]: ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۸.
 یموت استرآباد: ۶۷.
 ینقاق [طایفه...]: ۶۳.
 ینگی قلعه (یکی از محلهای سکنای طوایف
 تکه آخال نشین): ۶۶.
 یوزمهن (یکی از محلهای سکنای طوایف
 تکه آخال نشین): ۶۶.
 یوزش باش خاق: ۱۷۴.
 یوسف [آقا میرزا...]: (عموی حبیب الله
 خان سرتیپ): ۱۴۷.
 یوسف [حضرت...]: ۱۷.
 یوسف [مشهدی...]: (کدخدای فرح آباد):
 ۱۰۸.
 یوسف [مشهدی...]: (کدخدای ملاکلا):
 ۱۳۳.
 یوسف خان [حاجی میرزا...]: (گماشته
 قونسل دولت علیه ایران): ۳۶.
 یوسف خان [میرزا...]: (حاکم اشرف):
 ۸۲.
 یوسف سلطان (پدر میرزا محمد علی نایب
 حکومت تنکابن): ۱۴۹.
 یوکنم (از دهکدههای عمارلو): ۱۸۷.
 پول کرپی (از پلهای سر راه ده نمک به
 لاس گرد): ۱۳.

۲۱۶.
 هنده کران (از رودخانههای کرگان رود):
 ۲۱۷.
 هوشنگ (شاه عجم): ۲۴، ۲۸.
 هنزلی (از دهکدههای کرگان رود): ۲۱۷.
 هنزلی (از رودخانههای کرگان رود): ۲۱۷.

ی

یاتری (از دهکدههای خوار): ۱۱.
 یاراجی (یکی از محلهای سکنای طوایف
 تکه آخال نشین): ۶۷.
 یارعلی [طایفه...]: ۵۸.
 هویق (از دهکدههای کرگان رود): ۲۱۶.
 هویق (از رودخانههای کرگان رود): ۲۱۷.
 یاستی یال (از دهکدههای کرگان رود): ۲۱۷.
 یالو (از دهکدههای بلوک سدن رستاق
 استرآباد): ۵۴.
 یان پی [طایفه...]: ۵۹.
 یانه سر (حاکم نشین هزار جریب چهار-
 دانگه): ۱۰۳.
 یحیی [امامزاده...]: ۹۶، ۹۸.
 یحیی میرزا (مالک دهکده نصرالله آباد):
 ۱۶۲.
 یخاری باش [طایفه...]: ۷۲، ۷۳، ۷۴.
 یخاری بوی لی [طایفه...]: ۶۵.
 یخچال ارادان: ۸.
 یزد: ۲۵.
 یزید ابن مهلب بنی عباسی: ۴۸.
 یساقی (از دهکدههای بلوک سدن رستاق

- یهودی: ۱۹۹۰-۱۱۸.
- یهودمحلہ (از محلہ های بار فروش): ۱۱۷.
- یلاق آق ایولر: ۲۱۶.
- یلاق اسالم: ۲۱۵.
- یلاق اشکورات: ۱۵۴.
- یلاق برکسر: ۱۸۴.
- یلاق خطیب سرا: ۲۱۴.
- یلاق داماش (یلاق حاکم عمارلو): ۱۸۶.
- یلاق رحمت آباد: ۱۸۴.
- یلاق سوادکوه: ۱۱۱.
- یلاق شفت: ۱۹۲.
- یلاق طالش دولاب: ۲۵۵.
- یلاق کرگانرود: ۲۱۷.